

فهرست نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

احکام بانوان / ابوالقاسم علیان نژادی. - قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۰.

ISBN: 978-964-6632-80-6

ص. ۲۶۳

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. فقه جعفری - رساله عملیه. ۲. فتوهای شیعه - قرن ۱۴. ۳. زنان - وضع حقوقی و قوانین (فقه).

۴. زناشویی (فقه). الف. علیان نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳ - گردآورنده. ب. عنوان.

۲۹۷/۳۶

الف ۷۳/م ۱۸۹/ب ۱۸۹

ناشر برتر

نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

## احکام بانوان

مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: ۵/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: سی و هشتم (با اضافات)

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴ ش

صفحه و قطع: ۲۶۴ صفحه / وزیری

چاپ: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۲-۸۰-۶



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفن: ۳۷۷۳۲۴۷۸ - دورنگار: ۳۷۸۴۰۰۹۹

www.imamalipub.ir

به سفارش

دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

غیر قابل فروش

## اهداء:

این اثر را به تمام بانوان محترمه‌ای که مشمول آیه شریفه ۳۵ سوره احزاب هستند؛ یعنی در زمره «مسلمات»، «مؤمنات»، «قانتات»، «صادقات»، «صابرات»، «خاشعات»، «متصدقات»، «صائمات»، «حافظات» و «الذاکرات» می‌باشند، یا در این مسیر گام بر می‌دارند و بدور از تبلیغات سوء دشمنان دین، در صدند که بندگان صالح خداوند باشند، اهداء می‌کنم.

## فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۱۵	کتاب حاضر
	* * *
۱۹	فصل اول : بلوغ و نشانه‌های آن
	* * *
۲۳	فصل دوم : احکام تقلید
۲۳	تقلید و پیروی از دیگران از چهار صورت خارج نیست
	* * *
۲۷	فصل سوم : احکام طهارت و نجاست
۲۸	استبراء
۲۹	مسکر مایع و الکلیها
۲۹	عرق جُنُب از حرام
۳۰	راههای ثابت شدن نجاست
۳۰	احکام وسواس
۳۶	مسائل متفرقة نجاسات

مطهرات..... ۳۷

\* \* \*

فصل چهارم : مسائل وضو..... ۳۹

\* \* \*

فصل پنجم : غسل حیض و احکام آن..... ۴۳

۱. ماهیت خون حیض..... ۴۴

۲. نشانه‌ها و علامتهای خون حیض..... ۴۵

۳. شرایط خون پررود..... ۴۶

الف) بلوغ..... ۴۶

ب) نرسیدن به سن یائسگی..... ۴۶

ج) کمتر از سه روز نباشد..... ۴۷

د) بیشتر از ده روز نباشد..... ۴۸

ه) استمرار..... ۴۹

و) موالات..... ۴۹

ز) بین دو حیض باید حداقل ده روز فاصله باشد..... ۵۰

محرمات حائض..... ۵۰

الف) انجام عبادتها..... ۵۰

ب) انجام تمام کارهایی که بر جُنب حرام است..... ۵۲

ج) آمیزش جنسی..... ۵۴

د) طلاق..... ۵۶

اقسام زنان حائض..... ۵۷

۱. صاحب عادت وقتیه و عددیه..... ۵۷

۲. صاحب عادت وقتیه..... ۵۹

۳. صاحب عادت عددیه..... ۶۰

۴. مضطربه ..... ۶۰
۵. مبتدئه ..... ۶۱
۶. ناسیه ..... ۶۱
- احکام گروههای ششگانه فوق ..... ۶۱
- نشانه پایان یافتن عادت ماهیانه ..... ۶۲
- وظیفه حائض پس از پایان عادت ..... ۶۲
- مسائل متفرقه غسل حیض ..... ۶۴

\* \* \*

- فصل ششم: احکام غسل نفاس ..... ۶۷
- خون نفاس چیست؟ ..... ۶۷
- شرایط خون نفاس ..... ۶۷
- کارهایی که بر «نفساء» حرام است ..... ۶۹
- وظیفه «نفساء» پس از قطع خون ..... ۶۹
- خونی که زن پس از ایام نفاس می بیند ..... ۷۰
- مسائل متفرقه نفاس ..... ۷۱

\* \* \*

- فصل هفتم: غسل استحاضه ..... ۷۳
- نشانه‌ها و علامتهای خون استحاضه ..... ۷۳
- اقسام استحاضه ..... ۷۴
- وظیفه مستحاضه قلیله ..... ۷۴
- وظیفه مستحاضه کثیره ..... ۷۶
- تبدیل استحاضه قلیله به کثیره و بالعکس ..... ۷۶
- روزه در حال استحاضه ..... ۷۸
- مسائل دیگر استحاضه ..... ۷۸

\* \* \*

- ۸۳..... فصل هشتم : غسل جنابت
- ۸۳..... نشانه‌های احتلام
- ۸۴..... کارهایی که بر جُنُب حرام است
- ۸۵..... کارهایی که بر جُنُب مکروه است
- ۸۶..... احکام جنابت

\* \* \*

- ۸۹..... فصل نهم : غسل مسّ میّت
- ۸۹..... غسل‌های مستحب

\* \* \*

- ۹۱..... فصل دهم : برخی از احکام غسل

\* \* \*

- ۹۳..... فصل یازدهم : احکام مردگان

- ۹۴..... غسل میّت
- ۹۵..... کفن و حنوط
- ۹۵..... نماز میّت
- ۹۶..... دفن
- ۹۸..... نبش قبر
- ۹۹..... چند مسأله دیگر

\* \* \*

- ۱۰۱..... فصل دوازدهم : مسائل نماز

- ۱۰۲..... احکام اوقات نماز
- ۱۰۳..... پوشانیدن بدن در نماز
- ۱۰۵..... شرایط لباس به هنگام نماز
- ۱۰۷..... برخی از مواردی که نجس بودن لباس یا بدن نمازگزار جایز است

- ۱۰۸..... برخی از مستحبات و مکروهات لباس نمازگزار.
- ۱۰۸..... مکان نمازگزار.
- ۱۰۹..... اذان و اقامه.
- ۱۱۰..... واجبات و مستحبات نماز.
- ۱۱۱..... برخی از مبطلات نماز.
- ۱۱۲..... نماز مسافر.
- ۱۱۳..... نماز جماعت.
- ۱۱۴..... نماز جمعه.

\* \* \*

- ۱۱۷..... فصل سیزدهم: احکام روزه.
- ۱۱۷..... کارهایی که روزه را باطل می‌کند.
- ۱۱۹..... برخی از مکروهات روزه.
- ۱۱۹..... قضا و کفاره روزه.
- ۱۲۰..... زنانی که روزه بر آنها واجب نیست.
- ۱۲۱..... روزه‌های حرام و مستحب.

\* \* \*

- ۱۲۳..... فصل چهاردهم: احکام اعتکاف.

\* \* \*

- ۱۲۵..... فصل پانزدهم: احکام خمس.

\* \* \*

- ۱۳۱..... فصل شانزدهم: احکام زکات.
- ۱۳۲..... مستحقین زکات.
- ۱۳۳..... زکات فطره.

\* \* \*

فصل هفدهم: احكام حج ..... ۱۳۵

\* \* \*

فصل هجدهم: احكام ازدواج ..... ۱۳۹

خواستگاری ..... ۱۳۹

اولیای عقد ..... ۱۴۰

شرایط مجاز و غیرمجاز در عقد نکاح ..... ۱۴۴

عیوبی که به خاطر آن می‌توان عقد را فسخ کرد ..... ۱۴۶

محارم و عده‌ای از کسانی که ازدواج با آنها جایز نیست ..... ۱۵۶

احكام عقد دائم ..... ۱۵۹

الف: حقوق زن بر شوهر ..... ۱۵۹

۱. نفقه ..... ۱۵۹

۲. مهریه ..... ۱۶۲

۳. حق آمیزش و همخوابی ..... ۱۷۰

ب: حقوق شوهر بر زن ..... ۱۷۱

۱. تمکین ..... ۱۷۱

۲. اطاعت از شوهر ..... ۱۷۳

کارهای منزل ..... ۱۷۶

ازدواج موقت ..... ۱۷۶

احكام پوشش ..... ۱۸۰

احكام لمس ..... ۱۸۶

احكام نگاه و نظر ..... ۱۸۷

شنیدن صدای نامحرم ..... ۱۹۲

گفتگو با نامحرم ..... ۱۹۳

اختلاط زن و مرد ..... ۱۹۵



- ۱۹۶..... مجلس عروسی و دیگر مجالس شادی
- ۲۰۰..... حضانت
- ۲۰۳..... نشوز
- ۲۰۵..... مسائل متفرقه ازدواج
- ۲۱۰..... احکام شیر دادن (رضاع)
- ۲۱۰..... شرایط شیر دادنی که سبب محرمیت می شود
- ۲۱۲..... آداب شیر دادن
- ۲۱۳..... مسائل متفرقه شیر دادن

\* \* \*

- ۲۱۷..... فصل نوزدهم: احکام طلاق
- ۲۱۷..... شرایط طلاق
- ۲۱۸..... طلاق بائن و رجعی
- ۲۱۹..... طلاق خلع و مبارات
- ۲۲۱..... عدّه طلاق
- ۲۲۶..... عدّه زنی که شوهرش مرده
- ۲۲۸..... ترک زینت در ایام عدّه وفات
- ۲۲۸..... مسائل متفرقه طلاق

\* \* \*

- ۲۳۳..... فصل بیستم: احکام ارث زنان

\* \* \*

- ۲۳۷..... فصل بیست و یکم: احکام پزشکی
- ۲۳۷..... معاینات پزشکی
- ۲۴۰..... جلوگیری از انعقاد نطفه
- ۲۴۵..... سقط جنین

۲۵۰.....تلقیح

۲۵۳.....مسائل دیگر پزشکی

\* \* \*

۲۵۵.....فصل بیست و دوم : مسائل متفرقه

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## پیشگفتار

حمد و ستایش بی پایان زبینه‌ی خداوند عادل است که با تشریح احکام و قوانین عادلانه، هر چیز و هر کس را در جایگاه واقعی خود قرار داد. و صلوات و سلام بی انتها بر خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، که از سوی خداوند متعال مأموریت یافت آن احکام و قوانین را در کنار سائر معارف دینی، در قالب دین نجات بخش اسلام به مردم عرضه کند. و درود بی حدّ و حصر بر ائمه دوازده گانه و بانوی بزرگ اسلام «صلوات الله علیهم اجمعین» که پاسداران شایسته‌ای برای دین، و مفسران بایسته‌ای برای احکام آن بوده و هستند.

\* \* \*

متأسفانه زن در طول تاریخ مورد بی مهری قرار گرفته است؛ هم در گذشته و عصر جاهلیت قدیم، و هم در زمان ما و عصر جاهلیت مدرن و جدید! و گاه این بی مهریها در لباس دلسوزی و احقاق حقوق زن بوده است! آری، هم کسانی که در گذشته «زنان را در ردیف حیوانات اهلی می‌شمردند و به هنگام قحطی آنان را می‌کشند، و گوشتشان را می‌خوردند!» و یا «آنها را به هنگام رسیدن به سن ازدواج به عنوان کالا، با بهای متفاوت در معرض فروش می‌گذاشتند!» و یا «به هنگام فوت شوهر، برای رهایی روح او از تنهایی، زنش را با

جسد شوهر می‌سوزاندند!» و یا «او را زنده زنده در گور با او دفن می‌کردند!»<sup>۱</sup> و در یک کلام، زن را انسان نمی‌شمردند! و به زن ظلم بی‌حساب کردند. و هم کسانی که در عصر علم و دانش از زن به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف نامقدس خویش بهره برده، و آنان را از جایگاه واقعی‌شان خارج نمودند، آری هیچ کدام مقام زن را نشناختند، و به او ظلم و خیانت کردند. اسلام به عنوان نجات‌گر انسانها، بزرگترین خدمت را به زنان دنیا ارائه نمود، و با وضع قوانین و احکام عادلانه مظلومیت و محرومیت زنان را پایان داد، و برای آنها حقوقی شایسته شخصیت حقیقی‌شان قرار داد، و از آنها تکالیفی متناسب با وضع روحی و جسمی آنها طلب کرد.

مسألة مهمی که مدعیان «تساوی زن و مرد در همه چیز!» از آن غفلت کرده‌اند (یا خود را به غفلت زده‌اند)، عدم توجه به این نکته است که حقوق یک انسان و تکالیف خواسته شده از او، باید متناسب با وضع روحی و جسمی، و قدرت و توان او باشد، در غیر این صورت مصداق ظلم خواهد بود!

بنابراین، تفاوت‌هایی که در برخی احکام اسلام بین زن و مرد دیده می‌شود با توجه به این نکته مهم کاملاً قابل درک و توجیه است، و تبعیض بین زنان و مردان محسوب نمی‌شود.

ما معتقدیم که قرار دادن زن در موقعیتی که اسلام برای او در نظر گرفته، بهترین خدمتی است که می‌توان برای این قشر مظلوم انجام داد. و این خدمت جز از راه تبیین احکام و حقوق مربوط به بانوان، و تحقق و پیاده کردن آن عملی نخواهد شد. کتابی که اینک در دسترس شماست عهده دار تبیین احکام مربوط به این دسته از بندگان صالح خداوند است.

امید آن که مردان با ایجاد بستر مناسب، و زنان با عمل کردن بی‌کم و کاست به این احکام و قوانین نورانی، تحقق آن را در جامعه عملی کنند.

۱. مطالب چهارگانه فوق از کتاب رساله نوین، نوشته جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر بی‌آزار شیرازی گرفته شده است؛ موارد دیگری نیز در کتاب فوق آمده که علاقمندان می‌توانند به آن مراجعه کنند.

در جای جای مسائل این کتاب به ارفاقهایی برخورد می‌کنیم که در تشریح اسلامی برای زنان در نظر گرفته شده است، تا بارهای سنگین از دوش آنها برداشته شود، و در این شریعت سمحۀ سهله‌الهی گرفتار مشکلات نشوند.

\* \* \*

## کتاب حاضر

هر چند کتابهای متعددی به عنوان «احکام بانوان» تاکنون چاپ و منتشر شده، و در جای خود، در خور تقدیر است، اما غالب این کتابها به تبیین «احکام خونهای سه گانه» و برخی، علاوه بر آن به مسائلی از نماز و ازدواج قناعت نموده‌اند، و تاکنون به کتابی که مشتمل بر تمام احکام اختصاصی بانوان در سراسر فقه باشد، برخورد نکرده‌ایم.

کتاب حاضر، که شامل احکام اختصاصی یا مورد ابتلا و حاجت بانوان در سراسر فقه می‌باشد، برای پر کردن این خلأ به رشته تحریر در آمده است.

## چند تذکر

۱. مسائل این مجموعه مطابق با نظریات و فتاوای مرجع عالیقدر جهان تشیع، حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی «مدظله العالی» می‌باشد، که عمدتاً از رساله «توضیح المسائل» و «مجموعه استفتائات جدید، جلد اول و دوم و سوم» و حواشی معظم‌له بر عروة الوثقی، و استفتائات شفاهی از محضر ایشان برگرفته شده است.

۲. این مجموعه نه کاملاً مانند رساله‌های توضیح المسائل می‌باشد، و نه کاملاً به شکل کتابهای استفتائات است، بلکه در هر بحث و موضوعی که وارد شده‌ایم ابتدا مسائل مربوطه، از رساله توضیح المسائل یا عروة الوثقی نقل شده، و سپس سؤال و جوابهای مرتبط با همان مسائل ذکر شده است.

۳. در پایان ضمن تقدیر و تشکر فراوان از تمام عزیزانی که از هنگام شروع به تهیه این مجموعه، تا مرحله چاپ و نشر آن مرا یاری کرده‌اند، بویژه جناب حجة الاسلام احمدی راد، که در مقابله قسمت عمده این کتاب همراهی کردند، از

خوانندگان محترم می‌خواهم که این کتاب را با دقت مورد مطالعه قرار داده، و ما را از پیشنهادات و انتقادات خویش محروم ن سازند، و در صورت برخورد با مسائلی که باید در این مجموعه گنجانیده شود و از آن غفلت شده، یادآوری فرمایند تا در چاپهای بعد جبران گردد.

پروردگارا! ما را در راه شناخت احکام و قوانین نجات بخش اسلام، و سپس عمل به همه آنها موفق بدار! آمین یا ربّ العالمین

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

قم - حوزه مقدسه علمیه

ابوالقاسم علیان نژادی

خرداد ماه ۱۳۸۰، ربیع الاول ۱۴۲۲

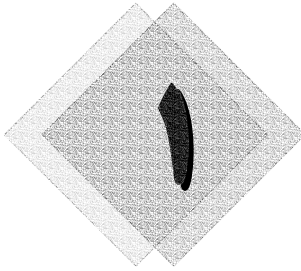


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عمل ابن رسالہ مجزی و مبری  
ذمہ است ان شاء اللہ

تم - نامہ نگار تم ان  
نامہ نگار





## بلوغ و نشانه‌های آن

### مقدمه

«بلوغ» به معنای رسیدن به سنّ خاصی است که انسان در آن سنّ آمادگی انجام کار مورد نظر را دارد. البتّه «بلوغ» در همهٔ مسائل یکسان نیست؛ زیرا آمادگی برای هر کاری در سنّ و سال خاصی حاصل می‌شود. بنابراین، سنّ بلوغ در مسائل شرعی، با حدّ بلوغ در مسائل اجتماعی، سیاسی یکی نیست، همانگونه که بلوغ جنسی با رسیدن به سنّ تصرّف در مسائل اقتصادی تفاوت دارد. نتیجه این که هر چیزی «بلوغ» خاصّ خود را دارد، و ما نمی‌توانیم برای همه چیز یک سنّ بلوغ تعیین کنیم.

با توجه به مقدمهٔ فوق، به احکام و نشانه‌های بلوغ دختران توجه فرمائید:

**مسألهٔ ۱ - نشانهٔ بلوغ در دختران یکی از دو چیز است:**

الف) تمام شدن نه سال قمری<sup>۱</sup> و وارد شدن به ده سالگی قمری.

ب) رسیدن به اوج لذّت جنسی و خارج شدن رطوبتی همزمان با آن؛ خواه در خواب

باشد یا بیداری.

**مسألهٔ ۲ - درشت شدن صدا، دلیل بر بلوغ نیست.**

---

۱. نه سال قمری سه ماه و چند روز از نه سال شمسی کمتر است.

**سؤال ۳ -** لطفاً در مورد بلوغ دختران، به سؤالات زیر پاسخ فرمائید:

(الف) سنّ بلوغ دختران از نظر شرعی دقیقاً چه مقدار است؟

(ب) آیا می‌توان بین عبادات و عقود و ایقاعات<sup>۱</sup> تفاوتی قائل شد؟

(ج) حدود و قصاص در چه سنی اجرا می‌شود؟

**جواب:** سنّ بلوغ دختران نه سال تمام قمری است، و اگر سال شمسی را در دست دارند از طریق کامپیوتر براحتی تبدیل به سال قمری می‌شود؛ ولی چنانچه از نظر نیروی جسمانی، قدرت انجام بعضی از تکالیف، مانند روزه را نداشته باشند، روزه بر آنها واجب نیست، و بجای هر روز، کفّارهٔ مدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم یا مانند آن) به فقیر می‌دهند. و در مورد عقود و ایقاعات مالی معیار تنها بلوغ نیست؛ بلکه رشد عقلی نیز لازم است. و در مورد حدود و قصاص، همانند سایر مکلفین با آنها رفتار خواهد شد، مگر این که عقل کافی، که یکی از شرایط چهارگانهٔ حدود و قصاص است، نداشته باشند. و در مورد ازدواج علاوه بر بلوغ و رشد عقلی، رشد جسمانی برای این امر نیز لازم است؛ یعنی اگر خطر افضاء وجود داشته باشد، ازدواج جایز نیست. بنابراین بلوغ در چهار مرحله پیاده می‌شود.

**سؤال ۴ -** آیا دیدن خون حیض برای دختران، از نشانه‌های بلوغ شمرده می‌شود؟

**جواب:** آری، از علائم بلوغ است.

**سؤال ۵ -** می‌دانیم که انجام عبادات قبل از سنّ بلوغ بر انسان واجب نیست، ولی آیا

قبل از بلوغ هیچ تکلیفی ندارد؟ یا برخی مسائل وجود دارد که سنّ بلوغ در آن معتبر نیست؟ اگر جواب مثبت است، موارد آن را بیان فرمائید.

**جواب:** هرگاه دختران و پسران نابالغ هوشیاری کافی برای درک خوبی و بدی بعضی

از کارها داشته باشند (مثلاً قُبْح و زشتی قتل نفس، یا لزوم آگاه ساختن کسی که ناپیوست،

و بر لب پرتگاه است را درک کنند) موظّف هستند که به حکم عقلشان عمل کنند.

۱. تفاوت بین عقود و ایقاعات در این است که «عقد» نیاز به دو طرف دارد، «موجب» و «قابل»؛ ولی ایقاع نیازی به «قابل» ندارد، و ایجاب تنها کافی است. مثلاً «عقد ازدواج» هم صیغهٔ ایجاب لازم دارد و هم صیغهٔ قبول، و «طلاق» که از ایقاعات است، نیازی به قبول ندارد، و اجرای صیغهٔ طلاق کافی است.

**سؤال ۶-** آیا رشد جسمانی، مانند افزایش طول قد، بزرگ شدن پستانها، باسن‌ها و مانند آن، علامت بلوغ (دختران) محسوب می‌شود؟

**جواب:** این علائم کافی نیست.

**سؤال ۷-** خداوند دختری به من عنایت کرده که اکنون کلاس اول ابتدایی است، بسیار علاقه دارم که او دختری متدین و عفیف تربیت شود. بدین جهت نسبت به مسائل تربیتی و عبادی او حساسیت خاصی دارم. در این رابطه دو سؤال برایم مطرح شده، که پاسخ آن موجب امتنان است:

**الف)** آیا عبادتهای دختران در این سنّ و سال (قبل از بلوغ) صحیح است؟

**ب)** بطور کلی از چه سنّی دخترانمان را به انجام عبادات ترغیب و تشویق کنیم؟

**جواب:** هر زمان که هوشیاری کافی برای انجام عبادات داشته باشند، اعمالشان

صحیح و تشویق آنها بسیار خوب است.

**سؤال ۸-** چرا سنّ بلوغ دختران، کمتر از سنّ بلوغ پسران است؟

**جواب:** رشد فکری و جسمی دختران سریعتر از رشد پسران صورت می‌گیرد.

**سؤال ۹-** وظیفه دختری که شک دارد به سنّ بلوغ رسیده یا نه، چیست؟ آیا در این

حال انجام تکالیف شرعی بر او لازم است؟

**جواب:** واجب نیست؛ ولی اگر امکان تحقیق دارد، تحقیق کند.

**سؤال ۱۰-** هرگاه دختری قبل از نه سالگی عادت ماهانه شود، آیا بالغ محسوب

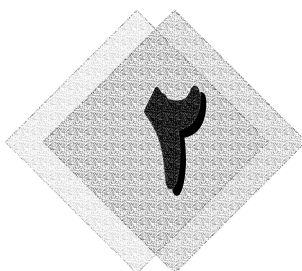
می‌گردد؟

**جواب:** آنچه قبل از نه سالگی دیده می‌شود عادت ماهانه محسوب نمی‌شود، هرچند

دارای همان صفات بوده باشد، بنابراین نشانه بلوغ نیست.

\*\*\*





## احکام تقلید

### مقدمه

شاید برخی از خود بپرسند که در عصر و زمان ما، که بشر در همهٔ زمینه‌ها ترقی و پیشرفت خیره‌کننده‌ای داشته، و به ابزار و وسائل فوق‌العاده مدرن دست یافته، به گونه‌ای که به حق می‌توان این عصر را «عصر تحقیق و کنکاش و علم‌دانش» لقب داد، آیا با همهٔ این‌امور، تقلید در عصر و زمان ما امر مطلوبی است؟ آیا تقلید به معنای بسته نمودن دروازه‌های تحقیق به روی محققان نیست؟ آیا «پیروی چشم و گوش بسته» از دیگران، با روح آیات فراوانی از قرآن مجید، که انسان را به تفکر و اندیشه و مطالعه و تحقیق دعوت می‌کند<sup>۱</sup>، سازگاری دارد؟ برای روشن شدن این «شُبّه» توضیح کوتاهی پیرامون اقسام تقلید لازم است:

### تقلید و پیروی از دیگران از چهار صورت خارج نیست

الف) تقلید جاهل از عالم؛ یعنی کسی که چیزی نمی‌داند از متخصص و آگاه آن فن پیروی کند، همچون مراجعهٔ بیمار ناآگاه از مسائل پزشکی، به پزشک آگاه و دلسوز.  
ب) تقلید عالم از عالمی دیگر؛ یعنی مراجعه اهل فن به یکدیگر، و پیروی بعضی از بعضی دیگر.

۱. شرح این مطلب را در کتاب «جایگاه عقلانیت در اسلام» نوشته‌ایم.

ج) تقلید عالم از جاهل؛ بدین معنی که یک انسان آگاه، علم و دانش خود را رها نموده، و چشم و گوش بسته به دنبال جاهلان بیفتد!

د) تقلید جاهل از جاهل؛ که گروهی نادان، پیرو گروه نادان دیگری شوند.

روشن است که از این چهار قسم، تنها قسم اول منطقی و عاقلانه و مشروع است، و نه تنها در عصر تحقیق و علم و دانش، از آن بی نیاز نیستیم، بلکه بخاطر گسترش فراوان علوم، نیاز به آن بیشتر احساس می‌شود. البته، سه قسم دیگر تقلید منطقی و مورد پذیرش اسلام نیست. و تقلید در احکام از قسم اول است.<sup>۱</sup>

با عنایت به این مقدمه، به برخی از احکام تقلید توجه فرمائید:

**مسأله ۱۱ -** یکی از شرایط مرجع تقلید این است که مرد باشد؛ بنابراین، زنان نمی‌توانند مرجع تقلید دیگران، حتی زنان، باشند.

**سؤال ۱۲ -** چرا زنان نمی‌توانند در مسائل مختلف، بویژه در مسائل مخصوص به خانمها، مانند خونهای سه گانه، مرجع تقلید باشند؟ آیا بهتر نیست زنان از خانمی که در این راه زحمت فراوان کشیده، و صاحب نظر شده تقلید کنند؟

**جواب:** جایز نیست، زیرا کمتر اتفاق می‌افتد که آنها بر فقهای بزرگ مرد در مسائل شرعی پیشی گیرند.

**سؤال ۱۳ -** آیا زنان می‌توانند علوم اسلامی را تحصیل نموده، و به مقام رفیع و بلند اجتهاد، که به تعبیر بعضی از فقهای بزرگ از جنگ و جهاد سخت‌تر است<sup>۲</sup>، برسند؟

**جواب:** مانعی ندارد، و ممکن است به مقام اجتهاد برسند.

**سؤال ۱۴** اگر خانمی به مقام اجتهاد برسد، آیا تقلید بر او نیز حرام است؟

**جواب:** در این مسأله فرقی میان مرد و زن نیست.

**سؤال ۱۵ -** دختری هستیم که تازه به سن تکلیف رسیده‌ام، اخیراً در دبستان برایمان مراسم جشن تکلیف گرفتند. معلم ما در مورد تقلید، یکی از مراجع معظم تقلید را نام برد،

۱. برگرفته شده از پیام قرآن، جلد اول، صفحه ۳۴۶.

۲. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۴۹۳.

و همهٔ بچه‌های کلاس مقلد او شدند. آیا تقلید ما صحیح است؟ یا باید تحقیق می‌کردیم، و سپس یکی از مراجع را انتخاب می‌نمودیم؟

**جواب:** اگر گفتهٔ معلّم برای شما اطمینان بخش بوده کافی است، و اگر نبوده تحقیق کنید. **سؤال ۱۶ -** سؤالی برایم پیش آمده، که فکر می‌کنم مشکل بسیاری از خانمها باشد، و آن بدین شرح است: چندی پیش مرجع تقلیدم به رحمت خدا رفت، در فکر انتخاب مرجع تقلید جدید فرو رفتم، شوهرم رسالهٔ یکی از مراجع جدید را تهیه و به منزل آورد، و من هم طبق همان رساله عمل کردم. آیا انتخاب مرجع تقلید به این شکل صحیح است؟ **جواب:** در صورتی که از تحقیق شوهرتان برای شما اطمینان حاصل شده، کافی است، در غیر این صورت باید تحقیق کنید.

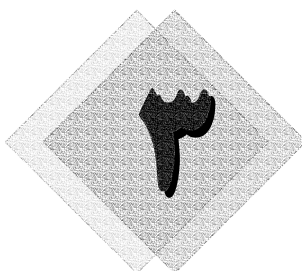
**سؤال ۱۷ -** برخی از خانمهای جلسه‌ای، در جلسات زنانه، به شرح و تبیین احکام می‌پردازند، که البته این کار لازمی است، ولی علیرغم این که خانمهای حاضر در جلسه، مقلد مراجع مختلف هستند، آن خانم فقط فتوای یکی از مراجع محترم را بیان می‌کند، بدون این که نام آن مرجع تقلید را ببرد. اگر کسانی که مقلد آن مرجع تقلید نیستند، بدون توجه به آن فتوا عمل کنند، آیا مسئولیتی متوجه گوینده می‌باشد؟ راه جبرانش چگونه است؟

**جواب:** در چنین جلساتی، که مقلدین مراجع مختلف وجود دارند، لازم است فتاوی مراجع معروف را، اگر با هم تفاوتی دارد، تبیین کند؛ در غیر این صورت مسئولیت دارد. **سؤال ۱۸ -** چنانچه طبق فتوای مرجع تقلید شوهرم کاری واجب باشد (مثلاً پوشانیدن زینت‌های دست‌ها تامچ وگردی صورت) ولی مرجع من آن را واجب نداند، وظیفهٔ من چیست؟ **جواب:** شما باید مطابق فتوای مرجع تقلیدتان عمل کنید؛ ولی بهتر است در مسائل خانوادگی طرفین توافق نمایند.

**سؤال ۱۹ -** آیا زن باید از مرجع تقلید شوهر خود تقلید کند، یا در تقلید آزاد است؟ **جواب:** هر کس در تقلیدش آزاد است؛ باید تحقیق کند و مطابق آن عمل نماید. **سؤال ۲۰ -** آیا می‌توان به احکامی که توسط خانم جلسه‌ایها بیان می‌شود، عمل کرد؟ **جواب:** هرگاه افراد آگاهی باشند، و رعایت احتیاط را در نقل مسائل بنمایند، مانعی ندارد.







## احکام طهارت و نجاست

### مقدمه

اسلام دین پاک و پاکیزه‌ای است، و پاکیزگی را دوست دارد، و به آن سفارش نموده، و براساس آن احکام و قوانینش را تنظیم کرده است. نظافت و پاکیزگی در این دین مقدّس، آنقدر ارزشمند و مهم است که در برخی روایات، به عنوان بخشی از ایمان از آن یاد شده است<sup>۱</sup>؛ یعنی مسلمانی که طهارت و نجاست و نظافت را رعایت نمی‌کند ایمانش کامل نیست.

این دین پاک و مبرّی از هرگونه تحریف و پیرایه، هم دستوراتی در زمینه نظافت فردی دارد، و هم سفارش به نظافت اجتماعی می‌کند. عمل کردن به این دستورات، مخصوصاً در عصر و زمان ما، لازم و ضروری است.

احکامی که در این فصل مطرح می‌شود، بخشی از مسائلی است که این دین پاک آسمانی، در این زمینه مطرح کرده است. امید است که بدان توجّه، و سپس عمل کنیم.

تذکّر: لازم به ذکر است که مردان و زنان در بسیاری از احکام طهارت و نجاست مشترکند، و تنها قسمت کمی از احکام این باب مختصّ بانوان است. در اینجا تنها به احکام اختصاصی بانوان در مسأله طهارت و نجاست می‌پردازیم.<sup>۲</sup>

۲. این تذکّر در ابواب و فصول دیگر نیز جاری است.

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، صفحه ۲۹۱.

**سؤال ۲۱ -** در یکی از جلسات روضه زنانه، خانم گوینده می‌گفت: شستشوی لباس در دو وقت، کار خوبی نیست:

نخست به هنگام شب؛ زیرا موقع استراحت آب است،  
و دیگر روزهای جمعه؛ بخاطر این که آب مهریه حضرت زهرا علیها السلام است؛ مگر این که لباس سیدی را به همراه لباسهایتان بشوئید!  
آیا این سخنان صحیح است؟ در صورت عدم صحت، لطفاً چنین گویندگانی را نصیحت کنید.

**جواب:** این سخنان صحیح نیست، و لازم است این خواهران بدون تحقیق عهده‌دار بیان مسائل نشوند، که مسئولیت آن سنگین است.

### استبراء

**مسألة ۲۲ -** برای زنان استبراء نیست، بنابراین هرگاه رطوبت مشکوکی از آنها خارج شود، پاک است؛ وضو و غسل هم ندارد.

**مسألة ۲۳ -** غیر از «بول» و «منی» رطوبتهای دیگری که از انسان خارج می‌شود چند قسم است:

اول) آبی که گاه بعد از بول بیرون می‌آید، و کمی سفید و چسبنده است، و به آن «ودی» می‌گویند.

دوم) آبی که هنگام ملاعبه و بازی کردن با همسر بیرون می‌آید، و به آن «مذی» می‌گویند، و این موضوع در مورد بانوان هم جاری است.

سوم) آبی که گاه بعد از منی بیرون می‌آید، و به آن «وذی» می‌گویند.  
همه این آبها در صورتی که مجرا آلوده به بول و منی نباشد، پاک است و وضوء و غسل را هم باطل نمی‌کند.

**سؤال ۲۴ -** معمولاً هنگام شستن لباس‌های زیر، لکه‌های سفید لزجی بر روی آن مشاهده می‌کنم، و فکر می‌کنم که غالب زنان به چنین مسأله‌ای مبتلا هستند، آیا این لکه‌ها پاک است؟

**جواب:** آری پاک است.

**سؤال ۲۵-** بتازگی و در کنار مرقد پاک و متّور حضرت ثامن الحجج علیه السلام مراسم عقدمان انجام شد. از آن پس هرگاه با شوهرم دست می‌دهم و یا حتی سخن می‌گویم، مایعی از من خارج می‌شود، البته در این گونه موارد به اوج لذّت نمی‌رسم؛ آیا این مایع پاک است؟  
**جواب:** آری پاک است.

### مسکر مایع و الکها

**سؤال ۲۶-** پرستار بخش زنان و زایمان یکی از بیمارستانها هستم، و در مورد طهارت و نجاست الکل سؤالی داشتم: آیا استفاده از الکل برای ضدّ عفونی کردن محلّ تزریقات، یا ناف بچّه، موجب نجاست پوست می‌شود؟  
**جواب:** اشکالی ندارد، و پاک است.

**سؤال ۲۷-** عطرها و ادکلن‌ها بطور گسترده، مورد مصرف خانمها قرار می‌گیرد، حال اگر اینها حاوی الکل باشند، از نظر طهارت چه حکمی دارد؟ منظور عطرها و ادکلن‌های خارجی است که در بازار به فروش می‌رسد، آیا برای نماز اشکال دارد؟  
**جواب:** اشکالی ندارد.

### عرق جُنُب از حرام

**مسأله ۲۸-** نزدیکی کردن با همسر در حال عادت ماهیانه، یا در حال روزه ماه مبارک رمضان حرام است. و اگر عرق کند، احتیاط واجب آن است که با آن معامله عرق جنب از حرام کند.<sup>۱</sup>

**سؤال ۲۹-** هرگاه زنی که در حال نفاس است، و یا زن مستحاضه، قبل از انجام وظائفش (نعوذ بالله) با همسرش نزدیکی کند و عرق نماید، و یا دختری (پناه بر خدا) استمناء کند، آیا عرق اینها نیز عرق جُنُب از حرام محسوب می‌شود؟  
**جواب:** بنا بر احتیاط واجب احکام جُنُب از حرام در این موارد نیز جاری می‌شود.

۱. منظور از عرق جُنُب از حرام، عرقی است که در آن حال، یا بعد از آن و پیش از آن که غسل نماید، از بدن او بیرون می‌آید.

و مادام که عرق در بدن یا لباس است و خشک نشده، نماز خواندن با آن اشکال دارد؛ ولی در هر حال نجس نیست.

### راههای ثابت شدن نجاست

**مسأله ۳۰ -** نجس بودن چیزی از سه راه ثابت می‌شود:

اول) آن که انسان یقین پیدا کند؛ ولی گمان، حتی گمان قوی، کافی نیست.  
دوم) آن که کسی که چیزی در اختیار اوست (مثل صاحب خانه) خبر دهد که آن چیز نجس است.

سوم) آن که دو نفر عادل، و یا حتی یک عادل گواهی دهد.  
**سؤال ۳۱ -** زنی هستم که زود حکم به نجاست می‌کنم، آیا در مسأله نجاست یقین لازم است؟ یا ظن و گمان کافی است؟

**جواب:** در مسأله نجاست یقین قطعی و صد در صد لازم است. و مادامی که چنین یقینی حاصل نشود تکلیفی ندارد، و اگر یقین صد در صد حاصل شد اجتناب لازم است؛ مگر در موارد اضطرار.

**سؤال ۳۲ -** پس از بازگشت از مشهد مقدس خانمهای همسایه به دیدنم آمدند، یکی از بچه‌های همسایه، قسمتی از فرش منزل ما را نجس کرد، اکنون فراموش کرده‌ام که کجای آن فرش دوازده متری نجس شده است، آیا می‌توان روی این فرش نماز خواند؟ اگر دست یا پای مرطوب روی یک قسمت آن نهاده شود، آیا نجس می‌شود؟  
**جواب:** نماز خواندن روی آن اشکال ندارد، و تماس با یک قسمت از آن، موجب نجاست نمی‌شود، ولی بهتر است فرش را بشوئید.

### احکام و سواس

**مسأله ۳۳ -** افراد و سواسی نباید به علم خود در طهارت و نجاست توجه کنند، بلکه باید ببینند افراد معمولی در چه مورد یقین به طهارت یا نجاست پیدا می‌کنند، و به همان ترتیب عمل کنند، و برای ترک و سواس بهترین راه بی‌اعتنایی است.

**سؤال ۳۴-** اینجانب فهیمه الف مبتلا به بیماری وسواس هستم، و متأسفانه بسیار شدید و غیر قابل تحمل است، مثلاً در مورد تطهیر و غسل وسواس من به گونه‌ای است که گاهی اوقات وقتی شب به حمام می‌روم نزدیک طلوع آفتاب موفق به تطهیر و انجام غسل می‌شوم! باور کنید در این چند سال به اندازه بیست سال آب مصرف کرده‌ام! برای درمان این بیماری به نزد برخی از علما رفتم، ولی مؤثر نشد، به مشهد رفتم، با چه گرفتاریهایی که در سفر و هنگام تشرّف داشتیم، و بسیار دعا و تضرّع کردم، ولی متأسفانه شفا نیافتیم. این بیماری نزدیک است مرا از پای در آورد، نه تنها خود، که خانواده را نیز نگران و در زحمت انداخته‌ام، وسواس باعث شده که نتوانم عبادت‌هایم را انجام دهم، بدین جهت ماه رمضان را سفر می‌کنم، تا مشکل روزه گرفتن نداشته باشم؛ اگر چه در سفر نیز هیچ چیز نمی‌خورم! چه کنم تا از این وضع غمبار نجات یابم، و از زخم زبان اطرافیان آسوده گردم؟

**جواب:** مشکل شما در واقع از خود شماست، و مقصّر اصلی خودتان هستید، و به همین دلیل دعای شما هم مستجاب نمی‌شود، و علت اصلی آن ندانستن مسأله است. مسأله اصلی این است که بر شما واجب نیست یقین به طهارت و غسل و مانند آن پیدا کنید، آنچه بر شما، به عنوان یک وظیفه شرعی، لازم می‌باشد این است که به مقدار سایر مردم آب بریزید، و به همان قناعت کنید، هر چند در غسل و طهارت شک داشته باشید و ما مسؤولیت شرعی این کار را می‌پذیریم.

شما از امروز فقط به مقدار مردم آب بریزید و قناعت کنید، و با بدن نجس و حال جنابت (به گمان خودتان) نماز بخوانید، و هیچ اشکالی هم ندارد، و نماز و روزه شما کاملاً صحیح است. و ما به این وسیله بر شما، و تمام افراد وسواسی، اتمام حجّت می‌کنیم، و مخالفت با آن گناه است. ما از خداوند می‌خواهیم که به شما توفیق توجّه به این مسأله را عنایت کند، و از دام شیطان نجات پیدا کنید.

**سؤال ۳۵-** مدّتی قبل، تقریباً در همهٔ امور، در دام وسواس افتادم. اکنون تا حدودی آن را از خود دور کرده‌ام، ولی مشکلی که هنوز دارم طول کشیدن غسل (در حدود چهل دقیقه) و گاه تکرار الفاظ نماز است. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

**جواب:** بهترین راه برای ترک وسواس، بی‌اعتنایی به آن است؛ یعنی ملاحظه کنید

دیگران چه مقداری، مثلاً برای غسل، معطل می شوند، شما هم چنین کنید، مثلاً ده دقیقه یا حداکثر یک ربع ساعت؛ اگر شیطان گفت درست نشد، اعتنا نکنید، عمل شما صحیح است و نگران نباشید، و ما مسؤولیت آن را بر عهده می گیریم.

**سؤال ۳۶ -** آیا اعمال و سواسی ها ضرری به اعتقادات آنها نمی زند؟ به عنوان مثال، زن و سواسی هنگامی که یک چیز نجس را ده بار آب می کشد، او در واقع وقتی دوبار با آب قلیل آب کشید، معتقد است که هنوز نجس است، در حالی که خدا و پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام می گویند پاک است، آیا چنین شخصی عملاً با شرع مقدس اسلام مخالفت نکرده است؟  
**جواب:** عمل به وسواس کار خلافی است؛ ولی ضرری به اعتقادات او نمی زند.

**سؤال ۳۷ -** در مصرف آب زیاده روی می کنم، و هر چه تلاش می نمایم نمی توانم جلوی این کار زشت را بگیرم. به همین جهت همواره با شوهرم مشاجره داریم. او می گوید: «گذشته از این که کار حرامی انجام می دهی و ضامن هستی، من که شوهر تو هستم راضی به عمل تو نیستم». لطفاً بفرمائید:

(الف) آیا کار من حرام و موجب ضمان است؟

(ب) آیا در وضو و نماز اشکالی ایجاد می شود؟

**جواب:** سعی کنید به مقدار متعارف آب مصرف کنید. اگر بیش از آن باشد و همسرتان راضی نباشد، حرام و موجب ضمان است. و اگر شیطان وسوسه کند که فلان مقدار آب کافی نیست، اعتنا نکنید و اعمالتان اشکالی نخواهد داشت، و ما مسؤولیت آن را به عهده می گیریم. و به فرض که همسرتان هم راضی باشد، اسراف در آب وضو و غسل جایز نیست.

**سؤال ۳۸ -** دختری ۲۰ ساله هستم، و به شدت وسواس دارم، این وسواس مانع ترقی من شده است. یک بار برای شما در این مورد نامه نوشتم، و شما این گونه جواب دادید: «ما راهی نشان می دهیم که به افراد زیادی توصیه کرده ایم، و بسیار مؤثر است، و آن این است که شما به افراد متدین معمولی نگاه کنید، ببینید آنها چقدر آب می کشند، به همان مقدار قناعت کنید. بقیه برای شما پاک است، و ما مسؤولیت آن را شرعاً می پذیریم». در حالی که من در نامه قید کرده بودم که فقط از شما یک فتوی می خواهم، و آن این که:

«چیزهای نجس و متنجس را برای مدتی بر من پاک بدانید». ولی شما جوابی که در بالا ذکر شد را مرقوم داشتید، و من باز هم روی حرفم هستم، این فتوی را بدهید تا من چیزهای نجس و متنجس را پاک بدانم.

**جواب:** شما باید تسلیم حکم خدا باشید. حکم خدا این است که به مقدار متعارف بشوئید، بقیه برای شما «پاک» است، هر چند حالت وسواس به شما می‌گوید نجس است، این روشن‌ترین راه است، و بسیاری از این طریق درمان شده‌اند.

**سؤال ۳۹ -** چند مسأله در مورد طهارت و نجاست برایم پیش آمده که همواره فکر و ذهن مرا مشغول کرده است. و مرا به شدت عذاب می‌دهد، از درس و مطالعه افتاده‌ام، و خانواده‌ام نیز از رفتار من به تنگ آمده‌اند. شما را به مقام رسول الله ﷺ قسم می‌دهم، مرا نجات دهید. اگر شما بفرمائید: «اعتنابه این موارد حرام است؛ و در صورت اعتنا، به جهنم می‌روی». و گنااهش را به گردن بگیرید، نجات پیدا می‌کنم.

**جواب:** به یقین اعتنا کردن شما به مواردی که برخواستہ از وسواس است حرام می‌باشد، و باید آن را ترک کنید، و ما مسؤولیت آن را به گردن می‌گیریم.

**سؤال ۴۰ -** تکلیف من در موارد زیر چیست؟

**الف)** گاهی زمینی نجس می‌شود، بعداً برف یا باران می‌آید، و تمام زمین‌ها خیس می‌شود، مردم و وسایل نقلیه از روی آن زمین نجس عبور می‌کنند، و به همه جا می‌روند (مسجد، حرم، نانوائی، قصابی، داخل اتوبوس شرکت واحد، مدرسه، بازار و...) و به خاطر خیس بودن زمین، نجاست را به همه آن مکان‌ها منتقل می‌کنند، به همین جهت آن مکان‌ها را نجس می‌دانم، همان گونه که گرد و خاک‌های آن خیابان‌ها و مکان‌ها نیز نجس است.

**ب)** هرگاه توالت می‌روم با این که در موقع بول کردن بسیار مواظب هستم تا ترشح نکند، در عین حال قطع پیدا می‌کنم که به شلوار و پایم ترشح کرده است؛ لذا توالت رفتن برایم مشکل شده، و تا آن موضع را آب نکشتم راحت نمی‌شوم.

**ج)** بعضی مواقع پشت و جاهای دیگر دستم به لبه میز، یا لبه کتاب، یا چیزهای زبر برخورد می‌کند، و بدون این که دستم زخم شود، یا خونی بیرون بیاید، از گوشه و کنار ناخن‌ها و جاهای

دیگر دستم چیزی با احساس کمی درد جدا می‌شود، یا روی انگشت‌های دستم پوست‌های مختصری وجود دارد که با فرو بردن دست به داخل جیب، یا تماس گرفتن با چیز دیگر، آنها با احساس کمی درد از دستم جدا می‌شود، لطفاً در این موارد تکلیف مرا بیان فرمائید.

**جواب:** بدون شک شما گرفتار وسواس هستید؛ وظیفه شما این است که به سایر مردم نگاه کنید، و ببینید آنها تا چه حد به این امور اعتنا و علم به نجاست پیدا می‌کنند (منظور قشر متدین است)، آن مقدار که آنها یقین پیدا می‌کنند و آب می‌کشند شما هم آب بکشید و نسبت به بقیه تکلیفی ندارید؛ هر چند فکر شما به شما بگوید نجس است؛ زیرا در این گونه موارد افراد متدین عادی، علم و یقین به نجاست پیدا نمی‌کنند. ضمناً پوستهائی که از دست و بدن جدا می‌شود محکوم به پاکی است، مگر این که شما آنها را با فشار بکنید و محل آن سوزش پیدا کند، که در این صورت احتیاط کنید.

**سؤال ۴۱ -** منزل ما از نظر طهارت مشکل دارد؛ فرشها، درپها، دیوار اطاقها، پنجره‌ها، پرده‌ها، بخاری زمینی، بخاری دیواری، جارو برقی، کمدها، بعضی از کتاب‌ها، بالشت‌ها، رختخواب و تشک‌ها، قاب عکس‌ها، و خلاصه تمام زندگی ما نجس است، گفتم نامه‌ای برای شما بنویسم تا شاید در مورد من فتوای خاص (اجازه مخصوص) بدهید، و اینجانب را از معافیت مخصوصی در مورد چیزهایی که تا به حال نجس شده برخوردار سازید، تا همه چیز و همه کس برای من طاهر باشد.

**جواب:** شما گرفتار وسواس هستید، و تنها درمان آن بی‌اعتنایی است. فتوای ما برای شما این است که ببینید مؤمنان دیگر چه اندازه به این امور اعتنا می‌کنند، به همان اندازه اعتنا کنید؛ بقیه برای شما پاک است.

**سؤال ۴۲ -** مشکل اصلی من دیوار خانه و شستن بچه‌ام می‌باشد، زیرا دستمالی را که نجس بود روی لبه دیوار که رنگ روغن شده گذاشتم. البته عین نجاست روی دیوار ریخته نشد، ولی رطوبت دستمال با دیوار ارتباط داشت. و چون بچه‌ام به تازگی چهار دست و پا راه می‌رود، و دستهایش را مرتب به دیوارها می‌زند، من مرتب دستهایش را آب می‌کشم، و این مرا آزار می‌دهد. لطفاً به سؤال‌های زیر پاسخ دهید، تا ان شاء الله نجات یابم.



الف) راه‌های سرایت نجاست را خوانده‌ام، ولی نمی‌دانم منظور از رطوبت کم و غیر مُسری چقدر است؟ خواهش می‌کنم توضیح دهید.

ب) آیا دیوارهای خانه به خاطر مسأله‌ای که پیش آمده نجس است؟

ج) ظرفی که زیر شیر (منظور آب لوله‌کشی) گذاشته می‌شود، حتی اگر سر نرود، آیا حکم آب کر را دارد؟ آیا می‌توان لباس نجس را در آن آب کشید؟

د) اگر جایی مثل دسته در، سردی آن احساس شود، آیا نجاست با دست خشک به آن منتقل می‌گردد؟

جواب: الف) شما بی‌شک گرفتار وسواس شده‌اید، و اگر به دستوراتی که می‌دهیم عمل کنید به زودی نجات خواهید یافت، و الا مشکلات شما زیاد خواهد شد. ابتدا پاسخ سؤال‌های شما، و بعد یک دستور کلی:

منظور از رطوبت برای سرایت این است که وقتی دست خشک بر آن شیء مرطوب بگذارد، انسان به آسانی آثار تری را ببیند.

ب) دیوارهای خانه به صورتی که نوشته‌اید کاملاً پاک است.

ج) ظرفی که زیر آب لوله‌کشی است، حکم آب کر دارد؛ پر باشد، یا خالی.

د) سردی دسته در هیچ ارتباطی به رطوبت ندارد، و نجاست به آن منتقل نمی‌شود، و این سؤال دلیل وسواسی بودن شماست.

و اما دستور کلی:

وسواسی بودن شما به علت ندانستن مسائل است. اگر مسائل را درست یاد بگیرید، راحت می‌شوید. مسأله مهم این است که علم و یقین وسواسی نه ملاک نجاست است، نه ملاک طهارت؛ و به عبارت واضح‌تر، باید ببینید افراد عادی متدین چه موقع علم به نجاست پیدا می‌کنند، و چه موقع علم به طهارت، به همان مقدار قناعت کنید، و اگر قلب شما راضی نشد به آن اعتنا نکنید، و مسؤولیت آن را به عهده ما بگذارید. به شک و تردید اعتنا نکنید، حتی کف توالی مادامی که با چشم خود نجاستی در آن نبینید بگویید پاک است؛ کوچه‌ها، خیابان‌ها، مغازه‌ها همه پاک است. اتومبیل‌های عمومی، صندلی‌ها و دسته درهای آن‌ها پاک است، حمام مادامی که چیز نجسی به یقین در آن نباشد پاک

است. تمام مسلمان‌ها و بچه‌های آنها مادامی که نتوانید قسم به نجس بودن آنها بخورید پاک هستند. وظیفه شرعی شما این است که به آنچه گفته‌ایم عمل کنید، و بعد از یک هفته آثار مثبت آن را خواهید دید.

### مسائل متفرقه نجاسات

**سؤال ۴۳ -** آیا مایعی که از کیسه آب جنین (مایع آمنیوتیک) خارج می‌شود حکم نجاست دارد؟ شایان ذکر است که کیسه آب جنین ممکن است قبل از زایمان پاره شود، و از طریق مجرای تناسلی خارج گردد.

**جواب:** محتوی کیسه آب جنین نجس نیست؛ مگر این که آلوده به خون باشد.

**سؤال ۴۴ -** چنانچه شی‌ای با تماس با نجاسات نجس شود، سپس این شیء نجس، با شیء دومی و شیء دوم با شیء سوم و... تماس پیدا کند، حال این واسطه‌ها تا چه تعداد باعث انتقال نجاست به شیء بعدی می‌شود؟

**جواب:** تا دو واسطه باعث انتقال نجاست می‌شود، نه بیشتر؛ یعنی اگر دست نجس، مثلاً، به دست دیگری بخورد آن هم نجس می‌شود و اگر آن، به شیء سومی بخورد نجس می‌شود؛ ولی اگر شیء سوم به چهارمی بخورد نجس نخواهد شد. و این امر، بسیاری از مشکلات باب طهارت و نجاست را حل می‌کند.

**سؤال ۴۵ -** با توجه با این که امروزه بسیاری از لوازم آرایشی مورد مصرف بانوان مسلمان از جفت جنین تهیه می‌شود، استفاده و مصرف آن چه حکمی دارد؟ و آیا جفت جنین نجس است، یا متنجس؟

**جواب:** دلیلی بر نجاست جفت نیست (همانطور که در تعلیقه بر عروة الوثقی<sup>۱</sup> نیز نوشته‌ایم) بنابراین اگر آلوده به خون نباشد، یا شک داشته باشیم، پاک است.

**سؤال ۴۶ -** آیا استفراغ نجس است؟ آیا تفاوتی بین استفراغ بزرگسالان و اطفال هست؟

**جواب:** استفراغ نجس نیست؛ مگر این که بدانید خونی همراه آن است. و فرقی بین بچه و بزرگ، دختر یا پسر نمی‌باشد.

**سؤال ۴۷ -** هنگامی که مادر به بچه شیر می‌دهد قطراتی از شیر به زمین، یا جای دیگر می‌ریزد، آیا زمین، یا آن شیء نجس می‌شود؟!  
**جواب:** در صورتی که لباس‌های بچه نجس نباشد، اشکالی ندارد.

### مطهرات

**سؤال ۴۸ -** شوهرم سگی را در منزل نگهداری می‌کند، و گاهی از اوقات ته مانده برخی از غذاهایی که برای خودمان آماده می‌کنیم جلوی او می‌گذارد، و حیوان آن ظرف را می‌لیسد، لطفاً بفرمائید:

**اولاً:** نگهداشتن سگ در منزل چه حکمی دارد؟

**ثانیاً:** چنین ظرفهایی را چگونه تطهیر کنیم؟

**جواب:** اولاً: نگه داشتن سگ در منزل در صورتی جایز است که برای حفظ منزل و مانند آن لازم باشد.

**ثانیاً:** هرگاه سگ ظرفی را لیسیده، یا از آن آب یا مایع دیگری خورده باشد، ابتدا باید آن را با خاک پاک که مخلوط با کمی آب باشد خاک مال کرد، و سپس دو مرتبه در آب قلیل، یا یک مرتبه در آب کر یا جاری شست.

**سؤال ۴۹ -** در جلسه هفتگی خانمهای محله ما، این سؤال مطرح شده است:

در احکام آمده است که اگر سگ به ظرفی زبان بزند باید آن را خاک مال کرد، حال با وجود مواد بهداشتی و پاک کننده‌ای مثل الکل، مایعات ظرفشویی، انواع مایعات و پودرهای پاک کننده، آیا باز هم خاک مال کردن لازم است؟

**جواب:** آری لازم است.

**سؤال ۵۰ -** متأسفانه شوهرم مبتلا به یکی از گناهان کبیره خطرناک، یعنی شرابخواری است، ظرفهایی را که با شراب نجس می‌کند، چگونه پاک کنم؟

**جواب:** ظرفی را که با شراب نجس شده، باید با آب قلیل سه مرتبه بشویند، و دست در آن بمالند، و مستحب است هفت مرتبه شسته شود.

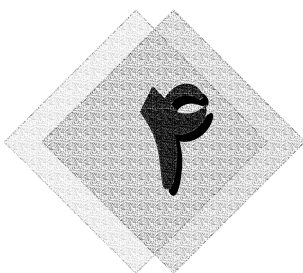
**مسأله ۵۱ -** هرگاه چیزی با بول پسر یا دختر شیر خواری که غذاخور نشده نجس

گردد، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند پاک می‌شود، و در لباس و فرش و مانند آن فشار لازم نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که دو مرتبه بریزند.

**سؤال ۵۲ -** من در بخش تزریقات بانوان کار می‌کنم، در برخی موارد پس از تزریق آمپول، علیرغم یقین به تماس سوزن با خون داخل رگ، وقتی که تزریق تمام می‌شود، اثری از خون بر روی سوزن دیده نمی‌شود، آیا این سوزن پاک است، یا نجس می‌باشد؟  
**جواب :** پاک است.

**سؤال ۵۳ -** برای آماده کردن نان میهمانی، که جهت بازگشت شوهرم از مکه مکرمه داشتیم، تصمیم گرفتم خودم در منزل آن را بپزم، بدین جهت آرد زیادی را خمیر کردم، ناگهان خون دماغ شدم و قطره‌ای خون به داخل خمیرها افتاد، آیا راهی برای تطهیر این همه خمیر نجس، که همه آنها را مخلوط کرده‌ام، وجود دارد؟  
**جواب :** ظاهراً راه قابل ملاحظه‌ای ندارد.

\*\*\*



## مسائل وضو

### مقدمه

بدون شک «وضو» دارای دو فایده روشن است:

«فایده بهداشتی» و «فایده اخلاقی و معنوی» از نظر بهداشتی شستن صورت و دستها، آن هم پنج یا لاقل سه بار در شبانه روز، اثر قابل ملاحظه‌ای در نظافت بدن دارد، مسح کردن بر سر و پشت پاها، که شرط آن رسیدن آب به موها، یا پوست بدن است، سبب می‌شود که این اعضا را نیز پاکیزه بداریم، ضمن این که تماس آب با پوست بدن، اثر خاصی در تعادل اعصاب «سمپاتیک» و «پاراسمپاتیک» دارد.

و از نظر اخلاقی و معنوی چون با قصد قربت و برای رضای خدا انجام می‌شود، اثر تربیتی دارد؛ زیرا مفهوم کنائی وضو این است که: «از فرق تا قدم در راه اطاعت تو گام بر می‌دارم.» در روایتی از امام هشتم علیه السلام اشاراتی به این مطلب شده است.<sup>۱</sup> به بخشی از احکام وضو توجه فرمایید:

**سؤال ۵۴ -** من در وضو دستهایم را سه بار می‌شستم، پس از ازدواج شوهرم گفت: «این کار اشکال دارد». حال اگر شخصی در وضو، صورت و دستها را سه بار بشوید، وضو و عباداتش چه حکمی دارد؟

۱. برگرفته شده از تفسیر نمونه، جلد چهارم، ذیل آیه ۶ سورة مائده.

**جواب :** وضو و عباداتش اشکال دارد. و لکن باید توجه کرد که منظور از سه بار، یا دوبار شستن این است که عضو مورد نظر یک بار کاملاً شسته شود، سپس بار دوم را شروع کند و کامل بشوید، و همچنین بار سوم. اما ریختن آب بر عضوی، دوبار، یا بیشتر، تا زمانی که از شستن کامل آن فارغ نشده اشکالی ندارد.

**سؤال ۵۵ -** مسح سر خانمها، که موی سر آنها بلند است، باید چگونه انجام شود؟

**جواب :** کسی که موی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد، یا به جاهای دیگر سر می‌ریزد، باید بیخ موها را مسح کند. و بهتر است که قبل از وضو، فرق سر را باز کند تا پس از شستن دست چپ، بین موها، یا پوست سر را براحتی مسح نماید.

**سؤال ۵۶ -** وظیفه خانمهایی که موی مصنوعی کشت کرده‌اند، به هنگام مسح

سر چیست؟

**جواب :** در صورتی که آب به پوست سر برسد مسح آنها صحیح است، در غیر این

صورت حکم جیره را دارد.

**سؤال ۵۷ -** طلبه حوزه علمیه خواهران یکی از شهرستانها هستم، که در یک مدرسه

موقوفه حجره‌ای به ما داده‌اند. گاهی از اوقات میهمانی برای ما می‌آید، و از آب این مدرسه

برای وضو استفاده می‌کند، آیا برای میهمانان ما استفاده از آب مدرسه جهت وضو و مانند

آن جایز است؟

**جواب :** اشکال دارد؛ مگر این که پذیرفتن چنان میهمانی برخلاف شرایط وقف نباشد.

**مسأله ۵۸ -** هر گاه زن در جایی وضو بگیرد که نامحرم او را ببیند، وضوی او باطل

نیست؛ هر چند گناه کرده است.

**سؤال ۵۹ -** مشغول وضو بودم که ناگهان غذایی سر رفت، وضو را رها کرده، به سراغ

اجاق‌گاز رفتم، وزیر غذا را خاموش کردم، سپس وضو را ادامه دادم. آیا وضویم صحیح است؟

**جواب :** این مقدار اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۰ -** مدتی بود که دخترم با آفتابه آب می‌ریخت و من وضو می‌گرفتم، در یکی از

جلسات زنانه گفته شد: «هر کس باید خودش وضو بگیرد، و نباید کسی کمکش کند». آیا وضوهای من به شکل فوق اشکال دارد؟ نمازهایی که با چنین وضوئی خوانده‌ام چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورتی که آب را در دست شما می‌ریخته، و شما آن را به صورت یا دستهای زده‌اید وضوی شما باطل نبوده، ولی این کار کراهت دارد.

**سؤال ۶۱-** ناخنهایم بیش از حد معمول بلند است، آیا برای وضو اشکالی ندارد؟  
**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۲-** در آرایشگاههای زنانه، خطّ ابروی خانمها را ترمیم می‌کنند، حکم این عمل چیست؟ آیا برای وضو و غسل اشکالی دارد؟

**جواب:** اگر منظور از ترمیم، کاشتن مو است و آب به پوست بدن برای وضو و غسل می‌رسد، اشکالی ندارد، و اگر منظور خالکوبی با رنگ است، که زیر پوست قرار می‌گیرد، آن هم اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۳-** آیا جوهر خودکار، ماژیک، رنگ و مانند آن، مانع رسیدن آب به پوست بدن می‌گردد؟ رنگی که خانمها برای موی سر استفاده می‌کنند چگونه؟

**جواب:** اگر جرم نداشته باشد مانع نیست؛ در مورد خودکار، که رنگ غلیظتری دارد، تجربه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که جرم ضعیفی دارد که مانع آب نمی‌باشد.

**سؤال ۶۴-** زنانی که خود را برای شوهرانشان آرایش کرده‌اند، آیا باید به هنگام وضو صورت و دستهای خویش را با صابون و مانند آن بشویند، یا می‌توانند به همان شکل وضو بگیرند؟  
**جواب:** در صورتی که موادّ آرایشی مورد استفاده جرم زیادی، که مانع از رسیدن آب به پوست صورت است، نداشته باشد وضو صحیح است. و شستن با صابون لازم نیست.

**سؤال ۶۵-** آیا لاک‌های که خانمها روی ناخن پاهایشان می‌زنند، برای مسح پا اشکالی دارد؟  
**جواب:** آری اشکال دارد. آنها می‌توانند یکی از ناخنها (غیر از انگشت کوچک) را آزاد بگذارند، و روی آن انگشت مسح کنند.

**مسأله ۶۶-** وجود انگشتر و دستبند و مانند آن، اگر مانع رسیدن آب نباشد، برای وضو

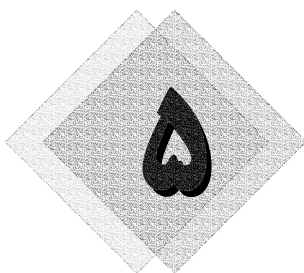
ضرری ندارد. و می‌تواند آن را جابجا کند، تا آب به زیر آن برسد و شسته شود.

**سؤال ۶۷-** برخی از فقها معتقدند که مردها به هنگام وضو و شستن دست راست و چپ، از پشت دست، و زنها از داخل دست آب بریزند، نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

**جواب :** چنانچه این کار را به قصد رجا انجام دهند، خوب است.

\* \* \*





## غسل حیض و احکام آن

### مقدمه

اقوام پیشین در مورد عادت ماهیانه زنان عقائد مختلفی داشتند. یهودیان فوق‌العاده سخت‌گیری می‌کردند، و در این ایام به کلی از زنان در همه چیز از جمله، در خوردن و آشامیدن و بستر و مجلس جدا می‌شدند، در تورات کنونی احکام شدیدی در این باره دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

به‌عکس آنان، مسیحیان هیچ‌گونه ممنوعیت و محدودیتی برای خود، در برخورد با زنان، در این ایام قائل نبودند. و اما بت پرستان عرب، دستور و سنت خاصی در این زمینه نداشتند، ولی ساکنان مدینه و اطراف آن، بعضی از آداب یهود را در این زمینه اقتباس کرده بودند، و در معاشرت با زنان در حال حیض سخت‌گیرانه‌ای داشتند، در حالی که سایر عربها چنین نبودند، و حتی شاید آمیزش جنسی را در این حال جالب می‌دانسته و معتقد بودند که اگر فرزندی نصیب آنها شود بسیار خون ریز خواهد بود، و این از صفات بارز و مطلوب نزد اعراب بادیه نشین خون ریز بود!<sup>۲</sup>

---

۱. مثلاً در باب ۱۵ از سفر لاویان تورات چنین می‌خوانیم: «اگر زنی صاحبه جریان باشد، و جریان از بدنش خون حیض باشد تا هفت روز جدا خواهد بود و هر کس او را مس کند، تا به شام ناپاک باشد، و هر چیزی که وقت جدا ماندنش بر آن بخوابد ناپاک باشد، و هر چه که بر آن نشسته باشد ناپاک باشد، و هر کسی که بسترش را لمس نماید (باید) لباس خود را بشوید، و خویشتن را با آب شستشو دهد، و تا به شام ناپاک باشد...» (به نقل از تفسیر نمونه، جلد ۲، ذیل آیه ۲۲۲ سوره بقره).  
۲. تفسیر نمونه، جلد ۲، ذیل آیه ۲۲۲ سوره بقره.

اما اسلام، که در همه مسائل از افراط و تفریط پرهیز می‌کند، و آن را نشانه نادانی و جهالت معرفی می‌نماید، دستور عادلانه‌ای در مورد عادت ماهیانه زنان داد، و ضمن حفظ کرامت و شخصیت زنان، آنها را در این وضعیت از برخی مسئولیت‌های دینی معاف نمود. شرح این مطلب را در مسائل آینده مطالعه فرمائید.

### ۱. ماهیت خون حیض

**مسئله ۶۸ - حیض**، که گاهی از آن تعبیر به «عادت ماهیانه» و گاهی «پریود» و برخی اوقات «رگل» می‌شود، خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنان خارج می‌شود، و به هنگام انعقاد نطفه، غذای فرزند است.

زن را در موقع دیدن این خون «حائض» می‌گویند، و در شرع مقدس اسلام احکامی دارد که در مسائل آینده خواهد آمد.

**سؤال ۶۹ -** در مسئله شماره ۴۲۶ توضیح المسائل مرقوم فرموده‌اید: «حیض خونی است که در هر ماه چند روزی از رحم زن خارج می‌شود، و به هنگام انعقاد نطفه غذای فرزند است». انطباق این مسأله با توجه به نکات مشروحه ذیل، با موازین علمی مبهم است. لذا خواهشمند است توضیحات بیشتری مرقوم فرمایید:

یک دوره عادت ماهیانه در یک زن بالغ قبل از یائسگی معمولاً دارای مراحل ذیل می‌باشد:

۱. مرحله افزایش حجم رحم؛ در این مرحله، رحم زن در اثر ترشح هورمون استروژن

ضخیم می‌شود، ضخیم شدن دیواره رحم به منظور آمادگی رحم برای پذیرفتن جنین می‌باشد.

۲. در صورتی که آبستنی صورت پذیرد و جنین تشکیل شود، جنین موجود در لایه

ضخیم و پر خون لانه گزینی می‌کند، در اینجا جنین تا مدتی از مواد غذایی که به وسیله

خون حمل می‌گردد تغذیه می‌کند و رشد می‌نماید؛ در واقع جنین از خود خون به عنوان غذا تغذیه نمی‌نماید؛ بلکه از اکسیژن و مواد غذایی که به وسیله خون حمل می‌شود استفاده می‌کند.

۳. تقریباً سه هفته پس از لانه گزینی، جفت تشکیل می‌شود، در اینجا وظیفه جفت،

گرفتن مواد غذایی و اکسیژن از بافت ضخیم شده رحم، و انتقال آن به جنین از طریق بند

ناف می‌باشد، همین طور گاز کربنیک حاصل از فعالیت‌های حیاتی جنین را به خون مادر

انتقال می‌دهد و... وظیفهٔ دیگر جفت، ترشح هورمون مادری یا پرژسترون می‌باشد، که از عادت ماهیانه جلوگیری می‌کند.

۴. در صورتی که آبستنی اتفاق نیفتد دیوارهٔ ضخیم و پرخون شدهٔ رحم تخریب و شروع به ریزش می‌نماید، که به نام عادت ماهیانه معروف می‌باشد. پس از پایان خونریزی، دیوارهٔ رحم مجدداً خود را برای پذیرش جنین بعدی آماده می‌کند؛ یعنی شروع به ضخیم شدن و پرخون شدن می‌نماید. و لذا وقتی یک زن آبستن می‌شود معمولاً به دلیل ترشح هورمونهای مخصوص، که شرح آن گذشت، اصولاً قاعدگی اتفاق نمی‌افتد (نه این‌که جنین آن خون را می‌خورد) یعنی اصولاً خونریزی وجود ندارد، که جنین آن را بخورد.

۵. کلیهٔ مراحل فوق به وسیلهٔ ترشح هورمونهای مختلف کنترل می‌شود، و اگر این هورمونها را توسط تزریق یا خوراکی به یک زن بدهند قاعده نمی‌شود؛ با توجه به مطالب فوق چگونه می‌توان خوردن خون را به عنوان غذای بچه محسوب داشت؟

**جواب:** منظور این نیست که دیوارهٔ رحم خونریزی می‌کند و جنین آن را می‌بلعد، بلکه منظور این است که در موقع بارداری خون در عروق مادر ذخیره می‌شود و از طریق جفت یا غیر آن به جنین منتقل می‌گردد و جنین مواد غذایی و اکسیژن موجود را از همان خون مادر می‌گیرد، همان‌گونه که در مدت شیرخوارگی غالباً عادت ماهانه نیست، زیرا قسمتهایی از خون تبدیل به شیر می‌شود و غذای نوزاد می‌گردد؛ پس اگر بگوییم: «خون غذای بچه است» منظور این معنی است، نه آنچه نوشته‌اید.

## ۲. نشانه‌ها و علامتهای خون حیض

مسألهٔ ۷۰ - خون حیض نشانه‌هایی دارد، در بیشتر اوقات:

۱. غلیظ

۲. گرم

۳. تیره، یا سرخ رنگ

۴. با فشار

۵. و کمی سوزش خارج می‌شود.

**مسأله ۷۱-** زنی که مبتلا به خونریزی است، اگر به طبیب مراجعه کند و او تشخیص دهد خون حیض یا خون زخم و مانند آن است، چنانچه از گفتهٔ پزشک اطمینان حاصل کند می‌تواند بر طبق احکام آن عمل کند.

**سؤال ۷۲-** آیا نشانه‌هایی که برای خون حیض ذکر کردید، اختصاص به کسانی دارد که شک در حیض بودن خون موجود دارند، یا شامل همهٔ زنان می‌شود؟  
**جواب:** این نشانه‌ها مربوط به کسانی است که شک دارند.

### ۳. شرایط خون پرپود

**مسأله ۷۳-** خون حیض شرایط خاصی دارد که با فراهم آمدن همهٔ آنها، احکام حیض جاری می‌شود؛ خون مذکور با هفت شرط - به شرح ذیل - خون حیض است.

#### الف) بلوغ

**مسأله ۷۴-** خونی که دختر پیش از تمام شدن نُه سال قمری، و زن بعد از یائسه شدن می‌بیند حکم حیض ندارد، و اگر مربوط به زخم و جراحی نباشد، استحاضه است که احکام آن خواهد آمد.

**مسأله ۷۵-** دختری که شک دارد نُه سال قمری او تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض نداشته باشد، حیض نیست. و اگر نشانه‌های قاعدگی داشته باشد، و اطمینان حاصل کند که حیض است، دلیل بر این است که نُه سالش تمام و بالغ شده است.

**سؤال ۷۶-** آیا فقط تمام شدن نُه سال قمری از شرایط قاعدگی محسوب می‌شود، یا دیگر علامت بلوغ نیز از شرایط قاعدگی است، هر چند نُه سال قمری او تمام نشده باشد؟  
**جواب:** اگر خونی قبل از نُه سالگی دیده شود، خون حیض نیست.

#### ب) نرسیدن به سن یائسگی

**مسأله ۷۷-** زنان سیّده و غیر سیّده هر دو بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری<sup>۱</sup> یائسه

۱. پنجاه سال قمری تقریباً ۵۴۳ روز و ۱۸ ساعت، یعنی هجده ماه و سه روز، کمتر از پنجاه سال شمسی است، بنابراین سن یائسگی به سال شمسی ۴۸ سال و ۶ ماه می‌شود.

می‌شوند، یعنی اگر در این سنّ و سال خونی ببینند خون حیض نیست، مگر این که آنچه می‌بینند تمام شرایط حیض را داشته باشد، که در این صورت باید مطابق آن عمل کنند.

**سؤال ۷۸ -** حضرتعالی در توضیح المسائل، مسأله ۴۲۸، در مورد سنّ یائسگی تفاوتی بین زنان سیّده و غیر سیّده نگذاشته، و فقط زنان قبیله قریش را استثناء کرده‌اید، لطفاً تفاوت زنان قریش را با سایر زنان سیّده بیان فرمائید. آیا در کشور ما زنان قریش وجود دارند، یا زنان سیّده کشور ما در این حکم با سایر زنان تفاوتی ندارند؟

**جواب:** در کشور ما زنانی از قبیله قریش وجود ندارند، قبیله قریش یک قبیله عربی خاصی است، و رابطه این زنان از آن قبیله قطع شده است.

**مسأله ۷۹ -** زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، هرگاه خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که حیض است و هنوز یائسه نشده است.

**مسأله ۸۰ -** زنان باردار، یا زنانی که بچه شیر می‌دهند، ممکن است حائض شوند.

### ج) کمتر از سه روز نباشد

**مسأله ۸۱ -** مدت حیض کمتر از سه روز نمی‌شود، حتی اگر مختصری کمتر باشد حیض نیست.

**مسأله ۸۲ -** لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم قطع نشود و ادامه داشته باشد.

**مسأله ۸۳ -** اگر کمتر از سه روز خونی ببیند و پاک شود، بعداً سه روز یا بیشتر - با نشانه‌هایی که گفته شد - خون ببیند، فقط خون دوم حیض است.

**سؤال ۸۴ -** در بعضی از اوقات، عادت ماهانه زنان در اثر مصرف دارو دچار اختلال می‌شود، از جمله این که در ایام عادت خون کمرنگ و گاهی به صورت لک مشاهده می‌کنند، در این صورت وظیفه آنها نسبت به نماز و روزه و طواف چیست؟

**جواب:** خون کمرنگ و لک در ایام عادت، اگر سه روز متوالی ادامه یابد، در حکم عادت است، ولی اگر سه روز متوالی ادامه نیابد حکم استحاضه را دارد.

**سؤال ۸۵ -** خانمی که عادت وقتیه و عددیه دارد، در وقت معین عادت ماهیانه‌اش

شروع می‌شود، ولی در روز دوم یا سوم با خوردن قرص، از ادامه عادت جلوگیری می‌کند، با توجه به این که در ایام عادت ماهیانه همیشه است، و به اختیار خود مانع ادامه عادت ماهیانه شده، چه حکمی دارد؟

**جواب:** حکم استحاضه بر آن جاری می‌شود.

### د) بیشتر از ده روز نباشد

**مسئله ۸۶-** مدت حیض بیشتر از ده روز نمی‌شود، بنابراین اضافه بر ده روز استحاضه است.

**مسئله ۸۷-** هرگاه سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند

و ایامی که خون دیده یا در بین آن پاک بوده روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود، تمام روزهایی را که خون دیده حائض است، ولی روزهایی را که در وسط پاک بوده، حکم زنان پاک را دارد.

**سؤال ۸۸-** حضرتعالی معتقد هستید که زن حائض اگر در بین روزهای ایام عادت پاک

شود، باید عبادتهای خویش را پس از غسل انجام دهد، هرچند بداند دوباره خون می‌بیند. آیا پاک‌ی مذکور (طهر متخلل) از نظر زمانی حداقلی دارد؟ مثلاً اگر زن حائض سه ساعت در بین

عادت پاک شود، و این مسئله بعد از اذان ظهر رخ دهد، آیا باید نماز ظهر و عصر را بخواند؟

**جواب:** آری، هرگاه زمان مذکور به اندازه غسل و نماز باشد، باید عبادت خود را

به جا آورد.

**سؤال ۸۹-** زنی برای جلوگیری از بچه دار شدن از دستگاه استفاده می‌کند، به همین

علت روزهای عادتش کم و زیاد شده و موقع معینی ندارد، وظیفه او چیست؟ آیا عباداتی که انجام داده باطل است؟ توضیح این که: قبل از استفاده از دستگاه، ایام عادت او هفت

روز بوده است. آیا بعد از هفت روز می‌تواند غسل کند، و عبادتش را انجام دهد؟

**جواب:** اگر چند مرتبه در مواقع مختلف، یا ایام مختلف، بر خلاف عادت اول خون

ببیند جزء مضطر به است، و در این حال اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است، و اگر بیش از ده روز ببیند چنانچه نشانه حیض داشته باشد و از سه روز کمتر و از

ده روز بیشتر نباشد حیض محسوب می‌شود، و اگر همه اش یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می‌کند.

**سؤال ۹۰-** همانطور که در مسأله ۴۳۲ توضیح المسائل حضرتعالی آمده، خون حیض بیشتر از ده روز نمی‌باشد، آیا منظور ده شبانه روز می‌باشد، یا فقط روزها معیار است؟ در صورت دوم، اگر خون تا شب یازدهم ادامه داشته باشد، چه حکمی دارد؟

**جواب:** روزها معیار است و شب آخر جزء نیست، و باید طبق احکام استحاضه رفتار کند.

**سؤال ۹۱-** برخی از خانمها برای جلوگیری از بچه دار شدن از دستگاههای درون رحمی استفاده می‌کنند، این دستگاهها در بعضی از بانوان باعث خونریزی اضافی می‌گردد. اگر عادت ماهیانه چنین خانمی بخاطر وجود دستگاه فوق در رحم، بیش از ده روز شود چه حکمی دارد؟

**جواب:** هر گاه خون مزبور بر اثر جراحی باشد که بخاطر آن دستگاه حاصل می‌شود هیچ حکمی جز آب کشیدن محل ندارد. و اگر عادت ماهیانه را تحریک و طولانی کند احکام عادت ماهیانه بر آن جاری می‌شود، ولی در هر حال بیش از ده روز خون حیض محسوب نمی‌شود. حتی اگر عادت او کمتر از ده روز باشد، باید همان را عادت قرار دهد. مگر این که بر اثر گذشت زمان مقدار زمان عادت او عوض شود.

### ه) استمرار

**مسأله ۹۲-** سه روز اول حیض باید پشت سر هم باشد، بنابراین اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره خون ببیند، حیض نیست. و این که می‌گوییم باید پشت سر هم باشد، معنایش این نیست که در تمام سه روز خون بیرون آید، بلکه اگر خون در فضای داخل فرج باشد، کافی است.

### و) موالات

**سؤال ۹۳-** آیا «توالی» در سه روز اول حیض، که در بعضی از کتابها آمده، همان «استمرار خون در سه روز اول» است، یا معنای دیگری دارد؟ لطفاً توضیح فرمائید.

**جواب:** منظور همان استمرار خون در سه روز اول است.

### ز) بین دو حیض باید حداقل ده روز فاصله باشد

**مسألة ۹۴-** زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می‌بیند اگر در یک ماه دوبار خون ببیند و آن خون نشانه‌های حیض داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده کمتر از ده روز نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

**مسألة ۹۵-** هرگاه سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه‌های حیض دارد، سپس ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه‌های استحاضه دارد، و مجدداً خونی ببیند که نشانه حیض دارد، باید تمام خونهایی که نشانه حیض داشته است حیض قرار دهد.

**سوال ۹۶-** چنانچه زنی در روز دهم ماه از عادت ماهیانه پاک شود، و روز نوزدهم همان ماه مجدداً خونی ببیند که تمام شرایط حیض را داشته باشد، و مثلاً شش روز ادامه پیدا کند، خون دوم را از چه روزی عادت ماهانه محسوب کند؟  
**جواب:** بعد از گذشتن ده روز از پایان عادت اول، خون حیض محسوب می‌شود.

### محرمات حائض

**مسألة ۹۷-** کارهایی بر زن حائض در ایام عادت ماهیانه حرام است، و باید از آنها اجتناب کند. امور مذکور به شرح زیر است:

### الف) انجام عبادتها

**مسألة ۹۸-** تمام عبادتهایی که شرط صحّت آن وضو، یا غسل، یا تیمّم است؛ مانند نمازهای روزانه، روزه، و طواف خانه خدا، بر حائض حرام است؛ ولی بجا آوردن عباداتی که طهارت (یعنی وضو، یا غسل، یا تیمّم) در آن شرط نیست، مانند نماز میّت، مانعی ندارد.

**سؤال ۹۹-** چرا در چنین مواقعی مجبور به ترک عبادت هستیم؟ در حالی که شاید در این گونه موارد آن قدر نیازمند راز و نیاز با معبود هستیم که در دیگر فرصت‌ها نباشیم؟  
**جواب:** انسان در هر زمان، و تحت هر شرایطی می‌تواند با خالق خویش ارتباط داشته باشد، و با وی خلوت کند، و راز و نیاز نماید؛ هر چند به خاطر مصالحی دستور داده شده که از نوع خاصی از ارتباط و عبادت (نماز و روزه) چشم‌پوشی کند.



**مسأله ۱۰۰-** هر گاه زن در وسط نماز حائض شود، نماز او باطل است و نباید ادامه دهد، ولی اگر شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است.

**مسأله ۱۰۱-** هر گاه وقت نماز داخل شود، و بداند یا گمان داشته باشد که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می‌شود، باید فوراً نماز را بخواند.

**مسأله ۱۰۲-** هر گاه زن در اوّل وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز پاک باشد و نماز نخواند و حائض شود، آن نماز را باید بعداً قضا کند. و در اندازه «وقت برای انجام واجبات» باید ملاحظه حال خود را نماید، مثلاً برای مسافر به اندازه دو رکعت، و برای حاضر به اندازه چهار رکعت، و کسی که وضو ندارد، وقت وضو را نیز باید در نظر بگیرد، و همچنین تطهیر لباس و بدن، و اگر فقط به اندازه خود نماز وقت داشته باشد احتیاط واجب قضا کردن نماز است.

**مسأله ۱۰۳-** مستحبّ است زن حائض در وقت نماز خود را از خون پاک کند، و دستمال و نوار بهداشتی را عوض نماید و وضو بگیرد، و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد تیمّم کند، و در جای نماز خود رو به قبله بنشیند، و مشغول ذکر خدا و دعا و صلوات شود، اما خواندن بیش از هفت آیه از قرآن و همراه داشتن آن و دست زدن به حواشی و فاصله میان خطوط آن (بدون این که دست او به خطهای قرآن بخورد) و نیز خضاب کردن به حنا برای حائض کراهت دارد. ولی شنیدن آیات قرآن، یا شرکت در مجالس قرائت و تعلیم قرآن مانعی ندارد.

**سؤال ۱۰۴-** اگر زنی به وسیله خوردن قرص از عادت ماهانه خود جلوگیری کند، آیا می‌تواند با آن حال قرآن بخواند، و یا روزه و حجّ و سایر عباداتی که نیاز به طهارت دارد را انجام دهد؟

**جواب:** می‌تواند، و اعمال او اشکالی ندارد.

**سؤال ۱۰۵-** زنان و دخترانی که در حال گذراندن عادت ماهانه هستند، و از خواندن نماز معذور می‌باشند، آیا می‌توانند جهت شکوه و عظمت بیشتر نماز جمعه، در این آئین پرشکوه شرکت کنند؟

**جواب:** در صورتی که در مسجد نباشد، و نیت نماز نکنند مانعی ندارد؛ هر چند بظاهر همراه جمعیت بصورت نماز برخیزند.

## ب) انجام تمام کارهایی که بر جُنُب حرام است

مسأله ۱۰۶ - پنج کار بر جنب حرام است:

اول: تماس با خط قرآن، یا اسم خداوند و پیامبران علیهم السلام و امامان معصوم علیهم السلام و حضرت زهراء علیها السلام بنا بر احتیاط واجب بر حائض حرام است؛ ولی ترجمه قرآن به زبانهای دیگر این حکم را ندارد.

دوم: رفتن به مسجدالحرام و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله (مسجد النبوی)، هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

سوم: توقف در مساجد دیگر؛ اما اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان علیهم السلام نیز توقف نکند.

چهارم: داخل شدن در مسجد برای گذاشتن چیزی در آن.

پنجم: خواندن یکی از آیات سجده؛ ولی خواندن غیر آیه سجده، از سوره سجده، مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

سؤال ۱۰۷ - آیا زن حائض می تواند به رواقهای اطراف ضریح مطهر امام رضا علیه السلام داخل

شود، هر چند قبر مطهر را ببیند و به ضریح نزدیک باشد؟

جواب: مانعی ندارد، ولی وارد حرم نشود.

سؤال ۱۰۸ - پس از مدتها به قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام به شهر مقدس قم سفر

کردم؛ ولی متأسفانه در اثناء راه عادت شدم. آیا با این وضعیت می توانم به حرم مطهر آن حضرت مشرف شوم؟ به طور کلی تشرف به حرم امامزادگان در این حالت چه حکمی دارد؟

جواب: تشرف به حرم امامزادگان اشکالی ندارد، ولی بهتر آن است که تنها به رواقها

اکتفا کنند و وارد محوطه اصلی، که ضریح در آن است، نشوند. البته قسمتهائی که به

عنوان مسجد معروف است از این حکم مستثنی است.

۱. سوره هایی که سجده واجب دارد به شرح زیر است:

الف) سوره الم سجده (سوره سی و دوم). ب) سوره حم سجده (سوره چهل و یکم).

ج) سوره النجم (سوره پنجاه و سوم). د) سوره اقرأ (سوره نود و ششم).

**سؤال ۱۰۹ -** بطور کلی ورود به چه قسمتهایی از حرم مطهر معصومین «سلام الله علیهم اجمعین» برای جنب و حائض حرام است؟ آیا حتی وارد شدن به رواقها، حیاتها و سایر مکانهای وابسته به حرم حرام است، یا محدوده ممنوعه قسمت خاصی از حرم است؟  
**جواب:** محدوده ممنوعه فقط قسمتی است که ضریح در آن است، و اطراف آن.

**سؤال ۱۱۰ -** آیا حضور زنان حائض و جنب در حسینیه‌ها به هنگام عزاداری، و رفتن به گلزار شهداء و قرائت فاتحه بر مزار پاک آن عزیزان سفر کرده، و شرکت در جلسات قرآن جایز است؟

**جواب:** اشکالی ندارد؛ ولی آیات سجده را نخوانند.

**سؤال ۱۱۱ -** با توجه به این که دعای شریف کمیل، مشتمل بر آیه‌ای از سوره سجده است،<sup>۱</sup> آیا قرائت این دعا برای زنان حائض جایز است؟

**جواب:** اشکالی ندارد؛ زیرا تنها قرائت آیه سجده برای چنین افرادی جایز نیست، هر چند بهتر آن است که کل سوره، و از جمله همان آیه موجود در دعای کمیل، را در آن حالت نخوانند.

**سؤال ۱۱۲ -** شوهرم در سالگرد عقد ازدواجمان پلاک طلائی، که مزین به لفظ جلاله «الله» بود، به من هدیه کرد. پلاک فوق را به گردن آویخته‌ام، آیا استفاده از آن در ایام عادت ماهیانه جایز است؟

**جواب:** در صورتی که با پوست بدن تماس نداشته باشد اشکالی ندارد.

**سؤال ۱۱۳ -** نام شوهر من محمد است، آیا دست زدن به نام او، که همنام پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله است، در هنگام عادت ماهیانه جایز است؟ حکم سایر نامهایی که از اسامی مبارک پیامبران و معصومان علیهم السلام گرفته شده چه می‌باشد؟

**جواب:** اشکالی ندارد؛ مگر این که نام «الله» مثل «عبدالله» و امثال آن در آن باشد.

**سؤال ۱۱۴ -** خانمهای محله ما جلسه هفتگی دارند، یکی از برنامه‌های این جلسه، قرائت زیارت با شکوه عاشوراست. این زیارت را بر روی کارت کوچکی چاپ کرده، و لایه

۱. منظور جمله «أَمَّنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» است، که آیه هیجدهم سوره الم سجده می‌باشد.

بسیار نازکی از پلاستیک بر روی آن کشیده‌اند، آیا برای زنان حائض جایز است که به این نوع کارتها دست بزنند؟ آیا در این حالت می‌توانند سجده آخر زیارت را بجا آورند؟

**جواب:** دست زدن به این کارتها اشکالی ندارد، و بجا آوردن سجده آخر هم خوب است.

**سؤال ۱۱۵-** با توجه به این که شرکت در انتخابات، در مراحل مختلف، از اهمیت خاصی برخوردار است و از سوی دیگر، صندوقهای اخذ رأی معمولاً در مساجد مستقر است، آیا رفتن زنان حائض به مسجد جهت عمل کردن به این وظیفه مهم سیاسی عبادی جائز است؟  
**جواب:** باید به مناطقی بروند که صندوق در غیر مسجد باشد.

**سؤال ۱۱۶-** آیا گوش دادن به آیات سجده واجب، همانند تلاوت آنها، برای شخص حائض حرام است؟ و اگر گوش کند، آیا سجده بر او نیز لازم است؟  
**جواب:** گوش دادن جایز است، و اگر آیه سجده را بشنود باید در همان حال سجده کند.

### ج) آمیزش جنسی

**مسأله ۱۱۷-** آمیزش جنسی و نزدیکی کردن به هنگام عادت، هم بر زن حرام است و هم برای مرد.

**مسأله ۱۱۸-** نزدیکی کردن در حال حیض، هم برای مرد و هم برای زن حرام است. چنانچه مرد در این حالت با همسر خود نزدیکی کند بهتر است کفاره دهد و کفاره آن، در ثلث اول روزهای حیض، یک مثقال طلای سگه‌دار، یا قیمت آن است (مثقال شرعی ۱۸ نخود می‌باشد) و اگر در ثلث دوم باشد نیم مثقال و اگر در ثلث سوم باشد یک چهارم مثقال است. بنابر این، اگر ایام عادت شش روز باشد دو روز اول یک مثقال، دو روز وسط نیم مثقال و دو روز آخر یک چهارم مثقال شرعی کفاره دارد.

**مسأله ۱۱۹-** هر گاه بخواهد قیمت طلا را بپردازد باید به قیمت روزی که می‌پردازد حساب کند؛ نه قیمت روزی که آمیزش کرده.

**مسأله ۱۲۰-** بازی کردن با همسر در حال حیض حرام نیست، و کفاره هم ندارد.

**مسأله ۱۲۱-** هرگاه نزدیکی را تکرار کند مستحب است کفاره را نیز تکرار کند.

**مسأله ۱۲۲-** اگر مرد در حال نزدیکی بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود، گناه کرده و بنابر احتیاط مستحب باید کفاره نیز بپردازد.

**مسأله ۱۲۳-** اگر مرد با زن حائض زنا کند، یا با زن حائض بیگانه‌ای به گمان این که همسر خود اوست نزدیکی نماید، احتیاط آن است که کفاره دهد.

**مسأله ۱۲۴-** کسی که نمی‌تواند کفاره بدهد بهتر آن است که صدقه‌ای بدهد و اگر نمی‌تواند، باید از گناه خود استغفار کند.

**سؤال ۱۲۵-** مردی با همسرش، که در حال عادت ماهیانه است، مشغول ملاحظه می‌شود، اگر شک کند که بی‌اختیار دخول صورت گرفته یا نه، چه حکمی دارد؟ آیا کار حرامی کرده و باید کفاره بپردازد؟

**جواب:** مادام که یقین ندارد، کار حرامی انجام نشده و کفاره‌ای ندارد.

**سؤال ۱۲۶-** آیا حرمت جماع و نزدیکی در حال حیض و کفاره آن، شامل آمیزش جنسی غیر اختیاری هم می‌شود؟ اگر از روی فراموشی باشد چطور؟ آیا انزال نیز شرط است؟

**جواب:** این حکم شامل صورت فراموشی نمی‌شود، و انزال شرط نیست.

**سؤال ۱۲۷-** آیا حرمت آمیزش در حال حیض و کفاره آن، اختصاص به شوهر دارد؟ یا شامل زن هم می‌شود؟

**جواب:** حرمت مربوط به هر دو می‌باشد؛ ولی کفاره مخصوص مرد است.

**سؤال ۱۲۸-** زنی در روزهای پایانی عادت ماهیانه است، ولی شک دارد که پاک شده یا نه، آمیزش جنسی در چنین صورتی چه حکمی دارد؟

**جواب:** جایز نیست.

**سؤال ۱۲۹-** آیا نزدیکی با همسر در حال عادت ماهیانه، پس از قطع خون و قبل از غسل، جایز است؟

**جواب:** جایز است؛ ولی احتیاط مستحب در ترک آن است.

**سؤال ۱۳۰-** از حضرت‌عالی نقل شده است که آمیزش با حائض پس از قطع عادت ماهیانه و قبل از غسل جایز است، آیا این حکم در سایر محرّمات حائض (مانند طلاق، مسّ خطّ قرآن، داخل نشدن در مسجد و...) نیز جاری است؟

**جواب :** موارد مختلف است؛ رفتن به مسجد، مسّ خطّ قرآن و نماز و مانند آن مشروط به غسل است، ولی طلاق مشروط به غسل نیست.

**مسألة ۱۳۱ -** هر گاه زن بگوید: «حائض هستم» یا «از حیض پاک شده‌ام» حرف او قبول است؛ مگر این که مورد سوءظن باشد.

## د) طلاق

**مسألة ۱۳۲ -** طلاق دادن زن در حالت حیض باطل و بی اثر است.

**مسألة ۱۳۳ -** طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

۱. شوهر بعد از ازدواج مطلقاً با او نزدیکی نکرده باشد.
۲. زن باردار باشد (همانطور که گذشت زنان باردار گاهی عادت می‌شوند).
۳. زن غایب باشد و مرد نتواند، یا برایش مشکل باشد، پاک بودن زن را بفهمد.

**مسألة ۱۳۴ -** هر گاه زن را از خون حیض پاک می‌دانسته و طلاقش بدهد، سپس معلوم شود که به هنگام طلاق در حال حیض بوده، طلاق او باطل است. و به عکس، اگر او را در حال حیض بداند و طلاق دهد، بعد معلوم شود پاک بوده، طلاق او صحیح است.

**مسألة ۱۳۵ -** هر گاه کسی می‌داند که همسرش در حال حیض یا نفاس بوده، اگر غایب شود، مثلاً مسافرت کند و بخواهد او را طلاق دهد و نتواند از حالش با خبر شود، باید تا مدتی که معمولاً از حیض یا نفاس پاک می‌شود صبر کند.

**سؤال ۱۳۶ -** آیا ازدواج و مراسم عقد در حال عادت ماهیانه جایز است؟

**جواب :** مانعی ندارد.

**سؤال ۱۳۷ -** آیا بخشیدن باقیمانده عقد موقت (که بمنزله طلاق است) در زمان عادت

ماهیانه زوجه جایز است؟

**جواب :** مانعی ندارد.

**مسألة ۱۳۸ -** هنگامی که زن از خون حیض پاک شود طلاق او صحیح است،

و همسرش نیز می‌تواند با او نزدیکی کند، هر چند هنوز غسل نکرده باشد؛ ولی احتیاط

مستحب آن است که پیش از غسل از نزدیکی خود داری کند، ولی کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده، مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی‌شود، بنا بر احتیاط واجب.

## اقسام زنان حائض

مسأله ۱۳۹ - زنان حائض بر شش گونه‌اند:

۱. صاحب عادت وقتیه و عددیه: یعنی زنی که دو ماه پشت سر هم، در وقت معین، خون حیض ببیند و شماره روزهایی که در هر دو ماه خون دیده یک اندازه باشد، مثل این که دو ماه پشت سر هم از اول تا هفتم ماه خون ببیند.
  ۲. صاحب عادت وقتیه: و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند، ولی شماره روزهای عادت او به یک اندازه نباشد، مثلاً یک ماه پنج روز و ماه دیگر هفت روز خون ببیند.
  ۳. صاحب عادت عددیه: و آن زنی است که شماره روزهای عادت او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه است (مثلاً هفت روز)، ولی وقت دیدن آن مختلف است، مثلاً یک بار از اول ماه، و بار دیگر از دهم ماه شروع می‌شود.
  ۴. مضطربه: و آن زنی است که چند ماه حائض شده، ولی عادت معین پیدا نکرده و یا اگر سابقاً عادت داشته، به هم خورده و عادت تازه‌ای جانشین آن نشده است.
  ۵. مبتدئه: و آن زنی است که برای اولین بار حائض می‌شود.
  ۶. ناسیه: و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است.
- هر کدام از اینها احکامی دارند، که در مسائل آینده گفته می‌شود.

## ۱. صاحب عادت وقتیه و عددیه

مسأله ۱۴۰ - زانی که عادت وقتیه و عددیه دارند همین که در ایام عادت خون ببینند حائض می‌شوند و تا پایان ایام عادت، احکام حائض را دارند، خواه نشانه‌های خون حیض در آن بوده باشد، یا نه.

**مسألة ۱۴۱-** هر گاه زنی در تمام ماه پاک نشود، ولی در دو ماه پشت سر هم چند روز معین (مثلاً از اول تا هفتم ماه) خونی را که می‌بیند، نشانه‌های حیض دارد، اما بقیه چنین نیست، او نیز باید همان ایام را عادت قرار دهد.

**مسألة ۱۴۲-** زنانی که عادت وقتیه و عددیه دارند، اگر یکی دو سه روز جلوتر از زمان عادت و یا بعد از آن خون ببینند، بطوری که بگویند: «عادت را جلو یا عقب انداخته» باید به احکام زن حائض عمل کنند، خواه آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد یا نه.

**مسألة ۱۴۳-** زنی که «عادت وقتیه و عددیه» دارد، اگر چند روز پیش از عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند (بطوری که در میان زنها معمول است که گاهی عادت را جلو یا عقب می‌اندازند) و روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود همه حیض است، و اگر ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت دیده حیض است و قبل و بعد از آن استحاضه می‌باشد، همین طور اگر چند روز قبل از ایام عادت به اضافه تمام عادت را خون ببیند، یا فقط چند روز بعد از عادت به اضافه تمام ایام عادت را خون ببیند که اگر از ده روز تجاوز نکند، همه‌اش حیض است، و اگر تجاوز کند فقط ایام عادت حیض محسوب می‌شود.

**مسألة ۱۴۴-** زنی که عادت دارد هرگاه سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون، کمتر از ده روز باشد و تمام روزهایی را که خون دیده، یا در وسط پاک بوده روی هم رفته بیش از ده روز نباشد، همه آن حیض است (اما ایامی که در وسط پاک بوده، پاک محسوب می‌شود) و اگر زیادتر از ده روز باشد آن خونی که در عادت بوده حیض و دیگری که نبوده، استحاضه است. و اگر هیچ کدام در عادت نبوده آن خونی که دارای صفات حیض است حیض، و دیگری استحاضه است. و اگر هر دو صفات حیض دارد، تا ده روز حیض محسوب می‌شود، و بعد از آن استحاضه است.

**مسألة ۱۴۵-** زنی که «عادت وقتیه و عددیه» دارد اگر در وقت عادت، خون نبیند و در غیر آن، به شماره روزهای حیضش خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش از وقت عادت باشد، یا بعد از آن؛ به شرط این که نشانه‌های حیض را داشته باشد.

**مسألة ۱۴۶-** زنی که «عادت وقتیه و عددیه» دارد، اگر در وقت عادت خون ببیند، ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از ایام عادت باشد. و قبل از وقت عادت، یا بعد از آن، به



شماره روزهای عادت خون ببیند، فقط خونی را که در وقت عادت دیده حیض قرار می‌دهد. **مسئله ۱۴۷-** زنانی که «عادت وقتیه و عددیه» دارند اگر بیشتر از ده روز خون ببینند، آنچه را در روزهای عادت دیده‌اند حیض است (خواه نشانه‌های حیض را داشته باشد، یا نه) و آنچه بعد از روزهای عادت دیده‌اند استحاضه است (خواه نشانه‌های حیض داشته باشد، یا نه).

## ۲. صاحب عادت وقتیه

**مسئله ۱۴۸-** زنانی که فقط «عادت وقتیه» دارند - یعنی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض می‌بینند و سپس پاک می‌شوند، ولی شماره روزهای آن یک اندازه نمی‌باشد - باید تمام آن را حیض قرار دهند، به شرط آن که از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد.

**مسئله ۱۴۹-** زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه‌های حیض دارد، اما شماره روزهای خونی که نشانه حیض دارد یک اندازه نیست، چنین زنی باید تمام آنچه را نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد.

**مسئله ۱۵۰-** زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود، دو مرتبه سه روز یا بیشتر خون ببیند، و مجموع روزهایی که خون دیده از ده روز بیشتر نشود (ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد) چنین زنی نیز باید تمام آنچه را دیده حیض قرار دهد، ولی در روزهای وسط که پاک است حکم طاهر را دارد.

**مسئله ۱۵۱-** زنی که «عادت وقتیه» دارد اگر در وقت عادت خود، یا دو سه روز قبل، یا بعد از عادت خون ببیند، بطوری که بگویند: «حیض را جلو یا عقب انداخته» باید به حکم زندهای حائض عمل کند، خواه آن خون نشانه‌های حیض داشته باشد، یا نه.

**مسئله ۱۵۲-** زنی که عادت وقتیه دارد اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، و نتواند تعداد روزهای حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید مطابق تعداد روزهای عادت زنان خویشاوند خود حیض قرار دهد (اعم از خویشاوندان پدری، یا مادری، زنده یا مرده) و این در صورتی است که همه، یا اکثریت قریب به اتفاق آنها یکسان باشند، اما اگر

در میان آنها اختلاف است، مثلاً بعضی پنج روز و بعضی هشت روز عادت می‌بینند، احتیاط واجب آن است که در هر ماه هفت روز را ایام عادت خود قرار دهد.

### ۳. صاحب عادت عددیه

**مسأله ۱۵۳-** زنانی که «عادت عددیه» دارند، یعنی شماره روزهای حیض آنها در دو ماه پشت سر هم یک اندازه است، ولی وقت آن تغییر می‌کند، آنها باید در همان چند روز به احکام حائض عمل کنند.

**مسأله ۱۵۴-** زنانی که از خون پاک نمی‌شوند، ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی را که می‌بینند نشانه حیض، و بقیه نشانه‌های استحاضه دارد، و شماره روزهایی که نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، باید آن چند روزی را که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهند.

**مسأله ۱۵۵-** زنی که «عادت عددیه» دارد اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند، و از ده روز بیشتر شود، چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر چند روز آن نشانه حیض دارد باید همان را حیض قرار دهد. و اگر بیشتر از ایام عادت او باشد، از آخر آن کم می‌کند. و اگر کمتر از ایام عادت اوست، باید آن روزها را با چند روز بعد از آن که روی هم رفته به اندازه عادتش شود، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه.

### ۴. مضطربه

**مسأله ۱۵۶-** «مضطربه» یعنی زنی که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده است، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند هم‌اش حیض است، و اگر بیشتر از ده روز ببیند چنانچه بعضی نشانه حیض داشته باشد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد، حیض محسوب می‌شود، و اگر هم‌اش یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می‌کند (اگر عادت همه یا اکثریت قاطع آنها یکسان باشد). و هرگاه عادت آنها مختلف باشد، احتیاط آن است که عادت خود را هفت روز قرار دهد.

**۵. مبتدئه**

**مسأله ۱۵۷-** «مبتدئه» یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است، و اگر بیشتر از ده روز ببیند و همه اش یک جور باشد باید عادت خویشاوندان خود را، بطوری که در مسأله قبل گفته شد، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه.

**مسأله ۱۵۸-** اگر «مبتدئه» بیشتر از ده روز خون ببیند که چند روز آن نشانه حیض دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، آن خون حیض و بقیه استحاضه است، و اگر کمتر از سه روز باشد باید آنچه را نشانه حیض دارد بگیرد و باقیمانده را به عادت خویشاوندان خود حیض قرار دهد، و همچنین اگر آنچه نشانه حیض دارد بیش از ده روز باشد به تعداد عادت خویشاوندان خود حیض قرار می دهد، و بقیه استحاضه است.

**۶. ناسیه**

**مسأله ۱۵۹-** «ناسیه» یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است. و اگر بیشتر از ده روز ببیند، باید روزهایی که خون او نشانه حیض دارد حیض قرار دهد (به شرط این که کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد) و اگر بیشتر باشد، یا همه روزها یک جور دیده، احتیاط واجب آن است که هفت روز اول را حیض قرار دهد، و بقیه را استحاضه.

**احکام گروههای ششگانه فوق**

**مسأله ۱۶۰-** «مبتدئه» و «مضطربه» و «ناسیه» و زنی که «عادت عددیه» دارد، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض داشته باشد، باید فوراً عبادت را ترک کند. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده، باید عبادتهایی را که به جا نیاورده قضا کند، ولی اگر نشانه های حیض نداشته باشد بر طبق حکم مستحاضه عمل می کند، تا ثابت شود که خون حیض است، ولی زنی که عادت «وقتیّه» یا «وقتیّه و عددیه» دارد به محض دیدن خون در ایام عادت، عبادت را ترک می کند.

**مسأله ۱۶۱-** زنی که دارای عادت است (خواه وقتیّه و عددیّه باشد، یا فقط عادت وقتیّه و یا عادت عددیّه)، هر گاه دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود، خونی ببیند عادتش برمی گردد به آنچه در آن دو ماه دیده است.

### نشانه پایان یافتن عادت ماهیانه

**سؤال ۱۶۲-** نشانه پایان یافتن عادت ماهیانه چیست؟ آیا گذشتن زمان خاصی از دیدن آخر لگه معتبر است، یا ملاک چیز دیگری است؟

**جواب:** در صورتی که زمان و ایام عادت معلوم باشد، و در حدود همان زمان خون قطع شود، و لگه‌ای پیدا نباشد، عادت پایان یافته و انتظار بیشتری لازم نیست.

**سؤال ۱۶۳-** اگر خون حیض قطع شود و حائض نتواند خود را آزمایش کند (مثل این که باکره است، یا خوف ضرر دارد) وظیفه اش چیست؟

**جواب:** آزمایش مزبور چیز ساده‌ای است، که نه خوف ضرر دارد و نه مزاحمتی برای بکارت، بلکه با مختصر پنبه یا دستمال کاغذی می‌توان آزمایش کرد.

**سؤال ۱۶۴-** استعمال وظیفه چه گروهی از زنان حائض است؟

**جواب:** وظیفه همه کسانی است که شک در پایان یافتن عادت خود دارند.

### وظیفه حائض پس از پایان عادت

**مسأله ۱۶۵-** هنگامی که زن از حیض پاک شود باید برای انجام عبادات خود غسل کند، و اگر دسترسی به آب ندارد تیمّم نماید. لازم به ذکر است که غسل حیض همانند غسل جنابت انجام می‌شود و از وضو نیز کفایت می‌کند، ولی احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد (خواه قبل از غسل باشد یا پس از آن).

**مسأله ۱۶۶-** هر گاه پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید غسل کند و عبادتهای خود را انجام دهد، اگر چه یقین داشته باشد پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند.

**مسأله ۱۶۷-** هر گاه زن پیش از ده روز پاک شود، ولی احتمال دهد که در باطن خون است باید به وسیله قدری پنبه خود را امتحان کند، چنانچه پاک بود غسل کند و عبادت‌های خود را انجام دهد، و اگر پاک نبود، هر چند به خونابه آلوده باشد، باید مطابق احکامی که سابقاً درباره حائض گفته شد عمل نماید.

**مسأله ۱۶۸-** نمازهای روزانه که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد، ولی روزه واجب را باید قضا کند.

**سؤال ۱۶۹-** چرا نمازهای زنانی که در حال حیض یا نفاس هستند، قضا ندارد، ولی روزه‌های آنها قضا دارد؟

**جواب:** شاید علت آن این باشد که روزه در طول سال فقط یک ماه واجب است، و قضای آن مشکل نخواهد بود؛ اما نماز که هر روز خوانده می‌شود اگر نیاز به قضا داشته باشد، برای بانوان سنگین خواهد بود. علاوه بر این، روزه مانع کار کردن زنان نیست، اما قضای نمازها مانع کار آنهاست.

**مسأله ۱۷۰-** اگر در حال عادت ماهیانه یا نفاس، آفتاب یا ماه بگیرد، و تا آخر مدتی که خورشید یا ماه باز می‌شود از خون حیض و نفاس پاک نشده باشد، نماز آیات بر او واجب نیست و قضا هم ندارد.

**مسأله ۱۷۱-** هر گاه در آخر وقت نماز پاک شود باید غسل کند و نماز را بخواند. حتی اگر به اندازه یک رکعت نماز وقت داشته باشد احتیاط واجب خواندن نماز است. و در صورت نخواندن، قضای آن را به جا آورد.

**مسأله ۱۷۲-** هر گاه در آخر وقت پاک شود، اما برای غسل وقت ندارد و فقط می‌تواند تیمم کند و یک رکعت نماز را در وقت و بقیه را در خارج وقت به جا آورد نماز بر او واجب نیست، ولی اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است، مثل این که آب برای او ضرر دارد، باید تیمم کند و نماز را به جا آورد.

**مسأله ۱۷۳-** هر گاه زن پاک شود و شک کند که به مقدار کافی وقت برای نماز باقی مانده یا نه، باید نمازش را بخواند.

**سؤال ۱۷۴-** زنی که در حین سفر، مثلاً در هواپیما یا قطار، از حیض پاک می‌شود و نمی‌تواند غسل کند چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** چنانچه بتواند، تیمم می‌کند و نماز خود را با همان حال انجام می‌دهد، و اگر نتواند تیمم کند نماز را احتیاطاً با همان حال می‌خواند و بعد قضا می‌کند (این در حال تنگی وقت است).

### مسائل متفرقه غسل حیض

**سؤال ۱۷۵-** در برخی از مناطق معروف است که غسل حیض فقط در روزهای زوج صحیح است؛ یعنی حتی اگر عادت ماهیانه در روز فرد قطع شود، و زن پاک گردد نمی‌تواند در آن روز غسل کند، بلکه باید آن را به روز بعد موکول کند! آیا این مطلب ریشه شرعی دارد؟

**جواب:** هیچ فرقی بین روزها نیست، باید در اولین فرصت غسل کنند و وظائف شرعی خود را انجام دهند.

**سؤال ۱۷۶-** هرگاه زن جنب بوده و عادت ماهیانه او فرا رسد، یا در حال عادت ماهیانه محتلم یا جنب شود، یا به مرده‌ای دست بزند، و بطور کلی غسلی بر او واجب شود، آیا می‌تواند در همان حال غسل کند؟

**جواب:** مانعی ندارد، و با غسل جنابت از جنابت پاک می‌شود، و همچنین غسلهای مستحب را نیز می‌تواند انجام دهد.

**سؤال ۱۷۷-** شیر دادن بچه شیر خوار در ایام عادت ماهیانه چه حکمی دارد؟ اگر اثر نامطلوبی دارد چه کاری می‌توان انجام داد تا آن اثر از بین برود؟

**جواب:** هیچ اثر نامطلوبی ندارد.

**سؤال ۱۷۸-** برخی از خانمها معتقدند که پس از تمام شدن عادت، باید تمام لباسهایی را که در طول عادت پوشیده‌اند، حتی لباسهایی مانند چادر را آب بکشند، هر چند تماسی با محل نجس نداشته باشد، آیا این سخن صحیح است؟

**جواب:** این گونه سخنها هیچ اعتبار شرعی ندارد. تا لباسها نجس نشود، آب کشیدن آن لازم نیست.

**سؤال ۱۷۹ -** اصلاح صورت، رنگ کردن مو، و آرایش به هنگام عادت ماهیانه چه حکمی دارد؟ یکی از خانمها می‌گفت: «به هنگام عادت زنانگی موهایتان را رنگ نکنید؛ زیرا در این وضعیت رنگ جذب مو نمی‌شود!» آیا این مطلب صحیح است؟

**جواب:** این مطلب جزء خرافات است و اعتباری ندارد؛ ولی رنگ کردن موها و مالیدن کرم به بدن در آن حالت کراهت دارد.

**سؤال ۱۸۰ -** آیا عرق زن حائض نجس است؟

**جواب:** نجس نیست.

**سؤال ۱۸۱ -** بعضی از خانمها نسبت به مخفی نمودن نوارهای بهداشتی استفاده شده در ایام عادت، از چشم نامحرمان، دقت کافی نمی‌نمایند. آیا دیدن این نوارها توسط نامحرم اشکالی دارد؟

**جواب:** شرعاً حرام نیست، ولی پنهان کردن آن جزء آداب اخلاقی است.

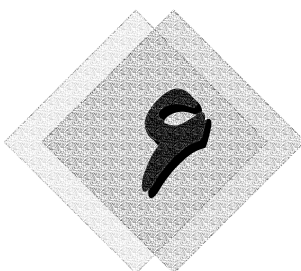
**سؤال ۱۸۲ -** علیرغم سعی فراوان در پاک کردن کهنه‌هایی که در ایام عادت مورد استفاده قرار می‌گیرد، غالباً رنگ خون باقی می‌ماند، آیا این کهنه‌ها پس از تطهیر پاک می‌شود؟

**جواب:** در صورتی که جرم خون در آن نباشد، باقی ماندن رنگ ضرری ندارد.

\* \* \*







## احکام غسل نفاس

### خون نفاس چیست؟

مسأله ۱۸۳- از موقعی که نخستین جزء بچه از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند خون «نفاس» است، و زن را در این حال «نُفَسَاء» می‌گویند.

سؤال ۱۸۴- خانمهایی که فرزندهای چند قلو بدنیا می‌آورند، شروع نفاس بچه اول است، یا بچه‌های بعدی؟ ابتدای ده روز از چه زمانی است؟

جواب: شروع نفاس از بچه اول است، و پایان آن پس از ده روز کامل می‌باشد، ولی احتیاط آن است که در مقدار زائد بر آن نسبت به بچه اخیر، میان احکام حائض و مستحاضه جمع کند.

سؤال ۱۸۵- آیا لازم است خون نفاس، همانند خون حیض و استحاضه، از نظر رنگ، سرعت، حرارت و برودت و مانند آن، شرایط خاصی داشته باشد؟

جواب: خون نفاس در حقیقت باقیمانده خون حیض است، و معمولاً دارای صفات آن می‌باشد؛ ولی بودن آن صفات در آن شرط نیست.

### شرایط خون نفاس

مسأله ۱۸۶- خون نفاس باید شرایط زیر را داشته باشد، و گرنه احکام نفاس را نخواهد داشت:

الف) خون ناشی از زایمان باشد، بنابراین خونی که زن قبل خارج شدن طفل می‌بیند، نفاس نیست.

ب) خون نفاس ممکن است یک لحظه بیشتر نباشد، ولی بیشتر از ده روز نمی‌باشد.  
ج) احتیاط واجب آن است که خلقت بچه تمام باشد، بنابراین اگر خون بسته‌ای از رحم خارج شود و بداند که اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد، باید میان اعمال زنی که از خون پاک است و کارهایی را که حائض ترک می‌کند جمع نماید.<sup>۱</sup>

**مسئله ۱۸۷-** هرگاه شک کند چیزی از او ساقط شده یا نه، یا چیزی که ساقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه؟ خونی که از او خارج می‌شود خون نفاس نیست، و لازم نیست جستجو کند.

**سؤال ۱۸۸-** آیا استمرار در خون نفاس هم شرط است؟ اگر زنی به هنگام تولد بچه خون ببیند و سپس پاک شود، و روز پنجم دوباره خون ببیند، آیا همه این پنج روز نفاس محسوب می‌شود؟

**جواب:** استمرار در خون نفاس شرط نیست، ولی اگر در اثناء کاملاً پاک شود، باید عبادت‌های خود را انجام دهد.

**سؤال ۱۸۹-** ده روز نفاس از چه زمانی شروع می‌شود؟ اگر خدایی ناکرده بچه‌ای در ماه نهم در شکم مادر بمیرد، و چاره‌ای جز قطعه قطعه کردن او نباشد، و این عمل چندین ساعت طول بکشد، آیا معیار در شروع ده روز، خارج شدن اولین قطعه است، یا خروج قطعه آخر معیار است؟

**جواب:** جواب این مسئله مانند جواب مسئله چند قلوها (م ۱۸۴) است.

**سؤال ۱۹۰-** امروزه مسئله «مادر جانشینی» و پرورش نطفه شوهر و تخمک همسرش پس از بارور نمودن در رحم زن دیگر، امری امکان‌پذیر و مرسوم است. آیا مادر جانشین هم به هنگام تولد آن بچه «نفساء» محسوب می‌شود، یا احکام نفاس مخصوص مادران حقیقی است؟

۱. یعنی دست به نام خدا و خط قرآن و نام پیامبران و ائمه - علیهم السلام - نزنند، داخل مساجد نشود، به حرم پیامبر ﷺ و ائمه - علیهم السلام - مشرف نگردد، طلاق نگیرد، آیات سجده را نخواند، آمیزش جنسی نکند و عبادت‌های خویش را انجام دهد و بعداً روزه هایش را نیز قضا بنماید.

جواب: آنها هم مشمول احکام نفاس هستند.

سؤال ۱۹۱- آیا آخرین جزء بچه، شامل جفت هم می‌شود؟

جواب: شامل جفت نمی‌شود.

سؤال ۱۹۲- در صورت شک بین خون نفاس و خون زخم، تکلیف زن چیست؟

جواب: در این موارد احتیاط کند؛ یعنی عبادات را انجام دهد و از آنچه بر حائض

حرام است پرهیز کند، تا وضع او روشن شود.

### کارهایی که بر «نفساء» حرام است

مسألة ۱۹۳- تمام کارهایی که بر حائض حرام است بر «نفساء» نیز حرام است، و آنچه

بر حائض واجب، یا مستحب، یا مکروه می‌باشد، برای او نیز همین حکم را دارد.

مسألة ۱۹۴- نزدیکی کردن با زن در حال «نفاس» حرام است، و اگر شوهر با او نزدیکی

کند، احتیاط مستحب آن است که مطابق دستوری که در مورد «حائض» گفته شد کفاره

دهد، طلاق او نیز در این حال باطل است.

سؤال ۱۹۵- کدام یک از محرمات زن در حال نفاس، پس از قطع خون، و کدام یک

پس از غسل بر او حلال می‌شود؟

جواب: مقاربت بعد از قطع خون حلال می‌شود، ولی داخل شدن در مسجد

و عبادات بعد از غسل جایز است.

### وظیفه «نفساء» پس از قطع خون

مسألة ۱۹۶- هرگاه زن ظاهراً از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون

وجود دارد، باید با کمی پنبه خود را امتحان کند، اگر پاک بود غسل کند و عبادت‌های خود را

انجام دهد.

سؤال ۱۹۷- خانمی علامت پاکی از خون را در حیض و نفاس، گذشتن ۲۴ ساعت از

آخرین لگه‌ای که دیده قرار می‌داده، و تنها در این صورت غسل نموده، و سپس به

وظائفش عمل می‌کرده، آیا این کار صحیح است؟

**جواب:** گذشتن ۲۴ ساعت لازم نیست، بلافاصله پس از قطع خون غسل می‌کند و وظائف خود را انجام می‌دهد.

**مسأله ۱۹۸-** هنگامی که زن از خون نفاس پاک شد باید غسل کند و عبادت‌های خود را انجام دهد، و هر گاه قبل از گذشتن ده روز از ولادت، دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که خون دیده یا در بین آن پاک بوده، روی هم رفته ده روز یا کمتر از ده روز است، تمام آن نفاس می‌باشد، ولی روزهایی که در وسط پاک بوده عباداتش صحیح است.

### خونی که زن پس از ایام نفاس می‌بیند

**مسأله ۱۹۹-** هر گاه خون نفاس از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت عددیه دارد به اندازه آن نفاس است و بقیه استحاضه، و اگر عادت ندارد تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه است.

**مسأله ۲۰۰-** زنی که عادت او در حیض کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد و بعد از آن، تا روز دهم بنابر احتیاط واجب عبادت را ترک کند، اگر خون از ده روز گذشت فقط به اندازه روزهای عادتش نفاس است و بقیه استحاضه، و عباداتی را که در این چند روز ترک کرده، باید قضا کند.

**مسأله ۲۰۱-** بسیاری از زنان بعد از وضع حمل یک ماه یا بیشتر خون می‌بینند، چنین زنانی اگر در حیض عادت دارند باید به تعداد روزهای عادتشان «نفاس» قرار دهند، و بعد از آن تا ده روز حکم استحاضه دارد، بعد از گذشتن ده روز اگر همزمان با ایام عادتشان باشد باید مطابق احکام حائض عمل کنند (خواه نشانه‌های خون حیض را داشته باشد، یا نه) و اگر همزمان با ایام عادتشان نباشد حکم استحاضه دارد، مگر این که خون دارای نشانه‌های حیض باشد.

**مسأله ۲۰۲-** زنانی که تا یک ماه یا بیشتر بعد از وضع حمل خون می‌بینند، اگر عادت ماهیانه ندارند ده روز اول نفاس است و ده روز دوم استحاضه و بعد از آن اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد، حیض و گرنه آن هم استحاضه است.

### مسائل متفرقه نفاس

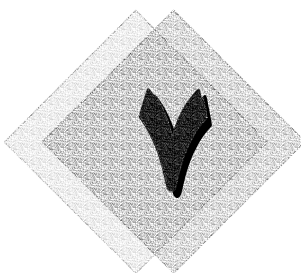
**سؤال ۲۰۳-** آیا در ایام نفاس نیز تنها «روز» ملاک است، یا شبانه روز ملاک می‌باشد؟  
**جواب:** تنها روز ملاک است.

**سؤال ۲۰۴-** می‌گویند زن «زائو» بایستی روز چهلم غسل «چله» انجام دهد. لطفاً بفرمائید غسل «چله» چیست؟ و آیا تا آن زمان نباید غسلی انجام دهد؟  
**جواب:** این گونه سخنان اعتباری ندارد، و حکم نفاس همان است که در مسائل بالا گذشت.

**سؤال ۲۰۵-** آیا ابتلاء زنان به خونهای سه گانه دلیل بر نقصان ایمان یا عدم کمال آنها محسوب می‌شود، یا این خونها فلسفه دیگری دارد؟  
**جواب:** این خونها مربوط به وظائف پر افتخار مادری است، و دلیلی بر نقصان آنها نمی‌باشد.

\*\*\*





## غسل استحاضه

### نشانه‌ها و علامتهای خون استحاضه

**مسئله ۲۰۶-** یکی از خونهایی که از زن خارج می‌شود خون «استحاضه» است و در این موقع زن را «مستحاضه» می‌گویند، بطور کلی تمام خونهایی که غیر از حیض، نفاس، زخم و دُمَل است، و از رحم زن خارج می‌شود خون استحاضه است.

**مسئله ۲۰۷-** خون استحاضه غالباً کم رنگ و سرد و رقیق است، و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید؛ ولی ممکن است گاهی تیره رنگ یا سرخ و گرم و غلیظ باشد، و با فشار و سوزش خارج شود.

**مسئله ۲۰۸-** هر خونی که از زن خارج شود، و شرایط حیض و نفاس را نداشته باشد، و مربوط به بکارت یا زخم یا جراحی در رحم نبوده باشد، خون استحاضه است.

**مسئله ۲۰۹-** هر گاه شک کند که خون، از زخم است یا نه؟ و ظاهر حال او سلامت باشد، خون استحاضه محسوب می‌شود؛ اما اگر وضع حال او مشکوک باشد، که خون از زخم است یا غیر آن، احکام استحاضه ندارد.

**سؤال ۲۱۰-** آیا استحاضه، همچون حیض و نفاس، حدّ اقل و حدّ اکثر دارد؟  
**جواب:** استحاضه حدّ اقل و اکثر ندارد.

**سؤال ۲۱۱-** آیا ابتدای استحاضه باید خون مشاهده شود، و یا بودن خون در محل کافی است؟ و آیا استمرار در استحاضه نیز معتبر می‌باشد؟

**جواب:** بودن خون در محل کافی است، و استمرار نیز در آن شرط نیست.

**سؤال ۲۱۲-** خانمی که در سنّ کسی است که عادتاً حیض می‌بیند، عمل جزّاحی کرده و رحم او را برداشته‌اند، اگر خونی ببینند حکم حیض دارد یا استحاضه؟ در صورتی که احتمال بدهد و یا این که یقین نماید خون از زخم و عمل جزّاحی است چه صورت دارد؟

**جواب:** زنانی که تمام رحم آن‌ها را برداشته‌اند اگر خونی از آن‌ها خارج شود، حکم عادت ماهانه و استحاضه را ندارد، و تنها باید محل را بشویند.

**سؤال ۲۱۳-** همانطور که در توضیح المسائل آمده، خانمها در سنّ ۵۰ سال قمری، که تقریباً معادل ۴۸ سال و ۶ ماه شمسی است، یائسه می‌شوند. حال اگر بعد از این سن هر ماه، مثل زمان عادت ماهیانه، خون ببینند، آیا باید آن را حیض قرار دهند، یا استحاضه؟ عبادات خود را انجام دهند، یا ترک نمایند؟

**جواب:** هرگاه با همان اوصاف سابق حیض ببینند، احکام حیض را دارد.

### اقسام استحاضه

**مسألة ۲۱۴-** استحاضه فقط دو قسم است: «قلیله» و «کثیره».

استحاضه قلیله آن است که هر گاه زن پنبه‌ای را داخل کند، خون آن را آلوده نماید، ولی از طرف دیگر خارج نشود، خواه خون در پنبه فرو رود یا نه.

و استحاضه کثیره آن است که خون در پنبه فرو رود و از آن بگذرد و جاری شود.

**سؤال ۲۱۵-** آیا در بین فقهای بزرگوار زمان ما (کثر الله امثالهم)، یا مراجع

گذشته (رحمهم الله) کسی همانند حضرتعالی منکر استحاضه متوسطه شده است؟

**جواب:** بزرگان از قدماء و متأخرین، که معتقد هستند استحاضه دو قسم بیشتر نیست،

متعدّد بوده‌اند.

### وظیفه مستحاضه قلیله

**مسألة ۲۱۶-** زن باید در استحاضه قلیله:



۱. برای هر نماز بنا بر احتیاط واجب یک وضو بگیرد (مثلاً برای نماز ظهر یک وضو، و برای عصر وضوی دیگر).

۲. واجب است از سرایت خون به سایر اعضا جلوگیری کند، اما عوض کردن نوار بهداشتی و مانند آن واجب نیست؛ هر چند احتیاط است.

**سؤال ۲۱۷-** فرموده‌اید که مستحاضهٔ قلیله برای هر نماز یک وضو بگیرد، حال اگر بعد از نماز ظهر هیچ خونی نبیند و بخواهد نماز عصر را بخواند، باز هم باید وضو بگیرد؟  
**جواب:** در این صورت وضو گرفتن لازم نیست.

**سؤال ۲۱۸-** اگر مستحاضهٔ قلیله نماز عصر خود را بخواند و تا نماز مغرب خون نبیند، آیا می‌تواند با وضوی نماز عصر نماز مغربش را بخواند؟  
**جواب:** آری می‌تواند با همان وضو، نماز مغرب و عشا را بخواند.

**مسأله ۲۱۹-** در استحاضهٔ «قلیله» اگر قبل از اذان صبح برای نماز شب وضو بگیرد و نماز شب را بخواند، احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن وقت نماز صبح، دو مرتبه وضو بگیرد؛ مگر این که بعد از وضو خون نبیند که نیاز به تجدید وضو نیست.

**مسأله ۲۲۰-** هر گاه زن مستحاضهٔ قلیله، نماز ظهر و عصر، یا مغرب و عشا را از هم جدا بخواند باید برای هر کدام یک وضو بگیرد و همچنین برای نمازهای مستحبی؛ ولی برای مجموع نماز شب یک وضو یا غسل کافی است، و برای خواندن نماز احتیاط و سجدهٔ فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجدهٔ سهو، که بلافاصله بعد از نماز بجا می‌آورد، غسل و وضو لازم نیست.

**سؤال ۲۲۱-** اگر مستحاضهٔ قلیله بخواهد کاری انجام دهد که شرط آن طهارت است؛ مانند رساندن جایی از بدن به خط قرآن، یا طواف واجب خانهٔ خدا و مانند آن، آیا یک وضو کافی است، یا وظیفهٔ دیگری دارد؟ و اگر بخواهد یکی از این کارها را تکرار کند، لازم است وضو هم تکرار شود؟

**جواب:** برای انجام طواف باید وضو بگیرد، و همچنین تکرار آن وضو دارد؛ ولی برای نافله‌های نمازهای واجب وضوی اضافی لازم نیست، و همچنین برای نماز شب که پشت سر هم بجا می‌آورد یک وضو کافی است.

**سؤال ۲۲۲-** آیا مستحاضه قلیله پس از پاک شدن از خون باید غسل کند؟

**جواب:** غسل بر او واجب نیست.

**سؤال ۲۲۳-** آمیزش، طلاق، رفتن به مسجد الحرام و حرم ائمه علیهم السلام و عبور از سایر

مساجد برای مستحاضه قلیله چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

### وظیفه مستحاضه کثیره

**مسألة ۲۲۴-** بر زن واجب است که در استحاضه کثیره:

۱. سه غسل انجام دهد؛ یک غسل برای نماز صبح، و دیگر برای نماز ظهر و عصر،

و سوم برای مغرب و عشا.

۲. باید میان این نمازها جمع کند.

۳. احتیاط مستحب آن است که علاوه بر این، برای هر نماز یک وضو بگیرد، قبل از

غسل یا بعد از آن.

**مسألة ۲۲۵-** هر گاه در استحاضه کثیره قبل از اذان صبح برای نماز شب غسل کند

و نماز شب بخواند، احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح، دو مرتبه غسل کند.

**مسألة ۲۲۶-** مستحاضه کثیره، هر گاه غسلهای روزانه خود را انجام دهد برای اعمال

دیگر، مانند طواف، نماز قضا، نماز آیات، و نماز شب، غسل دیگری بر او واجب نیست، تنها

باید وضو بگیرد.

### تبدیل استحاضه قلیله به کثیره و بالعکس

**مسألة ۲۲۷-** هرگاه استحاضه قلیله بعد از نماز صبح کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر

غسل کند. و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل کند.

**مسألة ۲۲۸-** اگر در بین نماز، استحاضه قلیله زن کثیره شود، باید نماز را رها کند و غسل

نماید و از نو بخواند، و در صورتی که برای غسل وقت ندارد تیمم کند؛ ولی اگر برای تیمم

هم وقت ندارد، باید همان نماز را تمام کرده، و بنابر احتیاط واجب قضا نماید.

**مسأله ۲۲۹ -** هر گاه استحاضه کثیره زن قلیله شود، باید برای نماز اول غسل کند، و برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

**سؤال ۲۳۰ -** من حامله هستم، و مدت سه ماه است که پشت سر هم خون می‌بینم، به سونوگرافی مراجعه کردم خونریزی را از ناحیه جفت تشخیص داده‌اند، دکتر هم همین عقیده را دارد، و می‌گوید: «چون جفت پائین‌تر از حد معمول است خونریزی می‌کنید، اگر جفت بالا رود خون قطع خواهد شد». تاکنون به وظیفه مستحاضه عمل کرده‌ام، چون خون کم بود؛ حتی بعضی اوقات فقط ترشح زردرنگی می‌آمد. ولی امروز یک ساعت مانده به سحر، ناگهان خون زیادی آمد، یعنی به اندازه استحاضه کثیره خون دیدم، برای نماز صبح غسل کردم، ولی باز خون قطع نشد، و هر بار بعد از غسل بلافاصله خون می‌آمد. ناچاراً وضو گرفتم، و نماز خواندم. لطفاً به دو سؤال من پاسخ دهید:

۱. وظیفه‌ام چیست؟

**جواب:** مطابق دستور مستحاضه عمل کنید؛ و اگر غسل کردن برای شما ضرر دارد، یا موجب مشقت شدید است تیمم نمائید؛ ولی در ایام عادت آن خون در حکم عادت ماهیانه است.

۲. چون دکترها خون را از جفت می‌دانند، آیا باز هم حکم استحاضه دارد؟ وانگهی سه ماه پی در پی، حتی بدون یک روز فاصله، خون دیده‌ام، آیا استحاضه این قدر طول می‌کشد؟

**جواب:** خون مزبور حکم استحاضه دارد، و استحاضه حد معینی ندارد، و انجام اعمال آن ساده است.

## روزه در حال استحاضه

**مسأله ۲۳۱ -** زن مستحاضه باید روزه ماه رمضان را بگیرد، و در صورتی روزه او صحیح است که غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می‌خواهد فردای آن را روزه بگیرد بجا آورد، و همچنین غسل‌های روزی را که روزه است (بنابر احتیاط واجب).

**سؤال ۲۳۲ -** آیا شرط صحت روزه مستحاضه کثیره فقط انجام غسل است؟ یا شرایط

دیگری، از قبیل تعویض نوار بهداشتی آلوده، و جلوگیری از سرایت خون به سایر اعضا، نیز معتبر است؟ شرط صحت روزه برای مستحاضهٔ قلیله چیست؟

**جواب:** انجام غسل کافی است، و روزهٔ مستحاضهٔ قلیله شرط خاصی ندارد.

**مسئلهٔ ۲۳۳-** هر گاه زن روزه دار بعد از نماز ظهر و عصر مستحاضه شود برای روزهٔ آن

روز غسلی ندارد.

**سؤال ۲۳۴-** چنانچه زن مستحاضه وظائفش را انجام دهد، آیا می‌تواند روزهٔ نذری

بگیرد؟ یا برای میتی روزهٔ استیجاری انجام دهد؟

**جواب:** مانعی ندارد.

### مسائل دیگر استحاضه

**مسئلهٔ ۲۳۵-** هر گاه قبل از داخل شدن وقت نماز، وضو یا غسل را انجام داده باشد

باید در موقع نماز، بنابر احتیاط واجب، آن را اعاده کند. مگر این که در این وسط مطلقاً خونی نبیند.

**مسئلهٔ ۲۳۶-** در تمام مواردی که غسل بر زن مستحاضه واجب می‌شود اگر غسل‌های

مکرر برای او ضرر دارد، یا مایهٔ مشقت زیاد است، می‌تواند به جای آن تیمم کند.

**مسئلهٔ ۲۳۷-** زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای اولین نماز باید

کارهای استحاضه را انجام دهد.

**مسئلهٔ ۲۳۸-** هر گاه نداند استحاضهٔ او قلیله است یا کثیره، بنابر احتیاط واجب باید قبل

از نماز، خود را واریسی کند، و اگر نمی‌تواند خود را واریسی کند، احتیاط آن است که هم وظیفهٔ استحاضهٔ کثیره را انجام دهد و هم قلیله، اما اگر حالت سابق او معلوم است که کثیره یا قلیله بوده، می‌تواند به وظیفهٔ همان حالت سابق ادامه دهد.

**مسئلهٔ ۲۳۹-** هر گاه زن مستحاضه بعد از نماز، خود را واریسی کند و خون نبیند، با

وضویی که دارد می‌تواند نماز دیگر را بخواند، هر چند بعد از مدتی دوباره خون بیاید.

**مسئلهٔ ۲۴۰-** هر گاه زن مستحاضه بداند پیش از گذشتن وقت نماز بکلی پاک می‌شود

و یا به اندازه خواندن نماز، خون قطع می‌گردد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند و هنگامی که پاک شد غسل کند، یا وضو بگیرد و نماز را بخواند.

**مسئله ۲۴۱-** مستحاضه باید بعد از غسل یا وضو فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز، بلکه انتظار جماعت به اندازه معمول، اشکال ندارد. و در نماز نیز می‌تواند مستحبات، مثل قنوت و مانند آن، را انجام دهد.

**مسئله ۲۴۲-** هر گاه خون به بیرون جریان دارد چنانچه برای او ضرر نداشته باشد، باید پیش از غسل و بعد از آن، بوسیله پنبه و مانند آن، از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر این کار مشقت زیاد دارد، لازم نیست.

**مسئله ۲۴۳-** هر گاه در موقع غسل خون قطع نشود، ضرری برای غسل ندارد، خواه ترتیبی باشد یا ارتماسی.

**مسئله ۲۴۴-** زن مستحاضه می‌تواند نماز قضا بخواند، ولی برای هر نماز بنابر احتیاط واجب باید یک وضو بگیرد، ولی برای خواندن نوافل روزانه، همان وضوی نماز واجب کافی است. همچنین برای تمام نماز شب یک وضو کفایت می‌کند، به شرط این که پشت سرهم بجا آورد.

**سؤال ۲۴۵-** آیا زن در ایام استحاضه می‌تواند قرآن تلاوت نماید؟

**جواب:** اگر وظائف مستحاضه را انجام دهد در حکم طاهر است، و همه عبادات را می‌تواند انجام دهد.

**سؤال ۲۴۶-** چه چیزهایی بر زن مستحاضه حرام است؟ به عنوان مثال، آیا آمیزش با او جایز است؟

**جواب:** در صورتی که غسل‌های خود را انجام دهد در حکم زن طاهر است.

**سؤال ۲۴۷-** تکلیف خانمی که چند ماه پی در پی لکه می‌بیند چیست؟ لازم به ذکر است که اطباء احتمال می‌دهند که این خونها مربوط به زخمهای درونی باشد.

**جواب:** مسأله دو صورت دارد، اگر ثابت شود که خون مربوط به زخم یا دمل است غسل ندارد، بلکه باید طبق معمول وضو بگیرد و نماز بخواند. و اگر خون مربوط به

عوارض رحم بوده باشد استحاضه است، چنانچه کم باشد، در حدود دیدن لکه‌های مختصر، باید برای هر نماز فقط وضو بگیرد و غسل ندارد، و باید بدن را بشوید و نماز بخواند. و اگر جریان دارد غسل واجب می‌شود (یک غسل برای نماز صبح، و غسل دیگر برای ظهر و عصر، و غسل سوم برای مغرب و عشا) و اگر غسل برای او ضرر یا مشقت شدید دارد می‌تواند تیمم کند.

**سؤال ۲۴۸ -** طلاق زن مستحاضه چه حکمی دارد؟ و با چه شرایطی صحیح است؟  
**جواب:** در صورتی که غسل‌های خود را انجام داده باشد، طلاق او در طهر غیر مواقع<sup>۱</sup> صحیح است.

**سؤال ۲۴۹ -** آیا زن مستحاضه می‌تواند داخل مسجد الحرام یا مسجد النبی شود، و یا در بقیه مساجد توقف داشته باشد؟ ورود او به حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام چه حکمی دارد؟  
**جواب:** در صورتی که غسل‌های خود را انجام داده باشد ورود و توقف در این مکانها برای او اشکالی ندارد.

**سؤال ۲۵۰ -** آیا استحاضه (همانند نفاس) اختصاص به زنان دارد، یا دوشیزگان هم مستحاضه می‌شوند؟ لطفاً توضیح دهید.

**جواب:** در این مسأله فرقی میان زنان متأهل و غیر متأهل نیست.

**سؤال ۲۵۱ -** اگر از مستحاضه کثیره به هنگام غسل، حدث اصغر سر بزند، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** غسلش صحیح است؛ ولی بعد از غسل باید وضو بگیرد.

**سؤال ۲۵۲ -** با توجه به درمان جدید یائسگی، و با عنایت به این که یائسگی یک بیماری تلقی می‌شود، و پزشک با زن یائسه به عنوان بیمار برخورد می‌کند، و داروهایی که به این بیماران داده می‌شود همان حیض و خونریزی‌های قبل از یائسگی را ایجاد می‌کند، و از آن جا که بعد از یائسگی تمام خون‌هایی که دیده می‌شود استحاضه محسوب می‌شود،

۱. منظور از «طهر غیر مواقع» این است که پس از پاک شدن از عادت ماهانه نزدیکی نکرده باشند. این حالت را طهر غیر مواقع می‌گویند، و طلاق در چنین حالتی صحیح است.

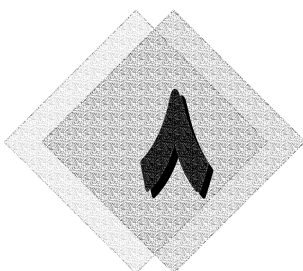
تکلیف فردی که از سنّ ۴۸ سالگی (سنّ طبیعی یائسگی) و گاهاً در سنّ ۲۰ سالگی یا کمتر یا بیشتر یائسه می‌شود، و تحت این درمان‌ها قرار می‌گیرد، چیست؟ از آن جا که یائسگی بیماری تلقّی می‌شود، و این فرد خود با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند، تکلیفش چیست؟ با توجّه به این که اگر استحاضه قرار دهیم، غسل‌های پی در پی گاهاً باعث زحمت زیاد می‌شود، آیا در صورت ضرر نداشتن آب می‌تواند، تیمّم کند؟ از آن جا که ۷۰ درصد زنان به این گونه احکام عمل نمی‌کنند، تکلیف این افراد چیست؟

**جواب:** راه حلّ اسلام در این زمینه آسان است. یائسگی مانند پیری نوعی سیر طبیعی عمر است، و نباید آن را بیماری دانست. هر چند تقویت کردن برای پیشگیری از عوارض آن خوب است. همان گونه که در سالخوردگان نیز مطلب چنین است. بنابراین، تمام کسانی که به سنّ پنجاه سال قمری می‌رسند، خون‌هایی که می‌بینند استحاضه است، مگر این که دارای تمام شرایط عادت ماهیانه باشد. و در مواردی که غسل کردن برای آنها ضرر یا مشقّت زیاد دارد، می‌توانند به جای آن تیمّم کنند، و نماز خود را بخوانند.

\*\*\*







## غسل جنابت

**سؤال ۲۵۳-** آیا زنان و دختران نیز محتلم می‌شوند؟ یا احتلام مخصوص مردان است؟  
**جواب:** در صورتی که به اوج شهوت جنسی برسند و رطوبتی از آنان خارج شود، که غالباً همراه با سستی بدن است، محتلم شده‌اند.

**سؤال ۲۵۴-** آیا آمیزش با وسائلی مانند «کاندوم» که از تماس مستقیم جلوگیری می‌کند و مانع ریختن نطفه می‌شود، نیز موجب غسل جنابت می‌شود؟  
**جواب:** آری موجب غسل جنابت است.

### نشانه‌های احتلام

**مسأله ۲۵۵-** اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر، چنانچه با «جستن» و «شهوت» بوده باشد آن رطوبت حکم منی دارد، و اگر این دو نشانه، یا یکی از آنها را نداشته باشد حکم منی ندارد، ولی در زن و مریض لازم نیست که با جستن بیرون آید، بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده (که غالباً همراه با سستی بدن است)، حکم منی دارد.

**سؤال ۲۵۶-** خانمها معمولاً ترشحات سفیدرنگی می‌بینند، آیا این ترشحات غسل دارد؟  
**جواب:** این ترشحات غسل ندارد، مگر با شرائطی که در مسأله اول این فصل بیان شد.

**سؤال ۲۵۷ -** مدتی است که عقد بسته‌ام و هنوز عروسی نکرده‌ایم. در مورد احتلام سؤالی داشتم که فکر می‌کنم این مشکل برای بسیاری از دخترانی که در شرایط من هستند مطرح باشد، و آن تشخیص «اوج شهوت جنسی است»، به هنگام ملاحظه و حتی به هنگام احوالپرسی با شوهرم مایعی از من خارج می‌شود، اما نمی‌دانم اوج شهوت جنسی هست، یا نه؟ به هر حال این مسأله برایم مبهم و مخصوصاً در ماه مبارک رمضان مشکل ساز شده است، بدین جهت سعی می‌کنم او را در طول ماه مبارک ملاقات نکنم، لطفاً حکم مسأله را کاملاً توضیح دهید.

**جواب:** مادام که شک دارید چیزی بر شما نیست.

**سؤال ۲۵۸ -** هر گاه در مورد احتلام شک حاصل شود، بویژه در مورد دختران که «اوج شهوت جنسی» برای اکثریت آنها قابل درک نیست، وظیفه چیست؟ آیا غسل واجب می‌شود؟

**جواب:** مادام که شک دارند غسل بر آنها واجب نیست.

**سؤال ۲۵۹ -** زنی پس از آمیزش با همسرش بلافاصله غسل می‌کند، و بعد از غسل باقیمانده منی از او خارج می‌شود، ولی نمی‌داند که از خود اوست، یا از شوهرش می‌باشد، آیا باید دوباره غسل کند؟

**جواب:** غسل لازم نیست.

**سؤال ۲۶۰ -** اگر رطوبتی از زن خارج شود که نداند منی است یا آب دیگر، آیا ملاحظه این رطوبت و تفحص درباره ماهیت آن لازم است؟ یا بدون مشاهده می‌تواند بگوید انشاءالله پاک است و غسل ندارد؟

**جواب:** اگر با مختصر بررسی روشن می‌شود باید بررسی کند، و الا لازم نیست.

### کارهایی که بر جنب حرام است

**تذکر:** مشروح کارهایی که بر جنب حرام است در بحث محرمات زن حائض گذشت؛ بدین جهت از تکرار آن صرفنظر می‌کنیم.

## کارهایی که بر جنب مکروه است

مسأله ۲۶۱ - شایسته است جنب چند چیز را ترک کند:

- ۱ و ۲. خوردن و آشامیدن؛ ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست.
۳. خواندن بیشتر از هفت آیه قرآن، حتی از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد.
۴. تماس بدن با جلد، حاشیه و فاصله سطور (و خط‌های) قرآن مجید و همراه داشتن آن.
۵. خوابیدن بدون وضو.
۶. رنگ کردن موها به حنا و مانند آن.
۷. مالیدن روغن و انواع کرمها به بدن.
۸. جماع کردن بعد از محتلم شدن.<sup>۱</sup>

سؤال ۲۶۲ - آیا کارکردن (مثل پخت و پز، یا شیردادن بیچه) قبل از غسل جنابت

کراهت دارد؟

جواب: امور مزبور کراهتی ندارد، هر چند بهتر است انسان در همه حال با طهارت باشد.

سؤال ۲۶۳ - آیا نوشتن آیات قرآن و اسماء متبرکه برای زن حائض یا جنب حرام است؟

جواب: اگر آن را لمس نکند حرام نیست، ولی بعید نیست مکروه باشد.

سؤال ۲۶۴ - در رساله توضیح المسائل فرموده‌اید: «خوردن و آشامیدن برای جنب

مکروه است» آیا منظور خوردن و آشامیدن مفصل مثل شام و ناهار است، یا خوردن و آشامیدنهای مختصر، مثل نوشیدن آب و چای، خوردن قرص و دارو و حتی چشیدن مزه غذا به هنگام آشپزی را هم شامل می‌شود؟

جواب: خوردن و آشامیدنهای جزئی مانند چشیدن غذا و امثال آن را شامل نمی‌شود.

سؤال ۲۶۵ - با توجه به این که قرائت بیش از هفت آیه برای جنب و حائض مکروه

است، آیا ترک این کار بهتر است، یا منظور این است که ثواب آن نسبت به زمانی که پاک است کمتر می‌باشد؟

جواب: یعنی ثواب آن کمتر است.

۱. یعنی اگر در خواب و مانند آن بی اختیار منی از او خارج شود و محتلم گردد، مکروه است قبل از غسل جنابت با همسر خود آمیزش کند، اما آمیزش با همسر برای بار دوم حتی قبل از غسل کراهت ندارد.

**سؤال ۲۶۶-** آیا آرایش کردن برای همسر در حال جنابت کراهت دارد؟  
**جواب:** اشکالی ندارد، مگر اینکه سبب انجام کار خلافی شود، البته رنگ کردن موها و مالیدن کرم به بدن در آن حالت کراهت دارد.

### احکام جنابت

**مسألة ۲۶۷-** مستحب است بعد از بیرون آمدن منی بول کند تا ذرات باقیمانده خارج شود، و اگر نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد و باید دوباره غسل کند.

**سؤال ۲۶۸-** آیا استبراء از منی، همانند استبراء از بول، مخصوص آقایان است، یا شامل خانمها نیز می شود؟ و به تعبیر دیگر آیا استبراء از منی برای زنان مستحب است؟  
**جواب:** احتیاط مستحب آن است که زنان نیز بوسیله بول کردن قبل از غسل استبراء کنند.

**سؤال ۲۶۹-** آیا زن پس از نزدیکی با شوهر و قبل از غسل باید صبر کند تا منی شوهر از او خارج شود؟ و اگر فوراً غسل کند و پس از غسل آب یا رطوبت مشکوکی از او خارج شود، تکلیفش چیست؟

**جواب:** غسل ندارد؛ ولی اگر یقیناً منی است باید خود را آب بکشد.

**سؤال ۲۷۰-** متأسفانه برخی از دختران دست به خودارضائی می زنند، و با حال جنابت و بدون انجام غسل، نماز می خوانند و روزه می گیرند و سایر کارهایی که نیاز به غسل جنابت دارد را بدون غسل انجام می دهند. لطفاً بفرمائید:

اولاً: خودارضایی چه حکمی دارد، و آثار آن چیست؟

ثانیاً: عبادتهایی که به شکل فوق انجام شده چه حکمی دارد؟

**جواب:** خودارضایی بدون شک حرام است<sup>۱</sup> و اگر کسی به آن دست بزند و در همان حال رطوبتی از او خارج شود واجب است برای نماز و روزه خود غسل کند، و اگر غسل نکرده باید اعمال خود را قضا کند.

۱. مشروح مباحث مربوط به این موضوع، و آثار زینبار آن، و راههای نجات از این بیماری بزرگ را در کتاب «مشکلات جنسی جوانان» و «پنج نکته مهم درباره خودارضایی» مطالعه فرمائید.

**سؤال ۲۷۱-** اگر نعوذ بالله به دختر یا پسری در کودکی تجاوز شده باشد، و پس از رسیدن به سن تکلیف متوجه وجوب غسل نباشد، تکلیف مدتی که با این حال نماز خوانده و روزه گرفته چیست؟

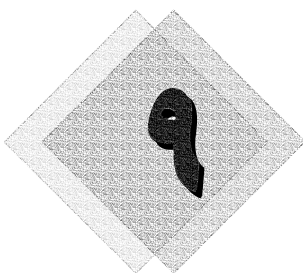
**جواب:** در صورتی که دخول حاصل نشده، یا مشکوک باشد، تکلیفی ندارد. و اگر یقین به دخول داشته باشد، باید روزه‌ها و نمازهای خود را اعاده کند.

**سؤال ۲۷۲-** اینجانب دختر ۱۶ ساله‌ای هستم، می‌خواستم نظر حضرت‌عالی را در مورد کوتاه نمودن موهای زائد بدن قبل از ازدواج جویا شوم؛ زیرا مادرم مرا از این کار منع می‌کند، ولی دبیران دینی و قرآن در مدرسه همواره به کوتاه نمودن موهای زائد سفارش می‌کنند، و می‌گویند: «بلند بودن این موها باعث باطل شدن غسل می‌گردد». حال وظیفه من چیست؟

**جواب:** کوتاه کردن موهای زائد بدن نه تنها اشکالی ندارد، بلکه کار خوبی است؛ ولی بودن و نبودن آن ضرری برای غسل ندارد، اما در مواردی که متعارف است دوشیزه‌ها موهای زائد را از بین نمی‌برند (مانند اصلاح ابرو و صورت) بهتر است مراعات عرف و عادت را بکنند.

\* \* \*





## غسل مسّ میّت

**مسأله ۲۷۳-** هر گاه بچّه چهار ماهه‌ای یا بیشتر مرده به دنیا بیاید، مادر او بنا بر احتیاط واجب باید غسل مسّ میّت کند.

**سؤال ۲۷۴-** مادری در شکم خود جنین مرده‌ای دارد، آیا لازم است جهت انجام فریضه نماز، غسل مسّ میّت انجام دهد؟ و در صورت لزوم، چون تماس با این جنین میّت دائمی است، آیا باید برای هر نماز غسلی بجا آورد، یا یک غسل تا خارج شدن جنین کفایت می‌کند؟ آیا در این مسأله تفاوتی میان جنین کامل و ناقص می‌باشد؟

**جواب:** در هیچ یک از این دو حالت غسل مسّ میّت بر او لازم نیست.

**سؤال ۲۷۵-** خانمی پدرمرحومش را قبل از غسل میّت و بعد از سرد شدن بدنش بوسیده، و سپس قبل از انجام غسل مسّ میّت دختر بچّه‌اش را نیز بوسیده است، آیا غسل مسّ میّت بر دخترش، که با واسطه با میّت تماس داشته، نیز لازم است؟

**جواب:** غسل مسّ میّت بر آن دختر واجب نیست.

### غسلهای مستحب

**مسأله ۲۷۶-** غسلهای مستحب در شرع مقدّس اسلام بسیار فراوان است، یکی از آنها

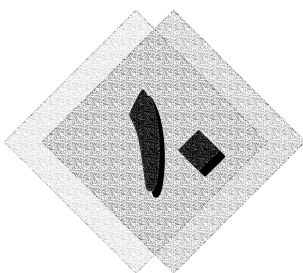
غسل زنی است که برای غیر شوهرش (سایر مردان) بوی خوش استعمال کرده است؛  
غسل بر چنین زنی مستحب است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

---

۱. در روایتی می‌خوانیم: «هر زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استفاده کند هیچ نمازی از او پذیرفته نمی‌شود، تا این که مانند غسل جنابت، غسل کند (یعنی برایش حالتی پیدا خواهد شد که برای بر طرف شدن آن همانند جنابت، نیاز به غسل دارد)». «عروة الوثقی، فصل فی الاغسال المستحبّه».





## برخی از احکام غسل

**سؤال ۲۷۷ -** آیا کیفیت غسل زنان با مردان متفاوت است، یا تفاوتی ندارد؟

**جواب :** تفاوتی ندارد.

**سؤال ۲۷۸ -** خالکوبی برای خانمها چه حکمی دارد؟ آیا ضروری به غسل و وضوی

آنها می‌زند؟

**جواب :** هرگاه ضرر خاصی نداشته باشد، و عکسهای موجب فساد اخلاق در آن

نباشد، جایز است. و در هر حال برای غسل و وضو مشکلی ایجاد نمی‌کند.

**سؤال ۲۷۹ -** خانمی سی و پنج ساله تمام غسلهایش را به شکل زیر انجام داده است:

«اول سمت راست بدن، سپس سمت چپ بدن، و در مرحله آخر سر و گردن را می‌شسته

است». و با همین وضع حج رفته و نماز خوانده و روزه گرفته است، اکنون چه

وظیفه‌ای دارد؟

**جواب :** عبادت‌های گذشته‌اش صحیح است؛ ولی در آینده ترتیب را رعایت کند.

**سؤال ۲۸۰ -** خانمهایی که گوش خود را برای گوشواره سوراخ می‌کنند، ولی فعلاً

گوشواره‌ای ندارند، آیا لازم است به هنگام غسل آب به داخل سوراخ ایجاد شده برسانند؟

برخی سعی می‌کنند با چوب کبریت و مانند آن آب به آن برسانند.

**جواب :** هرگاه دست به آن بکشند آن مقداری که آب به آن می‌رسد کافی است.

**سؤال ۲۸۱-** آیا رنگ مو، مش، لاک، ابروهای مصنوعی، فرمژه و مانند آن، برای غسل خانمها ضرر دارد و مانع محسوب می شود؟

**جواب:** هرگاه آب به پوست بدن و موها برسد کافی است.

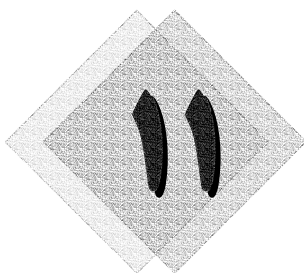
**سؤال ۲۸۲-** برخی از عروس خانمها برای این که آرایش آنها خراب نشود از غسل کردن و وضو گرفتن و در نتیجه نماز خواندن در شب اول عروسی خودداری می کنند، آیا این مسأله عذر شرعی محسوب می شود؟

**جواب:** این عذر کافی نیست.

**سؤال ۲۸۳-** متأسفانه شوهرم اهل پرداخت وجوهات شرعیّه نیست، و از این بدتر رباخوار است، و در نتیجه پول آب و برق و سایر مخارج منزل را از درآمدهای حاصل از ربا می پردازد، آیا غسل و وضوی ما با این وضعیت صحیح است؟ اگر صحیح نیست وظیفه ما چیست؟

**جواب:** خمس اموالی را که در آن تصرف می کنید به ذمه بگیرید، و هر زمان توانایی پیدا کردید، پردازید. و در مورد اموال آلوده به ربا، چنانچه مقدار آن را نمی دانید و صاحبش را نمی شناسید برای آن هم خمس را بر ذمه بگیرید، و هر موقع توانایی پیدا کردید پردازید، در این صورت اعمال شما صحیح و تصرفات شما جایز می باشد.

\*\*\*



## احکام مردگان

### مقدمه

«مرگ» از جمله قوانین جهان طبیعت است که هیچ استثنائی ندارد! و به تعبیر زیبای قرآن مجید «همه موجودات طعم آن را خواهند چشید» جالب این که آیه فوق، سه بار در قرآن مجید تکرار شده است.<sup>۱</sup>

و از سوی دیگر یکی از پر تجربه‌ترین امور زندگی هر انسانی همین «مرگ» است؛ چرا که از نزدیک، مرگ عزیزان خویش را مشاهده می‌کند، و با دست خود آنان را کفن نموده، سپس دفن می‌کند؛ ولی افسوس که بسیاری از انسانها در عمل مرگ را برای همسایه می‌دانند، و مردگان را مسافرانی می‌پندارند که چند صبحی دیگر باز خواهند گشت! و این علتی جز غفلت، که عامل بسیاری از مشکلات مادی و معنوی است، ندارد.

مطالعه احکام مربوط به مردگان یکی از راههای زدودن پرده غفلت است، به بخشی از این احکام توجه فرمائید:

**مسأله ۲۸۴ -** حضور زن حائض در نزد «محتضر» (یعنی کسی که در حال جان دادن است) و نیز تنها گذاشتن زنها نزد او را، از مکروهات شمرده‌اند.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۸۵؛ سوره انبیاء، آیه ۳۵؛ سوره عنکبوت، آیه ۵۷.

**مسألة ۲۸۵-** اگر میّت زن حامله باشد و هنوز بچّه در شکم او زنده است، و یا احتمال زنده بودن او را بدهند، باید پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند، سپس پهلو را بدوزند. و چنانچه دسترسی به اهل اطلاع بوده باشد، این کار را زیر نظر آنها انجام دهند.

**مسألة ۲۸۶-** برای غسل و کفن و نماز و دفن میّت باید از ولیّ او اجازه بگیرند، شوهر نسبت به زن خود از همه اولی است، سپس کسانی که از میّت ارث می‌برند، به ترتیبی که در ارث بیان شده، ولایت بر میّت دارند. و چنانچه در یک طبقه وارث مرد و زن باشد، احتیاط این است که از هر دو اجازه بگیرند.

### غسل میّت

**مسألة ۲۸۷-** مرد نمی‌تواند زن را غسل دهد، همچنین زن نمی‌تواند مرد را غسل دهد، مگر زن و شوهر که هر کدام می‌تواند دیگری را غسل دهد، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر ضرورتی نیست این کار را نکنند.

**مسألة ۲۸۸-** مرد می‌تواند دختر بچّه‌ای را که سنّ او از سه سال کمتر است غسل دهد، و زن هم می‌تواند پسر بچّه‌ای را که سه سال کمتر دارد غسل دهد.

**مسألة ۲۸۹-** اگر برای غسل دادن میّت مرد، مرد پیدا نشود زنانی که با او محرمند می‌توانند او را غسل دهند، همچنین اگر برای غسل دادن میّت زن، زن پیدا نشود مردهایی که با او محرمند می‌توانند او را غسل دهند، و بهتر است از روی لباس باشد.

**مسألة ۲۹۰-** هرگاه زن، میّت زن را غسل دهد، جایز است غیر از عورت بدن او را برهنه کند.

**سؤال ۲۹۱-** هرگاه برای غسل دادن میّت زن، زن پیدا نشود و مردهایی که با او محرمند بخواهند غسلش دهند، چگونه باید غسل دهند؟ آیا باید از روی لباس غسل دهند؟ یا می‌توانند بدنش را برهنه کنند؟

**جواب:** در مورد محارم لازم نیست از روی لباس غسل دهند، ولی باید عورت را بپوشانند.

**سؤال ۲۹۲-** هرگاه زن در حال حیض یا نفاس یا جنابت از دنیا برود، آیا علاوه بر غسل میت، برای امور مذکور نیز باید او را غسل دهند، یا همان غسل میت کافی است؟  
**جواب:** غسل میت کافی است.

### کفن و حنوط

**مسأله ۲۹۳-** کفن زن بر عهده شوهر اوست، هر چند از خودش مال داشته باشد. و زنی که طلاق رجعی گرفته، هرگاه پیش از تمام شدن عده بمیرد، کفن او نیز بر شوهر است.  
**سؤال ۲۹۴-** اگر شوهر قدرت تهیه کفن همسرش را نداشته باشد و خود زن نیز مالی نداشته باشد، هزینه کفن او بر عهده کیست؟ آیا بر عهده پدر و مادرش می باشد؟  
**جواب:** در صورتی که پدر و مادر قدرت داشته باشند احتیاط واجب آن است که کفن را بدهند، و اگر قدرت ندارند هزینه آن بر عهده بیت المال مسلمین است.

**سؤال ۲۹۵-** آیا کفن کردن با پارچه ابریشم خالص یا طلا بافت برای میت زن نیز اشکال دارد، یا فقط برای مردان مشکل است؟  
**جواب:** احتیاط واجب آن است که زن نیز در این گونه کفنها کفن نشود.

**سؤال ۲۹۶-** آیا در تعداد قطعه های واجب و مستحب کفن و نیز در کیفیت و چگونگی آن، تفاوتی بین میت مرد و زن وجود دارد؟  
**جواب:** در واجبات کفن تفاوتی نیست.

**مسأله ۲۹۷-** زنی که شوهرش مرده و هنوز در عده وفات است، حرام است خود را خوشبو کند، ولی اگر بمیرد حنوط او واجب است.

**سؤال ۲۹۸-** شرکت بانوان در تشییع جنازه چه حکمی دارد؟ آیا تفاوتی بین تشییع جنازه میت مرد و زن، و نیز تشییع جنازه بستگان نزدیک و غیر آن هست؟  
**جواب:** معروف در میان فقهاء کراهت شرکت زنان در تشییع است.

### نماز میت

**مسأله ۲۹۹-** نماز میت پنج تکبیر و چهار ذکر دارد که تنها در ذکر چهارم بین میت مرد

وزن تفاوت وجود دارد، و در بقيه مثل هم هستند. بنابراین هر گاه میت، زن باشد کافی است که بعد از تکبیر چهارم بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُدِهِ الْمَيِّتَ وَ اِذَا ذَكَرَ رَا بِكَوَيِدْ بَهْتَرِ اسْت: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أَمْتُكَ وَ ابْنَةُ عَبْدِكَ وَ ابْنَةُ أَمْتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهَا، اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللَّهُمَّ إِنَّ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَ إِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَ اغْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

**مسألة ۳۰۰-** مستحب است به امید ثواب پروردگار، امام جماعت یا کسی که فرادی نماز میت می خواند، اگر میت زن است مقابل سینه اش بایستد.

**مسألة ۳۰۱-** مستحب است به امید ثواب پروردگار، زن حائض، در صورتی که نماز میت را به جماعت می خواند، در یک صف تنها بایستد.

**سؤال ۳۰۲-** آیا زن مستحاضه کثیره که غسل خود را انجام نداده، و نیز زن نفساء در حکم زن حائض هستند، که باید در یک صف تنها بایستند؟ یا حکم فوق مخصوص زن حائض است؟

**جواب:** این حکم درباره حائض و نفساء است و شامل مستحاضه نمی شود.

## دفن

**مسألة ۳۰۳-** اگر زن کافری از دنیا برود و بچه در شکم او نیز بمیرد، چنانچه پدر آن بچه مسلمان باشد باید زن را در قبر به پهلو چپ پشت به قبله بخوابانند تا روی بچه به طرف قبله باشد، حتی اگر هنوز روح به بدن بچه داخل نشده باشد (یعنی هنوز حس و حرکت پیدا نکرده است)، بنا بر احتیاط واجب به همین دستور عمل کنند.

**سؤال ۳۰۴-** زن مسلمانی که بچه مسلمان هفت ماهه ای در شکمش بوده فوت کرده است، بعضی می گویند: «باید آینه ای در سمت پشت مادر قرار دهند، تا انعکاس صورت بچه نیز به طرف قبله باشد»، آیا این کار لازم است؟

**جواب:** روبه قبله بودن مادر کافی است، و گذاشتن آینه معنا ندارد.

**سؤال ۳۰۵ -** خانم حامله‌ای در اثر تصادف فوت نموده است. پس از فوت، پزشکی قانونی بچه‌ای را که چهار ماهش کامل شده و حتی جنسیت آن کاملاً قابل تشخیص بوده از شکم مادر بیرون آورده، و مجدداً آن را داخل شکم متوفی گذاشته و آن را بخیه نموده است. اکنون جهت تدفین آنها به چه شکلی باید عمل شود؟ آیا لازم است مجدداً بچه از شکم مادر خارج و به طور جداگانه غسل داده شود و کفن و دفن شود، یا به همان کیفیت همراه مادر دفن می‌گردد؟

**جواب:** به همان کیفیت در شکم مادر دفن می‌شود.

**مسئله ۳۰۶ -** هرگاه بچه‌ای در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسانترین راه ممکن او را بیرون آورند، حتی اگر ناچار شوند او را قطعه قطعه کنند، اشکال ندارد. این کار باید در درجه اول بوسیله شوهرش، اگر اهل فن است، و در درجه بعد توسط زنی که اهل فن است انجام شود. و اگر ممکن نیست از مرد محرمی که اهل فن است استفاده کنند، و در غیر این صورت، به ناچار باید از مرد نامحرمی که اهل فن است کمک بگیرند.

**مسئله ۳۰۷ -** هرگاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد، باید فوراً بچه را به وسیله کسانی که در مسئله پیش اشاره شد از هر طرفی که سالم بیرون می‌آید بیرون آورند، و دوباره شکم او را بدوزند؛ و حتی الامکان باید این کار زیر نظر اهل فن انجام گیرد، و اگر اهل فن نباشد پهلوی چپ را بشکافند و بچه را فوراً بیرون آورند.

**مسئله ۳۰۸ -** مستحب است به امید این که مطلوب پروردگار باشد هنگام دفن اگر میت زن است از طرف عرض بدن او را وارد قبر کنند، و به هنگام وارد کردن او، پارچه‌ای روی قبر بگیرند.

**سؤال ۳۰۹ -** چرا میت مرد را از طرف سر، و بدن میت زن را از طرف عرض جسد وارد قبر می‌کنند؟

**جواب:** این کار در مردان نوعی عبرت، و در زنان برای رعایت اصول عفت است.

**سؤال ۳۱۰ -** اگر میت زن است مستحب است به امید این که مطلوب پروردگار باشد کسی که با او محرم است او را در قبر بگذارد، و اگر محرم نباشد خویشانش او را در قبر بگذارند.

## نبش قبر

**مسأله ۳۱۱-** نبش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او، حرام است؛ هر چند طفل یا دیوانه باشد. و منظور از نبش قبر آن است که آن را طوری بشکافند که آثار بدن میت ظاهر شود؛ بنابراین اگر بدن ظاهر نشود اشکال ندارد، مگر این که موجب هتک و بی احترامی باشد؛ ولی نبش قبر در چند مورد حرام نیست، یکی از موارد آن، نبش قبر برای انجام یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، مثل این که بخواهند بچه زنده‌ای را از شکم زن حامله (که دفن شده است) بیرون آورند (البته روشن است که بچه، مدت کمی بعد از مادر ممکن است زنده بماند).

**سؤال ۳۱۲-** خواهرم فوت کرده و به جز من، که یک زن تنها و از کار افتاده هستم، کسی ندارد. به من وصیت کرده که بدنش را به کربلای معلی انتقال دهم و در آن سرزمین پاک و معطر از عطر شهدای کربلا دفن کنم، اکنون راه کربلا بسته است و مدتی است که بدن او را بدون دفن کردن در محلی به امانت گذاشته‌ام، آیا تأخیر در دفن بخاطر انجام وصیتش جایز است؟ آیا انتقال آن جسد از محلی که به امانت گذاشته‌ام نبش قبر محسوب نمی‌شود؟

**جواب:** احتیاط آن است که هر چه زودتر بدن او را دفن کنید.

**سؤال ۳۱۳-** دختر پانزده ساله‌ای در حادثه تصادف ماشینی از دنیا رفته، و او را به خاک سپرده‌اند. اکنون مدتی است که خویشاوندان و آشنایان وی، مخصوصاً خواهر بزرگترش، مرتباً او را در خواب می‌بینند که اصرار می‌کند بیایند او را ببرند؛ چون او زنده است. و آنقدر این خوابها تکرار شده که وضع روحی خانواده آن مرحومه را به مخاطره افکنده، و سلامتی آنها را مختل کرده است؛ آیا نبش قبر در این مورد جایز است؟

**جواب:** با توجه به ضرورت ناشی از نگرانی شدید این خانواده، و عدم صدق هتک احترام در مورد سؤال، و مراعات احتیاط (در انجام حداقل نبش لازم) جایز است.

**سؤال ۳۱۴-** شوهرم قبل از فوتش یک قبر دو طبقه در بهشت زهراء برای من و خودش تهیه کرد، ایشان سال قبل فوت کرد و در طبقه پائین آن قبر دفن شد، حال پس از فوت من، آیا شکافتن این قبر و دفن جسد من در طبقه اول آن جایز است؟

**جواب:** در صورتی که بدن سابق ظاهر نشود اشکالی ندارد.



## چند مسأله دیگر

**سؤال ۳۱۵ -** آیا جایز است زن در مرگ نزدیکان و عزیزانش صورت و بدن خود را بخراشد، و به خود لطمه بزند و یقه پاره کند؟

**جواب :** هیچ یک از امور فوق جایز نیست، ولی پاره کردن یقه تنها در مرگ پدر و برادر جایز است.

**مسأله ۳۱۶ -** هر گاه مرد در مرگ زن یا فرزند، لباس خود را پاره کند، یا زن در عزای میت صورت خود را بخراشد، بطوری که خون بیاید، یا موی خود را بکند، بنا بر احتیاط واجب باید مانند کفاره قسم را بدهد. (یعنی به ده فقیر غذا دهد، و یا آنها را بپوشاند)، بلکه اگر خون هم نیاید به این دستور عمل نماید.

**سؤال ۳۱۷ -** معمولاً خانمها به هنگام عزای اموات صدا را بلند می‌کنند، آیا این کار جایز است؟

**جواب :** احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت صدا را خیلی بلند نکنند و فریاد نکنند.

**سؤال ۳۱۸ -** آیا رابطه زناشویی زن و شوهر پس از مرگ بکلی قطع می‌شود؟ آیا مثلاً به عکس و فیلمهای بدون حجاب یکدیگر نمی‌توانند نگاه کنند؟

**جواب :** نگاه کردن به آن عکسها و فیلمها اشکالی ندارد؛ مگر این که برهنه باشند.

**سؤال ۳۱۹ -** در بعضی مناطق مرسوم است که زنها پس از مرگ شوهران، یا بستگان نزدیک خود، تا مدتی طولانی لباس مشکی می‌پوشند، صله رحم را ترک می‌کنند، و از منزل خارج نمی‌شوند، در مراسم شادی دیگران شرکت نمی‌کنند، به مسافرت نمی‌روند، سر و صورت خود را اصلاح نمی‌کنند، و حتی بعضی از آنها با این که جوان هستند دیگر ازدواج نمی‌کنند، این امور شرعاً چه حکمی دارد؟

**جواب :** ترک زینت در ایام عده وفات لازم است، ولی ترک زینت به معنی ترک نظافت نیست. و سزاوار است این زنان بعد از گذشتن عده ازدواج کنند؛ مگر این که مانعی داشته باشند، و ترک صله رحم نیز کار صحیحی نمی‌باشد.

**سؤال ۳۲۰ -** در سفری که به یکی از شهرهای استان خوزستان داشتم، در مجلس فاتحه دختر جوانی که قبل از ازدواج مرحوم شده بود، شرکت کردم. هنگامی که برای قرائت فاتحه بر سر مزارش حاضر شدم، در کمال بُهت و ناباوری شاهد اجرای موسیقی محلی، و حرکاتی شبیه رقص توسط برخی زنان و مردان گشتم، و لهذا سریعاً محل را ترک کردم. نظر حضرتعالی در مورد این مراسم چیست؟

**جواب:** این گونه کارها جایز نیست، و دور از شأن افراد با ایمان است، و سبب آزار روح میّت می شود.

\*\*\*

## مسائل نماز

### مقدمه:

نماز رابطه انسان با خدا و مایه صفای روح و پاکی دل و پیدایش روح تقوی و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است.<sup>۱</sup> نماز مهمترین عبادات است که طبق روایات «اگر قبول درگاه خدا شود عبادات دیگر نیز قبول خواهد شد، و اگر قبول نگردد اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد».<sup>۲</sup>

در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و وصایا و سفارشهای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام از مهمترین کارهایی که روی آن تأکید شده نماز است.<sup>۳</sup> بدین جهت ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می شود.<sup>۴</sup>

سزاوار است انسان نماز را اول وقت بخواند، و به آن اهمیت بسیار دهد، و از تند خواندن نماز، که ممکن است مایه خرابی آن گردد، جداً بپرهیزد. روح نماز «حضور قلب» است، بنابراین باید عوامل حضور قلب را در خود تقویت کند، مثل این که معانی کلمات نماز را بفهمد، و در حال نماز به آن توجه داشته باشد، و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گوید و خود را

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۲. مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در جلد ۸۰ بحار الانوار، صفحه ۲۰ و ۲۵، به این روایت اشاره کرده است.

۳. مشروح آیات و روایات مذکور را در بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۸۸ به بعد مطالعه فرمایید.

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸، باب ۱۱.

در مقابل عظمت و بزرگی خدا بسیار کوچک ببینند. و نیز کارهایی که ارزش نماز و حضور قلب را کم می‌کند انجام ندهد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول و در میان سروصدا و در برابر منظره‌هایی که جلب توجه می‌کند به نماز نایستند. کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند انجام دهد، لباس پاکیزه بپوشد، موهای خود را شانه بزند و مسواک کند و خود را خوشبو نماید و انگشتر عقیق به دست کند. امید است که خداوند مهربان همه ما را جزء نمازگزاران واقعی قرار دهد و عبادتهای ناقص ما را به فضل و کرمش قبول فرماید. به بخشی از احکام نماز توجه فرمایید:

### احکام اوقات نماز

**سؤال ۳۲۱-** خانم بچه داری که برای تطهیر لباسهایش مشکل دارد، آیا بهتر است که نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند، یا صبر کند تا در آخر وقت با لباس پاک بخواند، و بلافاصله نماز مغرب و عشاء را نیز با همان لباس پاک اقامه نماید؟ آیا مردی که وظیفه تربیت بچه خردسالی را بر عهده گرفته، نیز همین حکم را دارد؟

**جواب:** باید نمازها را در زمانی بخواند که می‌تواند با لباس پاک انجام دهد، و فرقی بین مرد و زن از این نظر نیست.

**سؤال ۳۲۲-** حضرت تعالی در مسأله ۶۸۲ رساله توضیح المسائل، یکی از راههای شناخت فرا رسیدن وقت نماز را «شهادت یک مرد عادل» شمرده‌اید، آیا «مرد» در این مسأله خصوصیت دارد، یا شهادت «زن» نیز کافی است؟

**جواب:** اگر شهادت زن نیز موجب اطمینان، یا ظن قوی شود، کافی است.

**سؤال ۳۲۳-** هرگاه شوهر در اول وقت نماز تقاضای تمکین کند، آیا اجابت تقاضای او مقدم است، یا انجام نماز اول وقت، که از مستحبات مؤکد است، و در روایات راجع به آن سفارش زیادی شده است؟<sup>۱</sup> و اگر زن به خواسته شوهر اعتنا نکند، و به نماز بپردازد، نمازش چه حکمی دارد؟

۱. شرح این مطلب را در کتاب «نماز اول وقت» مطالعه فرمایید.

**جواب:** اجابت شوهر مقدّم است، ولی اگر به نماز بپردازد گناه کرده، امّا نماز او باطل نیست.

**سؤال ۳۲۴ -** انجام نمازهای مستحبّی مقدّم است، یا اجابت در خواست شوهر؟ در نمازهای مستحبّی که وقت آن محدود است، به گونه‌ای که اگر دعوت شوهر اجابت شود وقت آن تمام می‌شود، کدام یک مقدّم است؟

**جواب:** اجابت دعوت شوهر (در صورتی که در حدّ معمول و معقول باشد) مقدّم است.

### پوشانیدن بدن در نماز

**مسأله ۳۲۵ -** زن باید در موقع نماز تمام بدن، حتّی سر و موی خود را، بپوشاند؛ ولی پوشاندن گردی صورت و دستها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست، امّا برای این که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده احتیاط این است که مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ را هم بپوشاند.

**مسأله ۳۲۶ -** برای زنان پوشانیدن موهای مصنوعی و زینتهای پنهانی (مانند دستبند و گردنبند) نیز لازم است.

**سؤال ۳۲۷ -** آیا پوشش زن در نماز باید طوری باشد که از هیچ طرف، بدن او دیده نشود؟ آیا پوشاندن زینت و زیورهای صورت و دست در نماز، در جایی که نامحرم نیست، لازم است؟

**جواب:** پوشاندن تمام بدن در نماز، به استثناء وجه و کفّین و پاها تا مچ، از چهار طرف لازم است و زینت آلات اگر روی لباس باشد برای نماز اشکال ندارد.

**سؤال ۳۲۸ -** نماز خواندن با مانتو و شلوار و روسری معمولی، یا بلوز و دامن و جوراب و روسری معمولی، به گونه‌ای که به جز گردی صورت و دستها تا مچ بقیّه بدن پوشیده باشد، چه حکمی دارد؟ اگر این لباسها زینتی باشد چطور؟

**جواب:** اشکالی ندارد، هر چند چادر حجاب برتر است، و در صورتی که لباس زینتی باشد، ولی در مقابل نامحرم نباشد، آن هم اشکالی ندارد.

**سؤال ۳۲۹-** استفاده از چادرهای نازک، که در برابر نور بدن نمایان می‌شود، برای نماز چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورتی که در آنجا نوری نباشد که بدن نمایان شود اشکالی ندارد.

**سؤال ۳۳۰-** چنانچه زن هنگام نماز، یا پس از آن، دریابد قسمتی از اندامش که پوشیدن آن لازم بوده، پوشیده نشده است، تکلیف چیست؟

**جواب:** نمازش صحیح است.

**سؤال ۳۳۱-** من در منزل معمولاً با لباس آستین کوتاه و دامن (بدون شلوار و روسری) به همراه چادر نماز می‌خوانم؛ ولی دو مطلب برایم موجب سؤال شده است، از شما ممنون خواهیم شد اگر جواب آن را بفرمائید:

**الف)** به هنگام رکوع قسمتی از ساق پا، و به هنگام سجده قسمتی از ساق دستم نمایان می‌شود، چه حکمی دارد؟

**ب)** گاهی از اوقات که می‌خواهم چادرم را مرتب کنم، قسمتی از بدنم که باید پوشیده باشد آشکار می‌شود، آیا این موارد جزئی نیز برای نماز اشکال دارد؟

**جواب:** آری ظاهر شدن ساق دست یا ساق پا و مانند آن اشکال دارد.

**سؤال ۳۳۲-** در جایی که شخص نامحرم به قصد تلذذ به دستها (تا میچ) و گردی صورت زن نمازگزار که زینت دارد، نگاه می‌کند، نماز خواندن بدون پوشاندن آنها چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که خود را در معرض دید نامحرم قرار ندهد.

**سؤال ۳۳۳-** در جایی که نامحرمی نیست، آیا زن می‌تواند با چهره‌ای کاملاً آرایش کرده (البته با رعایت حجاب لازم برای نماز) به نماز بایستد؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۳۳۴-** فلسفه پوشش و حجاب زن به هنگام نماز چیست؟ مگر خداوند جمیل و دوست دار زیباییها، از همه کس حتی شوهر به زن نزدیکتر نیست؟ پس چرا زن باید خود را در مقابل خداوند بیوشاند؟

**جواب:** زن باید بهترین و مناسب‌ترین لباس را در مقابل خداوند بپوشد، و بهترین لباس زن، حجاب کامل است. به علاوه این سبب می‌شود که در موارد دیگر حجاب را فراموش نکند.

**سؤال ۳۳۵-** آیا رعایت حجاب و پوشانیدن بدن در اعمال عبادی غیر از نماز، همانند تلاوت قرآن و دعاء، فضیلتی برای زن محسوب می‌شود؟  
**جواب:** دلیلی بر وجوب یا استحباب آن نداریم، ولی اگر مشکلی ایجاد نکند محترمانه‌تر محسوب می‌شود.

### شرایط لباس به هنگام نماز

**سؤال ۳۳۶-** شوهرم متأسفانه اهل خمس و وجوهات شرعیّه نیست، و تذکرات و نصیحت‌های من نیز تا کنون مؤثر نبوده است، با توجه به این که یکی از شرایط لباس نمازگزار این است که غضبی نباشد، نماز من با لباسهایی که از این پولها تهیّه می‌شود چه حکمی دارد؟

**جواب:** به شما و امثال شما اجازه می‌دهیم که در این لباسها تصرّف کنید و اگر می‌توانید وجوه شرعیّه آن را بپردازید. و اگر توانایی ندارید، به ذمه بگیرید و هر زمان موفق شدید بپردازید.

**مسأله ۳۳۷-** نماز خواندن با لباس طلا بافت برای مردان جایز نیست و نماز را باطل می‌کند، ولی برای زنان، در صورتی که اسراف نباشد، اشکالی ندارد. در غیر حال نماز نیز پوشیدن چنین لباسی برای مردان حرام است.

**مسأله ۳۳۸-** زینت طلا، مانند انگشتر طلا و یا ساعت مچی طلا و مانند آن، برای مردان حرام است، و نماز با آن باطل است، و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری شود، ولی همه اینها برای خانمها در نماز و غیر نماز جایز است.

**مسأله ۳۳۹-** پوشیدن لباسی که از ابریشم خالص است برای مردان حرام است، حتی عرقچین و بند شلوار، و نماز با آن باطل است. حتی آستر لباس نیز نباید از ابریشم خالص باشد، اما همه اینها برای خانمها، چه در حال نماز و چه در غیر نماز، جائز است.

**سؤال ۳۴۰-** چرا استفاده از طلا و ابریشم در نماز و غیر آن، برای مردان ممنوع و برای خانمها جایز است؟ فلسفه آن را بیان فرمائید.

**جواب:** زینت جزئی از زندگانی زنان است، و به همین دلیل اسلام اجازه استفاده از زینت حتی طلا و لباس ابریشمی (در حد معقول و دور از اسراف) را به آنها داده است.

**مسألة ۳۴۱-** احتیاط آن است که مرد لباس مخصوص زنان، و زن لباس مخصوص مردان را نپوشد، ولی نماز با آن اشکال ندارد.

**سؤال ۳۴۲-** پوشیدن شلوار، یا پیراهن مردانه، و سر کردن چفیه توسط بانوان چه حکمی دارد؟

**جواب:** احتیاط این است که چنین کاری نکنند.

**سؤال ۳۴۳-** منظور از این که فرموده‌اید: «پوشیدن لباس مخصوص مرد برای زن و بالعکس اشکال دارد»، چه نوع لباسی است؟ لطفاً توضیح دهید.

**جواب:** منظور لباسی است که در عرف عام می‌گویند لباس زنانه است (ولی هرگاه فسادى بر آن مترتب نشود حرام نیست).

**سؤال ۳۴۴-** بسیار اتفاق می‌افتد که زن در داخل منزل دمپایی شوهر یا شوهر دمپایی خانمش را می‌پوشد، آیا این کار اشکال دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد، بلکه لباسهای مخصوص هر کدام را نیز اگر دیگری بپوشد و مفاسدی بر آن مترتب نشود اشکالی ندارد، اما آنجا که فسادانگیز است حرام می‌باشد.

**سؤال ۳۴۵-** گاهی از اوقات در نمایش‌ها و تئاترهای مخصوص بانوان، که تمام بازیگرها زن هستند، زنانی که نقش مردها را بازی می‌کنند ناچارند لباس مردانه بپوشند، آیا در این صورت هم پوشیدن لباس مخصوص مردان اشکال دارد؟ یا این اشکال مخصوص جایی است که با چنین لباسی در جامعه ظاهر شود؟

**جواب:** آری آن هم اشکال دارد.

**سؤال ۳۴۶-** آیا منظور از لباس مخصوص زنان یا مردان، لباسهایی مانند روسری و مقنعه و چادر و دامن است که کاملاً مختص به زنان است، یا حتی کت و شلوار و بلوز و مانند آن،



که مرد و زن هر دو می‌پوشند، را نیز شامل می‌شود، هر چند شکل آنها متفاوت است؟  
**جواب:** در صورتی که شکل آنها متفاوت باشد جزء لباسهای اختصاصی محسوب می‌شود.

### برخی از مواردی که نجس بودن لباس یا بدن نمازگزار جایز است

**مسئله ۳۴۷-** یکی از موارد عفو، خون کمتر از درهم است (درهم به اندازه بند انگشت اشاره است)، که اگر در لباس یا بدن نمازگزار باشد، نماز خواندن با آن جایز است، به شرط این که از خون حیض، نفاس، استحاضه، خون سگ، خوک، مردار، خون حیوان حرام گوشت، و همچنین خون کافر نباشد (بنابر احتیاط واجب).

**سؤال ۳۴۸-** یکی از مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار جایز است لباسهای کوچک نمازگزار، مانند عرقچین و جوراب است، آیا جورابهایی بلند زنانه، که گاهی بجای شلوار از آن استفاده می‌شود، و نیز «کرس» مشمول این حکم می‌باشد؟  
**جواب:** جورابهایی بلند زنانه مشمول این حکم نیست، ولی مورد دوم مشمول همین حکم است.

**مسئله ۳۴۹-** یکی دیگر از موارد عفو، زنی است که پرستار بچه می‌باشد و نمی‌تواند برای نماز به آسانی لباس طاهر تهیه کند. هرگاه در شبانه روز یک مرتبه لباس خود را بشوید می‌تواند با آن نماز بخواند، هر چند لباسش با بول بچه نجس شود، ولی احتیاط آن است که لباس خود را برای اولین نمازی که به جا می‌آورد آب بکشد.

**مسئله ۳۵۰-** هرگاه بتواند با وسایلی (مثلاً با پوشکهای معمولی) جلوی سرایت نجاست بچه را بگیرد باید چنین کند، و نیز اگر لباسهای متعدّد دارد باید از لباس پاک استفاده کند.  
**سؤال ۳۵۱-** آیا در حکم فوق بین مادر بچه و زن دیگری که برای پرستاری بچه اجیر شده، تفاوتی وجود دارد؟ اگر مردی پرستاری چنین بچه‌ای را بر عهده بگیرد، آیا مشمول این حکم می‌شود؟

**جواب:** فرقی بین مادر و زنان دیگر، که پرستاری بچه را بر عهده دارند، نیست. ولی

اگر مرد پرستار باشد، احتیاط آن است که لباس و بدن خود را به هنگام نماز، در صورتی که عسر و حرج نداشته باشد، آب بکشد.

### برخی از مستحبات و مکروهات لباس نمازگزار

**سؤال ۳۵۲-** آیا کراهت لباس سیاه برای نماز، شامل چادر مشکی و همچنین عبای مشکی می‌شود؟

**جواب:** معروف کراهت لباس سیاه در نماز است، و دلیلی که برای آن ذکر شده زن و مرد، هر دو، را شامل می‌شود؛ ولی عبا و چادر مشکی از آن مستثنی است.

**سؤال ۳۵۳-** در مسأله ۷۹۰ رساله حضرتعالی آمده است که: «استعمال بوی خوش در لباس نمازگزار به امید ثواب مطلوب است». آیا برای زنی که در مسجد نماز می‌خواند، استعمال بوی خوش به هنگام نماز جایز است؟ مخصوصاً اگر بداند، یا احتمال دهد، که به هنگام بازگشت از مسجد به سوی خانه، بوی آن را مرد نامحرم استشمام می‌کند؟

**جواب:** در چنین صورتی احتیاط اجتناب است.

### مکان نمازگزار

**مسأله ۳۵۴-** زن باید در نماز، عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای سجده مرد کمی عقب‌تر باشد و الا نمازش باطل است، و در این حکم محرم و نامحرم تفاوتی ندارد، ولی اگر میان مرد و زن دیوار، یا پرده و مانند آن باشد، یا به اندازه ده ذراع (تقریباً ۵ متر) فاصله باشد اشکال ندارد و در مکان‌های شلوغ که اجرای این حکم مشقت دارد، رعایت آن لازم نیست.

**مسأله ۳۵۵-** اگر زن در کنار مرد، یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است، اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده باشد نماز او صحیح، و نماز دومی باطل است.

**سؤال ۳۵۶-** با توجه به این که شرط مذکور در دو مسأله بالا، در مسجدالحرام رعایت نمی‌شود، و زنها در ردیف مردها و گاهی جلوتر از آنها به نماز می‌ایستند، نماز طواف و سایر نمازهای واجب و مستحب آنها چه حکمی دارد؟

**جواب :** در آنجا اشکالی ندارد.

**سؤال ۳۵۷-** آیا بودن پرده و دیوار و مانند آن، بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزومی دارد؟

**جواب :** بودن پرده بهتر است، ولی واجب نیست، مشروط بر این که موازین شرعی رعایت شود.

**مسئله ۳۵۸-** بودن مرد با زن نامحرم در جای خلوت، که دیگری نمی‌تواند به آنجا وارد شود، اشکال دارد و احتیاط واجب ترک آن است، و نماز خواندن در آنجا نیز اشکال دارد. همچنین نماز خواندن در محلی که مجلس گناه است، مثل این که در آنجا شراب می‌نوشند، قمار می‌زنند، یا غیبت می‌کنند، اشکال دارد.

**مسئله ۳۵۹-** با توجه به این که تبلیغات اسلامی و آگاهی بر احکام، غالباً در مساجد انجام می‌شود برای زنها در صورتی که خود را از نامحرم بخوبی حفظ کنند بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است به مسجد بروند.

## اذان و اقامه

**سؤال ۳۶۰-** آیا اذان و اقامه مردان و زنان مانند هم است، یا تفاوت دارد؟

**جواب :** تفاوتی با هم ندارد؛ ولی اگر زن مایل باشد می‌تواند بجای اذان کامل، تنها چهار تکبیر و شهادتین را بگوید، و بجای اقامه، دو تکبیر و شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدهد.

**مسئله ۳۶۱-** در پنج مورد اذان ساقط می‌شود و بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترک کرد. یکی از آن موارد، نماز عصر و عشای زن مستحاضه است که باید بلافاصله آن را بعد از نماز ظهر یا مغرب بخواند.

**مسئله ۳۶۲-** اگر مرد اذان زن را بشنود اذان از او ساقط نمی‌شود، ولی اگر زن اذان مرد را بشنود از او ساقط می‌شود.

**مسأله ۳۶۳-** در جماعتی که مردان و زنان شرکت دارند، اذان و اقامه نماز جماعت را باید مرد بگوید، ولی در جماعت زنان، اذان و اقامه زنان کافی است.

### واجبات و مستحبات نماز

**سؤال ۳۶۴-** حکم نماز پیرزنی که در قرائت و اذکار نمازش غلطهای زیادی دیده می شود، و قدرت بر اصلاح و تصحیح آنها ندارد، چیست؟  
**جواب:** اگر قادر به یاد گرفتن نباشد، به همان شکل که می تواند بخواند.

**مسأله ۳۶۵-** شایسته است در حال ایستادن (به هنگام نماز) مردان کمی پاها را باز بگذارند، و زنان به هم بچسبانند.

**سؤال ۳۶۶-** بعضی از فقهاء معتقدند که خانمها به هنگام ایستادن در نماز، مستحب است دستها را روی سینه و آقایان روی رانها بگذارند. نظر حضرتعالی چیست؟  
**جواب:** بهتر است که زنها هم مطابق معمول دستها را بیندازند.

**مسأله ۳۶۷-** واجب است زنان حمد و سوره نماز «ظهر» و «عصر» را آهسته بخوانند، اما حمد و سوره نماز «صبح» و «مغرب» و «عشاء» را می توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آنها را بشنود، احتیاط مستحب آن است که آهسته بخوانند.

**سؤال ۳۶۸-** آیا در مقدار خم شدن برای رکوع، و نحوه گذاشتن دست بر روی زانو به هنگام رکوع، و جلو و عقب بودن زانو در این حال، بین زنان و مردان نمازگزار تفاوتی وجود دارد؟

**جواب:** احتیاط آن است که آنها هم دستها را بر سر زانو بگذارند.

**سؤال ۳۶۹-** آیا حضرتعالی علاوه بر مواضع هفتگانه، که به هنگام سجده باید بر روی زمین قرار گیرد، جاهای دیگری از بدن زنان مانند آرنجها را مستحب می دانید که بر زمین بگذارند؟

**جواب:** این کار به قصد رجا خوب است؛ ولی واجب نیست.

**مسأله ۳۷۰-** چند چیز در سجده به امید ثواب الهی مطلوب است:

از جمله این که به هنگام رفتن برای سجده، مردان اول دستها را بر زمین بگذارند و زنان اول زانوها را، و سپس به سجده روند.

**سؤال ۳۷۱-** آیا پس از سجده کیفیت خاصی برای نشستن خانمها مطلوب است؟  
**جواب:** بهتر است مطابق معمول بنشینند.

**سؤال ۳۷۲-** برخی از فقهاء فرموده‌اند: «بر مردها مستحب است که موقع بلند شدن اول دستها و سپس زانوها را از زمین بردارند، ولی خانمها بتدریج و راست بایستند، به صورتی که حجم بدن آنها کمتر ظاهر شود». نظر حضرتعالی چیست؟  
**جواب:** رعایت این کار خوب است.

**سؤال ۳۷۳-** آیا مستحب است که زنان به هنگام نماز زیور آلات خود را همراه داشته باشند؟  
**جواب:** این کار را به قصد رجاء انجام دهند.

### برخی از مبطلات نماز

**مسألة ۳۷۴-** یکی از مبطلات نماز باطل شدن وضو به هنگام نماز است؛ خواه عمداً باشد، یا سهواً، و یا از روی ناچاری؛ ولی خارج شدن خون از زن مستحاضه نماز را باطل نمی‌کند، به شرط این که به دستورات استحاضه عمل کرده باشد.

**مسألة ۳۷۵-** هر گاه مرد، یا زن نامحرم، و حتی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نمازگزار یا غیر نمازگزار سلام کند، جواب او واجب است.

**سؤال ۳۷۶-** اگر مرد نامحرمی به زن نمازگزار سلام کند، آیا جوابش واجب است؟  
**جواب:** آری واجب است.

**سؤال ۳۷۷-** خانمی عادت دارد که همواره آدامس بجود، حال اگر در حال نماز فراموش کند که آدامس در دهان اوست، یا عمداً آدامس را بیرون نیندازد (البته آدامسی که مزه‌ای ندارد) آیا نمازش باطل است؟ بطور کلی اگر زنی در حال نماز آدامسی که شیرینی آن از بین رفته را در دهان داشته باشد ولی نخورد، نمازش چه حکمی دارد؟ و اگر بجود چطور؟  
**جواب:** عمداً این کار را نکند، مگر این که در گوشه دهانش باشد و آن را نجود.

**نماز مسافر**

**سؤال ۳۷۸-** مسافرت زن بدون اجازه شوهر چه حکمی دارد؟ نماز و روزه اش در سفر چگونه است؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که با اجازه شوهر باشد، مگر در سفرهای ضروری و واجب که اجازه شوهر شرط نیست.

**سؤال ۳۷۹-** آیا زن در وطن تابع شوهر است؟

**جواب:** اگر قصد زن تبعیت از شوهر بوده باشد، از نظر وطن تابع است.

**سؤال ۳۸۰-** آیا خروج الزامی زن از وطن، به تبعیت از شوهر، اعراض محسوب می شود، یا بستگی به قصد و نیت او دارد؟

**جواب:** بستگی به قصد و نیت خود زن دارد؛ چنانچه امیدوار باشد که شوهر را باز گرداند اعراض نیست، و اگر امیدی ندارد اعراض قهری حاصل است.

**سؤال ۳۸۱-** آیا اعراض قهری برای زنی که قصد جدایی و طلاق از همسرش ندارد، و همسرش نیز تصریح کرده که به وطن زوجه اش برای سکونت، هر چند موقت، نمی رود، حاصل شده، یا آنجا هنوز وطن اوست؟

**جواب:** این، مصداق اعراض قهری است.

**سؤال ۳۸۲-** دختری شوهر کرده و در شهر دیگری، که بیش از چهار فرسخ شرعی از وطنش فاصله دارد، در منزل شوهرش زندگی می کند، حکم نماز و روزه اش به هنگامی که برای صلۀ رحم به زادگاهش باز می گردد و کمتر از ده روز می ماند چیست؟ اگر دختر ملکی در زادگاهش داشته باشد، آیا در حکم مسأله اثر دارد؟

**جواب:** اگر دختر تصمیم دارد با شوهر خود در شهر دیگری زندگی کند و قصد بازگشت برای اقامت مستمرّ به شهر پدری ندارد، نماز و روزه اش شکسته است؛ زیرا اعراض حاصل شده است. و داشتن و نداشتن ملک تأثیری در این حکم ندارد.

**سؤال ۳۸۳-** زنی به عقد دائم مردی، که اهل شهرستان دیگری می باشد، درآمده است، ولی هنوز عروسی نکرده اند. آیا قبل از شروع زندگی مشترک، شهرستان شوهر وطن زن نیز محسوب می شود؟

**جواب:** وطن او محسوب نمی‌شود.

**سؤال ۳۸۴-** حدود بیست سال است که ازدواج کرده و از وطن به شهر محل سکونت شوهرم آمده‌ام، و هنوز مشخص نیست که برای زندگی مستمر به زادگاهم بر خواهم گشت، یا نه؟ آیا اعراض قهری حاصل شده است؟ بطور کلی چند سال دوری از وطن، یا اقامتگاه سابق، اعراض قهری محسوب می‌شود؟

**جواب:** این گونه موارد، و حتی کمتر از آن، اعراض قهری محسوب می‌شود؛ حتی اگر پنج سال بطور کلی از وطن خود جدا شود اعراض قهری به شمار می‌رود.

### نماز جماعت<sup>۱</sup>

**مسأله ۳۸۵-** یکی از شرایط نماز جماعت، نبودن حایل و مانع میان امام و مأموم، و نپیمان مأمومین نسبت به یکدیگر است، اما اگر مأموم زن باشد حایل میان او و مردان مانعی ندارد. **سؤال ۳۸۶-** آیا دیوار حائل بین صفوف بانوان و آقایان، قاطع صفوف نماز جماعت می‌باشد؟ **جواب:** در صورتی که دیوار به قدری بلند نباشد که دو محل را از هم جدا کند، و در واقع همه آنها زیر یک سقف نماز بخوانند، اشکال ندارد.

**سؤال ۳۸۷-** در مسجد جامع شهر ما بین قسمت نماز خواهران (طبقه بالا) و قسمت برادران (طبقه پایین) دیواری به ارتفاع حدود هفتاد و عرض چهل سانتی متر حائل است. آیا این مقدار، مانع اتصال صفوف خواهران و برادران می‌شود؟

**جواب:** چنانچه خواهران هنگام ایستادن مقداری از صفوف جماعت را مشاهده کنند، و هر دو محل یکی حساب شود، مانعی ندارد.

۱. نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعائر اسلامی است. و در روایات تأکید فوق العاده‌ای نسبت به آن شده است. برای همسایه مسجد، یا کسی که صدای اذان مسجد را می‌شنود بیشتر سفارش شده، و سزاوار است انسان تا می‌تواند نمازش را با جماعت بخواند.

در روایتی آمده است که: «اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت آن ثواب ۱۵۰ نماز را دارد، و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعت آن، ثواب ۶۰۰ نماز، و هر قدر عدد نمازگزاران بیشتر شود ثواب نمازشان بیشتر خواهد شد، و هرگاه عدد آنان از ده نفر بگذرد، اگر تمام آسمانها کاغذ، و تمام دریاها مرکب، و درختها قلم، و ملائکه و انسانها و جنیان نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.» (بحار الانوار، چاپ بیروت، جلد ۸۵، صفحه ۱۴، حدیث ۱۶)

**مسألة ۳۸۸-** اگر مأوم مرد است امام هم باید مرد باشد؛ ولی امامت زن برای زنان (با وجود سایر شرائط) مانعی ندارد.

**مسألة ۳۸۹-** زن مستحاضه، بنابر احتیاط واجب، حق ندارد امام جماعت بانوان شود.

**مسألة ۳۹۰-** مستحب است به امید ثواب الهی، امور زیر در جماعت رعایت شود:

**الف)** اگر مأوم یک زن است و امام جماعت مرد است، مأوم در طرف راست امام بایستد، بطوری که جای سجده‌اش مساوی زانو یا قدم امام باشد. و اگر یک مرد و یک زن، یا یک مرد و چند زن باشند، مرد در سمت راست امام، و بقیه پشت سر امام می‌ایستند. و اگر چند مرد یا چند زن باشند، همه پشت سر امام می‌ایستند. و اگر چند مرد و چند زن باشند، مردها پشت سر امام، و زنها پشت سرمردها بایستند.

**ب)** اگر امام و مأوم هر دو زن باشند در یک صف می‌ایستند؛ ولی امام کمی جلوتر می‌ایستد.

**سؤال ۳۹۱-** طی پرسشنامه‌ای که بین دانشجویان این دانشگاه توزیع گشت، سؤالاتی در

مورد نماز جماعت دانشگاه مطرح شد، از پاسخ‌های جمع آوری شده معلوم شد که اهمیت نماز جماعت و شرکت در آن در مساجد، برای خانمها محل سؤال می‌باشد. مثلاً بعضی از خانمها بر این باورند که: «مستحب است زنان نماز خود را در خانه بجای آورند». یا «نماز جماعت آن قدر که برای آقایان ثواب دارد، برای خانمها ثواب ندارد». این قبیل تفکرات مانع حضور برخی از خانمها در نماز جماعت شده است. لطفاً نظر مبارک را پیرامون مطالب فوق بیان فرمائید.

**جواب:** در شرایط فعلی برای زنان نیز مستحب است که نماز خود را در مسجد و با

جماعت بخوانند، و مطمئناً ثواب زیادی دارد.

## نماز جمعه

**مسألة ۳۹۲-** نماز جمعه تنها توسط مردان منعقد می‌شود؛ ولی زنان هم می‌توانند در آن

شرکت کنند.

**سؤال ۳۹۳-** آیا در صورت حصول شرایط وجوب نماز جمعه، این نماز بر زنان نیز

واجب می‌شود؟



**جواب:** واجب نیست؛ ولی شرکت آنها در نماز جمعه، مخصوصاً در زمان ما، کار خوبی است.

**سؤال ۳۹۴ -** آیا شرکت بانوان در نمازهای جمعه و جماعت کراهت دارد؟

**جواب:** شرکت آنها در جمعه و جماعات، با توجه به عناوین ثانویه در عصر و زمان ما، اولی و بلکه گاهی لازم است.

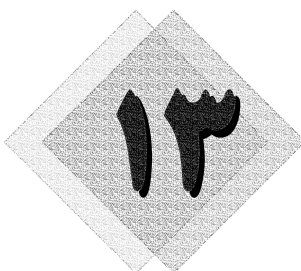
**مسئله ۳۹۵ -** امامت زنان در نماز جمعه جایز نیست؛ هر چند در نمازهای دیگر، برای خودشان جایز باشد.

**مسئله ۳۹۶ -** زنان می‌توانند در نماز جمعه شرکت کنند، و نمازشان صحیح و مجزی از نماز ظهر است؛ اما به تنهایی (بدون شرکت مردان) نمی‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند، همانگونه که نمی‌توانند مکمل (حدّ اقل) عدد لازم (۵ نفر) باشند، بنابر احتیاط واجب.

**سؤال ۳۹۷ -** آیا زن بدون اجازه شوهرش می‌تواند در نماز جمعه، دعای کمیل و راهپیمائی‌های اسلامی، شرکت نماید؟

**جواب:** خروج زن از منزل برای انجام واجبات، مثل تشرّف به حجّ واجب، و مراجعه به دکتر، و صلّه رحم به مقدار لازم، و شرکت در جلسات در مواردی که اگر به مجالس دینی و مساجد نرود، از اسلام دور می‌ماند، و تعالیم لازمه اسلامی را فرا نمی‌گیرد، و اخلاق اسلامی را ترک می‌کند، یا در آن ضعیف می‌شود، منوط به اجازه شوهر نیست؛ بلکه در چنین شرائطی شرکت در مراسم مزبور، برای بانوان مانعی ندارد، هر چند شوهر راضی نباشد.





## احکام روزه

### مقدمه

روزه یکی از عبادت‌های مهم اسلامی است که در هر سال تنها به مدت یک ماه، ماه مبارک رمضان، بر مسلمانان واجب می‌شود. و یکی از بهترین روش‌های خودسازی و تهذیب نفس است.

روزه از معدود عباداتی است که گناه بزرگ ریا و خودنمائی نمی‌تواند در آن نفوذ کند؛ زیرا شخصی که اهل روزه است و لیاقت بار یافتن به این ضیافت الهی را دارد هرگز به غیر از خدا به دیگری فکر نمی‌کند، و شخصی که لیاقت این عبادت بزرگ را ندارد و اهل روزه نیست، بلکه اهل ریا و خودنمائی است، لازم نیست روزه بگیرد و تظاهر کند، بلکه بدون این که روزه بگیرد بدروغ خود را روزه دار نشان می‌دهد! روزه از ارکان پنجگانه اسلام<sup>۱</sup>، ابزار رسیدن به تقوی<sup>۲</sup>، سپر آتش جهنم<sup>۳</sup>، موجب سلامتی انسان<sup>۴</sup>، و خلاصه یکی از بهترین ابزار ترقی و قرب الی الله است.

### کارهایی که روزه را باطل می‌کند

مسأله ۳۹۸ - جویدن غذا برای بچه و همچنین چشیدن غذا و مانند آن و شستشوی

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸ (باب دعائم الاسلام، ح ۱ و ۳ و ۵).

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۳. ۳. میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۲۲۸، باب ۲۳۵۳.

۴. میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۲۲۸، باب ۲۳۵۴.

دهان با آب یا دارو، اگر چیزی از آن فرو نرود روزه را باطل نمی‌کند. و اگر بدون اراده به حلق برسد اشکالی ندارد، ولی اگر از اول بداند بی‌اختیار به حلق می‌رسد روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره دارد.

**مسألة ۳۹۹-** اگر شخص جُنُب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است؛ ولی اگر توانایی بر غسل ندارد، یا وقت تنگ است، باید تیمم نماید، اما اگر از روی عمد نباشد روزه‌اش صحیح است. و زنی که از حیض یا نفاس پاک شده، و تا اذان صبح غسل نکرده، در حکم کسی است که باقی بر جنابت مانده است.

**سؤال ۴۰۰-** آیا باطل شدن روزه به خاطر بقاء بر حیض و نفاس، مخصوص روزه ماه مبارک رمضان و قضای آن است، یا شامل تمام روزه‌ها می‌شود؟

**جواب:** در صورتی که از حیض و نفاس پاک شده باشد، ولی هنوز غسل نکرده است، روزه ماه رمضان و قضای آن در چنین حالتی اشکال دارد، و غیر آن اشکال ندارد، ولی اگر هنوز از حیض یا نفاس پاک نشده، روزه برای او جایز نیست.

**مسألة ۴۰۱-** اگر در ماه مبارک رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود، و برای غسل وقت نداشته باشد و تیمم کند، روزه‌اش صحیح است؛ اما اگر برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، باید بعداً غسل کند و روزه او نیز صحیح است.

**مسألة ۴۰۲-** اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود نمی‌تواند روزه بگیرد، همچنین اگر در اثناء روزه، خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد.

**مسألة ۴۰۳-** اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود، و در غسل کردن کوتاهی کند، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است؛ ولی چنانچه کوتاهی نکند، مثلاً منتظر باشد که حمام باز شود، یا آب حمام گرم شود، و تا اذان غسل نکند، در صورتی که تیمم کرده باشد روزه او صحیح است.

**سؤال ۴۰۴-** اگر زنی که در حال حیض یا نفاس بوده پس از پاک شدن غسل را فراموش کند، و تا آخر ماه مبارک رمضان به همین شکل روزه بگیرد، و غسل واجب یا مستحب دیگری هم نکرده باشد، روزه‌هایش چه حکمی دارد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که روزه‌ها را قضا کند، ولی کفاره ندارد.

**مسأله ۴۰۵-** زنی که در حال استحاضه است باید غسل خود را، به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد، به جا آورد و روزه او صحیح است.

**سؤال ۴۰۶-** در ماه مبارک رمضان به بیماری مخصوص خانمها گرفتار شدم، به دکتر متخصص مراجعه کردم، دکتر نوعی کرم جهت استعمال درون رحم تجویز کرد، من مجبورم این کار را با وسیله مخصوصی انجام دهم، آیا این کار مشمول حکم تنقیه (اماله کردن) است که روزه را باطل می‌کند؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۴۰۷-** بتازگی خداوند فرزندی به من عنایت کرده است، با توجه به این که فرزند اوّل من است به هنگام شستن کهنه هایش حالت تهوع و قی کردن به من دست می‌دهد، و گاهی نیز قی می‌کنم، اگر در حال روزه این حالت پیش آید چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورتی که عمداً این کار را نکنید اشکالی ندارد.

### برخی از مکروهات روزه

**مسأله ۴۰۸-** چند کار برای روزه دار مکروه است، از جمله:

الف) سرمه کشیدن، در صورتی که مزّه یا بوی آن به حلق برسد.

ب) نشستن زن در آب، بنا بر احتیاط.

**سؤال ۴۰۹-** آیا مداد کشیدن برای خانمهای روزه دار، در حکم سرمه کشیدن است و مکروه می‌باشد؟ بطور کلی استفاده از لوازم آرایش برای زنان روزه دار چه حکمی دارد؟

**جواب:** این کار موجب بطلان روزه نیست، ولی بعید نیست که هر چیزی که کار سرمه را کند کراهت داشته باشد. و سایر آرایشها در صورتی که خفیف باشد اشکالی ندارد.

### قضا و کفاره روزه

**مسأله ۴۱۰-** هرگاه روزه خود را عمداً باطل کند، بعد به مسافرت برود، کفاره از او ساقط

نمی‌شود، ولی اگر عمداً روزه خود را باطل کند بعد عذری مانند حیض، یا نفاس، یا بیماری برای او پیدا شود، کفاره بر او واجب نیست.

**مسأله ۴۱۱-** هرگاه زن روزه دار شوهر روزه دار خود را مجبور به جماع کند، فقط یک کفاره بر او واجب است، و لازم نیست کفاره شوهر را بدهد.

**سؤال ۴۱۲-** وظیفه خانمی که سال اول تکلیف روزه اش را خورده، چیست؟  
**جواب:** کفاره ندارد، خواه جاهل مقصر بوده یا قاصر، ولی اگر عمداً و آگاهانه روزه نگرفته کفاره دارد، و در تمام صورتهای مسأله، قضا لازم است.

**مسأله ۴۱۳-** کسی که به واسطه بیماری، یا حیض، یا نفاس، روزه ماه رمضان را نگیرد، و پیش از پایان ماه رمضان از دنیا برود، لازم نیست روزه هایی را که نگرفته برای او قضا نمایند.

### زنانی که روزه بر آنها واجب نیست

**مسأله ۴۱۴-** روزه گرفتن بر زنان بارداری که وضع حمل آنها نزدیک است و روزه برای حمل آنها ضرر دارد واجب نیست، ولی باید برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم یا جو یا مانند آن به فقیر بدهند،<sup>۱</sup> اما اگر روزه برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و کفاره هم ندارد، ولی بعداً قضا می کند.

**سؤال ۴۱۵-** از مسأله ۱۴۵۳ رساله حضرت تعالی (مسأله فوق) استفاده می شود که اگر روزه گرفتن برای حمل زنان باردار ضرر داشته باشد روزه بر این دسته از خانمها واجب نیست و بعداً قضا نیز ندارد، و فقط باید کفاره مد طعام بدهند. آیا چنین برداشتی صحیح است؟  
**جواب:** صحیح نیست؛ منظور این است که علاوه بر قضا، کفاره مد طعام نیز دارد.

**مسأله ۴۱۶-** زنانی که بچه شیر می دهند، خواه مادر بچه باشند یا دایه، اگر روزه گرفتن باعث کمی شیر آنها و ناراحتی بچه شود روزه بر آنها واجب نیست؛ ولی برای هر روز همان کفاره (یک مُد طعام) واجب است، بعداً نیز باید روزه را قضا کنند؛ اما اگر روزه برای خودشان ضرر داشته باشد، نه روزه واجب است و نه کفاره، ولی بعداً باید روزه هایی را که نگرفته اند قضا نمایند.

**مسأله ۴۱۷-** اگر کسی پیدا شود که بدون اجرت، بچه را شیر دهد، یا شخصی پیدا شود

۱. بهتر آن است که بجای گندم و جو، نان را انتخاب کند. و در این صورت احتیاط واجب آن است که نان به اندازه ای باشد که گندم خالص آن ۷۵۰ گرم باشد.

که اجرت دایه را بی ممت بپردازد، در این صورت روزه گرفتن واجب است.

**سؤال ۴۱۸-** زنی ۶۳ ساله هستم که شش بچه به دنیا آورده‌ام، در دوران حاملگی و شیر خواری بچه‌هایم (حدود ۱۲ سال) نتوانستم روزه بگیرم، پس از آن نیز تاکنون هر وقت خواستم روزه بگیرم دچار خونریزی معده شده، و با توصیه پزشکان روزه نگرفته‌ام، حال تکلیف بنده چیست؟

**جواب:** در حال حاضر شما مکلف به روزه نیستید، و احتیاط آن است که اگر قدرت دارید برای هر روز به اندازه یک مد طعام به شخص مستحقّی بدهید، همچنین نسبت به ایام گذشته که روزه نگرفته‌اید و تا سال بعد هم توانائی بر روزه نداشته‌اید.

**سؤال ۴۱۹-** دختری که به سنّ بلوغ رسیده، ولی به واسطه ضعف جسمانی توان روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان ندارد، و بعد از ماه مبارک هم تا سال بعد نمی‌تواند قضا کند، حکمش چیست؟

**جواب:** باید کفّاره مدّ طعام بدهد؛ یعنی برای هر روز معادل ۷۵۰ گرم گندم، یا مانند آن، به فقیر بدهد و قضای این روزه‌ها بر او واجب نیست.

**سؤال ۴۲۰-** کفّاره مذکور در سؤال قبل بر عهده کیست؟ خود دختر، یا پدرش، یا شوهر آینده‌اش؟

**جواب:** کفّاره بر عهده خود اوست؛ هر گاه مالی داشته باشد.

## روزه‌های حرام و مستحب

**مسأله ۴۲۱-** روزه گرفتن زن (روزه مستحبّی) در صورتی که حقّ شوهرش از بین برود بدون اجازه او جایز نیست، و اگر حقّ او از بین نرود نیز بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه شوهر باشد.

**مسأله ۴۲۲-** برای زنانی که در بین روز از عادت ماهانه یا نفاس پاک می‌شوند مستحبّ است اعمالی که روزه را باطل می‌کند ترک کنند، هر چند روزه بر آنها واجب نیست.





## احکام اعتکاف

### مقدمه

اعتکاف یک برنامه مهم خودسازی است که انسان را در مدت چند روز به کلی از مظاهر مادی دنیا جدا می‌سازد، و در یک عالم روحانی و معنوی غرق می‌کند، و او را به نگرستن مجدد به برنامه‌های اخلاقی و خودسازی و توبه از گناه و محاسبه و مراقبه وادار می‌دارد، و در مجموع یک تولد ثانوی محسوب می‌شود. شایسته است مسلمانان از آن بهره گیرند، و این سنت اسلامی را زنده نگه دارند.<sup>۱</sup>

**سؤال ۴۲۳ -** آیا اعتکاف اختصاص به مردان دارد، یا زنان نیز می‌توانند معتکف شوند؟

**جواب:** فرقی بین زنان و مردان در استحباب اعتکاف نیست.

**سؤال ۴۲۴ -** آیا در اعتکاف زن و فرزند، اجازه شوهر و ولی لازم است؟

**جواب:** زن بنا بر احتیاط واجب باید از همسرش اجازه بگیرد؛ ولی فرزندان بالغ احتیاج به اجازه ولی ندارند.

**سؤال ۴۲۵ -** اگر مردی به همسرش اجازه اعتکاف بدهد، ولی در روز سوم پشیمان شود، تکلیف زن چیست؟ اگر کفاره واجب شود بر عهده کیست؟

**جواب:** زن اعتکاف را تا آخر ادامه می‌دهد.

۱. شرح مسائل مربوط به اعتکاف را در کتاب «اعتکاف، عبادتی کامل» مطالعه فرمایید.

**سؤال ۴۲۶-** در جواب سؤال ۴۹۹ کتاب استفتائات جدید، جلد دوم، آمده است: «بوئیدن عطریات و بوهای خوش، هر چند به قصد لذت نباشد، برای معتکف حرام است». با توجه به این مسأله، و با توجه به این که غالب مواد آرایشی بانوان دارای بوی خوش است، آرایش نمودن زن معتکف چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکال دارد.

**سؤال ۴۲۷-** اگر زن معتکف را طلاق رجعی دهند، تکلیفش چیست؟  
**جواب:** اعتکافش باطل می شود، و باید برای ادامه عده به خانه شوهر برود؛ زیرا زن در مدت عده طلاق رجعی، نباید از خانه شوهر خارج شود.

\* \* \*

## احکام خمس

### مقدمه

خمس یکی از عبادات مالی است که تحت شرایط ویژه بر افراد خاصی واجب می‌شود. خمس پشتوانه مطمئن و مناسبی برای بیت المال مسلمین می‌باشد. خمس قسمتی از خلأ اقتصادی موجود در جامعه اسلامی را پر نموده، و بودجه مورد نیاز فعالیت‌هایی که جنبه دینی دارد را تأمین می‌کند.<sup>۱</sup> به بخشی از احکام خمس توجه فرمایید:

**سؤال ۴۲۸ -** آیا تعیین سال خمسی اختصاص به مردها دارد، که به عنوان نان آور و مدیر خانواده هستند، یا شامل زنان خانه داری که تحت سرپرستی مردها به سر می‌برند و عایدات جزئی دارند نیز می‌شود؟ در صورتی که جواب مثبت است، آیا نحوه محاسبه خمس اموال آنان با مردان متفاوت است؟

**جواب :** هر کس در آمدی زاید بر مخارجش دارد باید سال خمسی داشته باشد، و بعد از گذشتن سال اموال خود را تخمیس کند، و تفاوتی بین زن و مرد از این جهت نیست.

**سؤال ۴۲۹ -** از آنجا که اینجانبه معلم هستم حساب سال جداگانه‌ای از شوهرم دارم، می‌خواستم بدانم که آیا به لوازم مصرفی، که قسمتی از آن در پایان سال اضافه می‌آید،

۱. شرح این مطلب را در کتاب «خمس، پشتوانه بیت المال» مطالعه فرمایید.

مانند لوازم آرایش خانمها، خمس تعلق می‌گیرد؟ بطور کلی، آیا لوازم آرایش جزء مؤونه است، یا همه آن خمس دارد؟

**جواب:** این لوازم در حد معقول جزء مؤونه است، و هر گاه چیزی از آن آخر سال اضافه بیاید خمس دارد، و این در صورتی است که باقیمانده واقعاً قیمت داشته باشد.

**سؤال ۴۳۰-** بعضی از خانمها در هر میهمانی یا عروسی یک نوع لباس می‌پوشند، و برای بار دوم از آن استفاده نمی‌کنند، چرا که مردم آن لباس را یک بار به تن آن‌ها دیده‌اند! اولاً: آیا این کار جایز است، و اسراف محسوب نمی‌شود؟ ثانیاً: با توجه به این که چنین لباس‌هایی یک بار استفاده شده، آیا خمس دارد؟

**جواب:** به یقین این کار نوعی اسراف است، و زنان با ایمان باید از آن بپرهیزند، و چنین لباس‌هایی خمس دارد.

**مسألة ۴۳۱-** در میان بسیاری از خانواده‌ها معمول است که جهیزیه دختران را تدریجاً تهیه می‌کنند، چنانچه سال بر آن بگذرد خمس آن واجب است؛ ولی در مناطقی که اگر جهیزیه را قبلاً تهیه نکنند عیب محسوب می‌شود، یا این که تهیه آن جز به صورت تدریجی مشکل است، خمس ندارد.

**سؤال ۴۳۲-** با توجه به این که پدرم جهیزیه مرا تدریجاً و از درآمد بین سالش تهیه کرده، چنانچه برخی از اقلام جهیزیه فعلاً مورد نیاز نباشد، آیا پرداخت خمس آن بر من لازم است؟

**جواب:** هر گاه واقعاً مقداری از آن زائد بر نیاز بوده باشد خمس دارد، بنابر احتیاط واجب.

**سؤال ۴۳۳-** دختری شاغل و در سن ازدواج می‌باشم، بر خلاف آنچه در بین مردم متداول است، من به تدریج جهیزیه‌ام را تهیه نمی‌کنم، بلکه پولی که هر ماه بدست می‌آورم را تبدیل به طلا نموده و نگهداری می‌کنم، تا به هنگام نیاز جهیزیه را یکجا تهیه کنم، تا هم نیازی به حفظ و نگهداری نداشته باشد، و هم مُد روز باشد. آیا به این پس اندازها خمس تعلق می‌گیرد؟

**جواب:** آری به اینها خمس تعلق می‌گیرد، ولی چنانچه در زحمت باشند ما به اینگونه افراد اجازه می‌دهیم خمس آن را بر ذمه بگیرند و هنگام توانایی بپردازند.

**سؤال ۴۳۴ -** شغلم آرایشگری خانمهاست. در ضمن گاهی از اوقات برای همسایه‌ها

لباس نیز می‌دوزم، آیا به لوازم آرایشگری و خیطاطی خمس تعلق می‌گیرد؟

**جواب:** به هر گونه ابزار کار خمس تعلق می‌گیرد، ولی اگر وسیله‌ای را برای زندگی

شخصی بگیری و گاهی از آن برای دیگران استفاده کنی، خمس ندارد.

**سؤال ۴۳۵ -** آیا به شیربها و مهریه خانمها خمس تعلق می‌گیرد؟

**جواب:** خمس ندارد.

**سؤال ۴۳۶ -** اگر خانمی دارای زینت آلات طلا باشد و برخی از آن نیز هدیه باشد و سال

بر آن بگذرد، آیا خمس دارد؟

**جواب:** چنانچه زینت آلات مزبور مورد نیاز و جزء شوون او بوده باشد خمس ندارد.

**سؤال ۴۳۷ -** شخصی پارچه چادری تهیه نموده، ولی به خاطر مشغله کاری، یا علل

دیگر، نتوانسته آن را برای دوختن به خیطاط بدهد، و اکنون سال خمسی او فرا رسیده است،

آیا خمس این چادر را باید پردازد؟

**جواب:** در صورتی که نیاز به آن داشته، هر چند اتفاقاً آماده مصرف نشده، خمس ندارد.

**سؤال ۴۳۸ -** شخصی لباس یا وسیله دیگری برای جهیزیه فرزندش می‌خرد. پس از

گذشت چند سال آن را از جهیزیه برداشته، و به عنوان هدیه به فرزند دیگرش می‌دهد، یا

در مصارف ضروری‌تر هزینه می‌کند. آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

**جواب:** خمس دارد.

**سؤال ۴۳۹ -** مجبور شدم برای حل مشکلی از مشکلات زندگی، زینت آلاتم را بفروشم،

ولی اکنون بیش از یک سال پول آن نزد من است، آیا این پول مشمول خمس است؟

**جواب:** مشمول خمس نیست.

**سؤال ۴۴۰ -** آیا حقوقی که از طرف بنیاد شهید به خانواده محترم شهداء پرداخت می‌شود

مشمول خمس است؟

**جواب:** بنابر احتیاط لازم در سر سال، خمس باقی مانده آن را بدهند.

**سؤال ۴۴۱ -** بیشتر خانمهای شهر ما قالیباف هستند؛ ولی معمولاً خرید لوازم فرش و نیز

فروش فرش و تصرف در پول حاصل از آن، به عهده شوهر است؛ با توجه به این که بافتن

این فرشها چندین سال طول می کشد، چگونه حساب می شود؟ آیا خمس آن بر عهده شوهر است، یا خود زن باید بپردازد؟

**جواب:** فرش هنگامی که آماده فروختن شد جزء درآمد آن سال محسوب می شود، و خمس آن بر عهده کسی است که مالک آن فرش و درآمد آن است.

**سؤال ۴۴۲ -** خانمی زمین موروثی پدری اش را فروخته، و با پول آن خود و فرزندانش جهت عزیمت به حج، ثبت نام نموده اند. آیا در صورت گذشتن سال خمسی بر زمین یا پول آن، خمس به آن تعلق می گیرد؟

**جواب:** ارث مشمول خمس نیست؛ مگر این که قیمت زمین از زمانی که مال الارث به او منتقل شده افزایش یافته باشد، که به افزایش آن خمس تعلق می گیرد، ولی اگر قبل از گذشتن سال، آن را برای نام نویسی هزینه کرده، در این صورت چیزی بر او نیست.

**سؤال ۴۴۳ -** متأسفانه شوهرم اهل پرداخت وجوهات شرعیته نیست، تکلیف من و فرزندانم چیست؟

**جواب:** به شما و امثال شما اجازه می دهیم که در صورت نیاز در اموال او به مقدار نیازتان تصرف کنید، و خمس آن را به ذمه بگیرید، و اگر بعداً توانایی پیدا کردید بپردازید، و اگر توانایی پیدا نکردید بخشوده خواهد شد.

**سؤال ۴۴۴ -** چنانچه پدری که - نعوذ بالله - ثروتش از راه حرام بدست آمده، جهیزیه ای برای دخترش تهیه کند، یا هدیه ای به او بدهد، آیا دختر می تواند از آن استفاده کند؟ راه پاک کردن آن چیست؟

**جواب:** اگر یقین ندارد که از مال حرام است، برای او اشکالی ندارد. و اگر یقین دارد، چنانچه مقدار حرام و صاحبانش شناخته شده نیستند، واجب است خمس آن را بپردازد، و بقیه پاک می شود.

**سؤال ۴۴۵ -** آیا سیادت از طریق مادر به فرزندان او منتقل می شود؟

**جواب:** بعضی از احکام سیادت، از جمله گرفتن خمس، منتقل نمی شود. و سبب آن در کتب فقهیه نوشته شده است. ولی این گونه افراد به خاطر انتسابشان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای احترام هستند.

**سؤال ۴۴۶-** آیا می‌توان به زن سیده‌ای که شوهرش سید نیست، ولی نیازمند است، از سهم سادات کمک نمود، تا خرج شوهر و فرزندان‌ش کند؟  
**جواب:** با اجازه مرجع تقلید اشکالی ندارد.

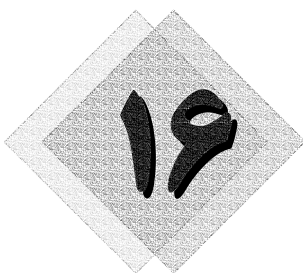
**سؤال ۴۴۷-** چرا وقتی پدر خانواده سید است به فرزندان‌ش سید می‌گویند، ولی اگر مادر سید باشد به آنها سید نمی‌گویند؟

**جواب:** معمولاً نسب انسان در عرف از طریق پدر منشعب می‌شود، به همین جهت همیشه فامیل کودکان مطابق فامیل پدر ثبت می‌شود، و در اسلام نسب خانواده از طریق پدر است؛ هر چند سیادت مادر نیز سبب احترام فرزند است.

\* \* \*







## احکام زکات

### مقدمه

زکات نیز از عبادات مالی اسلام است، و با شرائط خاصی واجب می‌شود. در اهمیت زکات همین بس که خداوند متعال در نزدیک به سی آیه قرآن، پس از دستور به نماز، سفارش به زکات می‌کند، گوئی رابطه‌ای عمیق بین نماز و زکات است، به گونه‌ای که نماز بی زکات، نماز مقبولی نخواهد بود.<sup>۱</sup>

روایات فراوانی نیز در مورد زکات وجود دارد، از جمله در روایتی می‌خوانیم که: «مانع زکات و شخصی که زکات بر او واجب شده و نمی‌پردازد مسلمان از دنیا نمی‌رود!».<sup>۲</sup> به چند سؤال و جواب در مورد زکات توجه فرمایید:

**سؤال ۴۴۸ -** من به تازگی ازدواج کرده‌ام، مجموع طلاهایی که همسرم و بستگانم، و نیز بستگان و آشنایان خودم به من هدیه کرده‌اند بیش از ۱۵ مثقال معمولی (نصاب اول طلا) می‌باشد، و اکنون بیش از یک سال است که از آنها استفاده می‌کنم، آیا به این طلاها زکات تعلق می‌گیرد؟ زکات آن چقدر است؟

**جواب:** زکات تنها به طلاهایی تعلق می‌گیرد که به صورت سکه رایج معامله باشد.

**سؤال ۴۴۹ -** خواهر شوهرم مقداری از طلاجات خود را جهت استفاده در یک جشن به

۱. وسائل الشیعه، جلد ۶، صفحه ۳، حدیث ۱. ۲. وسائل الشیعه، جلد ۶، صفحه ۱۸، حدیث ۳ و ۵.

رسم امانت به من داد، و سپس بطور ناگهانی و بخاطر معالجه به خارج از کشور سفر کرد، و اکنون بیش از یک سال است که این طلاها نزد من می‌باشد و از آن استفاده می‌کنم، شخصی می‌گفت: «اگر کسی طلا قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکات آن را بدهد». آیا این مطلب صحیح است، و زکات بر من واجب می‌باشد؟

**جواب:** همانگونه که در مسأله بالا گفته شد این گونه طلاها زکات ندارد.

**سؤال ۴۵۰-** زن بیوه‌ای هستم که برای حفظ ارزش اندک ذخیره‌ای که دارم بیش از یک سال است که آن را تبدیل به سی عدد سکه بهار آزادی کرده‌ام. آیا به این سکه‌ها زکات تعلق می‌گیرد؟

**جواب:** چون این سکه‌ها بصورت پول رایج معامله در بازار به کار نمی‌رود، زکات ندارد؛ ولی اگر از درآمدهای معمولی پس انداز شده خمس دارد.

### مستحقین زکات

**مسأله ۴۵۱-** هر گاه شوهر مخارج همسرش را نمی‌پردازد، ولی زن می‌تواند از طریق حاکم شرع یا غیر او حق خود را بگیرد، چنین زنی نمی‌تواند از زکات استفاده کند.

**مسأله ۴۵۲-** زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکات دهد، هر چند شوهر زکات را بگیرد و صرف مخارج آن زن و اولادش کند.

**سؤال ۴۵۳-** از آنجا که شوهرم مفقود الاثر گردیده، جهت طلاق به دادگاه مراجعه کردم، قرار شد چهار سال جستجو نموده، سپس حکم طلاق را صادر کنند. در این مدت از جهت نفقه واقعاً در مضیقه هستم، آیا می‌توانم از زکات استفاده کنم؟

**جواب:** آری، در چنین شرایطی استفاده کردن از زکات مانعی ندارد.

**سؤال ۴۵۴-** شوهرم وضع مالی مناسبی ندارد و مخارج خانواده‌اش را به سختی تأمین می‌کند، با توجه به این که من سیده هستم، آیا او که سید نیست می‌تواند زکات بگیرد و صرف مخارج ما نماید؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

## زکات فطره

**مسأله ۴۵۵-** اگر انسان نانخور کسی باشد، ولی قبل از غروب عید فطر نانخور دیگری شود، زکات فطره او بر عهده شخص دوم است؛ مثل این که دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود که شوهرش باید فطره او را بدهد.

**سؤال ۴۵۶-** شوهرم چندی پیش دار فانی را وداع گفت. من و فرزندانم با حقوقی که از سوی بیمه پرداخت می‌شود، امرار معاش می‌کنیم، چنانچه شب عید فطر را میهمان پدرم باشیم، زکات فطره ما بر عهده چه کسی خواهد بود؟

**جواب:** بر عهده خود شماست؛ زیرا میهمانی یک شبه تأثیری در امر زکات ندارد.

**سؤال ۴۵۷-** شوهرم مقلد حضرتعالی است که زکات فطره میهمان یک شبه را بر عهده صاحب‌خانه نمی‌دانید، ولی خودم مقلد کسی هستم که فطره میهمانی یک شبه را بر عهده صاحب‌خانه می‌داند. با توجه به این که ما، در شب عید فطر میهمان کسی بودیم و شوهرم طبق فتوای مرجع تقلیدش زکات فطره ما را نپرداخت، وظیفه ما چیست؟

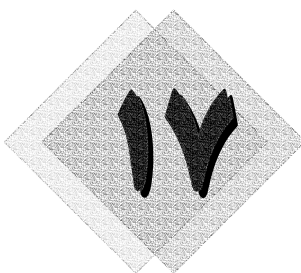
**جواب:** شما اگر توانایی دارید، زکات فطره خود را بنا بر احتیاط پردازید.

**سؤال ۴۵۸-** اگر مرد خانواده‌ای که سید بوده فوت کرده باشد، و اکنون خانمش که غیر سیده است سرپرست خانواده باشد. آیا می‌تواند فطره غیر سادات را بگیرد، و صرف فرزندان نیازمندش که از سادات هستند، نماید؟

**جواب:** می‌تواند خودش آن را تملک کند، و بعد برای آنها صرف نماید.

**مسأله ۴۵۹-** زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد و نانخور دیگری است فطره‌اش بر عهده کسی است که نانخور او می‌باشد، و اگر زن غنی است و از مال خود خرج می‌کند باید شخصاً فطره را بدهد.





## احکام حج

### مقدمه

حج یکی از ارکان مهمّ اسلام، و از بزرگترین فرائض دینی است. حج در تمام طول عمر انسان، طبق شرائط خاصّی، یکبار بر انسان واجب می‌شود که با انجام آن تولّدی دوباره می‌یابد، و «مانند روزی که از مادر متولّد شده، از گناهان پاک می‌شود».<sup>۱</sup> به بخشی از احکام حج توجه فرمائید:

**سؤال ۴۶۰ -** زنی مهریهٔ زیادی، که به حدّ استطاعت حج می‌رسد، از شوهرش طلبکار است، آیا به صرف طلبکاری مستطیع شده، و حج بر ذمهٔ او مستقر می‌شود؟ هر گاه قبل از گرفتن مهریه از دنیا برود، آیا لازم است شخصی را به نیابت از او به حج بفرستند؟  
**جواب:** هر گاه گرفتن مهریه از شوهر برای او عیب نباشد، و مشکلی در زندگی او و شوهرش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حج برود. و اگر نرفت، باید ورثهٔ او از مالش بردارند و حج او را اداء کنند.

**سؤال ۴۶۱ -** مهریهٔ خانمی چند برابر استطاعت او بوده است، آیا بعد از فوت او بر ورثه‌اش واجب است که قبل از تقسیم اموال او مخارج حج را کسر کنند؟  
**جواب:** چنانچه زن در زمان حیاتش، طبق عرف و عادت می‌توانسته مهریه را از

۱. به بحارالانوار، جلد ۹۶، صفحه ۲۶، ۳۱۵، ۳۱۶ و ۳۴۱ مراجعه فرمائید.

شوهر بگیرد، مستطیع بوده و باید از ترکۀ او برداشته شود. و چنانچه نمی توانسته مستطیع نبوده است.

**سؤال ۴۶۲-** در بعضی از شهرها رسم شده که «انجام حج» به عنوان بخشی از مهریه زن در عقد نامه ذکر می شود، آیا به صرف اجرای عقد با چنین مهریه ای، حج بر زن واجب می شود، یا حکم دیگری دارد؟

**جواب:** در صورتی که مشروط به شرط خاصی نباشد، و مطالبه کردن زن مشکلی برای او ایجاد نکند، مستطیع است و باید مطالبه کند و به حج برود.

**سؤال ۴۶۳-** زن جوانی از طریق شوهر، دوستان و اقوام، در جشن عروسی دارای مقداری طلا شده که با پول آن می تواند به حج مشرف شود. آیا این عروس خانم مستطیع است؟ یا چون زمان زینت و آرایش او می باشد، طلای مذکور جزء مؤونه زندگی او است؟

**جواب:** اگر آن مقداری که دارد جزء شؤون او در مورد زینت است، مستطیع نیست.

**سؤال ۴۶۴-** دختری هستم که چندی پیش پدرم را از دست دادم، مقداری ارث به من رسید که کفاف یکی از دو مراسم ازدواج و حج را می نماید، ولی برای هر دو کافی نیست، آیا با این شرایط مستطیع هستم؟

**جواب:** در صورتی که نیاز به ازدواج دارید و علاوه بر مخارج ازدواج، پول دیگری برای حج ندارید مستطیع نیستید، و حج بر شما واجب نیست.

**مسألة ۴۶۵-** هر گاه زنی مالی دارد که می تواند با آن به حج برود، ولی بعد از بازگشت، نه شوهر قادر بر تأمین زندگی اوست و نه خودش، حج بر او واجب نمی شود.

**سؤال ۴۶۶-** زنی نیاز به همراه دارد و همراه هم مزد می گیرد و او توانایی پرداخت مزد ندارد، آیا چنین زنی مستطیع است؟

**جواب:** مستطیع نیست.

**سؤال ۴۶۷-** خانمی به لحاظ مالی و بدنی و سایر شرایط مستطیع است، ولی طفل شیر خواری دارد که با غیر او آرام نمی گیرد؛ و نمی تواند او را همراه خود ببرد، آیا او مستطیع است؟

**جواب :** چنانچه جدا شدن از طفل موجب خطر جانی یا بیماری شدید او، یا سبب عُسر و حرج برای دیگران شود، مستطیع نیست.

**سؤال ۴۶۸ -** شوهرم تمام مخارج حجّ مرا بر عهده گرفته است، ولی متأسفانه اهل خمس نیست، و من نیز از خود مالی ندارم که خمس بپردازم، تکلیف من در ارتباط با هزینه رفت و برگشت، ارز، لباس احرامی و قربانی چیست؟

**جواب :** خمس اینها بر عهده شماست، و اگر توانایی ندارید مستطیع نیستید.

**سؤال ۴۶۹ -** اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجّی بجا آورد، و بعد از آن ازدواج کند، آیا در این صورت نیز اجازه شوهر لازم است؟

**جواب :** اجازه شوهر لازم است، و شوهر حقّ ممانعت دارد.

**سؤال ۴۷۰ -** سازمان حجّ و زیارت از زنان مستطیعه اجازه رسمی شوهرانشان را می‌خواهد، و شوهر بعضی از خانمها اجازه نمی‌دهند، تکلیف زن چیست؟

**جواب :** بعید است آنها در حجّ واجب اجازه شوهر را بخواهند، زیرا شرعاً اجازه شوهر شرط نیست.

**سؤال ۴۷۱ -** اگر زوج، زوجه عقد بسته خود را از رفتن به عمره منع کند، با توجه به این که زوجه هنوز در خانه پدرش به سر می‌برد، و نفقه خور همسرش نمی‌باشد، اگر در این حال عازم سفر عمره گردد، آیا سفر زوجه معصیت است؟ آیا احرام او صحیح می‌باشد؟ بطور کلی وظیفه زوجه چیست؟

**جواب :** احتیاط واجب آن است که رضایت شوهر را جلب کند، ولی حجّ و عمره او در هر حال صحیح است، اما احتیاط آن است که نمازهای خود را جمع بخواند. و اگر سفر اوّل او باشد، خواه برای حجّ و یا عمره، اجازه شوهر شرط نیست.

**سؤال ۴۷۲ -** دختری هستم که مادرم قبل از بلوغ مرا به حجّ برده، و تمام اعمال نیابت بردار را از طرف من انجام داده، و اعمالی را که خود می‌توانستم انجام دهم، مرا وادار به انجام آن نموده است، آیا هم اکنون که استطاعت مالی دارم، دوباره حجّ بر من واجب است؟ در صورت عدم وجوب می‌توانم ازدواج کنم؟

جواب : هرگاه تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده‌اید، از احرام خارج شده و می‌توانید ازدواج کنید. و چنانچه استطاعت مالی و سایر شرایط را دارید مستطیع هستید، و حَجَّة الاسلام بر شما واجب است.

سؤال ۴۷۳ - با توجه به این که دولت (به خاطر خطرات احتمالی) از رفتن زنان حامله به

حج جلوگیری می‌کند، آیا از نظر شرعی آنان مستطیعه هستند؟

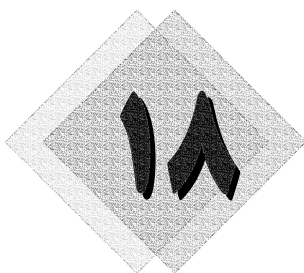
جواب : چنین زنانی مستطیع نیستند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

---

۱ با توجه به این که مسائل حج مورد ابتلای همه بانوان محترمه نیست، و از سوی دیگر کتاب مستقلی بنام «حج بانوان» مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی «مدّظله» منتشر شده است، از ذکر بقیه مسائل اختصاصی حج بانوان صرف نظر می‌کنیم؛ علاقمندان به کتاب مذکور مراجعه کنند.





## احکام ازدواج

### مقدمه

بی شک هیچ شالوده‌ای مقدّس‌تر از شالودهٔ بنای رفیع ازدواج نیست، زیرا در سایهٔ این بنای مقدّس، زن و شوهر به آرامش می‌رسند، و نیازهای طبیعی خود را بر طرف می‌سازند، و علاوه بر ساختن آیندهٔ خود در دنیا، برای جهان آخرت خود نیز بهتر گام بر می‌دارند، و بدینسان امنیت و آرامش جهان آخرت را نیز در این جهان و با این امر مقدّس پایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین، درخت پرثمر ازدواج میوه‌های شیرینی همچون آرامش فردی، اجتماعی، دنیایی و آخرتی دارد، بدین جهت در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام فوق العاده مورد تأکید قرار گرفته است. به بخشی از احکام ازدواج توجه فرمائید:

### خواستگاری

سؤال ۴۷۴ - آیا تحقیق کردن در مورد پسران، یا فکر کردن در مورد آنها، اشکال دارد؟  
جواب: چنانچه این فکر و تحقیق آمیخته به گناه نشود، و مقدمهٔ ازدواج باشد مانعی

ندارد، ولی در جایی که انسان قصد ازدواج ندارد، نباید تحقیق کند.

سؤال ۴۷۵ - اگر دختر یا پسر به هنگام خواستگاری دارای مشکلی از نظر جسمی باشد،

و آن مشکل آشکار نباشد، آیا واجب است آن را به طرف مقابل بگوید؟  
**جواب:** واجب نیست؛ ولی خلاف آن را نگوید. اما اگر مشکل مهمی باشد، گفتنش بهتر است.

### اولیای عقد

**مسأله ۴۷۶-** دختر باکره باید با اجازه پدر یا جد پدری ازدواج کند؛ اما اگر رشیده باشد یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد و به تأیید بزرگترهای فامیل همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و پدر مخالفت کند اجازه او شرط نیست. همچنین اگر به پدر یا جد پدری دسترسی نباشد و دختر رشیده هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد، یا این که دختر قبلاً شوهر کرده باشد، در این دو صورت نیز اجازه پدر و جد در ازدواج جدید لازم نیست.

**سؤال ۴۷۷-** دختر باکره ای که عقل و شعور کافی دارد و به سن بلوغ رسیده، آیا می تواند بدون اذن پدر، خود را به عقد دائم یا موقت مردی در آورد؟  
**جواب:** جایز نیست، بنا بر احتیاط واجب.

**سؤال ۴۷۸-** شخصی مایل به ازدواج با دختری است که خودش او را پسندیده، اما والدینش فرد دیگری را در نظر دارند، به گونه ای که اگر با او ازدواج نکنند حتماً باعث ناراحتی پدر و مادر می گردد، آیا اطاعت از والدین در این صورت واجب است؟  
**جواب:** رعایت نظر پدر و مادر در این گونه مسائل واجب نیست، ولی اگر بتواند موافقت آنها را جلب کند بهتر است.

**سؤال ۴۷۹-** اگر در نکاح موقت باکره بالغه رشیده، بنا بر دخول نباشد، یا دختر عدم دخول را شرط نماید، آیا اذن ولی شرط است؟

**جواب:** اذن ولی در تمام موارد شرط است، بنا بر احتیاط واجب.

**سؤال ۴۸۰-** اگر مرد مقلد مرجعی باشد که معتقد است: «ازدواج موقت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز است». ولی دختر مقلد کسی است که می گوید: «احتیاط واجب کسب اجازه پدر است». آیا آن مرد می تواند این دختر را بدون اجازه پدرش عقد کند؟  
**جواب:** دختر بنا بر احتیاط واجب نمی تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

ل ۴۸۱- برای ازدواج با دختر باکره اذن پدر یا ولی شرط است. آیا در این مسأله، ازدواج موقت با دائم فرق دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اجازه بگیرند، و تفاوتی بین ازدواج موقت و دائم نیست.

سؤال ۴۸۲- دختر جوانی بدون اذن پدر و مادر خود به خانه کسی می‌رود، و به درخواست پسر و دختر عقد نکاح آنان بدون رضایت پدر اجرا می‌شود، و اعمال مترتب بر ازدواج انجام می‌گیرد، در حالی که اگر دختر با پدر مشورت می‌کرد مانعی وجود نداشت، حکم عقد در صورت تحصیل رضایت و عدم تحصیل رضایت پدر چیست؟

جواب: بهتر این است که بعداً رضایت پدر را جلب نماید.

سؤال ۴۸۳- آیا دختر باکره‌ای که پدر و جد پدری ندارد، به هنگام ازدواج باید از برادر، یا عمو، یا دایی، یا مادرش اجازه بگیرد، یا اصلاً نیازی به اجازه ندارد؟

جواب: احتیاط این است که از بعضی بزرگترهای فامیل اجازه بگیرد؛ مخصوصاً برادر بزرگتر.

سؤال ۴۸۴- طبق فتوای مراجع عظام در صورتی که پدر یا جد پدری غایب باشد، و دختر باکره احتیاج به شوهر داشته باشد، اجازه ولی ساقط می‌شود. معنای «احتیاج داشتن به شوهر» چیست؟

جواب: منظور این است که به سنی رسیده که هرگاه شوهر نکند به زحمت یا خطر می‌افتد.

سؤال ۴۸۵- اگر دختر باکره‌ای با پسر هم شأن شرعی و عرفی خود قصد ازدواج داشته باشد، آیا اذن پدر ساقط است؟

جواب: در فرض مسأله، اگر پدر مخالفت کند، اذن او ساقط می‌شود.

سؤال ۴۸۶- به نظر حضرت‌تعالی آیا کفو شرعی کافی است، یا کفو عرفی هم لازم است؟ منظور از کفو شرعی و عرفی چیست؟

جواب: منظور از کفو شرعی آن است که مسلمان باشد، و منظور از کفو عرفی آن است که از نظر شؤون اجتماعی با هم متناسب باشند. و مراعات کفو عرفی لازم نیست؛ مگر در جایی که دختر رشد فکری کافی ندارد، و ولی برای او شوهر انتخاب می‌کند.

**سؤال ۴۸۷-** برای خاله بنده خواستگارهای زیادی آمده، که بیشتر آنها افرادی متدین بوده‌اند، ولی پدر بزرگ من، که پدر خاله‌ام می‌باشد، آنها را رد کرده است. او می‌گوید فقط باید با فامیل من ازدواج کند. تکلیف خاله من چیست؟

**جواب:** هر گاه خواستگاران با او تناسب داشته‌اند و کفو شرعی و عرفی او بوده‌اند، پدر دختر حق نداشته آنها را رد کند. همچنین حق ندارد اصرار بر ازدواج با فامیل کند، و اجازه و اذن او در این موارد ساقط است؛ ولی در عین حال اگر بتواند رضایت پدر را به دست آورد کار خوبی کرده است.

**سؤال ۴۸۸-** در بعضی از مواقع پسران و دختران مجرّد، که رشید می‌باشند، به اتفاق هم به حقیر مراجعه و اعلام می‌نمایند که چندین بار خانواده پسر از خانواده دختر خواستگاری کرده، ولی پدر دختر بی جهت با ازدواج آنها مخالفت می‌کند، که این امر باعث افسردگی دختر و پسر شده است. بدین جهت پسر و دختر اصرار دارند که عقد آنها بدون اذن ولی دختر خوانده شود؛ چون در عسر و حرج خاصی به سر می‌برند. آیا در این گونه موارد اذن ولی دختر ساقط می‌شود؟

**جواب:** اگر شوهری که برای دختر پیدا شده شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد، پدر حق مخالفت ندارد؛ ولی باید تحقیق کرد که چرا پدر مخالفت می‌کند.

**سؤال ۴۸۹-** اگر پدر دختر اجازه ازدواج ندهد، در حالی که دختر بر اثر ترک ازدواج به گناه می‌افتد، آیا در این صورت هم اجازه او لازم است؟

**جواب:** در صورتی که همسر مناسب شرعی و عرفی پیدا شود و پدر مخالفت کند، رضایت او شرط نیست.

**سؤال ۴۹۰-** آیا در سقوط اذن ولی دختر باکره در صورت وجود کفو شرعی و عرفی برای دختر، انحصار کفو شرط است، مثل این که مانند این پسر که به خواستگاری او آمده دیگر نخواهد آمد؟ یا انحصار شرط نیست، یعنی هر چند مانند این خواستگار، که ولی دختر با او مخالف است، افراد دیگری هم باشند، و همه آنها کفو شرعی و عرفی دختر باشند، اذن ولی ساقط است؟

**جواب:** در صورتی که ولی با کفو شرعی و عرفی مخالفت کند، اجازه او ساقط است؛ خواه کسان دیگر باشند یا نباشند.

**سؤال ۴۹۱-** دختر و پسری (العیاذ بالله) رابطه نامشروع داشته‌اند که در نتیجه دختر حامله می‌شود، و در هفت ماهگی به وسیله پسر سقط جنین انجام می‌شود، آیا ازدواج آنان با یکدیگر، با توجه به عدم موافقت پدر دختر، جایز است؟

**جواب:** در اینجا اجازه پدر دختر شرط نیست؛ ولی بهتر است با موافقت او اقدام کنند.

**سؤال ۴۹۲-** اگر پرده بکارت دختری بر اثر ورزش و مانند آن زایل شود، یا دختری به عقد مردی درآید و قبل از عروسی طلاق بگیرد، و یا در حین عقد از طریق غیر متعارف آمیزش کنند، ولی بکارت او محفوظ باشد. آیا در این موارد سه گانه اذن پدر ساقط می‌شود؟ بطور کلی دختر باکره که در ازدواج نیاز به اجازه ولی دارد، به چه دختری گفته می‌شود؟

**جواب:** در صورتی که دختر شوهر کند و سپس طلاق بگیرد در مرتبه بعد بدون اذن ولی می‌تواند ازدواج کند.

**سؤال ۴۹۳-** در یک حادثه رانندگی بکارت دختری زایل شده، و با مراجعه به پزشک جراح ترمیم گردیده است. آیا چنین فردی حکم باکره را دارد، و برای ازدواج اذن پدر شرط می‌باشد؟ اگر بر اثر تجاوز ازاله بکارت شود چطور؟

**جواب:** در هر دو صورت اجازه پدر شرط است.

**سؤال ۴۹۴-** برادر بزرگتر از خود عاشق دختری است، ولی پدر و مادر مانع از عشق او هستند، دلیل آنها این است که پدر آن دختر جزء اقوام یکی از قاتلین پسر عمه‌ام می‌باشد. آیا مطلب مذکور مانع ازدواج برادر و آن دختر می‌شود؟

**جواب:** اگر در فامیلی یک نفر مرتکب خطایی شود، تمام آن فامیل بد نمی‌شوند. اگر واقعاً خانواده آن دختر خانواده خوبی است، ازدواج با او مانعی ندارد.

**سؤال ۴۹۵-** در رساله جنابعالی آمده: «اگر دختر عاقله بالغه رشیده نیاز به شوهر داشته باشد، و پدر او را از ازدواج با مردی که شرعاً و عرفاً کفو او است، منع کند، اجازه پدر در این صورت شرط نیست». آیا منظور، ازدواج دائم است، یا شامل موقت هم می‌شود؟

**جواب :** تفاوتی نمی‌کند؛ ولی معمولاً ازدواج موقت به مصلحت دختران باکره نیست، و مخالفت پدر بجاست.

**سؤال ۴۹۶-** آیا در صورت لزوم، حکومت اسلامی می‌تواند مانع از تزویج افراد غیر بالغ (کودکان ممیّز، یا غیر ممیّز) توسط اولیا، یا قیم آنها گردد؟

**جواب :** ما معتقدیم در عصر و زمان ما تزویج صغیر و صغیره به وسیله اولیا مطلقاً اشکال دارد؛ زیرا مطابق غبطه و مصلحت آنها نیست.

**سؤال ۴۹۷-** پدری دختر صغیره خود را، که کمتر از ۹ سال دارد، بدون اطلاع او به عقد مردی، که ۲۵ سال از او بزرگتر است و همسر دیگری هم دارد، در آورده است. دختر پس از بلوغ نارضایتی خود را اعلام و اصرار بر طلاق می‌نماید، ولی شوهر حاضر به طلاق نمی‌شود، آیا عقد فوق صحیح است؟

**جواب :** چنانچه این عقد به مصلحت دختر نبوده باطل است و دختر می‌تواند بدون طلاق شوهر کند؛ ولی اگر دختر بعد از بلوغ رضایت داده نمی‌تواند آن را بر هم زند.

**سؤال ۴۹۸-** آیا پدر و جدّ پدری در امر ازدواج بر فرزند صغیر خود ولایت دارند؟

**جواب :** با توجه به این که ولایت پدر و جدّ پدری منوط به مصلحت صغیر است، و در عصر و زمان ما غالباً غبطه و مصالح صغیر در ازدواج نمی‌باشد، بنابراین پدران، جز در موارد استثنائی، حق ندارند صغیر یا صغیره را به عقد کسی در آورند.

**سؤال ۴۹۹-** می‌خواهم دختری را به عقد موقت در آورم، ولی نمی‌دانم پدر او راضی

است یا نه؟ اگر دختر بگوید: «پدرم راضی است». آیا حرف او قابل قبول است؟

**جواب :** احتیاط آن است که خودتان از پدر دختر اجازه بگیرید.

### شرایط مجاز و غیرمجاز در عقد نکاح

**سؤال ۵۰۰-** آیا زن می‌تواند در موقع اجرای عقد نکاح با شوهرش شرط کند که تحصیل

یا تدریس خود را همچنان ادامه دهد، و در جلسات مختلف شرکت کند؟

**جواب :** مانعی ندارد.

**سؤال ۵۰۱-** آیا زن می‌تواند شرط کند که از طرف مرد وکیل در طلاق خویش باشد؟ آیا

این شرط، در ضمن عقد ازدواج تحقق می‌یابد، یا باید عقد لازم دیگری انجام شود؟

**جواب:** این شرط می‌تواند در ضمن عقد ازدواج، یا عقد لازم دیگری باشد.

**سؤال ۵۰۲-** آیا زن می‌تواند حق وکالت در طلاق خویش را برای فرد ثالثی، مثلاً

پدرش، به عنوان شرط ضمن العقد قرار دهد؟ و آیا باید چنین شرطهایی را به هنگام عقد

ازدواج قرار داد، یا بعد از عقد نیز می‌توان در ضمن عقد لازمی شرط کرد؟

**جواب:** قرار دادن وکالت برای فرد ثالث در عقد ازدواج اشکال ندارد، و بعداً نیز

می‌توان آن را در ضمن معامله دیگری، هر چند بعد از ازدواج باشد، قرار داد.

**سؤال ۵۰۳-** اگر زن مهریه خود را ببخشد، مشروط بر این که تا زنده است شوهرش

همسر دیگری اختیار نکند، لطفاً بفرمائید:

الف) آیا این شرط از نظر شرعی صحیح است؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

ب) اگر مرد بر خلاف شرط عمل کند چه حکمی دارد؟ آیا زن دوم بر او حرام می‌شود؟

**جواب:** چنانچه مرد از شرط تخلف کند و ازدواج مجدد نماید، ازدواجش صحیح

است و زن دوم بر او حرام نیست؛ ولی زن اول می‌تواند مهریه‌اش را باز پس بگیرد.

**سؤال ۵۰۴-** با توجه به این که در قانون مدنی، نکاح اعم از دائم و منقطع می‌باشد، در

صورتی که زوج شروط مندرج در عقدنامه را پذیرفته باشد، و ازدواج مجدد (اعم از دائم، یا

منقطع) نماید، آیا زوجه می‌تواند تقاضای طلاق کند؟ آیا همسر دیگر، شامل نکاح موقت هم

می‌شود؟ آیا در صورت اثبات و تحقق تخلف، دادگاه می‌تواند حکم فسخ نکاح را صادر نماید؟

**جواب:** شرط مزبور منصرف به ازدواج دائم است، و شامل عقد موقت کوتاه مدت

نمی‌شود. ولی اگر عقد موقت برای مدت طولانی، مثلاً چند سال باشد، زن (طبق شرایط

عقدنامه) وکیل در طلاق خواهد بود.

**سؤال ۵۰۵-** آیا شرط عدم آمیزش و اکتفاء به سایر تمتعات از سوی زن، مخصوصاً در

عقد موقت، مشروع است؟

**جواب:** مانعی ندارد.

## عیوبی که به خاطر آن می‌توان عقد را فسخ کرد

مسأله ۵۰۶ - زن می‌تواند در چند صورت عقد را به هم بزند:

۱. دیوانه بودن شوهر ۲. نداشتن آلت مردی ۳. ناتوانی از نزدیکی جنسی
۴. بیضه‌های او را کشیده باشند.

مسأله ۵۰۷ - هرگاه به خاطر ناتوانی مرد از نزدیکی، زن عقد را بر هم زند، شوهر باید

نصف مهریه او را بپردازد، ولی اگر به خاطر یکی دیگر از عیبهایی که گفته شد مرد یا زن عقد را بر هم زند، اگر با هم نزدیکی نکرده باشند چیزی بر مرد نیست و اگر کرده باشند، بنابر احتیاط واجب باید مرد تمام مهر را بپردازد.

سؤال ۵۰۸ - شوهرم پزشک محترمی بود؛ ولی متأسفانه پس از چند سال زندگی

مشترک، مبتلا به جنون شد. اختلال حواس او را به دادگاه اعلام کردم و پزشک قانونی نیز آن را تأیید کرده است. در صورتی که محجور شود نکاح خود به خود فسخ می‌شود، یا جهت فسخ نکاح باید به حاکم شرع مراجعه کنم؟

جواب: زن می‌تواند صیغه فسخ را جاری کند، و احتیاط آن است که آن را به اطلاع

حاکم شرع برساند.

سؤال ۵۰۹ - اگر زن و شوهری قبل از ازدواج و نزدیکی، یا بعد از ازدواج و دخول، به

مرض جنون ادواری مبتلا شوند، آیا حق فسخ نکاح را دارند؟

جواب: آری، حق فسخ دارند.

سؤال ۵۱۰ - دختر خانمی ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصصان و اقرار

خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه‌ای از جنون بوده، و اکنون ادامه زندگی با ایشان غیر ممکن است. آیا شوهر حق فسخ دارد؟ و در صورت فسخ، آیا زوجه مستحق مهرالمثل است یا مهر المسمی؟

جواب: در صورتی که در حال حاضر نیز جنون دارد و این موضوع را مخفی کرده‌اند،

زوج حق فسخ دارد و اگر دخول حاصل شده مهریه را می‌توان از کسی که سبب تدلیس شده گرفت.



**سؤال ۵۱۱-** زنی به صورت مزمن مبتلا به جنون دائم یا ادواری بوده، و سوابق جنون و بستری شدن در بیمارستان روانی را از شوهر مخفی نگاه داشته، و حتی پس از طرح دعوا از طرف مرد، نیز موضوع را انکار نموده است. مرد پس از ازدواج و دخول و گذشت چند سال، از نوع بیماری و سوابق بستری شدن قبلی زوجه در بیمارستان آگاهی نسبی یافته، و بلافاصله پس از اطلاع، ضمن مشورت با حقوقدانها، اقدام به فسخ نکاح می‌نماید. حال اگر بیماری فوق توسط کمیسیون پزشکی قانونی به صورت زیر تأیید گردد: «زوجه دارای سابقه اختلال روانی و واجد علائم جنون حداقل از سال ۱۳۶۷ (شش سال قبل از ازدواج) بوده، و در حال حاضر نیز دچار عوارض مزمن بیماری است». در فرض مسأله آیا مرد حق فسخ دارد، و به زن مهریه‌ای تعلق می‌گیرد؟

**جواب:** سابقه بیماری روانی به تنهایی برای فسخ کافی نیست. و با توجه به این که چند سال با او زندگی کرده، و آثار محسوسی در این مدت نبوده، نشان می‌دهد که بهبودی نسبی یافته است. و وجود عوارض غیر محسوس، یا ضعیف گذشته، به تنهایی برای فسخ نکاح کافی نیست.

**سؤال ۵۱۲-** اگر در ضمن عقد لازمی (همچون نکاح) به زوجه وکالت دهیم که هرگاه عارضه‌ای پیش آمد، خود را مطلقه سازد. سپس زوج مجنون شود، آیا زن می‌تواند با استفاده از این وکالت، خود را مطلقه سازد، در حالی که علما می‌فرمایند: «وکالت، عقدی جایز است، و با جنون باطل می‌شود»؟

**جواب:** درست است که وکالت با جنون باطل می‌شود؛ ولی یکی از مجوزات فسخ نکاح جنون است، هر چند بعد از ازدواج عارض شده باشد.

**سؤال ۵۱۳-** اگر مردی قبل از ازدواج از نزدیکی عاجز باشد، و زن بعد از مراسم عروسی بفهمد و فوراً عقد را بر هم نزند و از شوهر جدا نشود؛ ولی راضی به عقد نباشد، آیا در این صورت زن می‌تواند بدون طلاق شوهر کند؟

**جواب:** در این موارد، زن باید به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم یک سال به مرد مهلت می‌دهد، اگر درمان شد ازدواج باقی است، در غیر این صورت زن می‌تواند نکاح

را فسخ کند و احتیاج به طلاق نیست، و به فرض که مرد بعد از آن هم خوب شود قابل بازگشت نیست؛ مگر به ازدواج جدید.

**سؤال ۵۱۴-** اینجانبه مدت دو سال و نیم است که به عقد دائم فردی درآمده‌ام که به علت ناتوانی جسمی قادر به تصاحب بنده نبوده، و هنوز هم باکره می‌باشم. لطفاً در این خصوص به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این مورد، از موارد فسخ است؟

ب) آیا شرعاً مستحق نفقه می‌باشم؟

ج) سایر حقوقی که به بنده تعلق می‌گیرد چیست؟

**جواب:** در صورتی که به عیب او رضایت نداده باشید، حق فسخ دارید. و چنانچه حکم را نمی‌دانسته‌اید و فسخ نکرده‌اید و آماده تمکین بوده‌اید، حق نفقه دارید. و در صورت جدا شدن با فسخ، هرگاه عروسی نشده باشد، حق نصف مهر را دارید.

**سؤال ۵۱۵-** اگر در مدت یک سال مهلت به فرد عنین، زوجه از تمکین خودداری کند، آیا بعد از اتمام مدت، زوجه حق فسخ دارد؟

**جواب:** چنانچه درمان او نیاز به همبستر شدن با زوجه دارد، در صورت عدم تمکین زوجه، باید مدت تمکین تجدید شود.

**سؤال ۵۱۶-** زوجه مدعی ناتوانی جنسی زوج است، ولی زوج برای نفی ادعای زوجه حاضر نیست اعمالی از قبیل معاینه دکترهای عدول، و مجامعت با زوجه را انجام دهد، و نفقه زوجه را نیز نمی‌پردازد، حکم شرعی این زوجین را بیان فرمائید.

**جواب:** اگر زوج نسبت به ترک انفاق، اصرار داشته باشد و حاضر به انجام وظیفه شرعی نشود، حاکم شرع می‌تواند زوجه را مطلقه سازد و یا حق او را از زوج بگیرد. و نسبت به اتهام عنین بودن، اگر این امر از ابتدای زوجیت بوده و زوج حاضر به آزمایش نشود و بر آن اصرار ورزد، باز حاکم شرع می‌تواند زوجه را مطلقه سازد. ضمناً توجه داشته باشید هرگاه ثابت شود زوج عنین است، باید یک سال مهلت داد، اگر بیماری او خوب نشد زوجه حق فسخ دارد، و می‌تواند نصف مهر خود را بگیرد.

**سؤال ۵۱۷-** اگر فردی در بعضی مواقع، به علت وضعیت خاص جسمانی اش، قادر بر نزدیکی نباشد، ولی در بعضی مواقع، که کلیه شرایط فردی و محیطی مهیا باشد، و طرف مقابل نیز همکاری لازم را بنماید، موفق بر این عمل شود، آیا این مشکل عنن محسوب شده، و موجب فسخ نکاح می شود؟

**جواب:** در صورتی که فراهم شدن این شرایط میسر باشد، عنن محسوب نمی شود.

**سؤال ۵۱۸-** اگر فردی از لحاظ جنسی در حالت عادی موفق به عمل نزدیکی نباشد، ولی با استفاده از داروهای موجود، که توسط پزشکان مورد تأیید و تجویز است، قادر به این کار باشد. آیا بیماری مذکور عنن محسوب، و موجب فسخ نکاح می شود؟

**جواب:** بیماری مزبور عنن محسوب نمی شود.

**سؤال ۵۱۹-** با توجه به پیشرفت علوم پزشکی، در صورتی که با آزمایشات متعدد

اطمینان حاصل شود که زوج عنین است، آیا باز هم یک سال مهلت دادن لازم است؟

**جواب:** آری لازم است و باید به او فرصت معالجه داد.

**سؤال ۵۲۰-** زنی پس از سالها ازدواج بچه دار نشده است، دکتر تشخیص داده که عیب

از مرد می باشد، اکنون زن می گوید: «شوهرم فاقد بیضه است». و بدین جهت بچه دار نشده است، آیا زن می تواند عقد را فسخ کند؟

**جواب:** در صورتی که آگاهی بر این امر نداشته، می تواند فسخ کند؛ مگر این که بعد

از آگاه شدن راضی شده و با او زندگی کرده باشد.

**سؤال ۵۲۱-** شخصی، از دختری، که در افغانستان بسر می برد، برای پسرش، که در

ایران است، خواستگاری می کند، دختر راضی می شود مشروط بر این که تعریف و توصیف هایی که پدر داماد از پسرش کرده مطابق با واقع باشد، پس از آن که دختر

به ایران می آید متوجه می شود آن توصیفها کاملاً دروغ بوده و پدر و مادر پسر، عکس شخص دیگری را به عنوان عکس فرزندشان به دختر نشان داده اند! آیا عقدی که خوانده

شده صحیح است؟

**جواب:** در فرض مسأله دختر حَقّ فسخ دارد.

**سؤال ۵۲۲-** زوجه‌ای در دوران عقد متوجه بیماری روحی و عصبی صعب‌العلاجی در شوهرش می‌شود، بگونه‌ای که عوارض بیماری (شوک‌های عصبی، ضعف شدید جسمی، بی‌ثباتی شخصیتی، نابینایی موقت، غش و مانند آن) زندگی را برای وی مخاطره‌آمیز ساخته است. نظر به ترس و نگرانی زوجه از زندگی مشترک، و ضرورت درمان چند ساله، و نبودن عزم جدی بر معالجه از سوی زوج و خانواده‌اش، آیا زوجه حق فسخ دارد؟

**جواب:** در صورتی که قبلاً زوج و کسان او اظهار داشته‌اند که از سلامت کامل برخوردار است، زوجه می‌تواند به عنوان تدلیس، نکاح را فسخ کند، در غیر این صورت هر گاه ثابت شود زندگی با آن مرد مستلزم عسر و حرج شدید است حق دارد از حاکم شرع تقاضای طلاق کند، و طلاق در این صورت جنبه خلع خواهد داشت که معمولاً با بذل مهریه انجام می‌شود؛ مگر این که با زوجه توافق دیگری شود.

**سؤال ۵۲۳-** هر گاه شخصی به خواستگاری دختری برود و بگوید: «همسر و فرزندی ندارم». و دختر با این شرط آماده ازدواج با او شود، و بعد از عقد معلوم شود که مرد دروغ گفته است، آیا زن حق فسخ دارد؟

**جواب:** در تمام مواردی که مرد یا زن اظهار صفاتی کنند که موجب کمال باشد و یا حتی موجب کمال نباشد، ولی رضایت طرف مقابل به خاطر وجود آن صفات باشد، و بعداً کشف خلاف گردد، در تمام این موارد طرفی که اغفال شده خیار فسخ دارد، و می‌تواند بدون طلاق عقد نکاح را بر هم بزند.

**سؤال ۵۲۴-** زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه در خارج از منزل موافقت کرده و متعهد شده که ممانعت نکند، حال پس از گذشت چند سال از ازدواج و اشتغال زوجه، مانع ادامه کار او شده است، آیا زن در اینجا حق فسخ دارد؟

**جواب:** حق فسخ ندارد؛ ولی شوهر ملزم است به شرط عمل کند.

**سؤال ۵۲۵-** والدینم مرا بالاجبار به عقد شخصی در آوردند، شوهرم پس از مدتی مانع انجام فرائض دینی‌ام شد، و معلوم گشت که او شیعه نیست، و حتی مرا در صورت باقی ماندن بر مذهبم تهدید به مرگ کرد، تکلیف من چیست؟

**جواب:** در فرض مسأله شما می‌توانید به دادگاه شکایت کنید، اگر او از کارش دست برداشت و حاضر به طلاق نشد، حاکم شرع می‌تواند شما را طلاق دهد. و اگر ازدواج شما بالاجبار بوده از اول باطل بوده است، و احتیاج به طلاق ندارد. و اگر شما راضی به ازدواج شده‌اید، در حالی که او خود را به عنوان شیعه معرفی کرده و از مذهب او آگاه نبوده‌اید، حق فسخ دارید و نیازی به طلاق نیست.

**سؤال ۵۲۶-** اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش معتاد است، آیا می‌تواند عقد را فسخ کند؟ تکلیف مهریه چه خواهد شد؟

**جواب:** اگر وکالتی برای طلاق در چنین موردی داشته، حق دارد با استفاده از آن وکالت خود را طلاق دهد و حق مهریه دارد.

**سؤال ۵۲۷-** اگر زن بعد از ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، حکمش چیست؟  
**جواب:** نمی‌تواند با او زندگی کند، و ازدواجش باطل است.

**مسأله ۵۲۸-** هر گاه مرد بعد از عقد بفهمد که همسر او یکی از هفت عیب زیر را دارد می‌تواند عقد را فسخ کند: ۱. دیوانگی ۲. بیماری خوره ۳. برص (پیسی) ۴. کور بودن ۵. شل بودن، بطوری که آشکار باشد. ۶. افضا شدن (یعنی راه بول و حیض او، یا راه حیض و غائط او، یکی شده باشد، و بطور کلی پارگی طوری باشد که قابل استفاده برای آمیزش جنسی نباشد) ۷. گوشت، یا استخوان، یا غده‌ای در او باشد که مانع نزدیکی شود.

**سؤال ۵۲۹-** چنانچه مردی، پس از گذشت دو سال از زندگی مشترک زناشویی متوجه شود که همسرش در طول دو سال گذشته با خدعه، بیماری‌های خویش را، که فلج مثانه و اگرزما بوده و از کودکی به آن مبتلا می‌باشد، از شوهر پنهان نموده، در حالی که به هنگام عقد خود را سالم معرفی کرده است، در فرض سؤال، آیا مرد حق فسخ نکاح را دارد؟

**جواب:** در فرض مسأله اگر مرد بعد از اطلاع رضایت به این ازدواج نداده حق فسخ دارد، و ضرر و زیانهای را که بر او وارد شده می‌تواند از کسانی که تدلیس کرده‌اند بگیرد.

**سؤال ۵۳۰-** پس از ازدواج معلوم شد که در قسمتهای بالای پای زوجه آثار سوختگی قدیمی بطور ضعیف بجا مانده است، و از طرفی پرده بکارت از نوع گوشتی و بسیار ضخیم

است که عمل دخول بدون اقدام به عمل جزّاحی ممکن نیست؛ در حالی که قبل از ازدواج در خصوص سلامتی زوجه، هیچ مذاکره‌ای انجام نشده است، آیا در این مورد، مرد حق فسخ دارد؟

**جواب:** در صورتی که با جراحی معمولی مشکل حل شود و عوارض خاصی نداشته باشد، این مقدار عیب باعث فسخ نمی‌شود.

**سؤال ۵۳۱-** اگر تدلیس کننده خود زن باشد و شوهر پس از آگاهی از وجود عیب، نکاح را فسخ کند، موردی که دارای بیماری روانی، سرگیجه، استفراغ، تشنج، پرخاشگری و حالت‌های غیر عادی، که ناشی از بیماری روانی غیر قابل علاج باشد، و پزشکان متخصص و شاهدان عینی تصدیق نموده باشند، آیا چنین فسخی صحیح است؟

**جواب:** هرگاه زن و کسان او طوری وانمود کنند که زن سالم است، و در واقع سلامت زن به صورت شرط در ضمن عقد درآید، و بعداً کشف خلاف شود، شوهر می‌تواند عقد را فسخ کند. و اگر دخول نکرده، مهری برای زن نیست، و اگر قبل از آگاهی بر عیب دخول کرده، تمام مهر بر او لازم است، و می‌تواند آن را از تدلیس کننده بگیرد، و اگر تدلیس کننده زن باشد مهر او ساقط است.

**سؤال ۵۳۲-** با توجه به این که یکی از راه‌های سرایت بیماری ایدز تماس جنسی است، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. همبستر شدن با همسر مبتلا به ایدز چه حکمی دارد؟
  ۲. آیا ازدواج با کسی که ایدز دارد جایز است؟
  ۳. آیا بیماری ایدز مبطل عقد است، یا مجوزی برای طلاق می‌باشد؟
- جواب ۱ تا ۳:** ازدواج با مبتلایان به ایدز باطل نیست؛ ولی چنانچه اطلاع نداشته، قابل فسخ است. اما احتیاط آن است که زن با اجازه حاکم شرع خود را مطلقه کند. و در هر صورت، اگر نزدیکی کردن خطر ابتلا به ایدز داشته باشد، جایز نیست.

**سؤال ۵۳۳-** دختری را به ازدواج پسر در آورده‌ام و عروسی هم کرده‌اند، حال معلوم شده که دختر مدتهاست به بیماری صرع (غش) مبتلا است، خود دختر و دکترش هم

تصدیق نموده‌اند، ولی پدر و مادرش این مطلب را پنهان کرده‌اند، حتی دختر می‌گوید: «می‌خواستم بگویم، اما والدینم مانع شدند». تکلیف عقد و مهریه چیست؟

**جواب:** بیماری صرع موجب خیار فسخ در عقد نکاح نیست، و اگر بخواهد دختر را طلاق دهد، چنانچه عروسی نموده باید تمام مهر را بپردازد؛ ولی اگر در مذاکرات قبل از عقد یا به هنگام اجرای صیغه عقد، شرط سلامت کرده باشند، شوهر خیار فسخ دارد.

**سؤال ۵۳۴ -** آیا نبودن بکارت در دختر، باعث جواز فسخ عقد می‌شود؟ معنی فسخ چیست؟

**جواب:** در صورتی که شرط بکارت کرده باشد حق فسخ دارد. و معمولاً در محیط‌های ما، شرط بکارت به عنوان یک شرط ضمنی و از پیش توافق شده می‌باشد. و معنی فسخ این است که بگوید: «من عقد را فسخ کردم، یا به هم زدم». و به هر زبانی کافی است.

**سؤال ۵۳۵ -** در صورتی که داماد بخاطر عدم بکارت، نکاح را فسخ کند، چه مقدار از مهریه را باید بپردازد؟ در صورت تدلیس از چه کسی می‌تواند بگیرد؟

**جواب:** در صورت شرط بکارت، یا هر شرط کمال و عدم نقص - خواه به صورت ذکر در عقد باشد، یا قبل از آن - چنانچه خلاف آن ثابت شود حق فسخ دارد. و هرگاه دخول حاصل نشده باشد، مهریه بکلی ساقط است، و اگر حاصل شده باشد، مهر المسمی پرداخته می‌شود، سپس از کسی که تدلیس کرده می‌گیرد.

**سؤال ۵۳۶ -** اگر زوجه، یا بستگان زوجه، در ازدواج تدلیس کنند و پس از روشن شدن مسأله، نکاح (بعد از نزدیکی) فسخ شود، آیا زوج باید مهر زن را بدهد؟ اگر قبلاً پرداخت کرده باشد، می‌تواند باز پس بگیرد؟

**جواب:** زوج باید تمام مهر را بدهد و می‌تواند به مُدلس رجوع کند.

**سؤال ۵۳۷ -** پسر از دختری با تأکید بر باکره بودن وی خواستگاری کرده، و صیغه عقد شرعی و دائمی زوجیت با شرط باکره بودن زوجه جاری گردیده است. پس از گذشت ده ماه از اجرای صیغه دائمی عقد، و قبل از برگزاری مراسم ازدواج، زوجه اعلام می‌دارد که

پرده بکارت وی توسط زوج ازاله گردیده، اما زوج با اتیان سوگند شرعی منکر ادعای زوجه می‌باشد. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱. آیا پسر، حق فسخ نکاح را دارد؟

**جواب:** در صورتی که زوج و زوجه قبل از عروسی با هم رفت و آمد داشته و خلوت می‌کرده‌اند، ادعای پسر پذیرفته نیست.

۲. آیا زوج باید اثبات کند که اقدامی نکرده است؟

**جواب:** آری تا ثابت نکنند، در فرضی که در بالا گفتیم، ادعای او پذیرفته نیست.

۳. در صورت فسخ نکاح، آیا زوجه حق دریافت مهرالمسمی دارد یا مهر المثل؟

**جواب:** در فرض بالا زوج حق فسخ ندارد.

**سؤال ۵۳۸-** یک سال پیش با دختری آشنا شدم، که توسط فرد دیگری به طور نامشروع بکارت خود را از دست داده بود. با پرسش از دفتر بعضی مراجع، و رؤیت استفتائات ایشان، مبنی بر این که این جانب می‌توانم بدون اذن پدر، دختر را به صیغه موقت خود درآورم، با ایشان ازدواج موقت کردم. حال پس از گذشت یک سال، خواستگاری برای او آمده است. آیا این خانم، که می‌خواهد به عنوان دختر باکره با آن مرد ازدواج کند، لازم است بگوید باکره نیست؟

**جواب:** بر دختر لازم نیست وضع خود را به شوهر بگوید؛ اما اگر بعداً بر شوهر ثابت شد که دختر باکره نیست، حق فسخ نکاح را دارد.

**سؤال ۵۳۹-** خواهشمند است نظر خود را راجع به تدلیس در ازدواج به طور مشروح بیان فرمایید. آیا پنهان نمودن نقص، مانند کچلی کلی، یا موضعی، کم پشت، یا خالی بودن قسمتی از موهای سر، در زن موجب حق فسخ برای مرد می‌شود؟

**جواب:** هر گاه در موقع خواستگاری معایب خود را عمداً بپوشانند، و خود را غیر از آنچه هست نشان دهد، مصداق تدلیس است، و شوهر پس از اطلاع حق فسخ دارد.

**سؤال ۵۴۰-** جوانی دختر باکره‌ای را، مشروط بر صحت کامل طرفین، به عقد ازدواج دائمی خود درآورده است. در اولین فرصت بعد از ازدواج، که زوجین با هم تنها شده‌اند،



زوجه متوجه می‌شود که ناحیه فوقانی بدن شوهر دچار ناراحتی مادرزادی، قیفی شکل، ناموزون و غیر طبیعی است. بدین جهت واقعه‌ای صورت نگرفت. در این صورت:

۱. آیا زوجه اختیار فسخ نکاح را دارد؟

۲. در فرض جواز فسخ نکاح، و با توجه به این که زوجه مدخول بها نیست، آیا می‌تواند

نصف مهریه و دیگر خسارات، از قبیل هزینه میهمانی و مانند آن، را از زوج مطالبه کند؟

**جواب:** این عیب از عیوب فسخ نکاح نیست؛ مگر این که قبلاً شرط صحّت کامل

کرده باشند. در این صورت زن حقّ فسخ از باب خیار تدلیس دارد، ولی در فرض مسأله

که واقعه صورت نگرفته مهر به او تعلق نمی‌گیرد. اما اگر خساراتی متحمّل شده،

می‌تواند آن را از زوج بگیرد.

**سؤال ۵۴۱-** چنانچه پزشکی قانونی بر اساس وضعیت کروموزومی شخص، خنثی را

خنثای مذکر یا مؤنث معرفی کند، آیا برای طرفی که با او ازدواج نموده، جزء عیوب

محسوب شده و حقّ فسخ دارد؟

**جواب:** اگر در ظاهر علامت خلافی نمایان نیست، موجب فسخ نمی‌شود.

**سؤال ۵۴۲-** چنانچه پس از عقد و نزدیکی مشخص گردد که یکی از طرفین خنثای

مشکل است، عقد چه حکمی دارد؟ آیا بهتر است طلاق داده شود، یا این که از اول باطل

بوده، یا طرف، حقّ فسخ دارد؟

**جواب:** اگر یکی از آن دو، یا هر دو خنثای مشکل باشند، نکاح باطل است.

**سؤال ۵۴۳-** آیا عیوبی که موجب فسخ عقد ازدواج دائم است، شامل عقد موقت

نیز می‌شود؟

**جواب:** ظاهراً شامل عقد موقت هم می‌شود.

**سؤال ۵۴۴-** با توجه به این که کشور ما، در حال حاضر، در مرحله حذف بیماری جذام

است، آیا می‌توان جایگزین‌های دیگری، مثل بیماری ایدز، یا سایر بیماری‌های پوستی که

مُخَلّ روابط زناشویی است، برای آن در نظر گرفت؟

**جواب:** در صورتی که واقعاً مُخَلّ رابطه زناشویی باشد، حقّ فسخ ثابت است.

**سؤال ۵۴۵-** مواردی که مرد حق فسخ دارد، مانند بیماری برص (ویتیلیگو)، نقص مادر زادی، افضاء، موانع مقاربت (مانع استخوانی، یا پرده پوستی و مانند آن) همگی امروزه با درمان قابل رفع می‌باشد. حال چنانچه مردی پس از ازدواج متوجه موارد مذکور گردد، آیا باز هم اختیار بر هم زدن عقد را دارد؟ چنانچه نیاز به درمان باشد، آیا درمان و هزینه آن، بر عهده زن و خانواده اوست، یا بر عهده شوهر می‌باشد؟

**جواب:** هر گاه به سهولت قابل معالجه باشد، و زن با هزینه خود اقدام به درمان نماید، خيار فسخ جاری نیست.

**مسألة ۵۴۶-** هر گاه مرد، یا زن، به واسطه یکی از عیوبی که گفته شد، عقد را به هم زنند، احتیاجی به طلاق نیست، همان فسخ کافی است.

### محارم و عده‌ای از کسانی که ازدواج با آنها جایز نیست

**مسألة ۵۴۷-** پدر شوهر و جد او هر چه بالا روند، و پسر و نوه پسری و دختری شوهر هر چه پائین آیند، به زن او محرمند؛ چه قبل از عقد متولد شده باشند، یا بعد از عقد.

**مسألة ۵۴۸-** زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر درآید.

**سؤال ۵۴۹-** آیا ازدواج موقت زن مسلمان با غیر مسلمان، مخصوصاً اهل کتاب، نیز حرام است؟

**جواب:** آری حرام است.

**سؤال ۵۵۰-** آیا ازدواج زنان و دختران شیعه، با جوانان و مردان اهل سنت، جایز است؟

**جواب:** در صورتی که خوف انحراف نباشد مانعی ندارد؛ ولی در صورتی که احتمال انحراف عقیدتی باشد جایز نیست.

**سؤال ۵۵۱-** آیا ازدواج با پسری که بظاهر مسلمان است، ولی اهل نماز نیست، حکم

ازدواج با کافر را دارد؟

**جواب:** چنین ازدواجی جایز است، ولی باید تدریجاً او را دعوت به انجام

واجبات نمود.

**مسأله ۵۵۲-** اگر زن شوهر دار (نعوذ بالله) زنا دهد بر شوهر خود حرام نمی‌شود، ولی چنانچه توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد بهتر است شوهر او را طلاق دهد، اما باید مهرش را بدهد.

**مسأله ۵۵۳-** زنی را که سه مرتبه طلاق داده‌اند بر شوهرش حرام می‌شود، ولی اگر با شرایطی که در کتاب طلاق آمده، با مرد دیگری ازدواج کند و سپس طلاق بگیرد، می‌تواند دوباره با شوهر اول ازدواج کند.

**سؤال ۵۵۴-** زن و شوهری صاحب اولاد نمی‌شوند، اگر بخواهند بچه‌ای از شیر خوارگاه بگیرند، برای محرم شدن با آنها چه راهی وجود دارد؟

**جواب:** اگر دختر باشد و پدر آن مرد در حیات باشد مجاز است عقد موقت آن دختر را، برای پدر خویش بخواند تا حکم زن پدر پیدا کند و محرم شود، و اگر خواهر یا خواهرزاده‌های آن مرد، یا زن برادر یا برادرزاده‌هایش شیر داشته باشند، و آن بچه شیر خوار باشد و از شیر آنها (با شرایط لازم) بخورد حکم برادر زاده یا خواهرزاده‌اش را پیدا می‌کند و محرم می‌شود. و در صورتی که پسر باشد راه محرمیت آن است که از شیر خواهر یا خواهرزاده‌ها، یا مادر، یا زن برادر، یا برادرزاده‌های آن زن فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر، یا عمه رضائی آن پسر شود، و محرم گردد. و اگر دوران شیرخوارگی پسر بچه گذشته باشد، راه قابل ملاحظه‌ای برای محرمیت او نیست.

**سؤال ۵۵۵-** اگر مردی دو زن به نام فاطمه و زهرا داشته باشد، و از هر کدام دختری داشته باشد، و دختران آن مرد شوهر کنند، لطفاً بفرمایید:

۱. آیا داماد آن مرد با هر دو زن او محرم است؟ مثلاً حسن داماد فاطمه، با زهرا هم محرم است؟

**جواب:** تنها به مادر زن خود محرم می‌شود.

۲. اگر شیر یکدیگر را خورده باشند، چطور؟ مثلاً لیلا، که دختر فاطمه است، شیر زهرا را هم خورده باشد. آیا حسن که با فاطمه، مادر خانمش، محرم است، با زهرا که همسرش را شیر داده نیز محرم می‌شود؟

**جواب :** مادر زن رضاعی، محرم است.

۳. اگر داماد دومی پیدا شود؛ مثلاً حسین با سکینه ازدواج کند و سکینه فقط شیرمادرش را (که زهراست) خورده باشد و شیر فاطمه را نخورده باشد، آیا حسین با فاطمه محرم می‌شود؟

**جواب :** محرم نمی‌شود.

**سؤال ۵۵۶-** مردی نعوذ بالله با زنی زنا می‌کند، و زن حامله می‌شود. قبل از این که بچه به دنیا بیاید، زن با مرد دیگری ازدواج می‌نماید، پس از ازدواج پسر بچه‌ای به دنیا می‌آید، سپس همان زن از مردی که با او ازدواج کرده، صاحب دختری می‌شود. آیا آن پسر و این دختر بر یکدیگر محرمند؟ اگر پسر دیگری که بالغ است، با آن پسر لواط کند، آیا دختر مذکور بر او حرام می‌شود؟

**جواب :** آن دختر و پسر، که از یک مادر متولد شده‌اند، با هم محرمند؛ هر چند یکی از آن دو فرزند، نامشروع است، و آن خواهر بر واطی حرام می‌شود، مشروط بر این که یقین به دخول داشته باشد.

**سؤال ۵۵۷-** آیا در بهشت محرم و نامحرم وجود دارد؟ اگر دارد به چه صورت است؟ و اگر ندارد، آیا محارم می‌توانند با هم ازدواج کنند؟

**جواب :** در بهشت کسی هوس ازدواج با محارم و سایر کارهای ناپسند را نمی‌کند.

**سؤال ۵۵۸-** لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱. اگر کسی با زن شوهردار زنا کند، ازدواج با آن زن بعد از طلاق یا فوت شوهرش چه صورت دارد؟

۲. آیا فرقی بین دخول در قبل و دبر هست؟

۳. آیا صورت علم به مسأله و جهل به آن تفاوتی دارد؟

۴. اگر ازدواج صورت بگیرد و صاحب اولاد شوند، حکم چیست؟

**جواب ۱ تا ۴ :** ما دلیلی بر حرمت نیافته‌ایم؛ لذا در صورتی که ازدواج کرده باشند

ازدواج آنها را بر هم نمی‌زنیم. ولی اگر ازدواج نکرده باشند، می‌گوییم احتیاط کنند. و فرقی بین علم و جهل، و دخول از طرفین نیست.

**سؤال ۵۵۹-** در بین عشایر عرب خوزستان رسمی به نام «نهبوه» وجود دارد (اجبار دختر عمو به ازدواج با پسر عمو یا دیگر نزدیکان، و منع از ازدواج با دیگران)، چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

**جواب:** چنین رسمی برخلاف شرع است، و باید از آن پرهیز کرد، مگر این که زوج و زوجه هر دو بدون اجبار رضایت دهند.

## احکام عقد دائم

### الف) حقوق زن بر شوهر

#### ۱. نفقه

**مسأله ۵۶۰-** بر شوهر واجب است که غذا و لباس و منزل و لوازم دیگر را مطابق معمول برای همسر دائمی خود تهیه کند. (حتی هزینه طیب و دارو و مانند آن) و اگر تهیه نکند بنابر احتیاط بدهکار او خواهد بود، خواه توانایی داشته باشد یا نه.

**سؤال ۵۶۱-** آیا بر شوهر لازم است که ماهیانه یا روزانه پولی جهت مخارج همسرش به او بپردازد؟ در صورت وجوب، آیا شوهر حق دارد مورد مصرف پول را تعیین کند؟  
**جواب:** مانعی ندارد که شوهر به همسرش در تهیه نفقه وکالت دهد، و بر زن لازم است که طبق شرط عمل کند. این در صورتی است که شوهر به زن وکالت در تهیه نفقه بدهد؛ ولی اگر حق نفقه را به او واگذار می‌کند، زن در مصرف آن مختار است.

**سؤال ۵۶۲-** آیا بر زوج لازم است که آنچه معمولاً تمام زنها به آن نیاز دارند را به عنوان نفقه برای زوجه‌اش تهیه کند؟ یا فقط غذا و مسکن و لباس لازم است؟  
**جواب:** آنچه واقعاً مورد حاجت است و مرد قدرت بر آن دارد بر او لازم است.

**سؤال ۵۶۳-** مرسوم است که بین عقد ازدواج و زفاف، مادامی که زن به خانه شوهر نرفته از زوج نفقه نمی‌گیرد، بنابراین اگر زوجه پس از مدتی در مقام مطالبه نفقه آن زمان برآید، آیا با توجه به این که تمکین کامل ننموده حق نفقه دارد؟

**جواب:** نفقه ندارد.

**سؤال ۵۶۴-** شوهر در عقد ازدواج و قبل از دخول می‌گوید: «قدرت برگزاری مراسم عروسی را از لحاظ مالی ندارم». زوجه هم می‌گوید: «فقط با رعایت شرایط و تشریفات مرسوم و عرف محل حاضریم به خانه شوهر بروم». در فرض مسأله، آیا زوجه مستحق نفقه می‌باشد؟

**جواب:** اگر در عقد نکاح چنین شرطی ذکر نشده، زوجه حق امتناع ندارد، و اگر امتناع کند حق نفقه ندارد.

**سؤال ۵۶۵-** آیا هزینه دارو و درمان زوجهٔ مریض، با توجه به این که مداوای بیماری عرفاً جزء نیازهای اولیهٔ هر انسانی می‌باشد، نیز جزء نفقه زوجه است؟  
**جواب:** مداوا در حد متعارف جزء نفقه است.

**سؤال ۵۶۶-** زنی به سبب آتش سوزی در منزل شوهر، در بیمارستان بستری و سپس فوت می‌کند، آیا هزینهٔ بیمارستان او بر عهدهٔ شوهر است؟  
**جواب:** احتیاط واجب آن است که شوهر هزینهٔ درمان او را بدهد.

**سؤال ۵۶۷-** اگر زن جهت دریافت مهریه از تمکین خود داری کند، در این مدت حق نفقه دارد؟

**جواب:** در صورتی که مهریه بصورت نقد بوده باشد حق دارد قبل از گرفتن آن از تمکین خودداری کند، و حق نفقه هم دارد.

**سؤال ۵۶۸-** شخصی برای مدتی از طریق دادگاه زندانی شده، و پس از چندی با حصول برائت یا تحمل حبس آزاد می‌شود، اگر در این مدت به عائله تحت تکفل وی از طریق مراجع دولتی نفقه‌ای داده باشند، یا هیچ وجهی در این مدت نگرفته باشند، آیا آنها حق مطالبهٔ نفقه گذشته را دارند؟

**جواب:** نفقهٔ زوجه در هر حال واجب است؛ مگر این که دولت از طرف زوج پرداخته باشد. اما جبران نفقهٔ گذشتهٔ غیر زوجه واجب نیست.

**مسأله ۵۶۹-** هر گاه زن مطالبهٔ خرجی کند و شوهر ندهد می‌تواند هر روز، به اندازهٔ خرجی آن روز، بدون اجازه از اموال او بر دارد، و احتیاط واجب آن است که این کار با اجازهٔ

حاکم شرع باشد. و اگر مجبور شود که خودش معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول کار است اطاعت از شوهر بر او واجب نیست.

**سؤال ۵۷۰-** در تحریر الوسیله، جلد دوم، صفحه ۳۰۶، آمده است: «اگر زوج حقوق زن را، از قبیلۀ نفقه، نپردازد، ابتدا حاکم زوج را الزام می‌کند و در صورت عدم تأثیر، او را تعزیر می‌نماید». آیا مراد از «الزام» صدور حکم قضائی است، یا صدور حکم به الزام؟  
**جواب:** منظور این است که حاکم شرع او را مجبور می‌کند که نفقه زن را بپردازد و هر گاه ترتیب اثر ندهد او را تعزیر می‌کند.

**سؤال ۵۷۱-** آیا برای همسر و فرزندان شخصی که از راه نا مشروع کسب درآمد می‌کند، جایز است از در آمد او استفاده کنند؟  
**جواب:** اگر می‌دانند نفقه‌ای که به آنها پرداخته می‌شود از همان پول است، تصرف در آن جایز نیست؛ مگر در حال ضرورت.

**سؤال ۵۷۲-** آیا شخص ثالث می‌تواند در ضمن عقد ازدواج نفقه زوجه را تعهد نماید، تا هرگاه بین زن و شوهر راجع به نفقه اختلافی به وجود آمد، نفقه زوجه را پرداخت نماید؟ و در این صورت آیا نفقه از زوج ساقط می‌شود؟  
**جواب:** مانعی ندارد که شخص ثالثی ضمانت نفقه را بنماید، و در این صورت نفقه بر عهده او خواهد بود.

**سؤال ۵۷۳-** اگر طبق نظر پزشک، زوجه دائمی به مرضی مبتلا باشد که بایستی برای مدتی، یا برای همیشه آمیزش جنسی را ترک نماید، یا این که زوجه دائمی به علت ابتلای به جنون ادواری، یا دائم، در تیمارستان، یا در منزل بستری و تحت درمان باشد، و به هیچ وجه حاضر به نزدیکی با شوهر خود نباشد، آیا چنین زنی حق نفقه دارد؟  
**جواب:** در صورتی که زن مقصر نبوده باشد، احتیاط واجب آن است که مرد نفقه او را بپردازد.

**سؤال ۵۷۴-** زنی ادعا می‌کند شوهرش او را از منزل بیرون کرده، و نفقه‌اش را در مدت خاصی نپرداخته است. شوهر ضمن اقرار به این که نفقه معوقه همسرش را پرداخت نکرده، ادعا می‌کند که همسرش ناشزه است، و بدون اجازه او منزل مشترک را ترک کرده،

و از ادای وظایف زناشویی امتناع نموده، و در نتیجه استحقاق نفقه ندارد. در فرض مذکور، با توجه به این که زوجین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، قول کدام یک مقدم، و بینه بر عهده چه کسی است؟

**جواب:** اگر جدا از هم زندگی می‌کنند، و زن مجوزی برای این کار ندارد، ناشزه است و حق نفقه ندارد.

## ۲. مهریه

**مسأله ۵۷۵-** تعیین مهر در عقد دائم واجب نیست، و بدون آن عقد صحیح است؛ ولی چنانچه بعداً با زن نزدیکی کند باید مهر او را مطابق معمول زنهایی که مثل او هستند، بدهد. **سؤال ۵۷۶-** شایستگی زنان مسلمان را به چه مهریه‌ای می‌دانید؟ و برای دختران و پسران جوان و پدر و مادرهای آنان در این زمینه چه توصیه‌ای دارید؟

**جواب:** اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که مهریه‌ها سبک باشد، و اصولاً ازدواج با هزینه کم انجام گیرد، که مایه سعادت زوجین خواهد شد، و سنگین کردن بار ازدواج شرعاً مذموم و عواقب ناگوار و مسؤولیت شدید دارد.

**سؤال ۵۷۷-** آیا زوج می‌تواند مهریه همسر خود را آموزش تلاوت قرآن قرار دهد؟ در صورت مثبت بودن، اگر مرد تلاش خود را انجام دهد، ولی زن به جهت کُند ذهن بودن نتواند یاد بگیرد، وظیفه زوج چیست؟

**جواب:** آموزش قرآن می‌تواند مهریه بوده باشد و مرد باید وظیفه خود را انجام دهد، اگر زوجه استعداد نداشت و مرد کوشش لازم را کرد، دین خود را ادا کرده است.

**سؤال ۵۷۸-** مرسوم است که عقد را به انضمام یک جلد کلام الله مجید جاری می‌کنند، آیا این کار به معنی تعلیم قرآن به زوجه است، تا بر مرد واجب باشد قرآن را به همسرش تعلیم بدهد، یا معنای دیگری دارد؟

**جواب:** قرار دادن قرآن جزء مهریه کار خوبی است، و مفهومی تهیه یک جلد کلام الله مجید برای زوجه است، نه آموزش قرآن؛ ولی لازم است قیمت آن در موقع عقد تعیین شود، تا مبهم نباشد.



**سؤال ۵۷۹ -** حدّ و میزان مهریه چقدر است؟ حدّ اقلّ و حدّ اکثر آن را بیان کنید.  
**جواب:** مهر حدّ ثابتی ندارد، ولی شایسته است از مهریه های سنگین پرهیز شود، طبق برخی از روایات زنانی که مهریه سنگین دارند شوم هستند.<sup>۱</sup>  
**سؤال ۵۸۰ -** لطفاً پیرامون اقسام سه گانه مهریه؛ «مهر المثل»، «مهر المسمی» و «مهر السنّه»، توضیحی بیان فرمائید.

**جواب:** منظور از «مهر المسمی» همان مهری است که در عقد نامبرده می شود. و مراد از «مهر المثل» آن است که مثلاً به هنگام عقد نامی از مهر نبرده اند، در این صورت باید دید مهرامثال آن زن در عرف و عادت چقدر است و به او بپردازند. و منظور از «مهر السنّه» مهر حضرت فاطمه زهراء علیها السلام است، که معروف است پانصد درهم (دویست و پنجاه مثقال نقره مسکوک) بوده است.

**سؤال ۵۸۱ -** اگر مردی مهریه همسرش را به قدری سنگین کرده باشد که معادل حقوق ماهیانه تمام عمرش هم کفاف آن را نکند، چنین مهریه و عقدی چه حکمی دارد؟  
**جواب:** کار خوبی نکرده، ولی عقد و مهر باطل نیست؛ مگر این که در حدّی باشد که آن مهریه را سفیهانه بدانند.

**سؤال ۵۸۲ -** با توجه به این که مورّخین مهریه بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام را مختلف نقل کرده اند:

۱. برخی آن را یک زره جنگی به مبلغ ۴۸۰ درهم<sup>۲</sup>، به اضافه یک دست لباس کتان و یک قطعه پوست گوسفند گفته اند.

۲. بعضی آن را چهارصد درهم شمرده اند.<sup>۳</sup>

۳. و برخی دیگر چهارصد مثقال نقره بیان کرده اند.<sup>۴</sup>

و از طرف دیگر در روایتی مهریه آن حضرت «شفاعت گنهکاران از امت پدرش»<sup>۵</sup> آمده است، آیا صرف تعیین مهریه حضرت زهراء علیها السلام (مهر السنّه) برای عروسان، بدون تعیین ارزش فعلی آن، صحیح است؟

۱. روایات متعدّدی به این مضمون در کتاب شریف وسائل الشیعه، جلد ۱۵، ابواب المهور، باب ۵، آمده است.

۲. احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۵۴ و ۳۵۸.

۳. احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۵۲ و ۳۵۳.

۴. همان، ص ۳۶۴ و ۳۶۵.

۵. همان، صفحه ۳۶۷.

**جواب :** معروف است که مهر السنه معادل پانصد درهم می باشد (هر درهم تقریباً پانصد تومان، که مجموعاً حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان می شود)<sup>۱</sup> هر گاه در محیط زوجین این شهرت وجود داشته باشد کافی است، و الا باید تعیین کنند.

**سؤال ۵۸۳-** اگر زنی مهریه خویش را، مهر السنه قرار دهد، آیا معادل آن را طلب دارد، یا مهر المثل بر عهده زوج است؟

**جواب :** چنانچه طرفین می دانسته اند که مهر السنه طبق مشهور پانصد درهم نقره است اشکالی ندارد، و باید با پول رایج حساب کنند؛ اما اگر هر دو، یا یکی از آنها آگاه نبوده اند، احتیاط آن است که در مورد مقدار مهر با هم مصالحه کنند.

**سؤال ۵۸۴-** از آنجا که در زمان ما درهم سکه دار وجود ندارد، آیا معیار قیمت مهر السنه، نرخ نقره معمولی و بدون سکه است؟

**جواب :** در شرایطی که درهم سکه دار وجود ندارد باید فرض را بر این بگیریم که اگر نقره موجود سکه دار و رایج وجود داشت چه اندازه به قیمت آن افزوده می شد؟ سپس اضافه قیمت را بطور تقریبی حساب کنیم و بر آن بیفزاییم. و از آنجا که این حکم، یک حکم استجابی است محاسبات تقریبی در آن ضرر ندارد.

**مسأله ۵۸۵-** در صورتی که مدتی برای دادن مهر در عقد تعیین نشده باشد، زن حق دارد مهر خود را فوراً مطالبه کند، بلکه می تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر خودداری نماید، چه شوهر توانایی بر دادن مهریه داشته باشد یا نه؛ مگر این که عدم توانایی او قرینه بر این باشد که مهر از اول بر ذمه بوده، نه بصورت نقدی و یا این که حاکم شرع آن را تقسیط کند که زوجه با دریافت اولین قسط باید تمکین کند.

**سؤال ۵۸۶-** هر گاه زن جز به گرفتن مهر، حاضر به تمکین نشود، و شوهر قادر بر ادای آن نباشد، و در عین حال بگوید: «طلاق نمی دهیم، و تا پایان عمر نفقه می پردازم». حکم این مسأله چیست؟

**جواب :** زن حق دارد قبل از تمکین مطالبه مهر کند؛ ولی اگر شوهر قدرت بر پرداخت

۱. قیمت درهم در زمانهای مختلف، متغیر است؛ قیمت مزبور مربوط به سال ۱۳۹۱ ه. ش می باشد.

مهریه نداشته باشد و حاکم شرع آن را تقسیط کند زوجه با دریافت اولین قسط باید تمکین کند وگرنه حق نفقه ندارد.

**سؤال ۵۸۷-** آیا حق امتناع زوجه از تمکین، در فرض عدم پرداخت مهریه از سوی مرد، مختص به دخول است، یا شامل سایر استمتاعات و یا اطاعت از زوج در امور لازمه (از قبیل اقامت در منزل شوهر، یا مسافرت با اذن او) نیز می‌گردد؟

**جواب:** ظاهر این است که زن می‌تواند بدون گرفتن مهر معجل، خود را مطلقاً تسلیم شوهر نکند، و در این مدت بر زوج واجب است نفقه او را بدهد.

**سؤال ۵۸۸-** زوجه از شوهر خود تمکین نموده، ولی زوج قدرت نزدیکی با وی را، به علت عدم قدرت جنسی، نداشته است؛ وی اکنون تمکین مجدد را، منوط به دریافت کل مهریه می‌نماید. آیا به علت عدم دخول، حق زوجه به قوت خود باقی است، یا در فرض مسأله، حق او ساقط شده است؟

**جواب:** حق زوجه در گرفتن مهریه قبل از تمکین مجدد ثابت است؛ مشروط بر این که مهر حال بوده باشد، نه بر ذمه زوج.

**سؤال ۵۸۹-** هر گاه مهریه حال (نقد) باشد، و شوهر قدرت پرداخت آن را بصورت یکجا نداشته باشد، و در صورت تقسیط بتواند ظرف چند سال بپردازد، آیا دادگاه می‌تواند بدون رضایت زوجه با تقسیط مهریه، و با وصول اولین قسط آن (بدون رعایت حق عدم تمکین زوجه) وی را مجبور به تمکین نماید؟

**جواب:** در صورتی که قرآنی، مانند سنگین بودن مهریه و عدم تمکن زوج به هنگام اجرای عقد، چنین نشان دهد که مهریه یکجا قابل پرداخت نیست، بلکه منظور تدریجی، یا عندالقدرة و الاستطاعه بوده است، باید زن با گرفتن قسط اول تمکین کند.

**سؤال ۵۹۰-** مردی زنی را به عقد خود درآورده، ولی هنوز عروسی نکرده‌اند، اما زن از طریق انزال در محل باردار شده است، اگر قبل از عروسی از هم جدا شوند، آیا مهریه تنصیف می‌شود؟

**جواب:** هر گاه مرد سبب باردار شدن زن شده، احتیاط واجب آن است که تمام مهر را بدهد؛ هر چند دخول نکرده باشد.

**سؤال ۵۹۱-** آیا زوجه غیرمدخوله بعد از فوت زوج، مستحق تمام مهریه است، یا نصف آن؟  
**جواب:** مستحق تمام مهر است.

**سؤال ۵۹۲-** آیا در صورت فوت زوجه قبل از دخول، مهریه وی نصف می شود؟  
**جواب:** تمام مهر را می برد، تنها طلاق است که سبب تنصیف می شود.

**سؤال ۵۹۳-** آیا آمیزش با زوجه در دوره نامزدی نیز موجب پرداخت مهریه کامل، در فرض متارکه و طلاق، می گردد؟  
**جواب:** آری موجب پرداخت مهریه کامل می گردد.

**سؤال ۵۹۴-** آیا بین باکره و زنان دیگر، در این مورد که دخول باعث مهر کامل و عدم دخول باعث تنصیف مهریه می شود، فرقی هست؟  
**جواب:** فرقی میان باکره و غیر او از این جهت نیست.

**سؤال ۵۹۵-** مهریه خانمی چهل سال قبل دو هزار تومان تعیین شده است، و اکنون تقاضای اداء آن را دارد، شوهر حاضر است همان مبلغ را بپردازد، ولی زن می گوید: «شوهرم در آن زمان مهریه را یک ساعت آب و نصف منزل قرار داد و من هم قبول کردم، ولی بخاطر مشکل ثبتی، همان مبلغ دو هزار تومان قرار داده شد». اکنون با توجه به تورم شدید حکم این مسأله چیست؟

**جواب:** اگر آن زن ثابت کند که مهریه واقعی همان آب و منزل بوده، حق دارد آن را بگیرد، و اگر مهریه دو هزار تومان بوده، می تواند معادل آن را به قیمت امروز (طبق نرخ متوسط تورم اجناس) بگیرد. در سایر مطالبات نیز حکم همین است؛ یعنی هرگاه فاصله زمانی و تورم زیاد باشد به قیمت روز محاسبه می شود.

**سؤال ۵۹۶-** هفده سال پیش به عقد مردی در آمد، و در این مدت علیرغم تمام مشکلات همراه او بودم، وی هم اکنون صاحب ۲۵ میلیون تومان سرمایه است و اقدام به ازدواج مجدد کرده و مرا طلاق داده است، با توجه به تنزل شدید ارزش پول، آیا می توانم مهریه ام را به قیمت امروز بگیرم؟ آیا در برابر زحماتی که برای خودش و بچه هایش کشیده ام، چیزی به من می رسد؟

**جواب :** چنانچه ارزش مهریه نسبت به زمان گذشته تفاوت کلی کرده، باید به قیمت امروز پردازد. و اگر در مقابل خدمات شما قول داده که جبران کند، موظف است به قولش عمل کند.

**سؤال ۵۹۷-** شخصی که با پدرش زندگی می کرده از دنیا رفته و هیچ گونه مالی از خود نداشته است، آیا مهریه زوجه او بر پدرش می باشد؟

**جواب :** مهریه زن بر عهده شوهر است، نه پدر؛ مگر این که پدر شوهر آن را تضمین کرده باشد، یا مزد کارهای فرزندش را نداده باشد، و آن مزد به اندازه مهریه یا بیشتر از آن باشد.

**سؤال ۵۹۸-** پدر داماد قسمتی از مهریه عروسش را بر ذمه می گیرد، ولی قبل از عروسی و پس از عقد، یعنی هنگامی که می خواستند مهریه را ثبت کنند از تعهد خود استنکاف می ورزد و داماد مهر را به وجه نقد مصالحه و بر ذمه خود می گیرد و سپس عروسی واقع می شود، آیا عروس می تواند مدعی آنچه بر ذمه پدر شوهر بوده است، شود؟

**جواب :** اگر موقع خواندن صیغه عقد بر ذمه گرفته موظف است پردازد، و بازگشت جایز نیست.

**سؤال ۵۹۹-** در صورت اختلاف زوجین در مقدار و وصف مهریه، قول کدام یک مقدم می شود؟ اگر هیچ کدام دلیلی جهت ادعای خود نداشته باشند چطور؟

**جواب :** چنانچه زوج مدعی مقدار کمتر است، قول او پذیرفته می شود، مگر این که دلیلی بر خلاف آن اقامه شود.

**سؤال ۶۰۰-** در بعضی ازدواجها مهریه های سنگینی در نظر گرفته می شود، که عندالمطالبه نیز می باشد، در حالی که مرد ۵۰۰ هزار تومان هم پول ندارد. ولی برای این که ازدواج سر بگیرد، مثلاً ۲۰ میلیون تومان مهر پیشنهادی را می پذیرد، و شاید در طول عمر خود به این مبلغ دست نیابد، و از اول نیز محرز است که در صورت مطالبه، قادر بر پرداخت چنین مهریه ای نخواهد بود. این نوع ازدواجها شرعاً چه حکمی دارد؟

**جواب :** این گونه مهریه ها با چنان قرائنی که ذکر شد، جدی نیست. و جمله عند

المطالبه را باید حمل بر عند القدرة و الاستطاعة کرد. بنابراین، به اجرا گذاشتن این گونه مهریه‌ها در صورت عدم قدرت جایز نمی‌باشد.

**سؤال ۶۰۱-** بکارت دختری در اثر تصادف زایل شده است. آیا ارش البکاره گرفته می‌شود، یا مهر المثل؟

**جواب:** باید مهر المثل پردازد.

**سؤال ۶۰۲-** شخصی ازدواج می‌کند، و در حین اجرای عقد عالماً و عامداً مهریه‌ای معین می‌کنند، که زوج فعلاً توانایی پرداخت آن را به هیچ وجه ندارد، و ممکن است در مدت طولانی هم نتواند آن را پردازد. عرفاً هم این گونه مهریه‌ها را در ذمهٔ زوج نسبه حساب می‌کنند، و زوجه هم در موقع اجرای عقد قصد مطالبه ندارد. آیا این گونه مهریه‌ها در شرع مقدس حلال است، یا مؤجل؟

**جواب:** در فرض سؤال این گونه مهریه‌ها مؤجل است.

**سؤال ۶۰۳-** در مواردی که مهرالمثل واجب می‌شود، آیا حدّ اقل یا حدّ اکثری وجود دارد؟

**جواب:** ظاهر این است که در مهرالمثل حدّ معینی نیست، و الا مهرالمثل صدق نمی‌کند، و روایاتی که خلاف آن را بگوید ظاهراً معمول بهای اصحاب نیست.

**سؤال ۶۰۴-** مرسوم است که در موقع ازدواج و در زمان عقد مهریه را دو قسمت می‌کنند؛ یک قسمت را به عنوان کمک به تهیهٔ جهیزیه اخذ می‌کنند، و مابقی در ذمهٔ زوج می‌ماند. لکن در تمام دادگاه‌ها با استناد به مادهٔ ۱۰۸۵ قانون مدنی که می‌گوید: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این که مهر او حلال باشد. و این امتناع مُسقط حق نفقه نخواهد شد» تمسک کرده، تمام مهریه‌ها را حلال (نقد) حساب می‌کنند. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

**جواب:** مهریه در صورتی که قید و شرطی نداشته باشد، حلال است؛ ولی گاه قرائنی وجود دارد که مهریه نسبه است. مثلاً مهریه سنگین است، و می‌دانیم شوهر یک جوان کارگر، یا یک جوان دانشجو است، و چیزی ندارد که فوراً بدهد. در این گونه موارد مهریه حلال نیست، و زوجه نمی‌تواند آن را مطالبه کند. همچنین اگر مهریه را دو بخش کنند، نقد و نسبه، در این جا تنها می‌تواند نقد را مطالبه کند.

**سؤال ۶۰۵-** دختری، با جانبازی که قادر بر نزدیکی نیست، ازدواج می‌کند. یک هفته پس از تلقیح، کارشان به طلاق می‌کشد؛ در این مورد لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. مهریهٔ دختر نصف است، یا تمام؟

**جواب:** در صورتی که تلقیح بوسیلهٔ شوهر انجام نشده باشد، مهریه کامل نمی‌شود.

۲. آیا برای ازدواج مجدد، باز هم اجازهٔ پدر لازم است؟

**جواب:** اجازهٔ پدر لازم نیست؛ ولی قبل از وضع حمل نمی‌تواند ازدواج کند.

۳. آیا این دختر نیاز به عده دارد؟ مدت عدهٔ وی چقدر است؟

**جواب:** عدهٔ او وضع حمل است.

۴. آیا می‌تواند با پدر آن جانباز ازدواج کند؟

**جواب:** جایز نیست.

۵. اگر زنی با چنان جانبازی ازدواج کند، و پس از تلقیح جدا شود، دخترش می‌تواند با

جانباز ازدواج کند؟

**جواب:** در صورتی که دخول از سوی جانباز حاصل نشده باشد، اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۰۶-** اگر زنی قبل از عقد مهریهٔ خویش را چه در نکاح دائم یا موقت ببخشد، آیا

می‌توان صیغهٔ عقد را بدون مهریه خواند؟

**جواب:** در عقد موقت لازم است مدت و مهریه هر دو معلوم باشد، اما در عقد

دائم قرار ندادن مهریه ضرری نمی‌زند، و عقد صحیح است. و بخشیدن مهریه قبل از

عقد معنا ندارد.

**سؤال ۶۰۷-** در صورتی که زوجهٔ دائمی شخصی، با مرد اجنبی فرار نموده و از کشور

خارج شود. آیا زن می‌تواند شخصاً، یا با اعطای وکالت به غیر، نسبت به دریافت مهر خود

اقدام قانونی نماید؟ آیا چنین زنی مستحق دریافت مهریه می‌باشد؟

**جواب:** با توجه به این که مهریه مربوط به سابق است حق گرفتن آن را دارد؛ ولی هر

دو نفر از نظر قضایی قابل تعقیب هستند، و از نظر اسلام مجازاتشان شدید است.

**سؤال ۶۰۸-** اگر مردی در شب زفاف به علت عنن، یا عامداً، به وسیلهٔ انگشت، یا شیء

مناسب دیگری غیر از آلت رجولیت، بکارت همسرش را زایل نماید، بفرمایید: اولاً: آیا این عمل تعزیر دارد؟ و ثانیاً: آیا این کار در حکم دخول، و زوجه مستحقّ کلّ مهر است؟  
**جواب:** در صورت عدم رضایت زوجه، تعزیر دارد. و زوجه مستحقّ کلّ مهر است.

### ۳. حق آمیزش و همخوابی

**مسأله ۶۰۹-** مرد نمی تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با همسر دائمی خود را ترک کند، بلکه اگر زن جوان باشد و در این مدت بیم آن برود که به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که او به گناه نیفتد.

**سؤال ۶۱۰-** با توجه به مسأله بالا، اگر زنی جوان نباشد، ولی اگر شوهر به آمیزش یکبار در چهار ماه اکتفاء کند بیم گناه بر او می رود، در این صورت مرد در برابر او چه وظیفه ای دارد؟  
**جواب:** احتیاط واجب آن است تربیتی بدهد که او آلوده گناه نشود.

**مسأله ۶۱۱-** مرد حق ندارد زن دائمی خود را طوری ترک کند که نه مانند زن شوهردار باشد و نه بی شوهر؛ ولی واجب نیست هر چهار شب یک شب نزد او بماند، اما اگر همسرهای متعدّد دارد باید در میان آنها از این جهت با عدالت رفتار نماید.

**سؤال ۶۱۲-** آیا شوهر حق دارد بدون رضایت همسرش از انزال نطفه خودداری کند، و به آمیزش تنها قناعت نماید؟

**جواب:** مانعی ندارد؛ ولی در مورد آمیزش واجب، بدون رضایت همسر نمی تواند این کار را انجام دهد.

**سؤال ۶۱۳-** آیا زن حق دارد از شوهر بخواهد که به جای آمیزش واجب (هر چهار ماه یکبار) از راههای دیگر او را ارضاء کند؟

**جواب:** در صورتی که طرفین راضی شوند مانعی ندارد.

**سؤال ۶۱۴-** اگر شخصی دو همسر داشته باشد، آیا لازم است یک شب را نزد یکی، و شب بعد را نزد دیگری باشد؟ یا از هر چهار شب باید یک شب را نزد هر یک از آنها باشد، و دو شب دیگر را آزاد است هر کجا باشد؟



جواب: از هر چهار شب واجب است یک شب را نزد هر یک از آنها باشد، و دو شب دیگر را مختار است، هر چند بهتر آن است که در میان آنها مساوات قائل شود.

ب) حقوق شوهر بر زن

۱. تمکین

مسئله ۶۱۵- زنی که عقد دائم شده، نباید بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلوگیری کند.

سؤال ۶۱۶- اگر زن دائمی شرط کند که هفته‌ای یکی دو بار تمکین کند، آیا این شرط صحیح است؟

جواب: چنانچه طرفین به این شرط راضی شده باشند، این شرط صحیح است.

سؤال ۶۱۷- آیا زن می‌تواند به این علت که شوهرش به او تهمت زده و آبروی او را برده، خود را بر او حرام کند، و با دیدنش در حجاب شود، و از تمکین عام و خاص جلوگیری نماید؟ هر چند شوهر بارها به پاکی او اعتراف کرده باشد.

جواب: زن حق ندارد به این عذرهای تمکین خودداری کند، و اگر شوهر به او تهمت زده، باید نزد حاکم شرع برود و مجازات او را بخواهد، مگر این که زن او را ببخشد.

سؤال ۶۱۸- آیا تمکین از مرد حدّ خاصی دارد، یا هر زمانی که او تقاضای تمکین کند زن باید اجابت کند، هر چند موجب عسر و حرج برای زن شود؟

جواب: در صورتی که سبب عسر و حرج برای زن باشد واجب نیست، و اصولاً درخواست او باید در حدّ معقول و متعارف باشد.

سؤال ۶۱۹- چه چیزهایی حقّ تمکین مرد را ساقط می‌کند؟

جواب: در صورتی که درخواست مرد غیرمعقول و غیر متعارف باشد، تمکین در برابر آن لازم نیست. همچنین در صورتی که زن مریض یا در عسر و حرج بوده باشد، یا تقاضای شوهر نامشروع باشد، مانند ایام عادت، تمکین واجب نمی‌باشد.

سؤال ۶۲۰- اگر شوهر (با توجه به مُعسر بودن) به حکم دادگاه، مهریه را به صورت

اقساطی بپردازد، با توجه به این که امروزه مهریه‌ها متأسفانه بالاست و پرداخت قسطی آن هم سالها طول می‌کشد، آیا در این فرض زن، که هنوز باکره است، حق دارد تا پایان اقساط مهریه تمکین نکند؟

**جواب:** در صورتی که قرائنی وجود داشته باشد که این مهریه سنگین را یکجا نمی‌توان مطالبه کرد، خودداری از تمکین جایز نیست، بنابراین متوقف کردن تمکین بر پرداخت تمام مهر در این گونه موارد جایز نیست.

**سؤال ۶۲۱-** آیا آمیزش با همسر از پشت جایز است؟

**جواب:** این کار حرام نیست، اما کراهت شدید دارد؛ ولی در صورت عدم رضایت همسر جایز نیست.

**سؤال ۶۲۲-** شوهرم تمکین را مشروط به پوشیدن لباسهای خاص، یا آرایش

مخصوصی می‌کند، آیا رعایت این امور لازم است؟

**جواب:** لازم نیست؛ ولی انجام در خواستهای معقول همسر برای طرفین خوب است.

**سؤال ۶۲۳-** آیا وظیفه زن مسلمان صرفاً تمکین است؟ اگر چنین است، نگهداری از

فرزندان، نظافت منزل، شستشوی ظروف و البسه، پخت و پز، وظیفه کیست؟ تقسیم کاری که رسول الله ﷺ بین دختر گرامی و داماد عزیزش انجام داد، که کار بیرون منزل را به علی رضی الله عنه، و کار درون منزل را به زهرا رضی الله عنها واگذار کرد<sup>۱</sup>، به چه معنایی است؟ اگر فلسفه ازدواج فقط رفع شهوت است، آیا بهتر نیست مرد با هزینه‌ای کمتر از آوردن زن به خانه به عنوان موجودی پر خرج، شهوتش را بیرون خانه به طریق شرعی (صیغه) رفع کند؟ اگر وظیفه زن صرفاً تمکین است، چرا مرد مخارج عروسی، خورد و خوراک، لباس، وسائل رفاهی، پزشکی، درمانی، مهریه، شیربها و مانند آن را برگردن می‌گیرد؟ بهتر نیست مجرد و بی‌مسئولیت به کار و عبادت و زندگی خود بپردازد، نه دغدغه خاطر، نه دل‌بستگی، نه ترس از دست دادنی، نه جنگ اعصابی، و نه نگرانی‌های دیگر. لطفاً نظرتان را به طور صریح در این زمینه بیان فرمایید:

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، باب ۸۹، حدیث اول.

**جواب:** هدف از ازدواج، همان گونه که قرآن می‌گوید، آن است که زن و مرد در کنار یکدیگر زندگی آرامی داشته باشند (لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا)<sup>۱</sup> و این هدف بدون زندگی مشترک حاصل نمی‌شود. و زندگی توأم با تجرّد موجب بدبختی و انواع مشکلات و بیماری‌هاست، ولی زن نباید به صورت بردهٔ مرد درآید، و اگر کارهای خانه را انجام می‌دهد، باید با میل و رضایتش باشد. البته تقسیم کار بر اساس رضایت طرفین کار بسیار خوبی است.

**سؤال ۶۲۴-** عدم تمکین زن، در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه، چه حکمی دارد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که زن از تمکین خودداری نکند؛ ولی می‌تواند با اجازهٔ حاکم شرع از اموال او به مقدار نفقهٔ خود بردارد.

## ۲. اطاعت از شوهر

**مسألهٔ ۶۲۵-** زنی که عقد دائم شده بنا بر احتیاط واجب نباید بدون اجازهٔ شوهر از خانه بیرون رود، یا کاری در خارج خانه انتخاب کند (خواه اجازه لفظی باشد، و یا از قرائن معلوم شود که او راضی است).

**سؤال ۶۲۶-** لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

(الف) آیا زوجه حق دارد بدون رضایت شوهر از منزل خارج شود؟

**جواب:** بنا بر احتیاط واجب باید اجازه بگیرد؛ مگر برای کارهای واجب شرعی، یا نیازها و ضرورت‌های مادی و معنوی زندگی.

(ب) در صورتی که بدون رضایت شوهر منزل را ترک کند و تمکین ننماید، و تقاضای مکرّر بازگشت همسرش را بی پاسخ بگذارد، آیا ناشزه محسوب می‌شود؟

**جواب:** چنین زنی ناشزه است.

(ج) در شرایط فوق، آیا زوجه استحقاق دریافت نفقه دارد؟

**جواب:** قدر مسلم از نشوز و عدم تمکین، که موجب سلب حق نفقه می‌شود، عدم تمکین در برابر تمتّعات جنسی است؛ بنابراین نفقه در فرض بالا، یعنی خروج از منزل، ساقط نمی‌شود (بنا بر احتیاط واجب).

۱. سورهٔ روم، آیهٔ ۲۱.

**سؤال ۶۲۷-** آیا زن بدون رضایت شوهر می‌تواند برای فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از منزل خارج شود؟

**جواب:** در صورتی که برای یک هدف مادی یا معنوی ضروری خارج شود، اشکال ندارد. همچنین در صورتی که زن در عقد ازدواج چنین حقی برای خود قائل شده باشد، اشکال ندارد.

**سؤال ۶۲۸-** در صورتی که مهر حال (نقد) باشد زوجه غیر مدخوله حق دارد تا گرفتن مهریه تمکین نکند؛ اما آیا این حق را هم دارد که در غیر تمکین نیز از زوج اطاعت نکند؛ مثلاً منزل پدر و مادر خود بماند، و هر جا که مایل بود برود، و هر کار که خواست انجام دهد، و با این حال مطالبه نفقه نماید؟

**جواب:** باید به وظایف دیگر خود عمل کند، تنها می‌تواند تمکین را منوط به گرفتن مهر کند، آن هم در صورتی که مهر حال بوده و قرائنی دال بر تأخیر آن نبوده باشد.

**سؤال ۶۲۹-** زنی پس از فوت شوهرش با برادر همسر مرحومش ازدواج می‌کند، آیا می‌تواند شبهای جمعه برای قرائت فاتحه به مزار شوهر اول برود؟

**جواب:** با اجازه شوهر اشکال ندارد.

**سؤال ۶۳۰-** آیا زنان می‌توانند بدون اجازه و رضایت همسران خویش، که افرادی مؤمن و متدین می‌باشند، در مسجد فعالیت کنند؟ به گونه‌ای که امورات یک مسجد را کاملاً در دست بگیرند. در حالی که این کار موجب اختلاف خانوادگی می‌شود.

**جواب:** بدون اجازه همسر جایز نیست؛ ولی رفتن به مسجد برای فراگرفتن احکام و معارف دین جایز است.

**سؤال ۶۳۱-** شخصی دوازده سال قبل به همسرش پیشنهاد می‌کند که از تهران مهاجرت کنند؛ اما زن حاضر به این هجرت نمی‌شود، و مرد هجرت می‌کند. اکنون مرد، به بهانه این که زن اطاعت نکرده، نه نفقه می‌پردازد و نه طلاق می‌دهد، حکم این مسأله چیست؟

**جواب:** در صورتی که در ازدواج قرار داد خاصی برای محل سکونت زن نباشد، زن

موظف است در محل سکونت تابع مرد باشد؛ مگر این که ضرر و زیان مهمی برای او داشته باشد.

**سؤال ۶۳۲-** آیا اطاعت نکردن زن از شوهر در غیر مسائل واجب و مستحب حرام است؟  
**جواب:** اطاعت زن از شوهر مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است، در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست، هر چند بهتر است که زن و مرد در تمام مسائل با هم تفاهم داشته باشند.

**سؤال ۶۳۳-** در صورتی که مرد با رفتن زنش به دانشگاه، اداره، و هر محیط دیگری مخالف باشد، زن شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** باید رضایت شوهر را جلب کند؛ مگر این که در عقد ازدواج شرط کرده باشد.  
**سؤال ۶۳۴-** اگر شوهر اجازه انتخاب شغلی به همسر خود بدهد، آیا بعد از طی مراحل خاص گزینش و شروع به کار، می‌تواند ممانعت کند، یا اجازه اول التزام به تمام لوازم آن است؟  
**جواب:** هر گاه زن قرار دادی با اجازه شوهر نسبت به مدتی با اداره یا مؤسسه‌ای بسته، آن قرار داد لازم الاجرا می‌باشد، و شوهر حق ممانعت ندارد. و این در صورتی است که هنگام عقد، اجازه کار زن در خارج از منزل شرط نشده باشد، و الا احتیاجی به اجازه شوهر در عقد قرار داد نیست؛ ولی در هر حال باید شؤون شوهر و خانواده را رعایت کند.

**سؤال ۶۳۵-** اگر زن به خاطر انجام مستحبات زیاد، دچار خستگی فراوان شود، بطوری که مرد نتواند تمتعات لازم را ببرد، آیا مرد حق دارد او را از انجام چنین مستحباتی نهی کند؟ آیا اطاعت از شوهر در اینجا لازم است؟

**جواب:** مرد نمی‌تواند او را نهی کند؛ مگر این که بطور کلی تمتع از بین برود، و در این صورت چون مزاحم حق شوهر است زن بدون اجازه او نمی‌تواند اقدام کند.  
**مسأله ۶۳۶-** اگر زن در همه کارهایی که در مسائل قبل (به شرحی که گذشت) گفته شد، از شوهر اطاعت نکند گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل و همخوابی او از بین می‌رود؛ ولی مهر او از بین نمی‌رود.

### کارهای منزل

**مسأله ۶۳۷-** زن وظیفه ندارد خدمت خانه را انجام دهد و غذا تهیه کند و نظافت و مانند آن را عهده دار شود؛ مگر به میل خود. و اگر مرد او را مجبور بر این کارها نماید، زن می تواند حق الزحمه خود را در برابر این کارها از او بگیرد.

**سؤال ۶۳۸-** آیا زن می تواند در منزل وظایف خود را انجام ندهد؛ مثلاً غذا نپزد، یا خانه را مرتب نکند؟ آیا مرد می تواند او را مجبور به انجام این گونه امور بنماید؟  
**جواب:** مرد حق ندارد او را مجبور به این کارها کند؛ مگر این که زن با میل خود این کارها را انجام دهد.

**سؤال ۶۳۹-** آیا این شرط، که همسر آینده کارهای متعارف و معمول منزل را انجام دهد، صحیح است؟ در صورتی که زن به شرط عمل نکند حکم آن چیست؟  
**جواب:** هر گاه شرط کنند، این شرط لازم الاجراست؛ و در صورت تخلف احتیاط آن است که زن هزینه آن را پردازد.

**سؤال ۶۴۰-** می دانیم که زن موظف به انجام کارهای منزل نیست، حتی می تواند برای شیر دادن و پرورش طفل از شوهرش اجرت دریافت کند؛ لکن با توجه به این که در ایران رسم بر این است که زنان معمولاً کارهای خانه را انجام می دهند و پس از تولد بچه، او را نگهداری نموده و شیر می دهند، آیا می توان گفت که عقد مبنی علیه واقع شده و در نتیجه زن باید کارهای معمولی خانه را انجام دهد و مزدی هم از شوهرش طلبکار نیست؛ مگر در جایی که خلاف آن ثابت شود؟

**جواب:** این گونه موارد عقد مبنی علیه نیست، تا حکم شرط ضمن العقد داشته باشد؛ ولی بهتر است مردان و زنان در زندگی مشترک خانوادگی این گونه سخت گیری ها را با هم نداشته باشند، تا زندگی خوبی داشته باشند.

### ازدواج موقت

**سؤال ۶۴۱-** نظر حضرت تعالی در رابطه با ازدواج موقت چیست؟ آیا آن را راه حل مناسبی

برای جوانان، که مشکلاتی بر سر راه ازدواج دائم دارند و از طرفی می‌ترسند که به فساد کشیده شوند، می‌دانید؟

**جواب:** اگر با شرایط معقول و رعایت موازین شرعی انجام شود، و دستاویزی برای هوسبازی هوسبازان و فساد بیشتر نشود بیقین کارساز است؛ ولی این، کار بسیار دقیق و ظریفی است.<sup>۱</sup>

**سؤال ۶۴۲-** اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقت (بدون استمتاع جنسی و آمیزش) رابطه متعارف شغلی، یا تحصیلی داشته باشند، آیا در دو فرض زیر اجازه پدر دختر شرط است؟

**الف)** امکان دسترسی به ولی دختر نیست و فرضاً ایجاد رابطه شرعی، ضروری و فوری است.

**ب)** امکان دسترسی هست؛ اما ولی دختر بدون منطوق مخالفت می‌کند، و اصلاً رضایت نمی‌دهد.

**جواب:** در هر صورت احتیاط واجب استیذان از ولی دختر است؛ ضمناً تجربه نشان داده است که این رابطه‌ها، مخصوصاً در جوانها، معمولاً در یک حد محدود و معینی ثابت نمی‌ماند، و تدریجاً توسعه می‌یابد و مایه مشکلات فراوانی می‌شود.

**سؤال ۶۴۳-** کسی که قصد ازدواج موقت دارد، آیا می‌تواند بدون اطلاع ولی دختر از او خواستگاری کند؟ در دو صورت باکره بودن و بیوه بودن زن، حکم آن را بیان فرمائید.

**جواب:** خواستگاری در هر صورت مانعی ندارد، ولی اجراء صیغه عقد بدون اذن ولی دختر باکره اشکال دارد، اما در بیوه رضایت طرفین برای اجراء صیغه عقد کافی است.

**سؤال ۶۴۴-** اگر شخصی با زن بی شوهری ازدواج موقت کند، و زن به برادرش اطلاع ندهد، آیا این کار خیانت به برادر محسوب می‌شود؟ در صورتی که برادر با این ازدواج مخالف باشد و زن شرایط ازدواج موقت را داشته باشد، عمل مذکور چه حکمی دارد؟

۱. مشروح این بحث را در کتاب «این است آئین ما» و «تفسیر نمونه» جلد ۳، صفحه ۳۳۵، مطالعه فرمائید.

**جواب:** اجازه برادر معتبر نیست، و اطلاع ندادن به او خیانت محسوب نمی شود؛ ولی مشورت با او مناسب است.

**سؤال ۶۴۵-** زنی به عقد موقت مردی در آمده و بعد از دخول، شوهرش را ترک کرده است، آیا بر مرد واجب است که تمام مهریه او را بپردازد؟

**جواب:** تنها آن مقدار از زمان که زن تمکین کرده مهریه اش لازم است.

**مسألة ۶۴۶-** همسر موقت می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، یاکاری در خارج از خانه برای خود انتخاب کند، مگر این که به خاطر بیرون رفتنش حق شوهر از بین برود.

**مسألة ۶۴۷-** همسر در ازدواج موقت حق خرجی ندارد، هر چند باردار شود. و از شوهر ارث نمی برد و شوهر هم از او ارث نمی برد، و حق واجب همخواهی نیز ندارد.

**مسألة ۶۴۸-** زن می تواند در ازدواج موقت شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند و تنها لذت‌های دیگر ببرد؛ ولی اگر بعداً به این امر راضی شود مانعی ندارد.

**مسألة ۶۴۹-** پدر یا جد پدری می تواند برای محرم شدن با زنی، او را به عقد موقت پسر نابالغ خود درآورد (به شرط این که مدت عقد به اندازه‌ای باشد که پسر به حد بهره‌گیری جنسی برسد)، و نیز می تواند دختر نابالغی را برای محرم شدن بستگان به عقد کسی درآورد (به همان شرط که در مورد پسر گفته شد)، و در هر دو صورت بنابر احتیاط واجب باید عقد فایده‌ای برای آن دو داشته باشد، و خالی از مفسده باشد.

**سؤال ۶۵۰-** به مدت ده سال به عقد موقت مردی درآمده‌ام، ولی اکنون سه سال است که مرا رها کرده و هیچ خبری از او ندارم، به دادگاه مدنی مراجعه کردم ولی نتیجه‌ای نگرفتم، من شرایط ازدواج موقت را نمی دانستم و منبع درآمدی هم ندارم و در وضعیت سختی بسر می برم، تکلیف من چیست؟

**جواب:** هر گاه شما به تشخیص حاکم شرع، در عسر و حرج شدید باشید و راه حلی نداشته باشید، و دسترسی به شوهرتان نیز نباشد، حاکم شرع می تواند باقیمانده مدت را به شما ببخشد، و می توانید پس از عده (در صورت آمیزش) شوهر کنید.

**سؤال ۶۵۱-** آیا در ازدواج موقت عسر و حرج برای زوجه متصور است؟ در صورت اثبات،

آیا می توان زوج را به بذل مدت اجبار نمود؟



**جواب:** در صورتی که به تشخیص حاکم شرع واقعاً عسر و حرج حاصل شود تفاوتی بین عقد انقطاعی و دائم نیست، و حاکم شرع زوج را ملزم به بذل باقیمانده مدّت می‌کند و اگر قبول نکند، حاکم شرع به عنوان ولیّ ممتنع، باقیمانده مدّت را می‌بخشد. و زوجه می‌تواند بعد از سپری شدن عده شوهر کند.

**سؤال ۶۵۲-** یکی از موانع و مشکلات، و شاید مهم‌ترین آنها در راه ترویج و کاربردی نمودن ازدواج موقت، وجوب عده پس از انقضا یا بذل مدّت می‌باشد، که عملاً استفاده از آن را در حدّی که بتواند پاسخگوی نیازهای موجود باشد، غیر ممکن نموده است. بر علمای دین و زعمای امت اسلامی است که با تحقیق و تدبّر در منابع غنتی اسلامی، و به ویژه با تمسک به فقه پویای تشیّع، راهکارهای مناسب و عملی - که کاملاً منطبق بر اراده شارع مقدّس باشد - در این راستا ارائه نمایند، و با ایفای نقش بسیار مهمّ خود از ارتکاب بسیاری از گناهان و مفساد فردی و اجتماعی جلوگیری نمایند. پیشرفت‌های علمی، خارج کردن رحم را در برخی بیماری‌ها، یا به دلیل انگیزه‌های شخصی ممکن ساخته، و شخص می‌تواند پس از این عمل بدون هیچ‌گونه مشکلی به زندگی آسوده ادامه دهد. اگر رحم زنی را خارج کرده باشند، وی بی‌شکّ توان بارداری نداشته، و دچار حالت قاعدگی نخواهد شد. سخن در این است که: آیا چنین زنی در صورت طلاق، فسخ نکاح، انقضاء، یا بذل مدّت در نکاح منقطع، باید عده نگهدارد؟

**جواب:** از مجموع ادلّه شرعیّه استفاده می‌شود که نگه داشتن عده تنها به خاطر احتمال بارداری نیست، و این در واقع یکی از علل آن می‌باشد؛ نه تنها علت. و یکی از علل آن حفظ حریم زوجیت است؛ به همین دلیل اگر شوهر یک سال در مسافرت باشد، و زنش را طلاق دهد، همه می‌گویند باید عده نگه دارد، در حالی که بعد از غیبت یکساله، احتمال انعقاد ولد وجود ندارد. همچنین اگر شوهر در زندان باشد، یا بر اثر بیماری گرفتار عنن گردد، و یقین پیدا کنیم که شوهر برای همیشه عقیم شده، در تمام این فرض، عده بر زن لازم است؛ در حالی که احتمال انعقاد نطفه وجود ندارد بنابراین، احتیاط آن است که چنین زنی نیز عده نگه دارد.

**سؤال ۶۵۳ -** لطفاً پیرامون ازدواج موقت به پرسش‌های زیر پاسخ دهید :

۱. آیا جواز مُتعه مربوط به دوره و شرایط خاصی از تاریخ اسلام بوده است؟
۲. آیا حکومت اسلامی در قبال قانونمندی، یا جلوگیری از گسترش آن در جامعه، وظیفه‌ای دارد؟

۳. در شرایط کنونی وظیفه روحانیت در ارتباط با ازدواج موقت چیست؟ آیا همچون سایر احکام مکلف به ترویج آن هستند؟

۴. در فتوای مشهور آمده است : «زن یائسه عدّه ندارد». آیا کسانی که لوله‌های رحم خود را بسته‌اند، در حکم زنان یائسه هستند؟

**جواب :** مسأله متعه اختصاص به زمان معینی نداشته و ندارد، ولی گاه (مثل زمان ما) شرایط ایجاب می‌کند قیود و شرایطی برای آن قائل شوند، که افراد هوسباز از آن سوء استفاده نکنند. و تبلیغ از آن بدون فراهم شدن آن شرایط خالی از مشکلات نیست ؛ و اما زنانی که لوله‌های خود را ببندند، مشمول یائسه بودن نیستند ؛ بلکه در حکم «من لا تحيض فی سنّ من تحيض» می‌باشند.

### احکام پوشش

**مسأله ۶۵۴ -** واجب است زن بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند. و احتیاط مستحب آن است که از پسر نابالغ که خوب و بد را می‌فهمد و به حدّی رسیده که مورد نظر شهوانی است مستور دارد، ولی پوشانیدن صورت و دستها تا میچ واجب نیست.

**سؤال ۶۵۵ -** نظر حضرت‌تعالی در مورد اصل مسأله حجاب چیست؟ رعایت آن، مخصوصاً در شهرهای مذهبی، و بالاخص در اماکن مقدّسه دینی، چه حکمی دارد؟

**جواب :** بدون شک حجاب از مسلّمات اسلام است، و تمام فقهای اسلام در آن اتّفاق نظر دارند، و هر گونه بد حجابی و بی حجابی بر خلاف شریعت مقدّسه است. خصوصاً در شهرهای مذهبی، و از آن بالاتر در اماکن مقدّسه دینی، باید بیشتر مراعات شود، و گناه بد حجابی و بی حجابی در این اماکن بیشتر است. و بدون شک پوشیدن چادر همه جا، مخصوصاً در این اماکن، اولی است.

**سؤال ۶۵۶-** حجاب از نظر اسلام چیست؟ و چه نوع پوششی برای زن حجاب است؟ آیا موهای مصنوعی، که بعضی از زنها بر سر می‌گذارند، حجاب موهای طبیعی محسوب می‌شود؟

**جواب :** حجاب شرعی در مورد زنان پوشیدن تمام بدن به جز صورت و دستها تا میج می‌باشد، اما بعضی از انواع پوشش که زینت ظاهری محسوب می‌شود، مثل موهای مصنوعی کافی نیست. و همچنین لباسهایی که لباس زینت محسوب می‌شود، کافی نیست.

**سؤال ۶۵۷-** گفته می‌شود که «استفاده از چادر مشکی مناسب نیست، بلکه کراهت دارد. و خانمها باید از پوشاک روشن و رنگهای متنوع استفاده نمایند. و دلیلی ندارد که توصیه شود خانمها کفش و ماتتوی تیره بپوشند». نظر شما در این مورد چیست؟

**جواب :** انتخاب چادر مشکی برای زنان مکروه نیست. و استفاده از رنگهای ساده دیگر، مادام که منشأ مفاسدی نشود، جایز است؛ البته رنگهای سنگین بهتر است.

**سؤال ۶۵۸-** در عرف مرسوم است که بانوان بعد از ازدواج، خود را به اموری از قبیل برداشتن زیر ابرو و زائل کردن موهای صورت و مانند آن زینت می‌کنند، آیا پوشیدن صورت در این حالت لازم است؟

**جواب :** اگر تنها کم کردن موهای صورت و ابرو و مانند آن باشد اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۵۹-** چنانچه زن با خود زینت داشته باشد (مانند حلقه ازدواج، یا انگشتر، یا آراستن چهره) آیا واجب است صورت و دستها را هم بپوشاند؟

**جواب :** در مورد حلقه و انگشتر مانعی ندارد؛ ولی در مورد آرایش‌های تند اشکال دارد.

**سؤال ۶۶۰-** آیا سرمه کشیدن، ابرو چیدن، استفاده از انگشتر عقیق، ساعت، عینک طبی زیبا، برای زنان زینت به حساب می‌آید، که پوشش آن لازم باشد؟

**جواب :** ظاهراً جزء زینت ممنوع نیست.

**سؤال ۶۶۱-** چنانچه نپوشاندن صورت و دستها تا میج، برای برخی از زنان در جامعه فساد را به دنبال داشته باشد، آیا پوشاندن آن واجب است؟

**جواب :** در این صورت واجب می‌شود؛ ولی تا یقین به چنین چیزی نداشته باشد پوشانیدن وجه و کفین لازم نیست.

**سؤال ۶۶۲-** آیا شوهر، یا پدر و مادر، می‌توانند همسر و یا دختران خود را مجبور کنند تا دستها و صورتشان را نیز به هنگام خروج از منزل بپوشانند؟

**جواب :** اجبار در این امر جایز نیست؛ ولی هر گاه پدر و مادر یا شوهر حساسیت خاصی داشته باشند رعایت آن خوب است.

**مسألة ۶۶۳-** در مورد حجاب واجب، کافی است که زن بدن خود را، جز صورت و دستها تا مچ، به هر وسیله‌ای که می‌تواند بپوشاند، و لباس خاصی شرط نیست؛ ولی پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و همچنین لباسهای زینتی اشکال دارد.

**سؤال ۶۶۴-** آیا بر زنان و دختران لازم است پاهایشان تا مچ را نیز بپوشانند؟ یا آنچه اکنون در جامعه رواج پیدا کرده، که با پای بدون پوشش ظاهر می‌شوند، اشکالی ندارد؟

**جواب :** پوشیدن روی پا و کف پا بهتر است.

**سؤال ۶۶۵-** آیا پوشیدن جورابه‌های نازک، در صورتی که پا در آن پیدا باشد، برای زنان جایز است؟

**جواب :** اگر پا در آن پیدا باشد جایز نیست؛ ولی معلوم بودن حجم پاها ضرری ندارد.

**سؤال ۶۶۶-** اگر مدرسه‌ای ابلاغ کند که دختران به هنگام ورزش باید لباس مخصوص ورزش بپوشند، چه حکمی دارد؟

**جواب :** پوشیدن لباس ورزشی برای دختران، در صورتی که در محیط مخصوص خودشان باشند، مانعی ندارد.

**سؤال ۶۶۷-** پوشیدن لباسهای مبتذل، یا لباسهای تنگ و مهیج، یا مدل‌هایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، بویژه برای زنان، چه حکمی دارد؟

**جواب :** این گونه لباسها اشکال دارد، و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفت اسلامی را، که مایه سعادت دنیا و آخرت آنهاست، بنمایند.

**سؤال ۶۶۸-** آیا پوشیدن مانتو برای زنان، در صورتی که حجاب اسلامی حفظ نشود و برجستگی‌های اندام مشخص باشد، اشکال دارد؟

**جواب:** در صورتی که لباس چسبان باشد حرام است؛ ولی اگر گشاد باشد اشکال ندارد.

**سؤال ۶۶۹-** آیا مانتو جزء لباسهای زینتی است؟

**جواب:** پوشیدن لباسهای زینتی اشکال دارد؛ ولی مانتوهای معمولی زینتی نیست، و لباسی که تمام بدن جز صورت و کفین را بپوشاند کافی است؛ هر چند چادر محفوظ‌تر و بهتر است.

**سؤال ۶۷۰-** آیا لباس زینتی صرفاً شامل زیورآلات می‌شود، یا آنچه عرفاً لباس

محسوب می‌شود نیز می‌تواند مصداق آن باشد؟

**جواب:** لباس زینتی چیزی است که زن‌ها برای زیبایی آن را می‌پوشند، و شبیه

آرایشی است که در صورت خود انجام می‌دهند.

**سؤال ۶۷۱-** منظور از لباس زینتی، که پوشیدن آن اشکال دارد، چیست؟

**جواب:** منظور لباسهایی است که در عرف مردم آن را لباس زینت می‌خوانند.

**سؤال ۶۷۲-** مقدار پوشش زنان مسلمان، در برابر زنان غیر مسلمان چیست؟

**جواب:** بهتر آن است که بدن خود را در برابر زنان غیر مسلمان برهنه نکنند؛ هر چند

با پوشاندن عورت، ظاهر کردن بقیه حرام نیست.

**سؤال ۶۷۳-** گفته می‌شود که زن باید خود را از پسر بچه ممیز بپوشاند، بفرمایید ممیز

بودن پسر بچه از چه راهی شناخته می‌شود؟

**جواب:** مستحب است خود را از چنین پسری بپوشاند، و منظور از ممیز این است که

از مسائل جنسی آگاه باشد.

**سؤال ۶۷۴-** شنیده شده است که حجاب بر زنان بزرگسال، که امید ازدواج آنها نمی‌رود،

لازم نیست، لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

**الف)** چنین زنانی چه مقدار از بدنشان را در مقابل نامحرم می‌توانند بپوشانند؟

**جواب:** می‌توانند سر و گردن و مقداری از دستها را بپوشانند؛ ولی پوشانیدن برای

آنها نیز بهتر است.

ب) آیا این حکم اختصاص به زنان بیوه دارد، یا شامل زنان شوهردار، که در این سنّ و سال هستند، نیز می‌شود؟

جواب: این حکم شامل همهٔ زنان در این سنّ و سال می‌شود.

ج) حکم مذکور مختصّ پوشش و نظر است، یا شامل لمس هم می‌شود؟

جواب: این حکم شامل لمس نمی‌شود.

سؤال ۶۷۵ - پوشیدن لباسهایی که فقط قسمتی از بدن را می‌پوشاند برای بانوان در مقابل یکدیگر، و در مکانهای ورزشی مخصوص بانوان، که هیچ مردی حضور ندارد، چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله مانعی ندارد، مگر در مواردی که مفاسد خاصی ظاهر گردد، یا بیش از مقدار متعارف بدن را ظاهر کند.

سؤال ۶۷۶ - برخی از مادران، دختران نابالغ خود را، با سر و پای برهنه در خیابان‌ها و مجالس در حضور نامحرمان ظاهر می‌کنند، وظیفهٔ چنین مادرانی چیست؟  
جواب: بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را از زمان طفولیت به مسائل اسلامی آشنا کنند.

سؤال ۶۷۷ - آیا حجاب از ضروریات دین است؟ منکر حجاب چه حکمی دارد؟ لطفاً توضیح دهید که منظور از «ضروری دین» چیست؟

جواب: آری حجاب از ضروریات دین و برگرفته از قرآن مجید است، و همهٔ مذاهب اسلامی آن را قبول دارند. و منظور از ضروری دین چیزی است که هر کس با مسلمین مقداری معاشرت داشته باشد، می‌فهمد مسلمانان به آن پایبند هستند.

سؤال ۶۷۸ - همانطور که می‌دانیم خداوند متعال در سورهٔ نور، حجاب را مختصّ مؤمنان و زنان مؤمنین دانسته است.<sup>۱</sup> حال سؤال این است که:

۱. آیا حجاب برای غیر مسلمانان در کشورهای اسلامی واجب است؟
۲. اگر واجب است، همانطور که در فرانسه و ترکیه بر اعتقادات اسلامی ما می‌تازند، و ما

۱. سورهٔ نور، آیهٔ ۳۰ و ۳۱.

آنها را ظالم و ضد اسلام می‌دانیم، آیا ما هم با پوشاندن زنان خارجی که به ایران می‌آیند، یا پیروان سایر مذاهب داخل کشور، به آنها اجحاف نموده‌ایم؟

۳. اگر حجاب اختیاری بود بهتر نبود، و معضلات اجتماعی حلّ نمی‌شود؟

**جواب:** یک اصل مسلم در اسلام داریم که هر حکمی برای مؤمنین و مسلمانان ثابت است، دیگران نیز مکلف به آن هستند (الکفار مکلفون بالفروع کما أنّهم مکلفون بالاصول)<sup>۱</sup>، بنابراین آنها هم موظف به حکم حجاب و ترک شرابخواری و گناهان دیگر (حداقل به صورت آشکار) هستند، و نسبت به حجاب که ما می‌توانیم اعمال کنیم کار صحیح و عادلانه‌ای است، و ما دوران قبل از انقلاب را فراموش نکرده‌ایم که وقتی اختیار و آزادی داده شد چه زنانی با چه وضعی بیرون آمدند، و اکثر جوانان را به فساد کشیدند؛ و این‌که نوشته‌اید: اگر ما به کشورهای آنها برویم و ما را اجبار به بی‌حجابی کنند، چه می‌شود؟ فراموش نکنید که آنها بی‌حجابی را واجب نمی‌دانند، در حالی که ما حجاب را واجب می‌دانیم.

**سؤال ۶۷۹-** آیا حکومت می‌تواند، یا بر او لازم است، از بدحجابی یا بی‌حجابی بعضی از خانم‌هایی که در این امر مهم کوتاهی می‌کنند، جلوگیری نماید؟ توضیح این که: بنده دانشجو هستم. چندی قبل استاد در کلاس این شبهه را مطرح کرد، و مدعی شد که هیچ دلیل فقهی وجود ندارد که حکومت را ملزم کند تا مواظب حجاب خانم‌ها باشد، همان طور که وظیفه ندارد مواظب نماز صبح افراد باشد. علاوه بر این گفتند: حضرت امیر علیه السلام دستور داد که حجاب را از سرکنیزانی که خود را شبیه زنان آزاد کرده بودند، بردارند. نظر شما چیست؟

**جواب:** حکومت اسلامی و مسلمانان نسبت به گناهان پنهانی افراد وظیفه‌ای ندارند، ولی بدون شک نسبت به گناهانی که به طور علنی و آشکار، در سطح جامعه انجام می‌شود وظیفه‌ی نهی از منکر دارند، و الاّ جایی برای انجام این وظیفه‌ی مهم باقی نمی‌ماند. البته با این تفاوت که مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کرده، و از هر گونه برخورد

۱. یعنی کفار همان‌گونه که موظف به پذیرش اصول دین هستند، وظیفه دارند به فروع دین نیز عمل کنند. شرح بیشتر در سلسله درس‌های خارج حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)، کتاب النکاح، ج ۶، ص ۲۴ به بعد آمده است.

فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می تواند وارد این مرحله نیز شود؛ و در مورد کنیزها اساساً میزان پوشش آنها نسبت به زنان آزاد از نظر اسلام متفاوت بوده است.

**سؤال ۶۸۰-** وظیفه خواهران مسلمان دانشجوی ترکیه را نسبت به «رعایت حجاب» در فرض های ذیل بیان فرمایید :

۱. شرط طی کردن تمام ترم های دانشجویی در دانشگاه های تحت مدیریتت لاییک ها، رعایت نکردن حجاب شرعی است.
  ۲. شرط اتمام چند ترم باقی مانده از رشته خاصی در دانشگاه رعایت نکردن حجاب است.
- جواب:** با توجه به این که اگر دختران مسلمان و متدین دروس عالی را نخوانند تنها افراد بی بند و بار و لامذهب پست های مهم را اشغال می کنند، به افراد متدین اجازه داده می شود که حجاب را در خصوص مواردی که ضرورت دارد رعایت نکنند، ولی در غیر آن موارد حتماً رعایت نمایند.

**سؤال ۶۸۱-** فلسفه حجاب بانوان چیست؟ آیا حجاب با آزادی زنان در جامعه منافات ندارد؟

**جواب:** حجاب برای حفظ شخصیت زن، و جلوگیری از انحراف جوانان و گسترش فساد در جامعه اسلامی است. و همان گونه که اصل پوشیدن لباس برای زنان و مردان منافات با آزادی آنها ندارد، حجاب نیز چنین است.

## احکام لمس

**سؤال ۶۸۲-** تماس زن با مرد نامحرم در موقع دادن پول، یا مبادله شیء، یا تماس بدنی در معابر، یا نشستن کنار مرد نامحرم در وسیله نقلیه، چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر دستها در موقع دادن پول و مبادله اشیاء، با هم تماس پیدا کند حرام است؛ ولی تماس بدنها از روی لباس در وسایل نقلیه یا مکانهای پر ازدحام اشکالی ندارد؛ مگر این که مفسده خاصی بر آن مترتب شود.

**سؤال ۶۸۳-** بوسیدن و لمس کردن همجنس (مثل این که زنی، زن دیگری را ببوسد) اگر موجب لذت شود، یا مصداق ریبه باشد، چه حکمی دارد؟

**جواب:** جایز نیست.



**سؤال ۶۸۴-** در منطقه ما رسم بر این است که گاه زن عمو دست پسر برادر شوهر خود را می‌گیرد و او را می‌بوسد، یا زن برادر و خواهر زن نیز خود را با برادر شوهر و شوهر خواهر محرم حساب می‌کنند، و دست دادن، خصوصاً بوسیدن سر و دست به هنگام بازگشت از سفر و ایام عید شدیداً رایج و مرسوم گردیده، و هر چه تذکر داده می‌شود نمی‌پذیرند، بلکه گاهی ناراحت می‌شوند، تکلیف ما چیست؟ اگر موجب قطع صله رحم شود چه حکمی دارد؟  
**جواب:** این گونه کارها حرام و خلاف شرع است، و نتیجه ناآگاهی بعضی از مردم می‌باشد. وظیفه شما آن است که با زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر کنید، و اگر صله رحم بدون آن میسر نیست، صله رحم را ترک کنید.

**سؤال ۶۸۵-** در محیط‌های دانشگاهی فرانسه، هنگام برخورد با اساتید مرد، یا دانشجویان پسر، ناگزیر به مصافحه هستیم، و گرنه حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می‌شود، در این صورت مصافحه با مردان غیر مسلمان چه صورت دارد؟  
**جواب:** وظیفه شرعی شما دست ندادن است، و باید این فرهنگ اسلامی را به آنها فهماند تا حمل بر اسائه ادب نشود.

**سؤال ۶۸۶-** دست دادن زن با مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

**جواب:** بهتر ترک این کار است؛ مگر در موارد ضرورت.

**سؤال ۶۸۷-** آیا دست دادن با نامحرم از روی لباس اشکال دارد؟

**جواب:** تماس از روی لباس بدون قصد تلذذ و ریه اشکالی ندارد.

## احکام نگاه و نظر

**سؤال ۶۸۸-** اخیراً برخی از بانوان نسبت به ابرو یا دور لب، عملیات تاتو انجام می‌دهند،

(پررنگ کردن دور ابرو و لب با خال کوبی) که طبعاً زینت تلقی می‌شود. و گاه پوشاندن آن

نیز مقدور نمی‌باشد. لطفاً بفرمایید که این عمل مشمول آیه شریفه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»<sup>۱</sup>

می‌باشد، یا نه؟ نگاه به صورت چنین زنانی چه حکمی دارد؟

۱. سوره نور، آیه ۳۱.

**جواب :** آیه ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ با توجه به جمله ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ زینت‌های موجود در صورت و دست‌ها تا میچ را شامل نمی‌شود. ولی اگر این زینت تند و زننده باشد، و منشأ مفاسدی شود، جایز نیست.

**سؤال ۶۸۹-** آیا دیدن عکس‌ها، یا فیلم‌های سکس برای متأهلین که جهت تحریک برای آمیزش به آن نگاه می‌کنند، اشکال دارد؟ اگر اشکال دارد، برای کسانی که جهت تحریک جنسی ناچار از نگاه کردن آن فیلم‌ها هستند، چه حکمی دارد؟

**جواب :** استفاده از این فیلم‌ها جایز نیست، مگر در حال ضرورت. ضمناً توجه داشته باشید مشاهده این فیلم‌ها تدریجاً نیروی جنسی را ضعیف می‌کند.

**سؤال ۶۹۰-** در بعضی از حمام‌های داخل شهر یک نفر کیسه می‌کشد، و موهای زائد بدن را زائل می‌کند. با توجه به این که نگاه به عورت جایز نیست، آیا این کار جایز است؟

**جواب :** نگاه به عورت دیگری، خواه برای زائل کردن مو باشد، یا چیز دیگر، جایز نیست. ولی زایل کردن موهای زیر بغل و مانند آن، به وسیله همجنس مانعی ندارد.

**مسئله ۶۹۱-** نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، خواه با قصد لذت باشد یا بدون آن، حرام است. و همچنین نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم؛ ولی نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم تا میچ، اگر به قصد لذت نباشد و مایه فساد و گناه نگردد اشکال ندارد، همچنین نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولاً آن را نمی‌پوشانند، مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پا و دست، اشکال ندارد.

**مسئله ۶۹۲-** نگاه کردن به عورت دیگری حرام است؛ هر چند در آئینه یا آب صاف و مانند آن باشد، خواه محرم باشد یا نامحرم، مرد باشد یا زن، و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه‌میز نیز نگاه نکند؛ ولی زن و شوهر می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

**سؤال ۶۹۳-** هنگامی که با مادرم به حمام می‌رویم هیچ کدام شورت نمی‌پوشیم، آیا این کار برای ما اشکال دارد؟

**جواب :** جایز نیست.

**مسئله ۶۹۴-** نگاه کردن زن به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

**سؤال ۶۹۵-** معمولاً خانمها در مجالس جشن و عروسی لباسهای زیبا پوشیده، و خود را آرایش می‌کنند، گاه آرایش آنها بقدری غلیظ است که ما زنها هم از نگاه به آنان لذت می‌بریم، آیا نگاه کردن در این صورت جایز است؟

**جواب:** در صورتی که نگاه هوس آلود بوده باشد جایز نیست.

**سؤال ۶۹۶-** در «رسالة توضیح المسائل» و «استفتائات جدید» کلمه «تلذذ» و «ریبه» زیاد به چشم می‌خورد؛ منظور از این دو کلمه چیست؟

**جواب:** منظور از «ریبه» ترس از افتادن در حرام، و منظور از «تلذذ» همان لذت جنسی است.

**سؤال ۶۹۷-** در کلاسهای دانشگاه، هم اساتید مرد و هم اساتید زن، تدریس می‌کنند، نگاه کردن دانشجویان مرد به استاد زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

**جواب:** از مسأله ۶۹۱ روشن شد.

**مسأله ۶۹۸-** مرد و زنی که با هم محرمند (مانند خواهر و برادر) می‌توانند به بدن یکدیگر به آن مقدار که در میان محارم معمول است نگاه کنند، و در غیر آن احتیاط آن است که نگاه نکنند.

**سؤال ۶۹۹-** با توجه به آنچه در مسأله بالا آمده، آیا خواهر و برادر، یا پسر و مادر، یا دختر و پدر، یا عمو و دختر برادر، و مانند آن، می‌توانند با همدیگر به حمام بروند (با توجه به این که در حمام معمولاً تمام بدن به جز عورتین برهنه است). مخصوصاً در مواردی که افراد مسنّ نیاز به همراه و مراقب دارند؟

**جواب:** تا ضرورتی نباشد اقدام به این کار نکنند.

**مسأله ۷۰۰-** عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست، مگر این که ناچار باشد که به بدن او، غیر از صورت و دستها، نگاه کند.

**مسأله ۷۰۱-** در صورتی که زن مقید به حجاب شرعی باشد، نگاه کردن به عکس بدون حجاب او اشکال دارد؛ مگر این که او را نشناسد و مفسده دیگری از نگاه کردن حاصل نشود.

**سؤال ۷۰۲-** دیدن عکس زنان بدون حجاب غیرمسلمان، بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟

**جواب :** چنانچه بدون قصد لذت باشد و منشأ مفاسدی نگردد، اشکال ندارد.

**سؤال ۷۰۳-** آیا جایز است عکسی که بدون حجاب اسلامی گرفته شده را برای ظاهر کردن به عکاس نامحرم داد؟

**جواب :** در صورتی که عکاس صاحب آن عکس را نشناسد، و منشأ مفاسد خاصی نگردد، مانعی ندارد.

**سؤال ۷۰۴-** زن و شوهری با هم عکس گرفته‌اند، ولی حجاب کامل و کافی نداشته، سپس از هم جدا شده‌اند، یا یکی از آنها فوت کرده است، آیا بعد از طلاق یا فوت یکی از آنها، دیگری می‌تواند به آن عکسها نگاه کند؟

**جواب :** در صورت وفات اشکال ندارد ؛ ولی در صورت جدائی نگاه نکنند.

**سؤال ۷۰۵-** آیا خواهران مذهبی می‌توانند در عروسی‌ها و عقده‌ها، که نوعاً بدحجاب و آرایش کرده هستند، جلو دوربین قرار گیرند تا توسط خواهران عکاس، عکس آنها گرفته شود، و مردان نامحرم آن را ظاهر کنند؟

**جواب :** عکس گرفتن از زنان به وسیله زنان اشکال ندارد، مگر این که به دست مردان بیگانه بیفتد، و آنها را بشناسند و یا منشأ فساد شود.

**سؤال ۷۰۶-** آیا تصویر تلویزیون در حکم عکس متحرک است؟

**جواب :** آری مناظری که در تلویزیون دیده می‌شود حکم عکس متحرک را دارد.

**سؤال ۷۰۷-** آیا دیدن سریالها و فیلمهای خارجی که بعضاً بطور نامناسبی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، و خانمهای بی حجاب در آن بازی می‌کنند، جایز است؟

**جواب :** نگاه کردن به فیلمهای مبتذل، که موجب فساد خود انسان یا خانواده‌اش می‌شود، جایز نیست، و باید از نگاه کردن به آن خودداری کرد؛ ولی برنامه‌هایی که موجب فساد نمی‌باشد، جایز است.

**سؤال ۷۰۸-** گاهی تلویزیون، شناگران را با بدنهای عربیان، یا فیلمهای خارجی، زنان را نیمه عربیان نشان می‌دهد، دیدن این مناظر چه حکمی دارد؟

**جواب :** چنانچه دیدن آنها منشأ فساد گردد، جایز نیست.

**سؤال ۷۰۹ -** دیدن فیلمهای ویدئویی که در آن زنها در برابر زنها، و مردان در برابر مردان می‌رقصند چه حکمی دارد؟

**جواب:** مشاهده این فیلمها موجب فساد است، و جایز نیست.

**سؤال ۷۱۰ -** در مسأله ۲۰۹۱ رساله حضرتعالی آمده است که: «نگاه کردن مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، به منظور آگاه شدن از حُسن و عیب او جایز است». آیا برای زن نیز جایز است که به همین منظور به بدن مردی که به خواستگاری او آمده نگاه کند؟ محدوده این نگاه و شرایط آن چیست؟

**جواب:** آری برای زن هم جایز است، و محدوده آن قسمتهائی از بدن است که مشاهده آن در انتخاب همسر تأثیر دارد. و این امور باید در مواردی باشد که بطور جدی تصمیم بر ازدواج در فرض پسندیدن وجود دارد.

**سؤال ۷۱۱ -** در مسأله ۲۰۹۳ توضیح المسائل جنابعالی، چاپ بیست و هشتم، چنین می‌خوانیم: «نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه و امور مهم و لازمی از این قبیل جایز است». آیا حکم فوق اختصاص به مردان دارد؟  
**جواب:** در این گونه مسائل فرقی میان زنان و مردان نیست.

**سؤال ۷۱۲ -** نگاه کردن به موی سر زنان اهل کتاب بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟  
**جواب:** اگر به قصد لذت نباشد اشکال ندارد.

**سؤال ۷۱۳ -** نگرستن به مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان به مردانی که پیراهن آستین کوتاه می‌پوشند، نگاه کرد؟

**جواب:** هر گاه نظر از روی شهوت نباشد، اشکالی ندارد.

**سؤال ۷۱۴ -** زنان تا چند سالگی می‌توانند به بدن پسر بچه‌ها نگاه کنند؟ نگاه به عورت بچه‌های کوچک تا چند سالگی برای مادران آنها، مخصوصاً در موارد ناچاری، مثلاً هنگامی که می‌خواهند آنها را شستشو بدهند یا تطهیر کنند جایز است؟

**جواب:** آنها می‌توانند به قسمتهایی از بدن بچه‌های غیر بالغ که معمولاً پوشانیده نمی‌شود نگاه کنند. و نگاه به عورت بچه غیر ممیز اشکالی ندارد، و مادران در موارد ضرورت می‌توانند آن را جهت شستشو یا غیر آن لمس کنند.

### شنیدن صدای نامحرم

**مسأله ۷۱۵ -** شنیدن صدای زن نامحرم، در صورتی که به قصد لذت نباشد و سبب انجام گناه نشود، اشکالی ندارد؛ ولی زن نباید لحن صدای خود را طوری کند که هوس‌انگیز باشد.

**سؤال ۷۱۶ -** شغل بعضی از خانمها ذکر توصل به اهل بیت علیهم‌السلام است. گاهی از اوقات که مشغول روضه خوانی در مجالس زنانه هستند، مرد یا بچه‌هایی که خوب و بد را می‌فهمند وارد حیاط آن خانه شده و صدای این خانم را می‌شنوند، حکم این قبیل روضه خوانیها چیست؟

**جواب :** لازم است در موارد فوق، صدای خود را آهسته‌تر کند؛ یا بدون تکیه بر صوت بخواند.

**سؤال ۷۱۷ -** اگر زن با صوت قرآن بخواند، آیا مرد نامحرم می‌تواند به آن گوش دهد؟ آیا در این مورد تفاوتی بین نوار و غیر آن هست؟

**جواب :** در صورتی که زن بطور ساده قرآن بخواند مانعی ندارد؛ ولی اگر با آهنگ یا صدای زیبا بخواند، گوش دادن مرد اجنبی جایز نیست. و نوار و غیر نوار فرقی نمی‌کند.

**سؤال ۷۱۸ -** شوخی کردن و خنده نمودن استاد زن در کلاس درس دانشجویان دختر و پسر، به منظور رفع کسالت و خستگی و تجدید روحیه دانشجویان، چه حکمی دارد؟

**جواب :** رعایت آداب عفت در کلاس درس واجب است.

**سؤال ۷۱۹ -** آیا پاسخ دادن به سلام مرد نامحرم، مخصوصاً مردان جوان، لازم است؟

**جواب :** جواب سلام بصورت عادی و متعارف واجب است.

**سؤال ۷۲۰ -** منزل ما در همسایگی یک دبیرستان دخترانه است. گاهی از اوقات، مخصوصاً به هنگام مراسم صبحگاهی دانش‌آموزان، صدای آنها را در حال قرائت قرآن، یا دعا، یا سرودهای دستجمعی می‌شنویم، حکم آن چیست؟

**جواب :** شما عمداً گوش ندهید، هر چند بدون اختیار به گوش شما برسد. و لازم است به مسئولین آنجا یادآور شوید که صدا را آهسته‌تر کنند.

## گفتگو با نامحرم

**سؤال ۷۲۱-** آیا بطور کلی گفتگو با زن نامحرم جایز است؟

**جواب:** در صورتی که بطور عادی باشد مانعی ندارد.

**سؤال ۷۲۲-** آیا خواهران دانشجو می‌توانند در مورد امور کلاس، یا مسائل علمی در بین

برادران دانشجو، کنفراس ارائه نمایند؟

**جواب:** هرگاه موازین شرعی در آن رعایت گردد، و مفسده خاصی نداشته باشد

مانعی ندارد.

**سؤال ۷۲۳-** گفتگو با مردان نامحرم با چه شرائطی جایز است؟

**جواب:** در حدود سخنان عادی، مشروط به این که منشأ فساد نباشد، جایز است.

**سؤال ۷۲۴-** حدود شرعی ارتباط دختر و پسری که حقیقتاً قصد ازدواج دارند تا چه

میزانی است؟ چه مقدار گفتگو برای آنها جایز است؟

**جواب:** مرد و زنی که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می‌توانند به مقدار لازم در

جلسه‌ای بنشینند و یکدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند. و اگر در یک جلسه

مقصود حاصل نشد، می‌توانند در چند جلسه با هم بنشینند و صحبت کنند، و سپس

تصمیم بگیرند.

**سؤال ۷۲۵-** مکالمه تلفنی پسر و دختر و مرادده طرفین جهت دوستی چه حکمی دارد؟

اگر این گونه امور مقدمه‌ای برای تحقیق پیرامون ازدواج باشد چه صورت دارد؟

**جواب:** جایز نیست؛ مگر به مقداری که برای تحقیق در ازدواج ضرورت دارد.

**سؤال ۷۲۶-** لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

(الف) آیا ارتباط نوشتاری و نامه‌نگاری دختر و پسر بالغ نامحرم از طریق کامپیوتر

و شبکه اینترنت جایز است؟

(ب) پس از آشنایی طرفین از طریق بالا، آیا ملاقات عمومی تعدادی دختر و پسر بالغ

و نامحرم، در مکان عمومی جایز است؟

(ج) آیا مصاحبه و نگاه به چشم‌ها و صورت همدیگر جایز است؟

د) اگر موارد بالا جایز باشد، در چه مرحله‌ای اجازه پدر برای ادامه ارتباط دختر یا پسر بالغ و نامحرم، حضوری یا نوشتاری، واجب است؟

**جواب:** با توجه به این که این گونه ارتباطها غالباً منشأ مفاسدی می‌شود، جایز نیست.

**سؤال ۷۲۷-** هنر پیشگی دختران و زنان در فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی در کنار مردان نامحرم و به عنوان همسر صوری آنان چه حکمی دارد؟ آیا در هنگام اجرای نقش، مجاز به خنده و گفتگوی صمیمانه با یکدیگر هستند؟

**جواب:** صحبت‌های معمولی و ایفاء این نقشها، اگر مفسده خاصی بر آن مترتب نشود و حجاب اسلامی رعایت گردد، اشکالی ندارد.

### اختلاط زن و مرد

**مسألة ۷۲۸-** احتیاط واجب آن است که مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود، نمانند؛ حتی اگر در آنجا نماز بخوانند نماز آنها اشکال دارد.

**سؤال ۷۲۹-** محدوده خلوت با اجنبیه چیست؟ اگر شخصی مطمئن باشد که در خلوت با اجنبیه به گناه نمی‌افتد، باز هم این کار اشکال دارد؟

**جواب:** اگر در مکانی هستند که معمولاً هیچ کس رفت و آمد نمی‌کند، خلوت با اجنبیه محسوب می‌شود. و خلوت با اجنبیه، حتی اگر فکر می‌کنند به حرام نمی‌افتند، اشکال دارد.

**سؤال ۷۳۰-** خانمی می‌خواهد به تحصیل خود ادامه دهد، تا در آینده شغل مناسب و مشروعی انتخاب کند، ولی ادامه تحصیل مستلزم این است که با نامحرمان روبه رو شود؛ مثل این که نزد نامحرم درس بخواند، یا با دانشجویان پسر در یک کلاس بنشیند، آیا ادامه تحصیل در چنین شرایطی جایز است؟

**جواب:** هرگاه توأم با امر حرامی - مانند خلوت با اجنبیه و یا مفاسد دیگر- نگردد، مانعی ندارد.



**سؤال ۷۳۱-** آیا شرکت دختران و بانوان همراه با مردان و پسران در ارگانه‌های انقلابی، مانند جهاد سازندگی، بنیاد شهید، سپاه پاسداران و مانند آن، و انجام امور محوِّله و نشست با هم، که ناچار از تماس و برخورد با هم می‌باشند، مشروع است؟

**جواب:** در صورتی که جهات شرعی رعایت شود، و منشأ فسادى نگردد، جایز است.

**سؤال ۷۳۲-** با توجه به آنچه در مسأله ۴۹ از احکام النکاح جلد دوم عروة الوثقى آمده، که اختلاط مردان و زنان مکروه شمرده شده، آیا این کراهت در آن دسته از مناسک حج که بصورت مختلط انجام می‌شود نیز وجود دارد؟

**جواب:** در مورد مناسک حج، که سیره مسلمین همیشه بر آن جاری بوده، اشکالی نیست.

**سؤال ۷۳۳-** نظر حضرت تعالی در مورد مدارس مختلط پسر و دختر، که در برخی مناطق بخاطر کمبود محلّ درس ناچار از آن هستند، چیست؟

**جواب:** در موارد ضرورت، با رعایت حجاب اسلامی و موازین شرعی مانعی ندارد؛ ولی کوشش برای جدا سازی این مدارس باید ادامه یابد.

**سؤال ۷۳۴-** آیا برای نمایش صحنه‌های تاریخی، اختلاط زن و مرد مسلمان که در نقش کفّار بازی می‌کنند و همراه با مکالمات مهیج شهوت و عاشقانه است، جایز است؟

**جواب:** بازی کردن در نقش کفّار به منظور اهداف آموزنده مانعی ندارد؛ ولی مکالمات محرّک و شهوت‌انگیز جایز نیست.

**سؤال ۷۳۵-** گاه دانشجوی پسری در بین عده‌ای دانشجوی دختر، و یا بالعکس درس می‌خواند، با توجه با این که اگر با این شرایط تحصیل را ادامه ندهد متضرّر می‌شود، آیا درس خواندن در فرض مسأله جایز است؟

**جواب:** اگر موجب کار حرامی نمی‌شود اشکالی ندارد؛ ولی سزاوار است مسؤولین کشورهای اسلامی برنامه‌ای برای جدا ساختن مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم کنند.

**سؤال ۷۳۶-** جوان مجرّدی در برخورد با نامحرم دچار مشکل است. این برخوردها و نگاه‌های غیر مستقیم و گاه مستقیم (که بنا به ضرورت و از روی ناچارى انجام می‌شود)، و حتّى در برخی موارد شنیدن صدای نامحرم و صدای پای او، برایش نوعی لذّت به همراه

دارد. لازم به ذکر است محدود کردن خود و خانه‌نشینی برای فرار از مشکل مطرح شده، تنها برای مدتی او را از این صحنه‌ها دور می‌کند، اما در برخوردهای بعدی، که به ناچار هر انسانی ناگزیر از آن است، اولاً: این حالت‌ها در او تشدید می‌شود، به طوری که گاه حتی در برخورد با محارم نیز مشکل مطرح شده، بروز می‌کند، ثانیاً: در دراز مدت به علت قطع ارتباط با دیگران، و بیرون نرفتن از منزل، و حتی ترک درس و تحصیل در دانشگاه، و چشم پوشیدن از تلویزیون و تصاویر و عکس‌ها، و در یک کلام به انزوا نشستن، باعث بروز ناراحتی‌های مختلف جسمی و روحی از جمله افسردگی و ناراحتی‌های عصبی او خواهد شد. وظیفه شرعی چنین شخصی چیست؟

**جواب:** به هیچ وجه لازم نیست با مردم قطع رابطه کند، و خانه نشین شود. همین اندازه که عمداً نگاه نکند مشکلی ندارد، حتی اگر قهراً و بدون اختیار برای او لذتی حاصل شود.

### مجلس عروسی و دیگر مجالس شادی

**سؤال ۷۳۷-** به نظر حضرت‌عالی جشن عروسی یک مسلمان چه ویژگی‌هایی دارد؟ به تعبیر دیگر، زوجین جوان مسلمان که قصد دارند به گونه‌ای جشن عروسی برپا کنند، که از یک سو مورد رضایت خداوند باشد و قدم اول زندگی مشترک را با معصیت آغاز نکنند، و از سوی دیگر همراه با شادی و شور و شرف باشد و رضایت دعوت شدگان هم فراهم شود، باید چه کنند؟

**جواب:** باید از برنامه‌هایی استفاده کنند که آمیخته با خلاف شرع نباشد و این، امر ممکن است، و بسیاری از مؤمنین انجام می‌دهند.

**سؤال ۷۳۸-** طبق نظر برخی از مراجع تقلید، موسیقی در مجالس عروسی استثناء شده، نظر حضرت‌عالی در این زمینه چیست؟ آیا مقلدین شما (در صورتی که جواب منفی باشد) می‌توانند در این مسأله از آن مراجع تقلید کنند؟

**جواب:** بنابر احتیاط واجب فرقی میان مجالس عروسی و غیر عروسی نیست. و با

توجه به این که ما در این مسأله احتیاط واجب داریم، مقلدین ما می‌توانند به مرجع دیگری مراجعه کنند.

**سؤال ۷۳۹-** آواز خوانی زنان و دختران بصورت انفرادی یا دستجمعی، در محفل خصوصی زنان، مخصوصاً مجالس عروسی، چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر منظور از آواز، خوانندگیهای مناسب مجالس لهو و فساد باشد، جایز نیست.

**سؤال ۷۴۰-** آواز خواندن زن برای شوهرش چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورتی که بدون آهنگهای مناسب لهو و فساد باشد اشکال ندارد.

**سؤال ۷۴۱-** زنان در کشمیر در مراسم ازدواج برای استقبال از داماد و عروس در خیابانها و در جمع نامحرمان ترانه های محلی می‌خوانند، این عمل چه حکمی دارد؟ آیا شرکت در این مجالس جایز است؟

**جواب:** خواندن این ترانه ها جایز نیست، و شرکت در این گونه مجالس اشکال دارد.

**سؤال ۷۴۲-** برخی از خانمها معتقدند که نواختن آهنگ با سازهای بدون حلقه، و نیز با ظروفی مانند قابلمه و سطل و مانند آن اشکال ندارد، آیا نواختن آهنگ با این وسائل در مجالس عروسی زنانه جایز است؟

**جواب:** هرگاه با این وسائل آهنگهایی مانند وسایل موسیقی نواخته شود جایز نیست؛

اما اگر همانند آن آهنگها نباشد مانعی ندارد.

**سؤال ۷۴۳-** خانمها در مجالس عروسی نسبت به سرو وضع ورخت ولباس خود

حساسیت خاصی دارند، به گونه‌ای که اگر خانمی لباس گرانیجیمی را در یک جشن عروسی بپوشد، آن را در مجلس جشن دیگر نمی‌پوشد! حتی برخی از خانمها به این مقدار نیز قناعت نکرده، و در یک مجلس عروسی چندبار لباس عوض می‌کنند! این‌گونه کارها چه حکمی دارد؟

**جواب:** این‌گونه کارها در شأن زنان با شخصیت و با ایمان نیست.

**سؤال ۷۴۴-** آیا رقص در مجالس عروسی، مخصوصاً مجالس زنانه، جایز است؟

**جواب:** رقص لهوی منشأ فساد است و اشکال دارد، خواه رقص زن برای زن، یا مرد

برای مرد، و یا زنان برای مردان باشد؛ ولی رقص زن برای همسرش اشکال ندارد.

**سؤال ۷۴۵-** آیا جایز است زن در میان زنان برقصد؟ اگر جایز نیست، حکم نشستن زنان

در تالارها و چنین مجالسی چگونه است؟

**جواب:** همانگونه که گفته شد تنها رقص زن برای شوهرش جایز است، و بقیه اشکال

دارد، و نباید در مجالس معصیت شرکت کرد.

**سؤال ۷۴۶-** تعریف رقص از نظر شرعی چیست؟ و حکم آن به نظر حضرتعالی

چه می باشد؟

**جواب:** تنها رقص زن برای شوهرش جایز است، و بقیه اشکال دارد، و رقص یک امر

عرفی است، و آن حرکات موزونی است که افراد مطلع تصدیق کنند مصداق رقص

است، و اگر مصادیق مشکوکی پیدا کرد حرام نیست.

**سؤال ۷۴۷-** با توجه به این که به جز رقص همسر برای همسر، بقیه رقص ها اشکال

دارد، لطفاً بفرمایید: پولی که به عنوان شاباش در مجالس رقص، به ویژه عروسی ها، به

کسی که می رقصد می دهند، برای دهنده و گیرنده آن، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

**جواب:** دادن و گرفتن این پول ها جایز نیست.

**سؤال ۷۴۸-** آیا برای عروس جایز است که در مجلس عروسی زنانه، که هیچ مردی جز

داماد حضور ندارد، فقط برای شوهرش برقصد؟ هر چند زنان دیگر هم تماشا کنند؟

**جواب:** رقص زن فقط برای شوهرش جایز است، نه در حضور زنان دیگر.

**سؤال ۷۴۹-** حکم کف زدن و دست افشانی و چوب بازی در مجالس عروسی چیست؟

**جواب:** کف زدن اشکالی ندارد، و چوب بازی نیز اشکالی ندارد، مگر این که مفسده

خاصی بر آن مترتب شود؛ ولی رقص لهوی برای غیر شوهر اشکال دارد.

**سؤال ۷۵۰-** حکم کف زدن هماهنگ و مرتب یا نامرتب به صورت مطلق، و در هر

مجلسی (عروسی، مهمانی، مولودی و مانند آن) و در هر مکانی (اعم از مسجد، حسینیه،

منزل و مانند آن)، جهت اظهار شادی و سرور، یا تشویق، چیست؟

**جواب:** از جواب سابق معلوم شد؛ ولی توجه داشته باشید که افراط در هیچ کاری

شایسته نیست و در مساجد و حسینیه‌ها باید ترک شود.

**سؤال ۷۵۱-** معمولاً در مراسم عیدالزهراء کف زدن، پایکوبی، رقص و حتی اموری را که جمیع فقها صریحاً فتوا به حرمت آن داده‌اند، را مستند به حدیث رفع القلم که ذیلاً به آن اشاره می‌شود، جایز می‌دانند:

«وَأَمَرْتُ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَلَا أَكْتُبُ عَلَيْهِمْ شَيْئاً مِنْ خَطَايَاهُمْ كَرَامَةً لَكَ وَ لِيُصَيِّكَ»<sup>۱</sup>.

آیا این نوع احادیث از نظر سند معتبر است؟ و بر فرض اعتبار معنای حدیث چیست؟

**جواب:** این روایت از نظر سند اعتباری ندارد؛ به علاوه مخالف کتاب الله است، و معاذ الله که ائمه معصومین علیهم‌السلام اجازه ارتکاب گناه به افراد در این ایام یا غیر این ایام داده باشند. و بر فرض اعتبار، معنای حدیث این است که اگر کسی لغزشی از او سر زد خداوند او را می‌بخشد، نه این که عمداً آلوده گناه شود.

**سؤال ۷۵۲-** شرکت در عروسی، یا مجالس دیگر، که انسان می‌داند در آن رعایت شؤونات اسلامی نمی‌شود (از قبیل اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی، استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن) چه حکمی دارد؟

**جواب:** شرکت در مجالس گناه حرام است.

**سؤال ۷۵۳-** متأسفانه غالب مجالس عروسی در زمان ما برای مؤمنین مشکل ساز شده است، به گونه‌ای که رفتن به مجلس عزا برای آنها، خوشایندتر از شرکت در چنان مجالس شادی است! حال اگر شخصی مجبور باشد در مجلس عروسی، که آلوده به گناهیانی همچون موسیقی حرام و رقص و مانند آن است شرکت کند، و در اطاقی که این گناهان انجام می‌شود نرود، بلکه در اطاق مجاور که صدای ساز و آواز می‌آید باشد، آیا مرتکب گناه شده است؟ همچنین اگر در تالاری باشند که در یک قسمت موسیقی و رقص هست و او در قسمت دیگری است، ولی صدای موسیقی را می‌شنود، چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر در محلّ جداگانه‌ای باشد که دو مجلس محسوب شود اشکالی ندارد؛

ولی عمداً به موسیقی حرام گوش ندهد، هر چند بی‌اختیار به گوشش برسد.

## حضانت

**سؤال ۷۵۴ -** زن بیوه‌ای، که یک پسر پنج ساله از شوهر مرحوم خود دارد، چند سال پس از فوت شوهرش ازدواج کرده است، پدر بزرگ این پسر می‌گوید: «من به عنوان ولی نمی‌گذارم نوهام در خانهٔ مرد بیگانه‌ای تربیت شود». و مادر پسر می‌گوید: «من به عنوان مادر، خود او را پرورش می‌دهم». حق حضانت این پسر بچه با کیست؟

**جواب:** در مورد نگهداری بچه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچه بر جد او مقدم است؛ حتی در صورتی که شوهر کند، ولی در مسألهٔ ولایت بر اموال، حق با جد است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد.

**سؤال ۷۵۵ -** در مواردی که بین زوجین مفارقت حاصل می‌شود و فرزند مشترکی دارند، فتوای مشهور فقهای شیعه این است که مادر در مورد دختر تا هفت سالگی و در مورد پسر تا دو سالگی اولویت در حضانت دارد، و پس از آن، فرزند در حضانت پدر قرار می‌گیرد. از آنجا که مادهٔ ۱۱۶۹ قانون مدنی با الهام از این فتوا تنظیم شده، محاکم دادگستری نیز در موارد مطروحه در پرونده‌های جاری بر این اساس عمل می‌نمایند؛ ولی این امر چند مشکل اجرایی در بر دارد:

**الف)** تعلق عاطفی فرزندان، اعم از پسر و دختر، در سنین پایین به مادر بیشتر است، و گرفتن پسر بچه‌های دو تا هفت ساله از مادر، در موارد زیادی موجب إخلال در مسائل تربیتی و عاطفی آنان می‌شود.

**ب)** غالباً پدرهای ازدواج نکرده در نگهداری این گونه کودکان دچار مشکلات مهمی می‌شوند، و بیشتر به خاطر لجاجت، اصرار در گرفتن کودک دارند. و غالباً بعد از تحویل، کودک را به عمه، یا مادر بزرگ، یا یکی دیگر از اقوام می‌سپارند، و خود مباشرت در حضانت ندارند.

**ج)** به دلیل تعلق عاطفی شدید بین مادر و فرزند، در اغلب موارد گرفتن پسر بچه سه یا چهار ساله از مادر، موجب عُسر و حرج بر مادر است؛ در صورتی که با حضانت مادر، پدر نیز از طریق اِعمال ولایت و نظارت کلی، با بچه‌های خود ارتباط دارد، و فشاری بر وی وارد نمی‌شود.

د) نگران‌کننده‌ترین نکته این که در خانواده‌ای که بیش از یک فرزند وجود دارد، بچه‌ها با هم مانوس و وابسته به هم می‌باشند، و جدا کردن بچه‌های خردسال از یکدیگر، و سپردن بعضی به پدر و بعضی به مادر، فشار شدیدی بر آنان وارد می‌آورد.

از طرفی بر طبق فتاویٰ برخی از فقها، از جمله مرحوم آیه الله العظمیٰ خوئی رحمته الله<sup>۱</sup> اولویت در حضانت تا سنّ هفت سالگی، هم در دختر و هم در پسر، با مادر است. واحادیثی، از جمله روایت ایوب بن نوح<sup>۲</sup> نیز دلالت بر این مسأله دارد. با توجه به مطالب فوق نظر حضرتعالی در این مسأله چیست؟

**جواب:** در صورتی که مصالح فرزندان واقعاً به خطر بیفتد، و گرفتار ضرر عاطفی شدیدی شوند، می‌توان حضانت را به مادر سپرد.

**سؤال ۷۵۶ -** همسر چندین سال قبل، بنا به عللی، مرا طلاق داد، و حضانت تنها فرزندمان، که دختری خردسال بود، نیز به من سپرده شد. با تمام مشکلات اقتصادی، که جهت تأمین مخارج زندگی دخترم وجود داشت، او را بزرگ نمودم، حال که دخترم به سنّ ازدواج رسیده، شوهر سابقم اصرار دارد که دختر را از من بگیرد. قابل ذکر است که: اولاً) در طول مدّتی که از هم جدا شده‌ایم، هیچ‌گونه کمکی از جانب شوهر سابقم به دخترمان نشده است.

ثانیاً) چون دخترم در طول این مدّت پدر را اصلاً ندیده، شدیداً در برابر تقاضای او امتناع می‌کند، با توجه به مطالب فوق به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

**الف)** آیا شوهرم حق دارد دختر را از من بگیرد؟

**جواب:** هرگاه دختر به سنّ بلوغ رسیده، نه پدر می‌تواند او را اجبار کند و نه مادر؛ بلکه نزد هر کدام دوست داشته باشد، می‌تواند زندگی کند.

**ب)** نفقه دخترم بر عهده کیست؟ آیا می‌توانم حقوق و نفقه او را از شوهر سابقم مطالبه کنم؟

۱. منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۸۹، م ۱۳۸۸.

۲. وسائل الشّیعه، جلد ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۱، حدیث ۶ و ۷.

**جواب :** در صورتی که به میل خود نفقه او را داده‌اید، نمی‌توانید از پدر او چیزی بگیرید؛ ولی اگر پدر نفقه او را نمی‌داده، و شما به این قصد نفقه او را داده‌اید که از او بگیرید، حق مطالبه دارید.

**سؤال ۷۵۷-** زنی است که شوهرش بر اثر تصادف از بین رفته، و پنج فرزند از او باقی مانده است، که بعضی کبیر و بعضی صغیر هستند. این زن با میل و رضایت خود حق حضانت اولادش را به جد پدری بچه‌ها واگذار کرده، و کلاً حق حضانت را از خود إسقاط نموده است؛ بعد از یک سال و اندی ادعای رجوع به حق حضانت می‌کند، آیا حق رجوع دارد؟

**جواب :** حق حضانت قابل واگذاری نیست؛ ولی می‌توان در این زمینه به دیگری وکالت داد و آن وکالت را هر زمان می‌توان فسخ کرد.

**سؤال ۷۵۸-** زوجه علاوه بر بذل تمام یا مقداری از مهریه، سرپرستی بدون نفقه یا با نفقه فرزندان دختر بالاتر از هفت سال خود را بر عهده می‌گیرد؛ ولی بعد از طلاق از نگهداری اطفال امتناع می‌ورزد. آیا دادگاه می‌تواند زوجه را به حضانت از فرزندان دختر الزام کند، یا این که حضانت به زوج منتقل می‌شود؟

**جواب :** چنانچه شرعاً (از طریق مصالحه، یا شرط ضمن العقد) موظف شده باشد، دادگاه می‌تواند زوجه را به نگهداری اطفال اجبار کند.

**سؤال ۷۵۹-** لطفاً فتوای خود را با عنایت به شرایط فعلی زنان در جامعه، و با توجه به مهر و علاقه‌ای که خداوند در ضمیر آنان نهاده، در مورد اصلاح مدت حضانت فرزندان نزد مادران بفرمایید، تا با ارائه آن به مجلس و قانون‌گذاران بتوانیم این ماده قانونی را اصلاح نماییم.

**جواب :** مشهور در میان فقهای ما این است که حضانت دختر تا هفت سال، و پسر تا دو سال، در اختیار مادر است؛ مگر این که عسر و حرج شدیدی برای مادر پیدا شود، که برای پدر نباشد، و بیش از این مقدار را ایجاب کند. ضمناً به این نکته توجه داشته باشید که قوانین اسلام - بلکه هر قانونی - ناظر به حال اکثریت است، و موارد نادر و اتفاقی معیار نیست. بی‌شک مصلحت فرزندان غالباً ایجاب می‌کند که زیر نظر پدران باشند، و به



خاطر همین بوده که اسلام چنین قانونی وضع کرده است، ولی چون شما تنها به موارد خاصی توجه کرده‌اید، تعجب نموده‌اید. البته مسأله صلاحیت پدر، یا مادر در مورد حضانت شرط است، و اگر یکی از آن دو فاقد صلاحیت باشد، حق آنها سلب می‌شود.

**سؤال ۷۶۰-** می‌دانیم که مادر، ۹ ماه فرزند را در شکم دارد، و مقدار زیادی از قوت و نیروی او به این طریق از دست می‌رود، و به خاطر زایمان، نیز دچار بیماری‌هایی می‌شود. چرا با تمام این مشکلات، که یک زن در بزرگ کردن طفل خود و حتی شیر دادن او دارد، به هنگام جدایی زن و شوهر از یکدیگر، (جز در موارد معدودی) فرزند به پدر سپرده می‌شود؟

**جواب:** شکی نیست که مرد برای حمایت از فرزند خود قدرت بیشتری دارد، و موارد استثنایی نمی‌تواند حکم کلی را تغییر دهد.

**سؤال ۷۶۱-** اگر کسی همسر منحرف خود را (که رابطه‌نا مشروع داشته و محکوم به حدّ شرعی شده) طلاق دهد، و دختر سه ساله‌ای داشته باشد، آیا از نظر شرع مقدّس، این زن مطلقه‌منحرف می‌تواند حضانت آن دختر بچه را بر عهده گیرد؟

**جواب:** اگر خوف انحراف بچه باشد، نباید بچه را به چنان مادری سپرد.

## نشوز

**سؤال ۷۶۲-** در قرآن مجید آمده: «مردها به خاطر این که نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند» و در ادامه می‌خوانیم: «اگر زنان نافرمانی کردند، آنها را کتک بزنید؟!»<sup>۱</sup> فلسفه این دو حکم الهی چیست؟

**جواب:** پاسخ هر دو سؤال در تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۳۶۹ و ۳۷۳ نوشته شده است.

**سؤال ۷۶۳-** هر گاه زوجه از ایفای وظایف زوجیت خودداری نماید، ناشزه بوده و مستحقّ نفقه نخواهد بود. حال اگر شوهر از انجام وظایف زوجیت سرباز زند، به گونه‌ای که زوجه‌اش را معلقه قرار دهد، بفرمایید:

۱. آیا می‌توان حکم به نشوز وی کرد؟

**جواب :** آری، در این صورت زوج ناشز است، و زوجه می تواند به حاکم شرع شکایت کند، تا او را وادار به انجام وظیفه، و در صورت لزوم تعزیر نماید.

۲. آیا در این صورت زوجه می تواند از دادگاه تقاضای طلاق نموده، و دادگاه نیز بر این اساس حکم به طلاق زوجه دهد؟

**جواب :** در صورتی که زوج به هیچ وجه حاضر نباشد، امساک به معروف یا تسریح به احسان<sup>۱</sup> کند، و زوجه در عسر و حرج قرار گیرد، حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد.

**سؤال ۷۶۴-** با عنایت به آیه شریفه ۳۴ سوره نساء، آیا صدور افعال و رفتار زیر از زن دلیل بر کراهت و نشوز وی می باشد؟ راه اثبات آنچه بین زوج و زوجه رخ داده، چیست؟

۱. ابراز بی علاقه گی به زوج، و کراهت از نزدیکی، و جلوگیری از عزل.
۲. بگوید: «من شخص دیگری را می خواستم، و از تو خوشم نمی آید» و کراراً از همان اوایل ازدواج درخواست طلاق کند.

۳. به خواسته شوهر اهمیتی ندهد، بی اعتنایی و لجاجت کند، رفت و آمدها و تلفن های دیگران به منزل را که در غیاب شوهر انجام شده، از او کتمان نماید.

۴. بدون اجازه و اطلاع شوهر از منزل خارج شده، و به محافل اجتماعی خلاف شؤون و میل شوهر برود.

۵. در غیاب شوهر و بدون اطلاع او، اموال با ارزش وی را از منزل خارج کند، و در حضور شهود تضمین برگشت بدهد، ولی عمل نکند. و جهیزیه خود را نیز طبق سند کتبی تحویل گرفته و با خود ببرد، و بی اذن زوج پس از سه ماه زندگی را ترک کند.

۶. برخلاف شروط ضمن عقد، مابقی قبالة خود را به اجرا گذاشته، و به هیچ یک از توافقاتنامه ها و تعهدات طرفین، که توسط زوجه و پدرش امضا شده، عمل نکند.

۷. ادامه زندگی خود را منوط به دریافت کل قبالة، و حق مسکن، و دریافت سه فقره چک سفید امضا از شوهر و کسان او بنماید.

**جواب :** چنانچه موارد بالا ثابت شود، زن ناشزه است.

۱. این جمله از آیه ۲۲۹ سوره بقره گرفته شده و معنای آن این است که: «شوهر باید به طور شایسته همسر خود را نگهداری کند، یا با نیکی او را رها سازد و از او جدا شود.»

**سؤال ۷۶۵-** اگر زنی به بهانهٔ اختلافات خانوادگی از شوهر خود اطاعت نکند، و اطرافیان او، حتی با تهمت و دروغ گفتن به شوهر، مانع رفتن او به نزد شوهرش شوند، آیا زن و اطرافیانش گناهکارند؟

**جواب:** زن بدون دلیل نمی‌تواند نشوز اختیار کند، و همچنین اطرافیان او بدون دلیل حق ندارند در این مسأله دخالت کنند، و اگر این کار را انجام دهند گناهکارند.

### مسائل متفرقهٔ ازدواج

**سؤال ۷۶۶-** آیا در شرع مقدّس اسلام تغییر سنّ شرعی و قانونی ازدواج دختران از ۹ سال به ۱۵ سال مجاز است؟

**جواب:** سنّ نه سالگی سنّ تکلیف است، و الزاماً سنّ ازدواج نیست. توضیح این که: ازدواج در صورتی جایز است که دختر رشد جسمانی کافی برای ازدواج داشته باشد، و در صورتی که کارشناسان بطور خاص یا بطور عام تأیید کنند که فلان دختر یا عموم دختران در محیط ما، در فلان سن، رشد جسمانی کافی برای ازدواج ندارند، ازدواج در چنان سنّی حرام است. به تعبیر دیگر، بلوغ به حسب ادلّهٔ شرع، چهار مرحله دارد: الف) بلوغ به معنای سنّ تکلیف و رعایت واجب و حرام و انجام نماز و مانند آن. ب) بلوغ به معنای آمادگی برای روزه، بطوری که مایهٔ ضرر و زیان و بیماری پسران و دختران نشود.

ج) بلوغ برای ازدواج، بطوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند، و خطر افضاء و نقائص دیگری در کار نباشد.

د) بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی، بطوری که در معاملات مغبون نشوند. از آنچه در بالا گفته شد، جواب سؤال روشن شد.

**سؤال ۷۶۷-** حکم اسلام در مورد ختنهٔ دختران چیست؟ و مراد از ختنهٔ دختران چه می‌باشد؟

**جواب:** آنچه از منابع فقه و حدیث شیعه و اهل سنّت در مورد ختنهٔ دختران و زنان

استفاده می‌شود، این امور است:

۱. ختنه کردن دختران و زنان نزد علمای شیعه به اجماع و اتفاق واجب نیست؛ ولی حکم به استحباب آن کرده‌اند.<sup>۱</sup>
  ۲. مشهور نزد علمای اهل سنت نیز عدم وجوب است، و «ابن قدامه» در «مغنی» تصریح کرده که نظر اکثر اهل علم عدم وجوب است.<sup>۲</sup>
  ۳. در روایات شیعه تصریح به عدم وجوب شده است، مرحوم صاحب وسائل احادیث متعددی در این زمینه دارد؛ از جمله در حدیث ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «اما السنة فالختان علی الرجال و لیس علی النساء» و در همان باب روایات دیگری نیز نقل می‌کند؛<sup>۳</sup> در کتب حدیث عامه، در مسند احمد حنبل، نیز عدم وجوب آن در مورد زنان، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است.<sup>۴</sup>
  ۴. در مورد طریقه آن در روایات تصریح شده که آن عضو مخصوص از ریشه برداشته نشود؛ بلکه تنها قسمت بالای آن برداشته شود.
  ۵. در شرایط فعلی این کار به مصلحت نیست.
- مسأله ۷۶۸ - زنی که (نعوذ بالله) از راه نامشروع باردار شده، جایز نیست بچه‌اش را سقط کند و فرزند او حساب می‌شود، فقط از یکدیگر ارث نمی‌برند.
- مسأله ۷۶۹ - هرگاه زن بگوید: «شوهر ندارم». می‌توان حرف او را قبول کرد، به شرط آن که متهم نباشد، اما اگر بگوید: «یائسه‌ام». قبول ادعای او اشکال دارد.
- مسأله ۷۷۰ - هرگاه با زنی ازدواج کند و کسی بگوید: «آن زن شوهر داشته است». ولی خود زن بگوید: «شوهر نداشته‌ام». و شرعاً هم ثابت نشود، باید حرف زن را قبول کرد؛ ولی اگر فرد مورداعتمادی تصدیق کند که شوهر داشته، احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد.
- مسأله ۷۷۱ - هرگاه زنی یقین پیدا کند که شوهرش در سفر فوت کرده، و عده وفات (به مقداری که در احکام طلاق گفته خواهد شد) نگه دارد، سپس شوهر کند، بعد شوهرش از سفر برگردد، باید از شوهر دوم جدا شود، و به شوهر اول حلال است؛ ولی اگر شوهر دوم با

۱. جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۲۶۲.

۲. مغنی ابن قدامه، جلد ۱، صفحه ۱۰۰ و ۱۰۱.

۳. وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۶، باب ۵۶، ابواب احکام الاولاد.

۴. مسند احمد، جلد ۵، صفحه ۷۵.

او نزدیکی کرده باشد زن باید عده نگه دارد، و احتیاط واجب آن است که شوهر دوم مهر او را مطابق آنچه با او قرار داده بپردازد، و اگر مهرالمثل بیشتر است آن را بپردازد.

**سؤال ۷۷۲ -** آیا مادر عروس می‌تواند شیر بها بگیرد؟

**جواب:** مادر در صورتی می‌تواند شیر بها بگیرد که به صورت شرط ضمن العقد به هنگام خواندن صیغه نکاح قید شود.

**سؤال ۷۷۳ -** خانواده‌ام به علت این که خواهر بزرگترم هنوز ازدواج نکرده، به خواستگاران من، که در حال حاضر ۲۷ سال سن دارم، جواب منفی می‌دهند. آیا جایز است برای حفظ حرمت خواهرم ازدواج نکنم؟ اگر ازدواج کنم، آیا در حق او خیانت کرده‌ام؟

**جواب:** شما شرعاً و اخلاقاً می‌توانید ازدواج کنید، و این کار بی‌احترامی نسبت به خواهرتان نخواهد بود.

**سؤال ۷۷۴ -** بعضی از دختران که در سنّ بالا (۳۰ تا ۳۵ سال) هستند، خود را از نظر ازدواج در محدودیتهایی قرار می‌دهند، مثلاً می‌گویند: «فقط با سادات ازدواج می‌کنیم». آیا این کار در این شرایط سنی جایز است؟

**جواب:** این گونه محدودیتهای به مصلحت دختران نیست؛ حتی اگر نذر کنند و آن نذر سبب مشکلاتی در زندگی آنها شود، آن نذر هم اعتباری ندارد.

**سؤال ۷۷۵ -** بعضی از مؤمنین نذر می‌کنند که دختران خود را فقط به سادات بدهند، بدین جهت گاه برخی از این دختران تا سنّ سی سالگی، بلکه بالاتر، موقوف به ازدواج نمی‌شوند، آیا چنین نذری ظلم به دختران و خلاف شرع محسوب نمی‌شود؟ آیا از نظر شرعی پدر و مادر حق دارند چنین محدودیتی برای دختر خود ایجاد کنند؟

**جواب:** پدر و مادر حق ندارند دربارهٔ دختر یا پسر خود نذر کنند، یا محدودیتی از این نظر قائل شوند؛ حتی اگر خود دختران هم نذر کنند و سبب بروز مشکلاتی شوند، نذرشان اعتباری ندارد.

**سؤال ۷۷۶ -** آیا دین مقیاس عدالت است، یا عدالت مقیاس دین؟ به بیان دیگر، آیا دین به هر چه که عدالت باشد امر می‌کند، یا هر چه که دین به آن امر کند، عدالت است؟ و به بیان فتنی، آیا عدالت در سلسلهٔ علل احکام است، یا در سلسلهٔ معالیل آن؟

توضیح بیشتر این که: آیا انسان‌ها، مصادیق بارز ظلم و عدالت را از طریق شریعت می‌شناسند، یا عدالت و ظلم برای همه روشن است، و توصیه‌های دین ارشاد به حکم عقل است؟

مستحضرید شیعه نیز مثل معتزله معتقد است که عدالت، مقیاس دین است، و اشاعره دین را مقیاس عدالت می‌دانند. حال سؤال این است که اگر شیعه عدالت را مقیاس دین می‌داند، چرا در استنتاجات فقهی به احکامی می‌رسد که هر عرفی آن را مصداق بین ظلم می‌داند. بعضی از احکام نکاح چنین است؛ توجه فرمایید:

۱. اجماعی است که طلاق به دست مرد است، و مرد می‌تواند هر زمان که اراده کند زنش را طلاق دهد، هر چند هیچ عذر موجهی نداشته باشد! طلاق غیابی و بدون هیچ عذر موجه، در هر عرفی ظلم محسوب می‌شود.

۲. در بحث عیوب زوجین می‌گویند: «اگر مرد بعد از عقد بفهمد زنش کور یا شل است، خوره یا برص دارد، می‌تواند عقد را فسخ کند. ولی اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش یکی از این عیوب را دارد حق فسخ ندارد؛ باید بسوزد و بسازد!»

۳. مرد هر وقت تمایل داشته باشد زن باید خود را در اختیار او قرار دهد؛ حتی اگر وسط نماز باشد. ولی زن فقط سالی سه مرتبه حق آمیزش دارد، آن هم چنان کوتاه و مختصر که مجال بیان آن نیست!

۴. اگر مرد در شب عروسی همسرش را ترک کند و مسافرت برود، و بعد از ده سال بازگردد (در صورتی که نفقه داده باشد)، زن حق اعتراض ندارد!

چگونه می‌توان با حفظ مبانی کلامی شیعه، این قبیل احکام را پذیرفت؟ آیا می‌گویید همه عقلا اشتباه می‌کنند که می‌گویند طلاق مبنی بر هوس و بدون عذر موجه ظلم است؟ همه عقلا که برای زن نیز (در شرایط تدلیس مرد در موارد فوق) حق فسخ قائلند، اشتباه می‌کنند؟  
جواب: بدون شک فقه شیعه بر اساس ادلة اربعه بنا نهاده شده، که یکی از آنها دلیل عقل است. متها عقل باید قطعی و جامع جمیع جهات باشد، و در مثال‌هایی که ذکر کرده‌اید، متأسفانه اشتباهات فقهی متعددی وجود دارد. مثلاً بند چهارم که نوشته‌اید: «اگر مرد در

شب عروسی همسرش را ترک کند و ده سال برنگردد...» این مسأله از نظر موازین فقهی درست نیست. چنانچه زوجه در عُسْر و حرج بیفتد، و لو بعد از شش ماه بوده باشد، ما اجازه طلاق را می دهیم. و تاکنون چه بسیار زنانی که شوهرانشان آنها را رها کرده، و از طریق همین فتوا آزادی خود را یافته اند.

و در مورد بند سوّم، اولاً: مرد نمی تواند در شرایط غیر متعارف، مانند وسط نماز یا مواردی از این قبیل، از زن تقاضای تمکین کند، بلکه طبق عرف و عادت باید انجام شود. و ثانیاً: در مورد زن نیز در صورتی که ترک آمیزش برای او خطر انحراف جنسی داشته باشد، یا مشکل مهمّی ایجاد کند، هرگز چهارماه انتظار کشیده نمی شود. و در بند دوّم، در صورتی که توافق طرفین به صورت شرط ضمن العقد، یا شرط مبنیّ علیه العقد، بر سلامت بوده باشد، هر عیبی سبب حقّ فسخ می شود.

باقی می ماند بند اوّل، هم اکنون در بسیاری از جوامع بشری زن و مرد حقّ طلاق دارند، و می توانند بدون عذر موجّهی از هم جدا شوند. اگر در مورد زن ظلم محسوب می شود، در مورد مرد هم ظلم به شمار می آید. بنابراین ظلم طرفین را در میان عقلا باید پذیرا باشید. از آن گذشته، همان گونه که در دادگاه های امروز هم دیده می شود، می توان جلوی طلاق های هوس آلود را گرفت. به علاوه، با توجه به این که مرد به هنگام طلاق متحمل خسارات زیادی می شود فرضی که شما کرده اید، یک فرض غیر واقعی است، که مرد بدون هیچ عذری دست به طلاق بزند، حتماً عذری دارد؛ البته آنچه در بالا گفتیم اجمال مسأله است.

**سؤال ۷۷۷-** اگر یکی از فرزندان خانواده ای طلاق بگیرد، و در این هنگام برای فرزند دیگرشان خواستگاری بیاید، و پدر و مادر مجبور شوند از مهریه فرزند بزرگ تر برای مخارج ازدواج فرزند دیگر هزینه کنند، چه حکمی دارد؟

**جواب:** بدون رضایت آن دختر از مهریه او نمی توان استفاده کرد. و اگر این کار را کرده اند، باید به شکلی رضایت او را جلب کنند.

**سؤال ۷۷۸-** شوهر زنی سه سال و نیم قبل فوت کرده، و از آن تاریخ تاکنون ادّعایی در

مورد دائمی بودن عقد ازدواج نداشته، بلکه قرائنی هم بر موقت بودن ازدواج ایشان وجود دارد. اخیراً مدّعی دائمی بودن ازدواج خود با آن مرحوم شده است، ولی همسر اول و دائمی مرحوم، منکر دائمی بودن رابطه زوجهیت مدّعی شده است. اگر قرار باشد صحت و سقم موضوع با سوگند شرعی اثبات شود، قسم را باید همسر موقت که مدّعی دائمی بودن است یاد کند، یا قسم متوجه همسر دائمی است که منکر ادّعی مدّعی است؟

**جواب:** همسر مدعیّه باید برای اثبات ادّعی خود بیّنه شرعیّه اقامه کند و اگر بیّنه‌ای نداشت کافی است، همسر اول قسم یاد کند که عقد او دائمی نبوده است.

**سؤال ۷۷۹-** مادر زن اینجانب در امور زندگی بنده و همسرم دخالت مستقیم نموده، و به نصایح و نهی از منکر حقییر و دیگران توجه نمی‌کند. همچنین بدون رضایت من به منزل آمده، و از وسایل زندگی استفاده می‌کند. حکم شرع مقدّس در این مورد چیست؟

**جواب:** البته اگر بدون اجازه آمده باشد ضامن است؛ ولی شما هم نباید سخت بگیرید. بسیاری کسان که به این مشکل مبتلا هستند، و با صبر و حوصله آن را حل می‌کنند.

## احکام شیر دادن (رضاع)

شرایط شیر دادنی که سبب محرّمیت می‌شود

**مسأله ۷۸۰-** هر گاه زنی کودکی را شیر دهد، با نه شرط سبب محرم شدن می‌گردد:

۱. شیر از ولادت باشد؛ بنابراین اگر پستان بدون تولّد فرزندی شیر پیدا کند و کودکی از آن بنوشد، سبب محرّمیت نمی‌شود.
۲. بچه از زن زنده شیر بخورد؛ پس اگر پستان زن مرده‌ای را به دهان بگیرد و شیر بخورد اثر ندارد.
۳. شیر آن زن از حرام نباشد؛ بنابراین اگر شیر بچه‌ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه‌ای بدهند، به کسی محرم نمی‌شود.
۴. شیر را از پستان بمکد؛ هر چند احتیاط واجب آن است که اگر شیر را در گلولی بچه بریزند، با آن زن و محارم او ازدواج نکند.



۵. شیر را با چیز دیگر مخلوط نکنند.

۶. شیر مربوط به یک شوهر باشد؛ بنابراین اگر زنی را که دارای شیر است طلاق دهد، بعد شوهر دیگری کند و از او باردار شود، و تا موقع وضع حمل، شیری که مربوط به شوهر اول بوده، باقی بماند، و مثلاً کودکی را هشت دفعه از شیر مربوط به شوهر اول و هفت دفعه از شیر مربوط به شوهر دوم شیر دهد، آن کودک به کسی محرم نمی‌شود. همچنین اگر زنی از شیر مربوط به شوهر اول کودکی را بطور کامل شیر دهد، سپس از شیر مربوط به شوهر دوم کودک دیگری را شیر دهد، آن دو به یکدیگر محرم نمی‌شوند.

۷. کودک به واسطه بیماری شیر را قی نکند؛ هر چند احتیاط واجب آن است که در این صورت کسانی که به واسطه شیر دادن به آن بچه محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند، و نگاه محرمانه هم به او نمایند.

۸. کودک پانزده مرتبه، یا یک شبانه روز، بطوری که در مسأله بعد خواهد آمد شیر کامل بخورد، یا آن مقدار به او شیر بدهند که بگویند: «از آن شیر استخوانش محکم شده، و گوشت در بدنش روییده است»، و احتیاط مستحب آن است که اگر ده مرتبه شیر بخورد، کسانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند، و نگاه محرمانه نیز به او نمایند.

۹. دو سال کودک تمام نشده باشد؛ بنابراین بعد از تمام شدن دو سال اگر به او شیر دهند به کسی محرم نمی‌شود؛ حتی اگر پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه، و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد با کسی محرم نمی‌شود، ولی اگر از موقع زاییدن زن بیش از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه‌ای را شیر دهد، احتیاط واجب آن است که با زنانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می‌شوند ازدواج نکنند، و نگاه محرمانه هم ننمایند.

**مسأله ۷۸۱ -** همانطور که در مسأله سابق گفته شد، اگر کودکی یک شبانه روز شیر زنی را بخورد باعث محرمیت می‌شود، ولی باید در بین یک شبانه روز غذا یا شیر زن دیگری را نخورد؛ مگر این که غذا بقدری کم باشد که به حساب نیاید. همچنین در بین پانزده مرتبه شیر خوردن، نباید شیرزن دیگری را بخورد، و در هر مرتبه باید بقدری بخورد که سیر شود. و بنا بر احتیاط دو دفعه بطور ناقص، نه دو دفعه حساب می‌شود و نه یک دفعه.

**مسألة ۷۸۲-** هر گاه زنی از شیر مربوط به یک شوهر چندین بچه را شیر دهد، همه آنان به یکدیگر و به شوهر و زنی که آنان را شیر داده محرم می‌شوند. و نیز هر گاه کسی دارای چند همسر است، هر کدام از آنان بچه‌های را شیر کامل دهد، آن بچه‌ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنان محرم می‌شوند.

**مسألة ۷۸۳-** هر گاه زنی از شیر مربوط به یک شوهر، پسر و دختری را شیر کامل دهد، آنها به هم محرم می‌شوند، ولی خواهر و برادر آنها به یکدیگر محرم نمی‌شوند.

**مسألة ۷۸۴-** اگر زنی برادر کسی را شیر دهد به او محرم نمی‌شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

**مسألة ۷۸۵-** مرد نمی‌تواند با دو خواهر، اگر چه رضاعی باشند، ازدواج کند. و اگر دو زن را عقد کند بعد بفهمد خواهر بوده‌اند، عقد اولی صحیح و دومی باطل است. و اگر عقد در یک زمان بوده هر دو باطل است.

**مسألة ۷۸۶-** اگر زن از شیر مربوط به شوهر خود کسانی را که در زیر گفته می‌شود شیر دهد، شوهرش بر او حرام نمی‌شود؛ ولی بهتر است این کار را نکند:

۱. برادر و خواهر خودش.
۲. عمو، عمه، دایی و خاله خودش.
۳. عموزاده و دایی زاده خودش.
۴. برادرزاده خودش.
۵. برادر شوهر، یا خواهر شوهر خودش.
۶. خواهر زاده خود، یا خواهرزاده شوهرش.
۷. عمو، عمه، دایی و خاله شوهرش.
۸. نوه زن دیگر شوهرش.

## آداب شیر دادن

**مسألة ۷۸۷-** هیچ کس برای شیر دادن فرزند بهتر از مادر و سزاوارتر از او نیست. و بهتر

است در برابر شیر دادن مزدی از شوهر خود نگیرد، ولی حق دارد بگیرد. و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد، شوهر می‌تواند بچه را از او گرفته و به دایه دهد.

**مسأله ۷۸۸-** در روایات آمده است: «باید دایه‌ای برای طفل انتخاب شود که دارای عقل و ایمان و عفت و صورت نیکو باشد، و از گرفتن دایه کم عقل، یا غیر مؤمنه، یا بد صورت و کج خلق، یا زنازاده خودداری شود. و همچنین از انتخاب دایه‌ای که بچه او از زنا به دنیا آمده و شیرش شیر زنازاده است پرهیز شود»<sup>۱</sup>.

### مسائل متفرقه شیر دادن

**مسأله ۷۸۹-** خوب است زنها هر بچه‌ای را شیر ندهند، زیرا ممکن است فراموش کنند به چه کسانی شیر داده‌اند و بعداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج کنند، مخصوصاً در این ایام، که با وجود امکان استفاده از شیر خشک و امثال آن، کمتر ضرورتی برای شیر دادن به بچه‌های دیگران وجود دارد.

**مسأله ۷۹۰-** کسانی که به واسطه شیر خوردن با یکدیگر خویشاوند می‌شوند مستحب است یکدیگر را احترام کنند، ولی حقوق خویشاوندی ندارند، و از یکدیگر ارث نمی‌برند.

**مسأله ۷۹۱-** مستحب است، در صورت امکان، بچه را دو سال تمام شیر بدهند؛ ولی بیش از دو سال حرام نمی‌باشد.

**مسأله ۷۹۲-** زن می‌تواند بدون اجازه شوهر هر بچه‌ای را شیر دهد، به شرط آن که حق شوهر از بین نرود؛ ولی جایز نیست بچه‌ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن آن بچه، نسبت به شوهر خود حرام شود.

**مسأله ۷۹۳-** هر گاه مردی بخواهد زن برادرش به او محرم شود می‌تواند دختر شیر خواری را با اجازه ولی او به عقد موقت خود درآورد، و در همان حال زن برادرش آن دختر را شیر کامل دهد، و بنابر احتیاط واجب باید مدت عقد موقت بقدری باشد که دختر به حد قابلیت بهره‌گیری جنسی برسد، و چنین عقدی موافق مصلحت دختر نیز باشد.

۱. روایات فوق را می‌توانید در کتاب میزان الحکمه، باب ۱۵۱۲ و ۱۵۱۳ مطالعه فرمایید.

**مسأله ۷۹۴ -** شیر دادنی که سبب محرم شدن است، با دو چیز ثابت می‌شود:

**اول:** خبر دادن عده‌ای که انسان از گفته آنها یقین پیدا کند.

**دوم:** شهادت دو مرد عادل، یا چهار زن عادل، بلکه احتیاط واجب آن است که به شهادت یک مرد با یک زن هم اکتفا کند؛ ولی شاهدها باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلاً بگویند: «ما دیده‌ایم که فلان بچه پانزده بار از پستان فلان زن شیر کامل - طبق شرایطی که در مسأله ۷۸۰ گفته شد - خورده است.» و اگر بدانیم همه آنها شرایط را می‌دانند و در آن توافق دارند، شرح دادن آن لازم نیست.

**مسأله ۷۹۵ -** هرگاه ندانند کودک به مقداری که سبب محرم شدن است شیر خورده، یا

نه؟ محرم بودن ثابت نمی‌شود، و باید یقین حاصل شود.

**سؤال ۷۹۶ -** زن و شوهری به مسافرت رفته، و فرزند شیرخوار خود را به مادر آن زن سپرده‌اند. و او از شیر خود یک ماه تمام به آن بچه شیر داده است. با توجه به این که تمام شرایط نشر حرمت حاصل شده، طبق فتاوی موجود، دامادش بر دخترش نامحرم است، و باید از یکدیگر جدا شوند. لطفاً بفرمایید :

اولاً) اگر مادر زن به طور کلی نسبت به این حکم جاهل بوده، چه صورتی دارد؟  
ثانیاً) در فرض ایجاد حرمت، اگر دختر با شوهرش همبستر شود و فرزندی منعقد گردد، چه حکمی دارد؟

**جواب :** طبق فتوای اخیر ما این زن به شوهرش حرام نمی‌شود؛ هر چند خالی از

کراهت نیست.

**سؤال ۷۹۷ -** اگر زن و شوهری، کودکی را که سن او کمتر از دو سال است به فرزند خواندگی بپذیرند، و زن با کمک و مشارکت شوهر، و با استفاده از روش خاصی، پستان خود را شیردار سازد، و کودک را با چنین شیری بطور مستقیم (از پستان) در حد نصاب تعیین شده (۱۵ مرتبه کامل، یا به دفعات در طی یک شبانه‌روز به صورت تغذیه انحصاری) شیر دهد، لطفاً بفرمایید :

۱. آیا به این طریق رابطه خویشاوندی رضاعی میان کودک و زوجین مورد اشاره

محقق می‌گردد؟

۲. در صورتی که پاسخ سؤال اول منفی باشد، آیا رابطهٔ مادر و فرزند رضاعی به صورت انحصاری میان مرضعه و مرتضع برقرار می‌شود؟

**جواب:** حکم رضاع در این مورد جاری نیست، و این مسأله از مسائلی است که در میان فقها کاملاً مشهور است، و مدارک معتبری دارد<sup>۱</sup> که شیر بدون ولادت، تأثیری در تحریم ندارد.

**سؤال ۷۹۸ -** شخصی از خانمی، طبق شرایطی که در رساله‌های عملیه بیان شده، شیرخورده است. این زن پس از فوت همسرش، شوهر دیگری انتخاب نموده، و از هر دو شوهر دارای فرزندی است. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

**الف)** آیا فرزندی که این خانم از هر دو شوهر دارد بر آن شخص محرم هستند؟  
**جواب:** آری محرمند.

**ب)** آیا فرزندی که از شوهر دوم دارد، می‌تواند با فرزندان این شخص که از خانم مذکور شیر خورده، ازدواج نمایند؟  
**جواب:** نمی‌تواند ازدواج کنند.

**سؤال ۷۹۹ -** دختر بچهٔ شیرخواری، شیر خالهٔ خود را می‌نوشد؛ ولی نه به اندازه‌ای که باعث حرمت شود. آیا پسر این خاله می‌تواند با آن دختر ازدواج کند؟  
**جواب:** اگر به اندازه‌ای که باعث تحریم می‌شود، نخورده است، ازدواج آنان مانعی ندارد.

\* \* \*



## احکام طلاق

### مقدمه

طلاق باید به عنوان آخرین راه چاره، و در بن بست هایی که هیچ راه حلّ دیگری برای ادامهٔ زندگی مشترک وجود ندارد، مورد استفاده قرار گیرد. اسلام، نه مانند بعضی از ادیان تحریف شده طلاق را کاملاً ممنوع کرده، و نه همانند برخی دیگر از ملّتها آن را بصورت بی قید و شرط اجازه داده است؛ بلکه از آن به عنوان یک حلال مبعوض، که تنها در زمان ناچاری استفاده می شود، یاد کرده است؛<sup>۱</sup> همانند استفاده از گوشت مردار برای کسی که هیچ غذایی برای نجات خویشتن ندارد. بنابراین، مسلمانان نباید براحتی بسراغ طلاق بروند. با توجه به این مقدمهٔ کوتاه، به بخشی از احکام طلاق می پردازیم:

### شرایط طلاق

**مسألهٔ ۸۰۰-** زن باید هنگام طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد، و نیز شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشد. و اگر در حال حیض و نفاس که پیش از این پاک بوده، با او نزدیکی نموده باشد بنابر احتیاط، طلاق کافی نیست؛ بلکه باید دوباره عادت شود و پاک گردد.

۱. شرح این مطلب را در تفسیر نمونه، ج ۲۴، ذیل آیهٔ اوّل سورهٔ طلاق، مطالعه فرمایید.

**سؤال ۸۰۱-** این که طلاق باید در طهر واقع شود، آیا باید زن غسل هم کرده باشد، یا پاک شدن از حیض کافی است؟

**جواب:** غسل لازم نیست.

**مسألة ۸۰۲-** طلاق دادن در حال حیض، یا نفاس، در سه صورت صحیح است:

الف) شوهر بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد.

ب) زن باردار باشد.

ج) زن غایب باشد و مرد نتواند، یا برایش مشکل باشد، که پاک بودن زن را بفهمد.

**مسألة ۸۰۳-** هر گاه مرد بخواهد زنی که به واسطه بیماری یا غیر آن عادت ماهانه

نمی بیند را طلاق دهد باید از زمانی که با او نزدیکی کرده، تا سه ماه از نزدیکی خودداری

کند و بعد او را طلاق دهد.

**مسألة ۸۰۴-** شرائط فوق، مخصوص عقد دائم است و در عقد موقت نیست، بلکه هر

زمان مدّت آن تمام شود، یا مرد باقیمانده مدّت را بیخشد، زن از قید همسری رها می شود.

## طلاق بائن و رجعی

**مسألة ۸۰۵-** طلاق بر دو قسم است: «طلاق بائن» و «طلاق رجعی».

طلاق بائن آن است که مرد در آن حق رجوع به همسر خود ندارد، و این نوع طلاق بر

پنج قسم است:

۱. طلاق زنی که نه سالش تمام نشده است.

۲. طلاق زن یائسه، یعنی زنی که بیش از پنجاه سال دارد.

۳. طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد، با او نزدیکی نکرده باشد.

۴. طلاق سوم زن سه طلاقه.

۵. طلاق خلع و مبارات که شرح آن خواهد آمد.

و غیر اینها را طلاق رجعی گویند، که تا وقتی زن در عده است مرد می تواند به او رجوع کند.

**مسألة ۸۰۶-** هر گاه مرد همسرش را طلاق رجعی دهد بر زن حرام است که برای

کارهای غیر لازم از آن خانه ای که موقع طلاق در آن ساکن بوده بیرون رود.



**سؤال ۸۰۷ -** زوجه‌ای در طلاق خلعی، مهریه خویش را به زوج می‌بخشد و پس از طلاق در ایام عدّه به بذل خود رجوع می‌کند، در این صورت زوج حق رجوع به زوجیت دارد، اما اگر زوج به زوجه رجوع نکرد، آیا مهریه متعلق به زوجه است؟ حکم سایر احکام طلاق رجعی، از قبیل نفقه زوجه و توارث و غیره، چیست؟

**جواب:** با رجوع زوجه به بذل در ایام عدّه و گرفتن تمام یا بخشی از آن، طلاق رجعی می‌شود و احکام آن را دارد، و مهر را باید به او بدهد.

**سؤال ۸۰۸ -** آیا زن در زمان عدّه طلاق رجعی، به جزء مسأله تمکین، تمام احکام زوجه را دارد؟ یعنی حق نفقه، لباس، منزل، مهریه دارد و باید از شوهر اطاعت کند و از منزل خارج نشود؟

**جواب:** آری تمام احکام و حقوق زوجیت، که در بالا ذکر شد، را دارد.

## طلاق خلع و مبارات

**مسأله ۸۰۹ -** زنی که مایل نیست با شوهرش زندگی کند، و بیم آن می‌رود که ادامه همسری آنها باعث گناه شود، می‌تواند مهر خود، یا مال دیگری به او ببخشد که طلاقش دهد، این را «طلاق خلع» گویند.

**سؤال ۸۱۰ -** شوهرم موافقت کرد که مبلغی را بصورت اقساط به او بپردازم تا مرا طلاق خلع دهد، پس از انجام طلاق مذکور، در حالی که اقساط را می‌پردازم، از طریق دادگاه اقدام به گرفتن دختر دو ساله‌ام کردم. شوهرم بخاطر این مسأله می‌گوید: «چون تمام مبلغ را تاکنون نداده‌ای مطلقه نیستی، و طلاق به هم خورده است». آیا این سخن صحیح است؟

**جواب:** طلاق خلع واقع شده و مرد نمی‌تواند برگردد؛ مگر این که زن برگردد.

**سؤال ۸۱۱ -** اینجانب با بذل مهریه از همسرم طلاق خلعی گرفتم، سپس در زمان عدّه کتباً رجوع به بذل را به دفتردار محضر اعلام کردم. اکنون متوجه شده‌ام که دفتردار، رجوع به بذل را به علت فراموشی ثبت ننموده است، حکم رجوع و بذل چیست؟

**جواب:** چنانچه در عدّه رجوع به بذل خود کرده‌اید، و به شوهر اطلاع داده‌اید، حق

دارید بذل خود را باز پس بگیرید. و اگر خبر نداده‌اید و عده گذشته، کافی نیست. و هر گاه دفتردار متکفل این کار شده و کوتاهی کرده، ضامن می‌باشد.

**سؤال ۸۱۲-** طبق توافق زوجین، قرار شد زوجه علاوه بر مهریه مبلغی نیز جهت طلاق خلع به شوهر بپردازد، ولی زوجه پس از اجرای طلاق از دادن مال مذکور امتناع می‌ورزد، زوج به مجرد امتناع زوجه از بذل مال، رجوع خویش را به اطلاع زن می‌رساند، آیا در این فرض طلاق به هم می‌خورد؟

**جواب:** هر گاه عدم پرداخت به عنوان رجوع به بذل باشد زوج حق دارد رجوع کند. و اما اگر صرفاً تعللی در پرداخت بوده باشد، زوج حق رجوع ندارد، و ازدواج زن پس از عده جایز است، و زوج می‌تواند طلب خود را از زوجه بگیرد.

**سؤال ۸۱۳-** زوجه در طلاق خلع، که قبل از دخول صورت گرفته، تمام مهر خود را به زوج بذل نموده است، آیا زوجه حق دارد نصف مهر را بعد از طلاق مطالبه کند؟

**جواب:** حق ندارد.

**سؤال ۸۱۴-** خانمی که طلاق خلع داده شده، بدون رجوع به بذل، با رجوع شوهرش موافقت کرده، و مدت زیادی عمل زناشویی انجام داده‌اند. لطفاً بفرمائید:

(الف) آیا عمل آنها صحیح است؟

**جواب:** تا زن رجوع به بذل نکند و تمام یا بخشی از آنچه را بذل کرده از شوهر نگیرد، زوج حق رجوع ندارد؛ ولی می‌تواند با توافق طرفین عقد جدید بنماید.

(ب) اعمال زناشویی آنها در این مدت چه حکمی داشته است؟ آیا این کار رجوع قهری محسوب نمی‌شود؟

**جواب:** چون جاهل به مسأله بوده‌اند زنا نیست، بلکه وطی به شبهه است و رجوع قهری محسوب نمی‌شود؛ ولی از این به بعد اگر بدون عقد جدید با هم آمیزش کنند زنا محسوب می‌شود.

**سؤال ۸۱۵-** آیا بذلی که در طلاق خلع از سوی زوجه انجام می‌شود، نوعی هبه است؟ یا از لحاظ فقهی عنوان دیگری دارد؟

**جواب:** بذل زوجه نوعی هبه معوضه است، ولی احکام مخصوص به خود را دارد.  
**سؤال ۸۱۶-** طلاقى که به درخواست زوجه و بدون موافقت زوج واقع می‌شود، چه نوع طلاقى است؟ آیا قاضى دادگاه می‌تواند بدون رضایت زوج بذل را قبول کند، و رأی به طلاق خلع بدهد؟

**جواب:** در مواردی که دادگاه به خاطر تخلفاتی از سوی زوج حق طلاق دارد، و بازگشت و رجوع سبب تجدید مشکل می‌شود، می‌تواند طلاق خلع دهد و بذل را از طرف شوهر بپذیرد.

**مسأله ۸۱۷-** هر گاه زن و شوهر یکدیگر را نخواهند، و زن مهر خود یا مال دیگری به مرد ببخشد که او را طلاق دهد، آن را طلاق مبارات گویند.

**مسأله ۸۱۸-** زن می‌تواند در بین عده طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد، و اگر برگردد و تمام یا بخشی از آنچه بذل کرده را تحویل بگیرد، شوهر می‌تواند رجوع کند، و بدون عقد دوباره او را همسر خود قرار دهد.

**مسأله ۸۱۹-** مالی که شوهر برای طلاق مبارات می‌گیرد نباید بیشتر از مهر باشد، بلکه احتیاط واجب آن است که کمتر باشد؛ ولی در طلاق خلع هر مقدار باشد اشکالی ندارد.

## عده طلاق

**مسأله ۸۲۰-** زنی که از شوهرش طلاق گرفته باید عده نگه دارد؛ مگر این که شوهر اصلاً با او نزدیکی نکرده باشد، یا قبل از نه سالگی طلاقش دهد، یا زن یائسه باشد، یعنی پنجاه سال قمری از عمر او گذشته باشد؛ زن در این سه صورت بعد از طلاق می‌تواند بلافاصله شوهر کند.

**سؤال ۸۲۱-** هر گاه زنی به خاطر شیر دادن بچه، عادت ماهانه نبیند، تکلیف او برای طلاق چیست؟

**جواب:** بعد از آخرین نزدیکی سه ماه صبر می‌کند، سپس صیغه طلاق جاری می‌شود، و پس از آن عده سه ماه نگه می‌دارد.

**سؤال ۸۲۲-** اگر شخصی زنی را برای خود عقد دائم یا موقت نماید، و تمام تمتعات (غیر از دخول) را ببرد، و بعداً او را طلاق بدهد، یا مدتش تمام شود، یا مدتش را ببخشد، آیا در این صورت می‌تواند بدون رعایت عده طلاق، خواهر یا دختر آن زن را عقد کند؟  
**جواب:** چنین زنی عده ندارد، و ازدواج با خواهر یا دختر او بلامانع است.

**سؤال ۸۲۳-** در صورتی که زوج پس از عقد دخول نکرده باشد، ولی انزال صورت گرفته و نطفه به رحم زن منتقل شده باشد، و سپس طلاق واقع گردد. آیا زوجه باید عده نگه دارد؟ حکم مسأله در صورت حامله شدن، و حامله نشدن زوجه چیست؟  
**جواب:** در صورتی که زوجه حامله شده باید عده نگه دارد.

**سؤال ۸۲۴-** مردی، زن غیر یائسه‌ای را به عقد موقت خویش در می‌آورد، و قبل از اتمام مدت، باقیمانده مدت را می‌بخشد، و سپس او را به عقد دائم خویش در می‌آورد، لطفاً بفرمائید:

(الف) آیا عده لازم است؟

**جواب:** عده لازم نیست؛ هر چند دخول حاصل شده باشد.  
 (ب) در فرض بالا، چنانچه بعد از عقد دائم و قبل از دخول زن را طلاق دهد، آیا در اینجا عده لازم است؟ یا زن می‌تواند بدون رعایت عده بلافاصله با مرد دیگری ازدواج کند؟  
**جواب:** چنانچه زن بخواهد با دیگری ازدواج کند، باید باقیمانده عده عقد موقت را نگه دارد.

**مسأله ۸۲۵-** مقدار عده در مورد زنانی که عادت می‌شوند احتیاط آن است که بقدری صبر کنند که دوبار حیض ببینند و پاک شوند، هنگامی که حیض سوم را دیدند عده آنها تمام است.

**سؤال ۸۲۶-** زن مطلقه‌ای پس از طلاق، یک یا دو بار عادت ماهانه دیده و سپس یائسه شده است، آیا باقیمانده عده ساقط است؟

**جواب:** اگر یک بار عادت شده باید دو ماه دیگر عده نگه دارد، و اگر دو بار عادت شده باید یک ماه دیگر عده نگه دارد.

**مسأله ۸۲۷-** زنی که عادت ماهانه نمی‌بیند، اگر در سنّ زنانی باشد که عادت می‌بینند، چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد باید بعد از طلاق سه ماه عده نگه دارد. و منظور از سه ماه آن است که اگر اول ماه است سه ماه تمام هلالی، و اگر روز دیگری از ماه است، مانند پنجم یا دهم، هنگامی که پنجم یا دهم ماه چهارم شود عده او تمام است؛ مثلاً اگر پنجم ماه رجب او را طلاق داده، پنجم ماه شوال عده او تمام است.

**سؤال ۸۲۸-** عده زنان بدون رحم (زنی که رحمش را برداشته‌اند)، چقدر است؟

**جواب:** زنانی که رحم ندارند و طبعاً حائض نمی‌شوند و به سنّ یائسگی نرسیده‌اند باید سه ماه عده طلاق نگه دارند.

**مسأله ۸۲۹-** پایان عده زن باردار، متولد شدن فرزند یا ساقط شدن آن است، حتی اگر یک ساعت بعد از طلاق بچه به دنیا آید عده او تمام می‌شود، و می‌تواند شوهر کند.

**سؤال ۸۳۰-** زوجه‌ای - العیاذ بالله - از زنا حامله شده، و طلاق داده شده است. آیا عده او وضع حمل است، یا عده غیر حامله دارد؟ حکم مسأله در صورتی که حاملگی از طریق وطی به شبهه باشد، چیست؟

**جواب:** در صورتی که مسلم باشد حمل از زناست، و احتمال الحاق به زوج شرعی نباشد، عده‌ای برای حمل نیست، تنها عده طلاق دارد. و وطی به شبهه عده دارد، و در صورت حمل، عده آن وضع حمل است.

**مسأله ۸۳۱-** عده از دواج موقت بعد از تمام شدن مدّت، در صورتی که عادت ماهانه می‌بیند، به مقدار دو حیض کامل است، و اگر عادت نمی‌بیند چهل و پنج روز تمام است.

**سؤال ۸۳۲-** اگر زنی به عقد موقت مردی در آید و مطمئن باشد که از آمیزش با او حامله نشده است (مثلاً مرد خواجه باشد، یا زن رحم خود را خارج کرده باشد) آیا باید پس از پایان مدّت عقد موقت، عده نگه دارد؟

**جواب:** اگر دخول حاصل شده، عده لازم است.

**مسأله ۸۳۳-** ابتدای شروع عده طلاق از موقعی است که صیغه طلاق خوانده می‌شود، خواه زن بداند یا نداند، حتی اگر بعد از تمام شدن مدّت عده بفهمد او را طلاق داده‌اند، لازم نیست دوباره عده نگه دارد.

**سؤال ۸۳۴ -** ابتدای عدّه وطی به شبّه چه زمانی است؟

**جواب:** مبدأ عدّه وطی به شبّه از زمان آخرین نزدیکی است.

**سؤال ۸۳۵ -** خانمی در عدّه طلاق بوده، که با او وطی به شبّه می‌شود. آیا لازم است

دو عدّه نگه دارد، یا تکمیل همان عدّه اول کافی است؟

**جواب:** یک عدّه کافی است؛ ولی اگر باردار شده باید عدّه طولانی‌تر را نگه دارد.

**سؤال ۸۳۶ -** در صورتی که زمان فهمیدن اشتباه در وطی به شبّه مدّتی پس از وطی

باشد، آیا در این صورت نیز نگاه داشتن عدّه لازم است؟

**جواب:** وطی به شبّه عدّه دارد، ولی آغاز آن زمان آخرین نزدیکی است.

**سؤال ۸۳۷ -** زن مطلقه‌ای پس از انقضای عدّه متعه می‌شود، و پس از چندی با وساطت

بزرگان فامیل قرار می‌شود با شوهر اول ازدواج کند، جریان را به همسر دوم می‌گوید، او

بقیه مدّت عقد موقت را می‌بخشد، سپس زن را به عقد دائم خویش در می‌آورد، و قبل از

دخول او را طلاق می‌دهد، و زن با این استدلال که طلاق قبل از دخول عدّه ندارد،

بلافاصله به عقد شوهر اول در می‌آید. آیا این کار صحیح است؟

**جواب:** عدّه عقد سابق با این امور از بین نمی‌رود، و تا عدّه پایان نیابد ازدواج مجدد

او صحیح نمی‌باشد، و نمی‌تواند بدون عدّه به عقد کسی در آید.

**سؤال ۸۳۸ -** دوشیزه‌ای برای جوانی در نظر گرفته، و جهت حفظ جهات شرعی

عقدشان خوانده شده، و گاه از پشت آمیزش می‌کردند. متأسفانه پس از مدّتی از هم جدا

می‌شوند، دختر بر اثر جهل به مسأله، بدون رعایت عدّه به عقد دائم شخص دیگری در

می‌آید، حال پس از چند سال زندگی و با داشتن چند فرزند، مسأله را فهمیده است، حکم

شرعی او چیست؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که در فرض مسأله، مجدداً صیغه عقد بخوانند،

و حرام ابدی نیست.

**سؤال ۸۳۹ -** دو سال است اسلام را پذیرفته، و شش ماه است که از شوهر زردشتی‌ام

جدا شده‌ام، عدّه اینجانبه چگونه خواهد بود؟

**جواب :** چنانچه مدت دو سال است اسلام را پذیرفته‌اید از همان زمان قبول اسلام، عده شما شروع شده است. و اگر شوهر شما از این امر باخبر بوده، و در مدت عده شما اسلام نیاورده، عده شما پایان یافته و از آن شوهر جدا شده‌اید. و نیازی هم به طلاق نیست.

**سؤال ۸۴۰ -** هرگاه زنی که از زنا باردار شده با زانی یا غیر او ازدواج کند، آیا احتیاج به عده دارد؟ اگر شوهرش او را بعد از ازدواج طلاق دهد، آیا عده دارد؟ و در صورتی که عده دارد، آیا عده او بعد الأجلین است، یا عده اقرء؟

**جواب :** زنی که حامل از زناست عده ندارد، و جایز است به عقد زانی یا غیر او در آید، و اگر او را طلاق داد عده او به اقرء یا سه ماه است، و وضع حمل معیار نیست. و اما در مورد طهر غیر مواقعه چون این شرط در حامل ساقط است می‌تواند او را طلاق دهد، بنابراین اگر عادت ماهانه نمی‌بیند سه ماه صبر می‌کند و ازدواج می‌نماید.

**سؤال ۸۴۱ -** فلسفه عده زنان مطلقه چیست؟ آیا زنان نازا و یا کسانی که رحم خود را برداشته‌اند از این قانون مستثنی هستند؟

**جواب :** مسأله عده زنان، فلسفه‌های متعددی دارد، و منحصر به مسأله انعقاد فرزند نیست و لذا در تمام مواردی که شرع گفته است، زن باید عده نگهدارد؛ هر چند عقیم و نازا باشد، یا رحم خود را برداشته باشد، یا فرضاً چند سال است از شوهر خود جدا زندگی می‌کند، در تمام این صورتها باید عده نگهدارد.

**سؤال ۸۴۲ -** آیا زن، در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه، می‌تواند قبل از سپری شدن ایام عادت اقدام به ازدواج کند؟

**جواب :** عده در واقع حریم زوجیت است، و فلسفه و حکمت آن منحصر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین دلیل اگر مرد سالها از زن خود جدا زندگی کند، یا در مسافرت باشد، بعد از طلاق عده بر زن مدخوله غیر یائسه واجب است.

**سؤال ۸۴۳ -** امروزه از نظر پزشکی امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی نظیر سونوگرافی وجود دارد که در کوتاهترین زمان می‌توان بطور قطع، یقین حاصل نمود که زنی در اثر همبستری و نزدیکی باردارشده، یا خیر؟ حال با چنین فرضی، آیا مدت عده طلاق همان است که قبلاً در احکام آورده شده، یا قابل تغییر است؟

**جواب :** همان گونه که قبلاً اشاره شد عده تنها مربوط به مسئله بارداری نیست، بلکه در واقع حریم زوجیت است؛ لذا اگر زنی چند سال از شوهرش دور باشد سپس او را طلاق دهد، باید عده نگه دارد.

**سؤال ۸۴۴ -** امروزه با استفاده از دارو (خوراکی - تزریقی)، یا به کار بردن وسایل پیشگیری پزشکی، بطور قطع می توان از بارداری زن جلوگیری کرد، با چنین فرضی آیا بر زنانی که از امکانات فوق استفاده می کنند، لازم است عده نگه دارند؟  
**جواب :** از جواب بالا معلوم شد.

### عده زنی که شوهرش مرده

**مسئله ۸۴۵ -** زنی که همسرش از دنیا رفته باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارد، خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه؛ حتی زن یائسه نیز باید عده وفات را رعایت کند، و اگر باردار است باید تا هنگام وضع حمل عده نگه دارد؛ ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز فرزندش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز بعد از مرگ شوهر عده را ادامه دهد.

**مسئله ۸۴۶ -** هرگاه زن یقین کند همسرش از دنیا رفته و عده وفات نگه دارد، و سپس شوهر کند، چنانکه معلوم شود شوهر او بعد مرده است، باید از شوهر دوم جدا شود و احتیاط واجب آن است که اگر باردار است به مقداری که در عده طلاق گفته شد برای شوهر دوم عده طلاق نگه دارد، و بعد از آن برای شوهر اول چهار ماه و ده روز عده وفات نگه دارد، و اگر باردار نیست برای شوهر اول عده وفات نگه دارد، و بعد برای شوهر دوم عده طلاق.

**مسئله ۸۴۷ -** ابتدای عده وفات، در صورتی که شوهر غایب باشد و فوت کند، از موقعی است که زن از مرگ شوهر با خبر می شود.

**مسئله ۸۴۸ -** هرگاه زن بگوید: «عده من تمام شده است». از او قبول می شود، به شرط آن که مورد اتهام نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که مورد وثوق باشد.



**سؤال ۸۴۹-** آیا زنی که از شوهر خود طلاق خلع گرفته، و شوهرش قبل از پایان یافتن عده طلاق از دنیا رفته، عده وفات نیز دارد؟

**جواب:** در این گونه موارد که طلاق، طلاق بائن است، عده وفات ندارد؛ هر چند احتیاط بهتر است.

**سؤال ۸۵۰-** شخصی زنی را در عده وفات عقد نموده، و پس از پایان عده عروسی کرده، در حالی که زوجین جاهل به حرمت ازدواج در عده بوده‌اند، لطفاً بفرمائید:  
الف) آیا حرمت ابدی برای آنها ثابت است، یا فقط عقد باطل می‌باشد؟  
ب) در صورتی که حرمت ابدی نباشد و بخواهند عقد جدید بخوانند، آیا برای همسر دوم عده لازم است؟

ج) آیا باید عده وفات را برای همسر اول به انجام برسانند؟  
**جواب:** عقد ازدواج باطل است، ولی حرمت ابدی نمی‌آورد، و آن مرد می‌تواند مجدداً با آن زن صیغه عقد را جاری کند، ولی اگر زن بخواهد با شخص سوم ازدواج کند، باید عده وطی به شبهه تمام شود.

**سؤال ۸۵۱-** مردی زوجه‌اش را طلاق می‌دهد، و پیش از تمام شدن مدت عده، فوت می‌کند. آیا زوجه باید عده وفات نگه دارد، یا همان عده طلاق را تمام کند؟ آیا در این مسأله فرقی میان طلاق رجعی و بائن، یا طلاق حامله و غیر حامله وجود دارد؟  
**جواب:** اگر عده رجعی بوده، نگه داشتن عده وفات لازم است. ولی در عده بائن، تکمیل همان عده کافی است.

**سؤال ۸۵۲-** حدود ۱۵ سال پیش از شوهر اولم طلاق گرفتم، و پس از حدود یک سال با مرد دیگری مجدداً ازدواج کردم. پنج ماه پس از ازدواج دوم، شوهر سابقم فوت نمود. اکنون بعد از گذشت حدود ۱۴ سال متوجه شدم که طلاق اولم باطل بوده، و به همین دلیل از شوهر دومم جدا شدم. آیا بنده، که یائسه نیز می‌باشم، باید بعد از ۱۴ سال برای شوهر اولم عده وفات نگه دارم؟

**جواب:** هرگاه تازه از فوت او آگاه شده باشید باید عده نگه دارید، ولی اگر قبلاً از فوت او با خبر شده‌اید، و مدت چهارماه و ده روز گذشته، عده منقضی شده است.

## ترک زینت در ایام عدّه وفات

**مسأله ۸۵۳-** زن باید در مدت عدّه وفات از پوشیدن لباسهای زینتی، کشیدن سرمه در چشم و کارهای دیگر، که زینت حساب می‌شود، خودداری کند.

**سؤال ۸۵۴-** زنی جوان (حدود ۳۰ ساله) همسرش را از دست داده است، بخاطر فوت شوهر بیشتر از متعارف ترک زینت کرده، و حتی باندازه معمول نظافت هم نمی‌کند، و اگر کسی به خواستگاری اش برود جواب منفی می‌دهد، و می‌گوید: «با شوهر مرحومم عهد کرده‌ام که دیگر ازدواج نکنم، و بین ما شرط شده که هر کس زودتر مُرد، دیگری ازدواج نکند». آیا این کارها صحیح، و این شرط واجب الوفا می‌باشد؟

**جواب:** حِداد، به معنای ترک زینت در ایام وفات، لازم است؛ ولی ترک زینت، به معنای ترک نظافت نیست، و شرط مزبور اعتباری ندارد، و سزاوار است زن بعد از گذشتن عدّه ازدواج کند.

**سؤال ۸۵۵-** امروزه بعضی از امور زینتی بسیار مرسوم و متداول گشته است، آیا انجام این گونه امور هم در عدّه وفات اشکال دارد؟

**جواب:** آری هر گونه زینت در این مدت اشکال دارد.

## مسائل متفرقه طلاق

**سؤال ۸۵۶-** اگر زنی شرط کرده باشد که چنانچه شوهرش همسر دیگری اختیار کند وکالت در طلاق داشته باشد، آیا در صورتی که شوهر به خاطر ناسازگاری زن، همسر دیگری اختیار کند، باز هم همسر اول وکیل در طلاق خواهد بود؟

**جواب:** ظاهر این است که این شرط، از چنین صورتی منصرف است؛ زیرا هدف از این شرط، این بوده که به همسر اول قناعت کند، حال اگر همسر اول با پشت پازدن به زندگی زناشویی، مرد را در بلا تکلیفی گذاشته، جایی برای تأمین آن شرط باقی نمی‌ماند، یعنی زن وکالت در طلاق نخواهد داشت.

**سؤال ۸۵۷-** این که گفته می‌شود: «زن با چادر سفید به خانه شوهر می‌آید، و فقط باید

با کفن از خانه او برود». آیا سخن درستی است؟ و آیا زن در هیچ شرایطی نباید به فکر طلاق باشد؟

**جواب:** منظور این است که زن و همچنین مرد حتی الامکان به سراغ تقاضای طلاق نروند؛ مگر این که ادامه زندگی آنها با هم واقعاً مشکلات مهمی ایجاد کند.

**سؤال ۸۵۸-** وظیفه زنی که شوهرش مفقود شده چیست؟ نفقه او در این مدت از کجا تأمین می‌شود؟

**جواب:** زنی که شوهرش مفقود شده، چند حالت دارد:

(الف) اگر صبر کند تا خبری آید مانعی ندارد و باید نفقه او را از مال شوهرش داد.

(ب) اگر انفاق کننده‌ای از ولی یا غیر او باشد باید صبر کند؛ مگر این که عسر و حرج

شدید و ضرر مهمی حاصل شود، که حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

(ج) در غیر این دو صورت، به حاکم شرع رجوع نموده، و او به مدت چهار سال از

اطراف محل فقدان وی تحقیق می‌کند. اگر خبری نشد، نخست به ولی او پیشنهاد طلاق

می‌دهد، اگر او طلاق نداد خودش طلاق می‌دهد، سپس عده وفات نگه می‌دارد (هر چند

کفایت عده طلاق رجعی نیز قوی است، اما احتیاط در صورت امکان ترک نشود) و بعد

شوهر می‌کند. اگر شوهر اول مادام که در عده است مراجعه کرد اولی است، و اگر بعد از

عده - حتی قبل از ازدواج مجدد - شوهر اول بیاید طلاق نافذ است، و تنها با رضایت

طرفین و عقد جدید امکان بازگشت خواهد بود.

**سؤال ۸۵۹-** هرگاه مردی زندگی را بر همسرش سخت بگیرد، و حاضر به طلاق او هم

نباشد، قاضی در چه صورت می‌تواند این زن را طلاق دهد؟

**جواب:** طلاق از سوی قاضی در صورتی جایز است که عدم امکان سازش در حدی

باشد که منجر به عسر شدید و حرج آکید گردد، و زوج شخصاً حاضر به طلاق نباشد،

و طلاق قاضی طلاق رجعی است، ولی اگر رجوع واقع شود و باز موضوع عدم سازش

باقی باشد، مجدداً طلاق می‌دهد تا سومین مرتبه که طلاق بائن شود.

**سؤال ۸۶۰-** خانمی ۲۱ سال پیش با مردی به صورت لفظی و غیر معلوم، از نظر دائمی

و موقتی، ازدواج نموده است، آن مرد بعد از چهار سال زندگی و تولد اولین فرزندشان، این

خانم و بچه را رها کرده و مفقود شده، و جستجو نیز بی‌فایده بوده است، آیا این خانم می‌تواند مجدداً ازدواج کند؟

**جواب:** باید به حاکم شرع مراجعه کند، هر گاه مایوس از اطلاع بر احوال او می‌باشد می‌تواند او را طلاق دهد، تا بعد از چهار ماه و ده روز ازدواج کند، و احتیاطاً حاکم شرع باقیمانده مدّت را (به فرض موقت بودن عقد) نیز می‌بخشد. و اگر احتمال پیدا شدن شوهر وجود دارد، حاکم شرع چهار سال برای جستجو تعیین می‌کند، هر گاه اثری پیدا نشد اقدام به طلاق می‌کند.

**سؤال ۸۶۱-** هر گاه زوج بدون عذر شرعی از دادن نفقه خودداری کند، آیا طلاق زوجه جایز است؟

**جواب:** حاکم شرع باید از مال زوج نفقه را بپردازد، و اگر میسر نشود به او تکلیف طلاق کند، و اگر طلاق ندهد، شخصاً او را طلاق می‌دهد.

**سؤال ۸۶۲-** اگر زنی پس از طلاق از شوهر اول، با مرد دیگری ازدواج کند، و به علّتی ازدواج دوم باطل باشد، آیا این زن می‌تواند پیش شوهر دوم بماند؟ چون اگر شوهر دوم آن زن را طلاق بدهد و از هم جدا شوند مایهٔ آبروریزی آن مرد، یا آن زن، خواهد بود.

**جواب:** می‌تواند بماند، اما نامحرم است، و نباید روابط زن و شوهری میان آن دو باشد.

**سؤال ۸۶۳-** طلاق زنی که همسرش معتاد، و مدّتی است که مفقودالایر شده، و محکوم به اعدام نیز می‌باشد، چگونه است؟

**جواب:** چنانچه فرار کرده و امید به بازگشت او نیست و زن در عسر و حرج شدید می‌باشد و زندگی کردن با چنین مردی برای او مقدور نیست، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد؛ ولی اگر می‌تواند صبر کند و احتمال بازگشت و امکان زندگی با او وجود دارد، حکم او عدم طلاق است.

**سؤال ۸۶۴-** زنی به علّت این که شوهرش وی را مجبور به عدم رعایت حجاب اسلامی می‌کند، و گاه از او می‌خواهد که در جلوی میهمانان نامحرم، بدون حجاب حاضر شود، یا در خارج منزل با آرایش و بدون حجاب کامل اسلامی بیرون رود، از دادگاه تقاضای طلاق

نموده است. آیا عسر و حرج زوجه در این مورد قابل قبول است؟

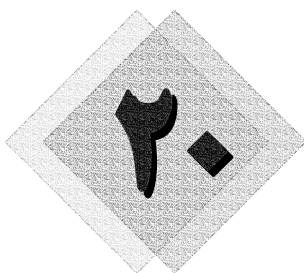
**جواب:** اگر این کار از طرف شوهر بصورت وسیع تکرار شود، و زوجه را در تنگنای شدید روحی قرار دهد، عسر و حرج ثابت است و حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد.  
**سؤال ۸۶۵ -** لطفاً در مورد اجرت المثل زحمات زن در منزل شوهر به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. اگر طلاق به درخواست زوجه باشد، آیا زن استحقاق دریافت حق الزحمه کارهایی که شرعاً بر عهده وی نبوده، و قصد تبرّع هم نداشته، دارد؟  
 ۲. در صورتی که طلاق به درخواست زوجه نباشد چطور؟  
**جواب:** زوجه در صورتی می تواند اجرت کارهای خود را مطالبه کند که:  
 اولاً: بگوید: «قصد تبرّع ندارم».  
 و ثانیاً: این کارها را شوهر از او بخواهد.

و در این مسأله تفاوتی نمی کند که طلاق به درخواست زوج باشد، یا زوجه.  
**سؤال ۸۶۶ -** یکی از شروطی که در عقد نامه ها گنجانده شده این است: «در صورت طلاق، زن مالک نصف اموال شوهر می شود». آیا این شرط صحیح است؟ و در صورت صحت، آیا زن علاوه بر این، مستحق دریافت حق الزحمه کارهایی که بدون قصد تبرّع در خانه شوهر انجام داده و شرعاً بر عهده وی نبوده، نیز می باشد؟  
**جواب:** ظاهر این شرط این است که جبران خدمات دوران ازدواج است؛ ولی چون شرط مزبور آمیخته با ابهام فراوان است، شرعاً اشکال دارد.

**مسأله ۸۶۷ -** اگر زن در موقع عقد شرط کند که هرگاه شوهرش مثلاً مسافرت نماید، یا معتاد به مواد مخدر گردد، یا خرجی او را ندهد، اختیار طلاق با او باشد این شرط باطل است، ولی هرگاه شرط کند که از طرف شوهرش وکیل باشد، که هرگاه این کارها را انجام دهد خود را مطلقه کند، این وکالت صحیح است، و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.





## احکام ارث زنان

### مقدمه

قانون ارث چون ریشه فطری دارد، به اشکال گوناگون در میان ملل گذشته دیده می‌شود، که جای شرح آن در این مختصر نیست. اما آنچه توجه به آن لازم است، این که: اسلام قانون فطری و طبیعی ارث را از خرافاتی که به آن آمیخته شده بود پاک کرد، و تبعیضات ظالمانه‌ای را که در میان زن و مرد از یک سو، و بزرگسال و کودک، از سوی دیگر قائل بودند از بین برد.<sup>۱</sup> قسمتی از احکام ارث بانوان به شرح زیر است:

**مسأله ۸۶۸ -** هر گاه مردی از دنیا برود و فرزند نداشته باشد، یک چهارم اموالش را همسر دائمی او می‌برد، و بقیه را ورثه دیگر. و چنانچه از آن زن، یا زن دیگر فرزند داشته باشد، یک هشتم به همسرش، و بقیه به وارثان دیگر می‌رسد.

**سؤال ۸۶۹ -** ارث زن و شوهر از همدیگر، در صورتی که وارث دیگری نباشد، چگونه است؟

**جواب:** هر گاه زوج یا زوجه از دنیا برود و وارث دیگری نباشد، اگر زوجه از دنیا برود تمام مال از آن زوج است، و اگر زوج از دنیا برود، یک چهارم مال از آن زوجه،

۱. شرح این مطلب را در تفسیر نمونه، جلد سوم، ذیل آیه ۱۲ سوره نساء، مطالعه فرمائید.

و بقیه به امام علیه السلام تعلق می‌گیرد؛ و در زمان ما باید به دست حاکم شرع برسانند. و اگر واقعاً آن زن نیازمند باشد، حاکم شرع می‌تواند همه یا قسمتی از آن را به او بازگرداند.

**سؤال ۸۷۰-** همسر اول شخصی به هنگام وضع حمل فوت می‌کند، سپس فرزندش فوت می‌نماید، شوهر یک سال پس از فوت تنها فرزندش با دختری ازدواج می‌کند، و بیست سال با هم زندگی می‌کنند، ولی صاحب فرزندى نمی‌شوند. اکنون شوهر فوت کرده است، ارث زن چگونه است؟

**جواب:** هر گاه شوهر در زمان مرگ هیچ فرزندى نداشته، یک چهارم اموال او (غیر از زمین) به همسرش می‌رسد، و بقیه متعلق به ورثه دیگر است.

**مسألة ۸۷۱-** زن از تمام اموال منقول شوهر ارث می‌برد، ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی‌برد، خواه زمین خانه باشد یا باغ، یا زمین زراعتی و مانند آن. و نیز از خود هوایی ساختمان ارث نمی‌برد، مثل بنا و درخت، اما باید هوایی را قیمت کنند و از قیمت آن، سهم ارث او را بدهند.

**سؤال ۸۷۲-** آیا سرقفلی قابل فروش است؟ آیا زوجه از آن ارث می‌برد؟

**جواب:** سرقفلی زمین و مغازه حکم زمین را ندارد، و همسر از آن ارث می‌برد، و با موافقت مالک، یا متولّی موقوفه، قابل فروش است.

**سؤال ۸۷۳-** آیا زن از آب قنات، یا چاه، ارث می‌برد؟

**جواب:** فقط از مقدار آبی که در حال مرگ شوهر در قنات یا چاه موجود است ارث می‌برد.

**سؤال ۸۷۴-** آیا زوجه از دیه شوهرش ارث می‌برد؟

**جواب:** آری از آن، مانند سایر اموال، ارث می‌برد.

**سؤال ۸۷۵-** زنی در زمان حیات شوهر مهریه‌اش را مطالبه نکرده است، آیا پس از فوت شوهر می‌تواند مطالبه کند؟ در صورتی که قابل مطالبه باشد، آیا در ردیف سایر بدهکاریهای میت است، یا مقدّم بر آنها می‌باشد؟

**جواب:** مهریه مانند سایر دیون است، و باید از اصل ترکه پرداخته شود.



**مسأله ۸۷۶-** هرگاه زن بخواهد در چیزی که از شوهر ارث نمی‌برد (مانند زمین و بنای خانه) تصرف کند باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد. همچنین ورثه دیگر تا سهم زن را از قیمت هوایی نداده‌اند (مانند بنای خانه) نباید بدون اجازه زن در آن تصرف کنند. و چنانچه پیش از دادن سهم زن، آنها را بفروشد، در صورتی که زن معامله را اجازه دهد صحیح، وگرنه نسبت به سهم او باطل است.

**مسأله ۸۷۷-** اگر میت بیش از یک زن داشته باشد، در صورت نداشتن فرزند یک چهارم اموال او، و در صورت داشتن فرزند، یک هشتم آن، به شرحی که در مسائل قبل گفته شد، بطور مساوی میان زنان او تقسیم می‌شود، خواه شوهر با آنها نزدیکی کرده باشد یا نه؛ اما اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقد کرده، در صورتی که او ارث می‌برد که با او نزدیکی کرده باشد.

**مسأله ۸۷۸-** هرگاه زن را، به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد، طلاق رجعی دهد و در بین عده بمیرد، شوهر از او ارث می‌برد. همچنین اگر شوهر در بین عده زن بمیرد از او ارث می‌برد، ولی هر گاه یکی از آنان در عده طلاق باین بمیرد، دیگری از او ارث نمی‌برد.

**مسأله ۸۷۹-** هرگاه شوهر در حال بیماری، همسرش را طلاق دهد، و پیش از گذشتن یک سال (قمری) از دنیا برود، زن با سه شرط از او ارث می‌برد:

**اول:** این که شوهر در همان مرض از دنیا برود.

**دوم:** این که زن بعد از طلاق و گذشتن عده شوهر نکند.

**سوم:** آن که طلاق به رضایت زن نباشد؛ و اگر با رضایت او باشد، ارث بردنش مشکل است.

**مسأله ۸۸۰-** لباس و زینت آلات و مانند آنها، که مرد برای همسرش می‌گیرد، مال همسر اوست؛ مگر این که ثابت شود قصد تملیک نکرده، بلکه جنبه عاریتی داشته است.

**سؤال ۸۸۱-** از کجا بدانیم که لباسهای مختلف و زیور آلات و امثال آن، که شوهر در

حال حیات برای همسرش گرفته، به وی تملیک کرده یا جنبه عاریتی دارد؟

**جواب:** هرگاه عرف محل این باشد که لباسها و زیور آلات را به زن می‌بخشند، مال

اوست. و اگر عرف محل این است که آنها به عنوان امانت در نزد او می‌باشد، و فقط در زمان حیات شوهر حق تصرف دارد، میان همه ورثه تقسیم می‌شود؛ ولی معمولاً به زن تملیک می‌شود.

**سؤال ۸۸۲ -** چرا اسلام سهم الارث مردان را دو برابر سهم زنان قرار داده است؟  
**جواب:** دلیل آن روشن است؛ زنان هنگامی که شوهر می‌کنند هزینه‌ای برای زندگی نمی‌پردازند، و تمام هزینه آنها در اسلام بر دوش مردان است.

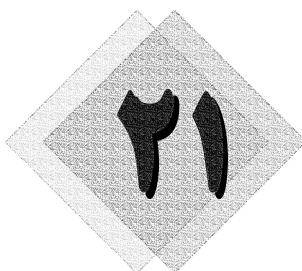
به تعبیر دیگر، مردان هم باید هزینه زندگی خود را بپردازند و هم هزینه زندگی فرزندان و زنانشان را، و با این حال طبیعی است که سهم ارث آنها بیشتر باشد. ممکن است گفته شود بعضی از زنان شوهر نمی‌کنند، و بعضی از مردان زن نمی‌گیرند، درباره آنها چطور؟

پاسخ آن نیز با توجه به یک نکته معلوم می‌شود، و آن این که: قوانین الهی، (بلکه تمام قانونها) هماهنگ با نوع افراد جامعه است، و افراد استثنایی معیار قوانین نیستند.<sup>۱</sup>  
**سؤال ۸۸۳ -** مرحوم پدرم به علت عدم آگاهی از مسائل شرعی دختران را از ارث محروم کرده است، حکم این مسأله چیست؟

**جواب:** پدر نمی‌تواند هیچ یک از فرزندان را از ارث محروم کند؛ و اموال او طبق قانون خدا میان دختر و پسر تقسیم می‌شود. فقط می‌تواند وصیت کند که به مقدار ثلث اموالش یا کمتر، به هر کس مایل باشد، بپردازد.

\*\*\*

۱. شرح بیشتر را در تفسیر نمونه، جلد سوم، ذیل آیه ۱۲ سوره نساء، مطالعه فرمائید.



## احکام پزشکی

### مقدمه

یکی از برکات انقلاب اسلامی ایران - که دستاورد خون هزاران شهید مظلوم است - اقبال عمومی مردم به معارف و احکام دینی می‌باشد. جامعه پزشکی نیز بصورت فراگیر در صدد انطباق فعالیت‌های خویش با احکام شرع مقدس اسلام بر آمده، و سؤالات فراوانی در این زمینه طرح کرده است. در اینجا به بخشی از آن، که مربوط به بانوان می‌شود، می‌پردازیم:

### معاینات پزشکی

**مسأله ۸۸۴-** هرگاه پرستار یا طبیب ناچار باشد دست به عورت بیمار بزند باید دستکش یا مانند آن بپوشد؛ همچنین اگر طبیب و پرستار مرد ناچار باشد دست به بدن زن بزند، یا طبیب و پرستار زن دست به بدن مرد بزند، باید دستکش یا مانند آن در دست داشته باشد؛ ولی در صورت ضرورت و ناچاری اشکالی ندارد.

**سؤال ۸۸۵-** لمس و تماس دست دانشجوی پسر، با دست زن بیمار موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه، در مقام آموزش علمی که از نظر استاد الزامی است، در دو صورت ضرورت و عدم ضرورت، چه حکمی دارد؟

**جواب:** تنها در مورد ضرورت جایز است. و اگر امکان داشته باشد که از روی پیراهن بگیرد مقدم است.

**سؤال ۸۸۶-** آیا معاینه و لمس مردان غیر بیمار برای دانشجویان پزشکی دختر، در مقام آموزش پزشکی جهت کنترل سلامتی، استخدام، سربازی و مانند آن، جایز است؟  
**جواب:** در اموری که برای جامعه ضرورت دارد جایز است.

**سؤال ۸۸۷-** تزریق آمپول به بیمار زن، توسط مرد نامحرم، چگونه است؟  
**جواب:** در غیر صورت ضرورت جایز نیست.

**سؤال ۸۸۸-** مراجعه بیمار زن به دکتر مرد، در صورتی که دکتر حاذق زن نباشد، یا وجود دارد، ولی دکتر حاذق مرد سهل الوصول تر است، چه حکمی دارد؟ و بطور کلی در چه صورتی زن می تواند به دکتر مرد مراجعه کند، با توجه به این که غالباً لمس لازم است؟  
**جواب:** تنها در موارد ضرورت، یعنی عدم دسترسی به دکتر زن، جایز است.

**سؤال ۸۸۹-** اگر عروس از باب احتیاط، برای بررسی بکارت به دکتر زن، و در صورت نبودن متخصص زن، به متخصص مرد مراجعه کند، آیا این کار با توجه به لزوم لمس جایز است؟

**جواب:** هر گاه ترک این کار مظنه مفاسد و اختلافات مهمی بوده باشد جایز است؛ و در این صورت باید حتی الامکان از طیب زن، و اگر ممکن است از غیر طریق رؤیت، مثلاً با استفاده از لمس غیر مستقیم به وسیله دستکش و مانند آن، انجام گیرد.

**سؤال ۸۹۰-** لمس و نظر به بیماران غیر همجنس تا چه سنی جایز است؟  
**جواب:** مادامی که ممیز نباشند، لمس و نظر جایز است. و هنگامی که به حد تمییز رسیدند، نگاه کردن قبل از بلوغ، اگر مفسده خاصی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

**سؤال ۸۹۱-** آیا مراجعه زن بیمار به پزشک مرد، در صورتی که بتواند پزشک زن بیابد، جایز است؟ (با توجه به این که معمولاً پزشکان مرد، به دلیل سابقه زیادتر، از مهارت بیشتری برخوردار بوده، و در امر طبابت از بانوان پزشک موفق تر و حاذق تر هستند). ضمناً فرض سؤال در جائی است که از او معاینه جسمی به عمل می آید.

**جواب:** در صورتی جایز است که تفاوت آگاهی آن دو در حدی باشد که بیم آن برود پزشک زن موفق به معالجه نشود و بیماری ادامه یابد، یا تشدید شود، یا بهبودی به تأخیر افتد.

**سؤال ۸۹۲-** با توجه به این که در کارهای مربوط به زایمان، دانشجویان زن (اعم از پزشکی و مامایی) به حدّ کفایت تربیت شده‌اند، آیا ضرورتی برای حضور مردان در بخشهای زایمان، که موجب نظر یا تماس با بدن زنان می‌شود، وجود دارد؟

**جواب:** در صورت وجود زنان لایق، حضور مردان در این موارد جایز نیست.

**سؤال ۸۹۳-** تشریح جسد مردان، برای دانشجویان پزشکی دختر، چه حکمی دارد؟

**جواب:** مادام که ضرورت قطعی نباشد جایز نیست.

**سؤال ۸۹۴-** در صورت وجود پزشک زن و مرد به تعداد کافی، آیا ملاک مراجعه بیماران،

همجنس بودن پزشک است، یا حاذق بودن؟

**جواب:** در صورتی که در عدم مراجعه به حاذق‌تر، بیم خطر و ضرر باشد، باید

حاذق‌تر را مقدم بدارد. و اگر بیم ضرر و خطری نباشد، معیار همجنس بودن است؛ البته

در مواردی که معاینات بدنی لازم است.

**سؤال ۸۹۵-** آیا می‌توان بیماران را به مراجعه به پزشک همجنس، حتی با ادّعی

اضطرار و مجوز شرعی، ملزم کرد؟

**جواب:** در صورتی که بیمار خود را ناگزیر از مراجعه به غیر همجنس ببیند، مراجعه به

غیر همجنس مجاز است.

**سؤال ۸۹۶-** بسیاری از احکام شرع در مسائل پزشکی مشروط به عدم لمس و نظر

جنس مخالف شده است، آیا منظور از لمس، لمس مستقیم با بدن بیمار است، یا حتی در صورتی

که دست پزشک با پوششهایی نظیر دستکش طبی پوشیده شده باشد، نیز اشکال دارد؟

**جواب:** در صورتی که بدن مستقیماً تماس پیدا نکند، برای نیازهای پزشکی

اشکالی ندارد.

**سؤال ۸۹۷-** دانشجویان دختر مجبور هستند که در کلاس تشریح، به عورت میت مرد

نگاه کنند، و گذراندن این کلاسها الزامی است، حکم چنین نگاههایی چیست؟  
**جواب:** تنها در صورت اجبار و اضطرار جایز است، همچنین اگر با ترک این کار،  
 معلومات طبّی آنها ناقص شود، و برای مداوای بیماران مشکلی ایجاد شود، نگاه کردن  
 جایز است.

**سؤال ۸۹۸ -** نگاه به جسد غیر همجنس، مسلمان یا غیر مسلمان، در مقام آموزش  
 پزشکی برای معاینه، کالبد شکافی، تشریح، پیوند و قطع اعضا چه حکمی دارد؟  
**جواب:** تنها در صورت ضرورت جایز است.

**سؤال ۸۹۹ -** نگاه کردن به عکسهای عریان موجود در کتابهای پزشکی، که آموزش آن  
 برای دانشجویان دختر ضروری است، و در عین حال خوف وقوع در گناه می‌رود، چه  
 حکمی دارد؟

**جواب:** بدون قصد لذّت و ریه اشکالی ندارد، و هر گاه چنین حالتی خود به خود  
 حاصل شود، تنها در موارد ضرورت و به مقدار ضرورت نگاه کنند.

**سؤال ۹۰۰ -** افعال و مشاغلی وجود دارد که مستلزم نظر و لمس بدن غیر همجنس  
 می‌باشد، مثل دندان پزشکی، زایمان، جراحی و مانند آن، در این گونه موارد تکلیف  
 چیست؟ آیا فرقی بین حال ضرورت و غیر آن هست؟ ملاک ضرورت چیست؟  
**جواب:** این گونه امور فقط در صورت ضرورت جایز است، و معیار ضرورت  
 تشخیص عرف عام و صالح است.

### جلوگیری از انعقاد نطفه

**سؤال ۹۰۱ -** جلوگیری از انعقاد نطفه، شرعاً چه حکمی دارد؟  
**جواب:** برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله‌ای که بی ضرر، باشد و باعث  
 نقص مرد یا زن نشود، (مثل این که مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل  
 بیفتد) مجاز است؛ ولی اگر مستلزم نظر یا لمس حرام باشد جایز نیست، مگر در  
 موقع ضرورت؛ مثل این که به تشخیص اهل خبره کنترل جمعیت ضرورت داشته باشد

ولی در شرایط موجود کنترل جمعیت شرعاً اشکال دارد.

**سؤال ۹۰۲-** خانمی برای جلوگیری از بارداری می‌خواهد دستگاه بگذارد، و برای این کار دکتر زن باید به عورت او نگاه نموده، و آن را لمس کند. با توجه به این دو نکته غیر مجاز، و این که جلوگیری از بارداری معالجه نیست، آیا این کار جایز است؟  
**جواب:** اگر ضرورت فردی یا اجتماعی نباشد جایز نیست، و در صورت ضرورت (به تشخیص طبّای مورد وثوق) جایز است.

**سؤال ۹۰۳-** آیا مرد می‌تواند به زن دائمی خود بگوید: «نباید بچه دار شوی»؟  
**جواب:** زن را نمی‌توان مجبور کرد که مثلاً لوله‌های خود را ببندد، حتی نمی‌توان او را مجبور کرد که به وسیله قرص و مانند آن جلوگیری کند؛ ولی مرد می‌تواند با خوردن دارو، یا استفاده از آمپول، یا مانند آن، موقتاً از انعقاد نطفه جلوگیری کند (البته در موارد ضرورت).

**سؤال ۹۰۴-** بستن لوله‌های «تخمک بر» در زنان (توبکتومی)، که اکثراً موجب عقیمی دائم می‌گردد، چه حکمی دارد؟  
**جواب:** اگر موجب عقیم شدن دائم است جایز نیست.

**سؤال ۹۰۵-** کلاً بستن لوله‌های رحم از نظر شرع مقدّس اسلام در بیماریهای مختلف چه حکمی دارد؟  
**جواب:** هر گاه قابل بازگشت نباشد جایز نیست، و در صورت قابل بازگشت بودن جایز است؛ مشروط بر این که موجب لمس و نظر حرام نشود؛ و ضرورتی وجود داشته باشد.

**سؤال ۹۰۶-** آیا استفاده از «U D ا»، که اثر آن جلوگیری از لانه‌گزینی نطفه بسته شده است، جواز شرعی دارد؟  
**جواب:** هر گاه موجب لمس و نظر حرام نشود و ضرورت فردی یا اجتماعی ایجاب کند، مانعی ندارد.

**سؤال ۹۰۷-** آیا زن می‌تواند بدون اجازه شوهر اقدام به بستن لوله هایش بنماید؟

**جواب :** اگر ضرورتی نباشد جایز نیست.

**سؤال ۹۰۸-** در مواردی که حاصل حاملگی جنینهای دارای نقص در خلقت، یا بیماری

ژنتیکی است، آیا زن می‌تواند با بستن لوله‌های خود از حاملگی بعدی جلوگیری کند؟

**جواب :** هر گاه خوف ضرر و خطر مهمی، هر چند نسبت به بچه وجود داشته باشد،

جایز است.

**سؤال ۹۰۹-** در صورتی که بستن لوله‌های زن یا مرد اجازه داده شود، حق تقدّم با کدام

یک از آنها است؟

**جواب :** بعید نیست در شرایط مساوی و ضروری مرد مقدّم باشد.

**سؤال ۹۱۰-** با توجه به آنچه در منابع علمی پزشکی معتبر آمده، مادرانی که بیش از پنج

زایمان داشته‌اند، و سنّ آنها بالاتر از ۳۵ سال می‌باشد، اگر حامله شوند در معرض خطرات

جسمی قرار، آیا چنین زنانی مجاز به بستن لوله‌های خویش هستند؟

**جواب :** چنانچه خطر قطعی، یا به احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد، جایز است.

**سؤال ۹۱۱-** اگر دکترها به خانمی بگویند: «حاملگی برایت خطرهایی دارد». آیا زن

می‌تواند لوله‌های رحم خود را ببندد، اگر چه مستلزم عقیم شدن دائم، یا نظر و لمس حرام

باشد؟ آیا این، از مصادیق اضطرار است؟

**جواب :** در صورتی که از گفتار دکترها خوف خطر حاصل شود، مجاز هست.

**سؤال ۹۱۲-** با توجه به ماده «۱۴ بند ب» و ماده «۱۶ بند ه» کنوانسیون «محو کلیه

اشکال تبعیض علیه زنان» که حق تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، فواصل

بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می‌کند، آیا زن بدون رضایت همسرش

می‌تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روشهای ضد بارداری، و تنظیم

فواصل بارداری کند؟

**جواب :** این کار جایز نیست؛ مگر این که خطر قابل ملاحظه‌ای سلامت زن را تهدید کند.

**سؤال ۹۱۳-** آیا مصرف قرصهای ضد حاملگی، جهت پیشگیری از بارداری، بلامانع است؟

**جواب :** در شرایط فعلی اشکال دارد مگر در موارد ضرورت.



**سؤال ۹۱۴-** قرار دادن «نور پلاننت» توسط پزشک زن، که فقط سطح خارجی بازو رامشاهده می‌کند، چه حکمی دارد؟ آیا در صورت پوشیدن دستکش توسط طیب و پوشش کامل زن، به جز محلّ عمل (حدود چند سانتیمتر روی بازو)، پزشک مرد می‌تواند اقدام به این کار کند؟

**جواب:** تنها در صورت ضرورت جایز است.

**سؤال ۹۱۵-** در صورتی که پزشکان متخصص زنان و زایمان در مورد حاملگی به خانمی اعلان خطر کنند، (خطرات جانی، جسمی، و مشکلات برای جنین)، آیا این مطلب برای تحقیق اضطرار کفایت می‌کند؟

**جواب:** هرگاه پزشکان مزبور در کار خود حاذق بوده، و از نظر صداقت و تعهد مورد تأییدند، تشخیص آنها در مورد انواع جلوگیری‌هایی که در بالا ذکر شد، کافی است.

**سؤال ۹۱۶-** بستن لوله‌های رحم باعث قطع دائم حاملگی در خانمها می‌شود، و در شرایط ایده آل شانس برگشت، با عمل جراحی مجدد، حدوداً ۵۰٪ است. این عمل چه حکمی دارد؟

**جواب:** در غیر حال ضرورت، جایز نیست.

**سؤال ۹۱۷-** زن و شوهری، هر دو، جهت جلوگیری از حاملگی اتفاق نظر دارند، ولی در استفاده از روشها اختلاف نظر وجود دارد، نظر کدام یک مقدم است؟ مثلاً زن استفاده از قرصهای ضد حاملگی، که مطمئن تر است، را پیشنهاد می‌کند. و مرد، که معتقد به ضررهای جانبی قرصهای مذکور است، استفاده از کاندوم را بهتر می‌داند، تکلیف چیست؟

**جواب:** زن مجبور نیست روشی را که مرد می‌گوید بپذیرد. (البته در غیر صورت ضرورت از هیچکدام نباید استفاده کرد).

**سؤال ۹۱۸-** جهت بستن لوله‌های رحم (TL)، هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانمها به هنگام عمل، وجود ندارد، و عمل از طریق شکم صورت می‌گیرد. آیا انجام عمل مذکور توسط پزشک زن جایز است؟ (با توجه به این که لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می‌گیرد).

**جواب:** از نظر لمس و نظر اشکالی ندارد، ولی جهات دیگر را نباید فراموش کرد.

**سؤال ۹۱۹-** خانمی است که به علت دیگری تحت عمل جراحی قرار گرفته، و شکم بیمار باز شده است. با توجه به باز بودن شکم، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا باز مسأله لمس و نظر مطرح می‌شود؟ در صورتی که پزشک مرد مسؤول جراحی مشکل اولیه بیمار باشد چطور؟

**جواب:** لمس و نظر باید به مقدار ضرورت باشد، و بیش از آن مجاز نیست. علاوه بر آن که احراز شرایط فوق و رضایت بیمار و همسرش نیز لازم است.

**سؤال ۹۲۰-** در صورتی که شکم زن بیمار توسط دستیار زن باز شود، با توجه به این که نظر به پوست ظاهر شکم صورت نمی‌گیرد، و بیشتر داخل شکم مشاهده می‌گردد، آیا پزشک مرد می‌تواند با دستکش، به عمل بستن لوله‌ها بپردازد؟

**جواب:** تنها در موارد ضرورت جایز است.

**سؤال ۹۲۱-** «U D I» برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می‌شود. این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود، و غالباً متخصصین زن مبادرت به این کار می‌نمایند؛ ولی زنان کافی در تمام مراکز بهداشتی - درمانی و یا بیمارستانها، برای این کار آموزش داده نشده‌اند. آیا پزشک مرد می‌تواند این کار را انجام دهد؟ در صورتی که این کار توسط پزشک زن صورت گیرد، آیا مشاهده آن توسط دانشجویان پزشکی پسر، به منظور یادگیری، اشکال دارد؟

**جواب:** این کار جز در موارد ضرورت جایز نیست. و اگر ضرورتی باشد، مادام که دسترسی به جنس موافق است، مراجعه به جنس مخالف جایز نیست.

**سؤال ۹۲۲-** در صورت ضرورت کنترل بارداری در زن و شوهر خاصی، و عدم موفقیت آنها در رعایت مناسب سایر روشها، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا از موارد اضطرار است؟  
**جواب:** در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجه مادر باشد مانعی ندارد.

**سؤال ۹۲۳-** جهت بستن لوله های رحمی (TL)، روش «لاپاراسکوپي» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (یعنی با برشهای حدود نیم تا یک سانتیمتری از روی شکم این عمل انجام می‌شود) حکم این روش ذاتاً چیست؟

**جواب:** چنانچه این روش مانند سایر روشها سبب عقیم شدن باشد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت و در صورت عقیم نشدن زن باز در شرایط فعلی اشکال دارد.

**سؤال ۹۲۴-** در سؤال فوق، با توجه به پوشیده بودن بدن بیمار و فرستادن وسایل «لاپاراسکوپي» از منغذهای نیم تا یک سانتیمتری به داخل شکم بیمار، و عدم لزوم لمس و نظر، و با توجه به آماده کردن محیط عمل تا پوشش کامل، توسط خانمها، آیا پزشک مرد می تواند اقدام به این عمل کند؟

**جواب:** اگر لمس و نظر لازم نیاید، از این جهت مشکلی نیست.

**سؤال ۹۲۵-** فتوای مشهور فقها کراهت عزل (جلوگیری از ریختن نطفه در رحم همسر) می باشد، با توجه به این مسأله، به دو پرسش زیر پاسخ دهید:

اولاً: آیا این فتوا شامل سایر راهها و طرق جلوگیری از انعقاد نطفه، که در زمان ما مرسوم است، نیز می شود؟

ثانیاً: آیا در عصر و زمان ما، که ضرورتهای فردی و اجتماعی کنترل جمعیت را اقتضاء می کند، نیز کراهت وجود دارد؟

**جواب:** کراهت شامل تمام اسباب جلوگیری می شود، ولی در شرایط فعلی هیچ ضرورتی برای کنترل جمعیت وجود ندارد.

**سؤال ۹۲۶-** در کل، با توجه به سؤالات مطروحه، در صورتی که حضر تعالی ارشاد و نظر خاصی دارید، لطفاً جهت استفاده پزشکان بیان فرمائید.

**جواب:** توصیه حقیر این است که باید در مسأله کنترل موالید، مانند همه مسائل اجتماعی، از افراط و تفریط پرهیز کرد، و تنها مسائل کوتاه مدت را در نظر نگیرند، و به واقعیتها توجه کنند؛ نه شعارها و در شرایط فعلی که به دلایلی نیاز به افزایش جمعیت داریم، کنترل جمعیت جایز نیست.

### سقط جنین

**سؤال ۹۲۷-** آیا سقط جنین صورت مجازی دارد؟

**جواب:** در صورتی که یقین، یا خوف خطر، یا ضرر مهمی برای مادر داشته باشد، در مراحل اولیه جایز است.

**سؤال ۹۲۸-** سقط جنین کافر و مسلمان چه حکمی دارد؟

**جواب:** واضح است که ساقط کردن جنین مسلمان جایز نیست؛ حتی اگر فرزند نامشروع باشد. و در مورد بچه های کفار نیز ساقط کردن مجاز نیست؛ حتی اگر در مذهب آنها فرزند نامشروع باشد.

**سؤال ۹۲۹-** آیا سقط جنین جایز است، و در صورت جواز دیه دارد؟

**جواب:** در صورتی که از گفته متخصّصین یقین، یا خوف خطر، یا ضرر مهمی حاصل شود اقدام به سقط جنین جایز است؛ (البته مادامی که به صورت انسان کامل در نیامده باشد). و چون احتمال تعلّق دیه می رود، احتیاط آن است که ورثه این کودک دیه را ببخشند.

**سؤال ۹۳۰-** آیا در موارد زیر، قبل از ولوج روح<sup>۱</sup> می توان سقط درمانی انجام داد:

(الف) در بیماریهایی که می دانیم مسلماً جنین پس از تولّد خواهد مرد.

(ب) در بیماریهای ژنتیکی.

(ج) در ناهنجاریهای نوزادان «مثل آنانسفالی».

**جواب:** سقط جنین در این موارد اشکال دارد، به خصوص این که پیش بینی های فوق

جنبه قطعی ندارد؛ ولی پس از ولوج روح جایز نیست.

**سؤال ۹۳۱-** سقط جنین غیر شیعه چگونه است؟

**جواب:** سقط جنین در هیچ مورد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

**سؤال ۹۳۲-** آیا سقط جنین پس از ولوج روح، اگر علم به تلف شدن مادر و جنین باشد،

جایز است؟

**جواب:** در فرض مسأله که اگر مادر به همان حال باقی بماند، هر دو می میرند،

می توان با سقط جنین، جان مادر را نجات داد.

۱. ولوج روح زمانی است که بچه در شکم مادر به حرکت در می آید، که معمولاً در حدود چهار ماهگی است.

**سؤال ۹۳۳-** اگر مادری برای سقط بچه‌اش کاری انجام ندهد، لکن با مراعات نکردن موارد لازم، و تهیته نکردن شرایط حفظ جنین، باعث سقط بچه شود، آیا کار حرامی کرده است؟  
**جواب:** اگر در حفظ جنین مطابق معمول کوتاهی کرده باشد مسؤول است.

**سؤال ۹۳۴-** زنی که در ماه هفتم حاملگی به سر می‌برد، در اثر تصادف نیاز به عمل جراحی فوری پیدا می‌کند، که لازم‌اش بیهوش نمودن اوست؛ ولی در اثر بیهوشی بچه می‌میرد (یقین به فوت بچه داریم) آیا لازم است مادر، جراحی و عمل شود؟  
**جواب:** اگر جان مادر در خطر است و راه منحصر به عمل جراحی و بیهوشی باشد، مانعی ندارد.

**سؤال ۹۳۵-** در فرض بالا، در صورتی که احتمال فوت بچه برود، آیا باز هم جایز است مادر عمل شود؟

**جواب:** با شرایط بالا، این فرض به طریق اولی جایز است.

**سؤال ۹۳۶-** دکترها به مادری دارویی داده‌اند که بخورد تا بچه‌اش سالم بماند و سقط نشود، آیا زن می‌تواند به منظور سقط جنین دارو را استفاده نکند؟  
**جواب:** جایز نیست.

**سؤال ۹۳۷-** زن حامله‌ای مبتلا به سرطان رحم شده، و درمان آن به اشعه درمانی نیاز دارد، و این کار باعث ناقص الخلقه شدن جنین می‌شود. آیا می‌توان قبل از اشعه درمانی، سقط درمانی کرد؟

**جواب:** اگر ناقص الخلقه شدن او قطعی و شدید است، و در مراحل نخستین بارداری و قبل از رسیدن به مرحله جنین کامل باشد، و راه درمان نیز منحصر به این راه گردد، مانعی ندارد.

**سؤال ۹۳۸-** اگر پزشک به طور قطع تشخیص دهد که فرزندان بعدی زن و شوهری، ناقص العضو خواهند شد، لطفاً بفرمایید:

۱. در صورت سؤال والدین، آیا بر طیب واجب است واقعیت را اطلاع دهد؟

**جواب:** واجب نیست، مگر این که در سرنوشت بیمار اثر مهمی داشته باشد.

۲. در صورت عدم پرسش آنان، آیا بر طیب واجب است به آنان بگوید، تا از تولد چنین فرزندی جلوگیری نمایند؟ اگر واجب نیست، آیا گفتنش حرام می‌باشد؟  
**جواب:** در این گونه موارد اگر مسأله مهمی است طیب کتمان نکند.

۳. اگر طیب احتمال دهد که آنان در صورت اطلاع از این مطلب، هر بار که فرزند پیدا کنند اقدام به سقط وی خواهند نمود، در اینجا وظیفه طیب چیست؟  
**جواب:** طیب باید به وظیفه خود عمل کند، و اگر بیمار عمل خلافی انجام دهد او مسؤول نیست؛ البته طیب باید وظیفه خود را در امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد.  
**سؤال ۹۳۹-** خانمی دچار بیماری در ناحیه چشمش شده، و اطباء نظر به عمل جراحی بطور اورژانسی داده‌اند، اما متأسفانه این خانم دارای حمل سه ماهه می‌باشد، که باید اول سقط جنین انجام دهد، و بعد عمل جراحی چشم را به انجام برساند، و اگر چشم خود را عمل نکند نابینا می‌شود، و همچنین ضررهای زیادی نسبت به جنین وارد می‌گردد، در این صورت آیا سقط جنین جایز است؟

**جواب:** در فرض مسأله پایان دادن به بارداری ظاهراً مانعی ندارد.

**سؤال ۹۴۰-** آیا سقط عمدی جنینی که مطمئیم، یا احتمال می‌دهیم، معیوب و نارسا می‌باشد، در هر ماهی از بارداری، اگر دیه لازم هم پرداخت شود، مجاز است؟  
**جواب:** هرگاه جنین در مراحل ابتدایی باشد، و به صورت انسان کامل در نیامده باشد، و باقی ماندن جنین در آن حالت و سپس تولد ناقص آن، باعث عُسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با این شرایط مانعی ندارد. و احتیاطاً باید دیه را بدهند.  
**سؤال ۹۴۱-** اگر طیب تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین در شکم مادر موجب مرگ مادر می‌گردد، لطفاً بفرمایید:

۱. آیا جایز است جنین را در شکم مادر از بین ببرد، تا مادر سالم بماند؟

**جواب:** مانعی ندارد.

۲. آیا می‌توان مادر را به همان حال باقی نهاد، تا بچه سالم بماند و مادر بمیرد؟

**جواب:** جایز نیست.

۳. اگر در باقی گذاردن مادر به همان حال، احتمال مرگ، هم برای مادر و هم برای بچه در کار باشد، تکلیف چیست (یعنی احتمال مرگ و سلامتی برای هر دو مساوی باشد)؟  
**جواب:** باید جان مادر را نجات داد.

**سؤال ۹۴۲-** آیا در موارد زیر می توان سقط جنین کرد؟

الف) مادر بیمار باشد، و ادامه حاملگی (با تشخیص پزشک، و وضعیتی که مادر دارد، و خودش نیز تشخیص داده)، باعث تشدید بیماری و وخامت حال مادر گردد.

ب) بیماری فوق به درجه ای برسد که حیات مادر متوقف بر سقط جنین باشد.

ج) مادر در کمال صحت و سلامتی است، و هیچ گونه خطری او را تهدید نمی کند، و جنین نیز سالم است، ولی دو سر دارد، یا سر جنین به شکل انسان نیست، و اگر با چنین حالتی متولد شود، طبق تشخیص پزشک، ممکن است چند روز پس از تولد از دنیا برود. یا ادامه حیات چنان فرزندى برای خود او، و والدین و جامعه مشکلاتی خواهد داشت.

د) در فروض فوق، حکم مسأله را قبل و بعد از ولوج روح بیان فرمایید.

ه) در هر صورت، آیا مسؤولیتی از نظر شرعی برای پزشک و زوجین وجود دارد؟

و) چنانچه لازم باشد پزشک مرد اقدام به سقط جنین نماید، چه حکمی دارد؟

**جواب:** سقط جنین تنها در صورتی جایز است که جان مادر در خطر باشد. همچنین

اگر بیماری شدیدی مادر را تهدید کند، و جنین هنوز به مرحله دمیدن روح نرسیده باشد. و نیز اگر تشخیص قطعی داده شود که جنین به گونه ای ناقص است که برای پدر و مادر و اطرافیان اسباب عسر و حرج شدید می شود، مشروط بر این که روح در آن دمیده نشده باشد. در این سه صورت، ختم حاملگی جایز است، و اگر راه منحصر به طیب مرد باشد، در این صورت مانعی ندارد. و احتیاط آن است که پدر و مادر، طیب را نسبت به دیه تبرئه کنند.

**سؤال ۹۴۳-** در صورتی که پدر و مادر به اتفاق هم (نعوذ بالله) سبب سقط جنین شوند،

دیه جنین به چه کسی می رسد؟

**جواب:** در صورتی که هر دو سبب شوند دیه به طبقه دوم از ورثه می رسد، و اگر طبقه

دوم موجود نباشد، به طبقه سوم می رسد.

**سؤال ۹۴۴-** در مواردی که پزشک باید سقط جنین کند، دیه لازمه باید توسط چه کسی پرداخت شود؟ اگر پزشک قبلاً شرط کند که دیه بر عهده وی نیست، آیا این شرط جهت رفع دین از وی کافی است؟

**جواب:** احتیاط آن است که طیب با بیمار یا کسان او شرط کند که دیه را خودشان بپردازند، و الا باید خودش (بنابر احتیاط) عهده دار دیه شود، البته به نسبتی که در سقط جنین تأثیر داشته است.

### تلقیح

**مسأله ۹۴۵-** جایز است نطفه مرد را با سرنگ یا وسایل دیگر در رحم همسر او وارد کنند، لکن باید مقدمات آن مشروع و حلال باشد، و از مقدمات حرام پرهیز شود.

**مسأله ۹۴۶-** هرگاه نطفه مرد را در رحم همسرش وارد کنند (خواه با استفاده از مقدمات حلال باشد، یا نعوذ بالله حرام) فرزندی که از او متولد می شود حلال زاده است، و متعلق به آن مرد می باشد، و تمام احکام فرزند (مانند ارث و نفقه و غیر آن) را دارد.

**مسأله ۹۴۷-** جایز نیست نطفه مرد بیگانه را در رحم زنی وارد کنند، خواه با اجازه آن زن باشد یا نه، و خواه شوهر داشته باشد یا نه، و خواه شوهرش اجازه بدهد یا نه. و هرگاه چنین کنند و بچه ای از آن متولد شود، اگر این عمل بطور شبهه انجام شده، مثل این که گمان می کرد زن خود اوست و زن نیز گمان می کرد نطفه شوهر اوست و بعد از آن معلوم شود چنین نبوده، در این صورت بچه متعلق به آن مرد و زن است، و تمام احکام فرزند را دارد؛ اما اگر این کار از روی علم و عمد انجام گیرد، بچه ای که از آن متولد می شود هر چند فرزند آنها حساب می شود، ولی از یکدیگر ارث نمی برند.

**سؤال ۹۴۸-** منی مرد از نظر علمی تا ۷۲ ساعت بعد از مرگ وی دارای حیات کامل است. اگر زوجه درخواست تلقیح مصنوعی از نطفه شوهر متوفای خود نماید، آیا اطباء مجاز به این کار هستند؟

**جواب:** اشکال دارد.



**سؤال ۹۴۹-** رحم بانویی، به هر علت، قادر به نگاهداری جنین نیست و سقط می‌کند. با آمیزش نطفه وی و شوهرش در آزمایشگاه، و انتقال جنین به رحم زن دیگری که شوهر ندارد و به اصطلاح «مادر جانشین» و یا «مادر قائم مقام» نامیده می‌شود بچه رشد نموده، و بموقع متولد می‌شود و برابر قرارداد، مزد معینی به مادر جانشین داده می‌شود، تا کودک تحویل زن و شوهر گردد. آیا این کار جایز می‌باشد؟

**جواب:** این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد؛ ولی با توجه به این‌که مسائل جنبی حرامی، از قبیل لمس و نظر کردن، در آن موجود است، هر گاه به وسیله محرمی مانند شوهر انجام شود، به این صورت که نطفه خود و یکی از دو همسرش را بگیرد و ترکیب نماید و در رحم همسر دیگر (هر چند عقد موقتی با او خوانده باشد) کشت کند، مرتکب حرامی نشده است. در غیر این صورت، برای مجاز بودن این محرمات جنبی باید ضرورتی در کار باشد.

**سؤال ۹۵۰-** در فرض سؤال قبل، اگر این عمل (چه جایز باشد و یا نه، به هر حال) انجام گیرد، با وجود این که این کودک در رحم مادر جانشین بزرگ شده، اما دارای صفات ارثی زن اول می‌باشد. با توجه به آیه دوم سوره مبارکه مجادله، فرزند به کدام یک از این دو زن تعلق دارد؟ و وارث کدام یک از آنهاست؟

**جواب:** این فرزند متعلق به صاحبان نطفه، و با آنها محرم است، و از آنها ارث می‌برد. و در مورد مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی است؛ بلکه از آن، در بعضی جهات اولویت دارد، چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است، بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند؛ اما ارث نمی‌برد.

**سؤال ۹۵۱-** مردی نطفه ندارد، ولی نطفه همسرش سالم است. آیا می‌توان نطفه مرد اجنبی را با نطفه این زن شوهردار مخلوط کرد، و به رحم این زن تزریق نمود؟  
**جواب:** جایز نیست.

**سؤال ۹۵۲-** مرد نطفه ندارد، و از همسرش جدا شده است، اگر این زن به صیغه مردی در آید، و نطفه شوهر جدید و نطفه زن را ترکیب کنند، و زن بعد از پایان صیغه و عده به عقد شوهر اول در آید، و بعداً آن نطفه را به داخل رحم زن تزریق کنند، در این صورت پدر و مادر، ارث و محرمیت به چه صورت است، و حکم شرعی آن چیست؟

**جواب:** اگر ضرورتی ایجاب کند جایز است، ولی فرزند به صاحبان اصلی نطفه تعلق دارد.

**سؤال ۹۵۳-** آیا پیوند تخمدان زن اجنبی به زوجه برای باردار شدن جایز است؟ در

صورت جواز، لطفاً بفرمائید:

(الف) دیه دارد؟

(ب) تخمدان را می توان فروخت؟

(ج) حکم اولاد زوجه چگونه است؟

(د) زن اجنبی حقی مانند مادر بودن پیدا می کند؟

**جواب:** چنانچه ضرورتی برای این کار نباشد از آن صرف نظر کنید، و اگر ضرورتی

وجود دارد، بعد از پیوند این عضو جزء بدن آن زن می شود و فرزند مال خود اوست،

و در فرض فوق دیه ندارد، و خرید و فروش آن جایز است؛ هر چند بهتر است که پول را

در مقابل اجازه برداشتن عضو مزبور بگیرد، نه در مقابل خود آن.

**سؤال ۹۵۴-** بعضی از مؤمنین و مؤمنات، که برای اولاددار شدن به مراکز ناباروری

مراجعه می کنند، از حیث نطفه نقایصی دارند. لطفاً بفرمایید:

(الف) آیا می توان از نطفه هایی که در بانک نطفه نگهداری می شود، در لقاح مصنوعی

با منی خود آنها ممزوج، و شرایط لقاح را فراهم، و با دستگاه در رحم همسران آنها قرار داد؟

(ب) در صورتی که در منی آنها اسپرم و تخمک وجود نداشته باشد، آیا می توان از

اسپرمها و تخمکهای مجهول الهویة موجود در بانک نطفه استفاده کرد؟

(ج) چنانچه در دو فرض فوق فرزندی به وجود آید، متعلق به چه کسی خواهد بود؟

**جواب:** استفاده از نطفة بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست، و تولد فرزند

باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد؛ ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلق

به صاحبان نطفه است، و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می باشد،

بی آن که از او ارث ببرد.

**سؤال ۹۵۵-** آیا مادر جانشین (زن پذیرای جنین) مستحق دریافت نفقه، یا اجرة المثل تا

زمان تولد جنین، می باشد؟ آیا این کار، نوعی اجارة رحم تلقی می گردد، یا مشمول عقد

دیگری است؟

**جواب:** این موضوع تابع قرار داد است، و اگر قرار دادی ندارند و جنبه رایگان نداشته، حق اجرة المثل دارد. و عمل مزبور نوعی اجاره است، نه اجاره اعضاء، بلکه اجیر شدن برای پرورش جنین.

### مسائل دیگر پزشکی

**سؤال ۹۵۶-** دختری از کودکی لباس مردانه می پوشیده، و اکنون که بزرگ شده خود را مرد می داند، و با استفاده از داروهای شیمیایی حالت مردانه در خویش ایجاد کرده، و با مراجعه به پزشک، در خواست تغییر جنسیت نموده است، آیا این کار جایز است؟  
**جواب:** تغییر جنسیت اگر صوری باشد<sup>۱</sup> جایز نیست، و اگر واقعی باشد (این امر در افراد دو جنسی واقع می شود) به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی جایز، و گاه واجب است.

**سؤال ۹۵۷-** اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج قبلی آنها چیست؟

**جواب:** اگر تغییر حقیقی باشد، زوجیت بلافاصله فسخ می شود، و می توانند مجدداً عقد ازدواج در شکل جدید بخوانند.

**سؤال ۹۵۸-** اهداء و انتقال خون از غیر مسلمان به مسلمان، و از مرد به زن، و بالعکس، چه حکمی دارد

**جواب:** اشکالی ندارد؛ مگر این که بیم انتقال بیماری برود.

**سؤال ۹۵۹-** بعضی از خانم های حامله، که می توانند به وضع طبیعی زایمان کنند، اصرار دارند که سزارین شوند تا درد کمتری تحمل کنند، این کار چه حکمی دارد؟  
**جواب:** اگر این کار جنبه عقلانی داشته باشد اشکالی ندارد.

۱. تغییر جنسیت دو صورت دارد، گاه صرفاً ظاهری و صوری است؛ یعنی اثری از آلت جنس مخالف در او نیست، فقط جراحی صوری در او انجام می گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهری می گردد، این کار جایز نمی باشد.

و گاه واقعی است؛ یعنی با جراحی کردن، عضو تناسلی مخالف ظاهر می شود، این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد، مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشد، اما چون این جراحی نیاز به نظر و لمس دارد، تنها در موارد ضرورت مجاز است.

**سؤال ۹۶۰-** شبیه سازی تحت چه شرایطی جایز می‌باشد؟ توضیح این که از طریق موادی از پوست خود زن، باعث ایجاد جنینی در او می‌شوند، که این جنین از هر جهت شبیه به خود او می‌باشد. این کار برای اولین بار در انگلستان نسبت به گوسفند انجام شده است.<sup>۱</sup> آیا این عمل، نسبت به انسان جایز است؟

**جواب:** این عمل از نظر شرع خالی از اشکال نیست، و مفسد زیادی بر آن مترتب می‌شود، به همین جهت حتی افرادی که پایبند به شریعت و دینی نیستند، به خاطر مفسد اجتماعی آن، به مخالفت با آن پرداخته‌اند.

**سؤال ۹۶۱-** آیا محافظت از جنین درون رحم واجب است؟ آیا بر مادر لازم است که تمام شرایط لازم جهت حفظ و سلامتی جنین را فراهم کند؟

**جواب:** تا آنجا که مایه عسر و حرج نشود لازم است.

**سؤال ۹۶۲-** زنان بیماری که از درد شدیداً رنج می‌برند، چنانچه به آنها مسکن‌های قوی تزریق شود، دردشان تسکین خواهد یافت، ولی به احتمال قوی بعداً دچار عوارض جنین و ناراحتیهایی از این قبیل خواهند شد، تکلیف طبیب نسبت به این گونه بیماران چیست؟

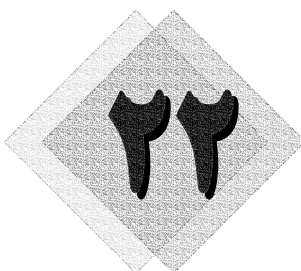
**جواب:** هر گاه ضرری باشد که در برابر تسکین درد شدید در میان عقلاً قابل پذیرش باشد اشکالی ندارد. و اگر ضرر مهمی است، که جان او را به خطر می‌اندازد جایز نیست. و اگر برای خودش ضرر نداشته باشد، بلکه برای جنین ضرر داشته باشد، حکم مسأله نیز همین است.

**سؤال ۹۶۳-** آیا ترمیم پرده بکارت دختران، که بعلى آسیب دیده، جایز می‌باشد؟

**جواب:** در صورتی که ضرورتی ایجاب کند اشکالی ندارد.

\* \* \*

۱. علاقمندان به موضوع فوق، مجله وزین مکتب اسلام، شماره ۵۰، سال ۳۷، مردادماه ۱۳۷۶، را مطالعه فرمایند.



## مسائل متفرقه

### مقدمه

منظور از مسائل متفرقه در این فصل، آن دسته از مسائل فقهی مربوط به بانوان است که خارج از موضوع‌های بیست و یک فصل گذشته است؛ و از سوی دیگر، هر یک از موضوعات آن، بقدری نیست که خود یک فصل جداگانه تشکیل دهد. به این مسائل توجه کنید:

**سؤال ۹۶۴-** شخصی آرایشگاه زنانه دارد، خانمی را آرایش می‌کند، آن خانم با آن وضع خاص در اجتماع رفت و آمد می‌نماید، با توجه به این مطلب، پولی که آرایشگر دریافت می‌کند چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر آرایشگر زن باشد گناهی ندارد، و آنچه را که دریافت می‌کند حلال است؛ لکن آن خانم، که خود را در معرض دید نامحرم قرار می‌دهد، گناهکار است.

**سؤال ۹۶۵-** در مسأله ۱۷۷۴ توضیح المسائل فرموده‌اید: «پدر و فرزند می‌توانند به یکدیگر ربا بدهند». آیا منظور از فرزند تنها پسر است، یا دختر را هم شامل می‌شود؟ آیا این حکم شامل مادر نیز می‌شود؟

**جواب:** فرقی میان پسر و دختر نیست؛ ولی این حکم شامل مادر نمی‌شود.

**سؤال ۹۶۶-** در بعضی از محله‌های شهر ما، زن‌ها یا دختر خانمها در داخل کوچه (که

محل عبور و مرور مردم است) می نشینند و با هم صحبت می کنند، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورتی که حجاب شرعی را مراعات نمایند و مزاحمت ایجاد نکنند، حرام نیست؛ ولی بهتر است این کار را ترک کنند.

**سؤال ۹۶۷-** دوختن لباس زنانه توسط خیاط مرد، چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورتی که مستلزم تماس بدنی و محرّمات دیگر نشود اشکالی ندارد.

**سؤال ۹۶۸-** دوختن لباس مردانه توسط خیاط زن نامحرم، چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد، ولی اندازه گیری ها توسط جنس موافق انجام شود.

**سؤال ۹۶۹-** آیا برای خانمها جایز است که عطر بزنند و از منزل خارج شوند؟

**جواب:** در روایات متعددی از این کار نهی شده<sup>۱</sup> و ظاهر بعضی از آنها حرمت است.

**سؤال ۹۷۰-** معمول است که بعضی از خانمها هنگام رفتن به مجالس عروسی و جشن،

علاوه بر زینتهای نامرئی، خود را معطر می کنند، با توجه به این که معطر بودن خود نوعی زینت و آرایش محسوب می شود، و معمولاً بوی آن را مرد نامحرم در بین راه احساس می کند، این کار چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکال دارد، و در حدیث آمده که تا به منزل برگردد مورد لعن ملائکه است.<sup>۲</sup>

**مسأله ۹۷۱-** نذر زن اگر مزاحم حقوق شوهر باشد، بی اجازه او باطل است. و اگر مزاحم

نباشد، احتیاط مستحب آن است که با اجازه او باشد.

**مسأله ۹۷۲-** اگر زن در جایی که احتیاج به اجازه شوهر دارد با اجازه او نذر کند، شوهر

بنابر احتیاط واجب نمی تواند نذر او را به هم بزند، یا از عمل کردن به نذر او جلوگیری نماید.

**مسأله ۹۷۳-** هر گاه شوهر از قسم خوردن زن مانع شود قسم او صحیح نیست، حتی

اگر زن بدون اجازه شوهر قسم یاد کند قسم او صحیح نمی باشد.

۱. به وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، باب ۸۰، صفحه ۱۱۳، مراجعه کنید.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴، ح ۴.

**سؤال ۹۷۴ -** آیا هبه<sup>۱</sup> به زوجه، قابل بازگشت است؟

**جواب :** هبه<sup>۱</sup> به زوجه قابل بازگشت است؛ مگر این که زوجه از خویشاوندان نسبی باشد.

**سؤال ۹۷۵ -** آیا زن حق دارد در رفتن به کشورهای غیر اسلامی با شوهرش مخالفت کند؟

**جواب :** اگر رفتن به آنجا، به دین و اعتقاد و اخلاقش ضرر می‌زند، مخالفت او جایز است.

**سؤال ۹۷۶ -** پدرم با شوهرم اختلاف پیدا کرده، و بدین جهت از من نیز ناراحت شده، و گفته: «حق نداری به خانه من بیایی!» تکلیف من چیست؟ آیا می‌توانم بدون رضایت پدر، جهت دیدار با مادر و برادران و خواهرانم به خانه او بروم؟

**جواب :** آنها می‌توانند به دیدار شما بیایند، یا در محلّ دیگری ملاقات کنید؛ ولی در خانه ملکی پدر بدون اجازه او نمی‌توان رفت.

**سؤال ۹۷۷ -** در بعضی از شهرها، مجالس زنانه به عنوان «ختم انعام» برقرار می‌گردد، در این رابطه جزواتی نیز منتشر شده، و در وسط آیه‌های سوره انعام اذکاری نیز خوانده می‌شود، همچنین یازده مرثیه می‌خوانند. این کار چه حکمی دارد؟

**جواب :** درباره ختم انعام به صورتی که معمول است روایت مستندی نیافتیم؛ هر چند در بعضی کتابها، اشاره‌ای به آن دیده می‌شود؛<sup>۱</sup> ولی جای شک نیست که تلاوت این سوره مبارکه و عمل به آن، می‌تواند باعث حلّ مشکلات گردد. و شایسته است به هنگام تلاوت سوره مطلقاً چیزی به آن نیفزایند، و هنگامی که تلاوت سوره تمام شد به سراغ دعاها و مرثیه‌ها بروند.

**سؤال ۹۷۸ -** رانندگی اتومبیل برای زنان چه حکمی دارد؟

**جواب :** با حفظ حجاب اسلامی و جهات شرعی دیگر، مانعی ندارد.

۱. مرحوم علامه مجلسی درباره فضیلت ختم سوره انعام، در بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۳۴۱، حدیث ۵۴، باب اعمال الاسبوع و ادعیتها و صلواتها، روایتی نقل کرده است.

**سؤال ۹۷۹ -** آیا بانوان می‌توانند آموزش فنون نظامی ببینند؟

**جواب:** اگر مستلزم گناهی نباشد اشکالی ندارد.

**سؤال ۹۸۰ -** حکم دوچرخه سواری و موتور سواری خواهران با مانتو در سطح شهر، با

توجه به آثار و تبعات سوء اجتماعی و اخلاقی آن، چیست؟

**جواب:** با توجه به پیامدهای سوئی که این گونه امور دارد، لازم است از آن پرهیز

شود. و به وسوسه‌هایی که این و آن می‌کنند توجه نکنند.

**سؤال ۹۸۱ -** آیا زوجه را می‌توان به علت عدم تمکین در امور زوجیت تعزیر نمود؟

**جواب:** تعزیر به دست حاکم شرع است، که پس از شکایت زوج مبنی بر عدم تمکین

زوجه و ثبوت آن انجام می‌گیرد. زوجه نیز می‌تواند به حاکم شرع شکایت کرده، و برای

زوج در برابر خلافکاریهایش تقاضای مجازات کند.

**سؤال ۹۸۲ -** زنی با آرایش زننده و حالت بدحجابی در معابر عمومی ظاهر شده، و بدین

جهت او را دستگیر کرده‌اند. آیا می‌توان به عنوان تعزیر سر او را تراشید؟

**جواب:** تراشیدن سر مطلقاً جزء تعزیرات نیست و باید راه دیگری را برای تعزیر،

مانند جریمه نقدی یا زندان یا مجازات بدنی، انتخاب کرد؛ ولی گاه در زندانها برای

ملاحظه مسائل امتیسی سر متهمین را می‌تراشند، و این مربوط به عناوین ثانویه است.

**سؤال ۹۸۳ -** با توجه به این که زنان طبیعتاً احساساتی‌ترند، و زودتر تحت تأثیر

وسوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرند، آیا کیفر خطاهایشان با مردان تفاوت می‌کند؟

**جواب:** در مسائل تعزیرات مسؤلیت هر کس در برابر اعمالش رابطه‌ای با میزان

تأثیر پذیری از عوامل مختلف و میزان جرم او دارد.

**سؤال ۹۸۴ -** شنیده‌ایم که زن در خصوص قتل عمد شوهر خود و بالعکس حق

درخواست قصاص ندارد، آیا این مطلب در مورد مادر مقتول و سایر ورثه مؤنث مقتول، به

صرف مؤنث بودن صدق می‌کند؟

**جواب:** این حکم در مورد زوجه است، و شامل سایر زنان خویشاوند نمی‌شود.

**سؤال ۹۸۵ -** در بحث قسامه، آیا زن می‌تواند به تنهایی مدعی قتل عمد باشد و اقامه

قسامه نماید؟



**جواب:** زن می تواند مدعی باشد؛ ولی قسامه را باید از مردان انتخاب کنند.  
**سؤال ۹۸۶-** اگر دیه زن به ثلث دیه کامله نرسد، اما مجموع دیه و ارش او به ثلث برسد، آیا باز هم حاصل جمع دیه و ارش او نصف می شود؟ یا این که تنصیف تنها در صورتی است که دیه او به ثلث دیه کامله برسد؟

**جواب:** تفاوتی بین دیه و ارش در این مسأله نیست، و محاسبه مجموع در صورتی صحیح است که هر دو مربوط به یک جنایت باشد.

**سؤال ۹۸۷-** متأسفانه شوهرم به کوچکترین بهانه ای مرا به باد کتک و ناسزا می گیرد، به گونه ای که گویا این کار را نشانه مردانگی می داند! در بیشتر اوقات بر اثر این کتکها، بدنم کبود، یا قرمز، یا سیاه می گردد، و آثار آن تا چند روز باقی می ماند و گاهی هم بدنم زخم می شود. لطفاً بفرمائید:

(الف) آیا این کارها از نظر شرعی جایز است؟

(ب) آیا دیه ای به اینجناب تعلق می گیرد؟

**جواب:** متأسفانه عده ای از شوهرها گرفتار این گناه بزرگ و ظلم عظیم هستند، و باید هر چه زودتر، انشاء الله، خود را اصلاح کنند، و این کار، علاوه بر این که گناه بزرگی محسوب می شود، دیه هم دارد، و گاه دیه آن سنگین است.

**سؤال ۹۸۸-** چرا در اسلام دیه زنها نصف دیه مردان می باشد؟

**جواب:** خون زن و مرد مؤمن هر دو محترم است؛ ولی با توجه به این که دیه جبران خسارت مادی است، و پرواضح است که خسارت حاصله از فقدان مردان در خانواده غالباً بیشتر از خسارت حاصله از فقدان زنان است، شارع مقدس دیه مردان را دو برابر قرار داده است.<sup>۱</sup>

**سؤال ۹۸۹-** زن یا دختری (نعوذ بالله) به میل خود مرتکب عمل منافی عفت می گردد، و عمل زشت او در ملاء عام افشا می شود، سپس به خاطر عمل ننگین خود، دست به خودکشی می زند. آیا دیه این زن، یا دختر، بر عهده زانی است؟

۱. شرح بیشتر این مطلب را در تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۶۱۱، مطالعه فرمائید.

**جواب:** زانی مرتکب گناه بسیار بزرگی شده است؛ ولی دیه بر عهده او نیست.

**سؤال ۹۹۰-** برخی از معلمان زن در ساعت کار و تدریس، به فعالیت‌های جنبی دیگری، مثل بافتنی و خواندن روزنامه و مانند آن - که مربوط به تدریس نیست - می‌پردازند، این امور در ساعت رسمی کار چه حکمی دارد؟

**جواب:** جایز نیست.

**سؤال ۹۹۱-** آیا از حدیث «خیر للنساء ان لایرین الرجال و لایراهن الرجال»<sup>۱</sup> که از حضرت فاطمه زهراء، سلام الله علیها، روایت شده، استحباب پوشانیدن چهره و عدم ورود در مسائل اجتماعی، به جزء مواردی که با اذن ولی فقیه زمان باشد، استفاده نمی‌شود؟

**جواب:** هنگامی که ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی ایجاب کند، زنان می‌توانند با حفظ جهات عفت، وارد این صحنه‌ها شوند؛ همانگونه که از آن بانوی بزرگوار نیز نقل شده است و از روایت مذکور استحباب پوشانیدن چهره استفاده می‌شود؛ ولی سند روایت مشکل دارد.

**سؤال ۹۹۲-** آیا در صورت بی‌حجابی ارحام و خویشاوندان، و عدم وجود شرایط نهی از منکر، باز هم صلۀ رحم واجب است؟

**جواب:** در صورتی که سبب امضاء اعمال آنها نشود، باید صلۀ رحم<sup>۲</sup> را به جا آورد؛ و تا آنجا که ممکن است با زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر کرد.

**سؤال ۹۹۳-** کنوانسیون «محو کلیۀ أشكال تبعیض علیه زنان» بزودی جهت بررسی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار خواهد گرفت، از آنجا که این معاهده بین المللی مشتمل بر موادی است که از نظر فقهی مورد سؤال واقع شده، نظر مبارک خود را نسبت به موارد زیر بیان فرمائید:

۱. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۵۴.

۲. صلۀ رحم یعنی پیوند با خویشاوندان، گاه با دیدار آنها حاصل می‌شود، و گاه با نامه، یا تلفن، یا دعوت از آنان، یا طرق دیگر، تحقق می‌یابد. و خویشاوندان خیلی دور را شامل نمی‌شود. و مادام که محذور و مانع شرعی و عرفی در کار نباشد، نباید قطع گردد.

الف) بر اساس مادهٔ اوّل این معاهده، باید هر گونه تمایز، استثناء و یا محدودیت بر اساس جنسیت، در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، و یا هر زمینه دیگر لغو گردد.

با توجه به این ماده، تفاوت زن و مرد در مواردی همچون میزان پوشش واجب بدن، نظر و لمس بدن جنس مخالف، دیه، قصاص، شهادت، ارث، طلاق، تعدّد همسران، امامت جماعت، لزوم تمکین جنسی، ولایت بر فرزندان، سرپرستی خانواده، حقّ حضانت، عیوب موجب فسخ نکاح، نشوز، لزوم سپری شدن عده برای ازدواج بعدی، مرجعیت و قضاوت، تبعیض تلقی می‌گردد، و باید از میان برداشته شود! آیا تساوی زن و مرد در موارد مذکور، با احکام شرع مطابقت دارد؟

جواب: بی شک مساوات کامل، نه تنها مخالف ضرورت فقه شیعه، بلکه مخالف ضرورت اسلام، و بر خلاف نصّ صریح قرآن و روایات متواتره است، و هیچ یک از علماء اسلام، نه در گذشته و نه در حال، اعتقاد به چنین مساواتی نداشته‌اند.

اصولاً باید این معنی برای مجامع جهانی تبیین گردد که: «ملتها نمی‌توانند با فرهنگ و مذهب خود وداع کنند، و چشم و گوش بسته تسلیم مقرراتی شوند که نه در تصویب آن حضور داشته‌اند و نه از نظر وجدان و منطق قطعیت دارد».

البته ممکن است در بعضی از موارد جزئی، گفتگویی در میان علمای اسلام باشد، اما مساوات کامل، به صورتی که گفته شد، هیچ موافقی ندارد.

ب) با توجه به این که مادهٔ نهم و بند چهارم از مادهٔ پانزدهم در مورد کسب، تردّد، تغییر و یا حفظ تابعیت خود و فرزندان، زن و مرد را مساوی می‌داند، آیا زن می‌تواند بدون موافقت همسرش به تابعیت هر کشوری در آید، و یا در هر شهری سکنی گزیند؟

جواب: این، یکی از مواردی است که در بالا به آن اشاره شد، و با احکام و فرهنگ اسلامی سازگار نیست. به علاوه، بدون شک سرچشمهٔ مفاسد زیادی در جوامع انسانی می‌شود، که نمونه‌های آن را در همان کشورهای صنعتی مشاهده می‌کنیم. آمارها در مورد متلاشی شدن خانواده‌ها شاهد گویایی بر این مطلب است.

آری اگر زن تابعیت کشور مورد نظرش را بپذیرد، ولی عملاً محل سکونت را با رضایت زوج انتخاب کند اشکالی ندارد.

**سؤال ۹۹۴-** آرایش برای خانمها در ماههای مبارک رمضان، محرم و صفر و روزهای شهادت و وفات معصومین علیهم السلام چه حکمی دارد؟

**جواب:** حرام نیست؛ ولی سزاوار است در ایام وفات رعایت احترام را بنمایند.

**سؤال ۹۹۵-** مرسوم است که خانمها در دو ماه عزاداری سرور و سالار شهیدان، ماه محرم و صفر، صورت خود را اصلاح نمیکنند، آیا این کار شرعاً ایراد دارد؟

**جواب:** این کار اشکالی ندارد، ولی اصلاح کردن هم مانعی ندارد، البته سزاوار است در روزهای قتل از این کار پرهیز کنند.

**سؤال ۹۹۶-** برخی از زنان و دختران اعتقاد زیادی به انواع فال، از جمله فال قهوه و نیز کف بینی و طالع بینی دارند، به گونه‌ای که گاه مسیر زندگی خود را بر اساس آن پی‌ریزی می‌کنند! این کار برای این خانمها و انجام دهندگان آن چه حکمی دارد؟

**جواب:** فال قهوه و امثال آن از خرافات است، و سزاوار نیست که هیچ کس به سراغ آن برود.

**سؤال ۹۹۷-** متأسفانه کم نیستند زنانی که به کوچکترین بهانه‌ای با دیگران قهر کرده، و گاه سالها آن را ادامه می‌دهند، و حاضر به آشتی نیستند، و افعال ناپسند آنها در پاره‌ای از اوقات بر روابط شوهر و فرزندان، بلکه کل فامیل، اثر نامطلوب می‌گذارد، کار این گروه از زنان چه حکمی دارد؟

**جواب:** قهر کردن بطور کلی از نظر اسلام کار بسیار نامطلوبی است؛ مخصوصاً اگر برای بهانه‌های کوچکی باشد. و در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «اگر دو نفر مسلمان از هم قهر کنند، و سه روز به طول بیانجامد، و با هم آشتی نکنند، از اسلام خارج می‌شوند... و هر کدام پیشقدم در آشتی شود، در روز قیامت زودتر از دیگری وارد بهشت می‌شود!»<sup>۱</sup>

۱. وسائل الشیعه، جلد ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۴۴. روایات تکان دهنده دیگری نیز در این باب آمده است.

**سؤال ۹۹۸-** بلند کردن ناخن برای خانمها چه حکمی دارد؟ اگر بیش از حد متعارف بلند باشد، به گونه‌ای که زحمت زیادی برای محافظت از آن لازم باشد چطور؟  
**جواب:** بلند کردن ناخن در حد معقول اشکالی ندارد.

**سؤال ۹۹۹-** نظر شما در مورد ورزش بانوان چیست؟ کدام یک از رشته‌های ورزشی را، در تحت چه شرایطی، برای خانمها مجاز می‌دانید؟

**جواب:** ورزش برای همه، و از جمله بانوان، کار خوبی است و مایه سلامت جسم و جان است؛ ولی خانمها باید در ورزشگاههای مخصوص خود به ورزش پردازند؛ آن هم ورزشهایی که در آن بیم خطری برای آنها نباشد.

**سؤال ۱۰۰۰-** گاهی از اوقات به هنگام پختن غذاهای گوشتی، علی‌رغم دقت زیادی که در شستشوی گوشت آن می‌نمایم، لکه‌هایی از خون بر روی گوشت ملاحظه می‌کنم، لطفاً بفرمائید:

**الف)** آیا این خونها نجس، و خوردن چنین غذایی حرام است؟  
**ب)** در صورتی که جواب مثبت است، آیا لازم است این موضوع را به شوهر و فرزندان و احیاناً میهمانها، اطلاع دهم، یا همین که خودم اجتناب کنم کافی است؟  
**جواب:** این خونها نجس نیست، و اگر جدا کردن آن از گوشت زحمت و مشقت دارد، یا به هنگام پخته شدن مستهلک می‌شود، خوردن آن نیز مانعی ندارد.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پایان

## آدرس و شماره تلفن دفاتر حضرت آية الله العظمى مكارم شیرازی جهت پاسخگویی به مسائل شرعی

قم: ابتدای خیابان شهدا تلفن: ۷۸۴۰۰۰۱ (خط ۷) دورنگار: ۷۷۴۹۱۸۴

تهران:

\* میدان شهدا، خیابان مجاهدین اسلام، نبش کوچه شهید کاظمی، پلاک ۳، طبقه اول،  
تلفن ویژه: ۷۳۰۴۰ (خط ۳۰) دورنگار: ۷۷۶۵۳۲۵۴

\* خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای بزرگراه شهید محلاتی، ضلع جنوبی، پلاک ۳۰۴  
تلفن: ۶۹-۳۳۰۲۶۰۶۶ دورنگار: ۳۳۰۲۶۰۷۰

\* خیابان پاسداران، بالاتر از سه راه ضرابخانه، نبش دشتستان ۶، ساختمان آفتاب، پلاک ۱۵۰، طبقه  
همکف، واحد ۱ تلفن ویژه: ۲۳۰۴۰ (خط ۳۰) دورنگار: ۲۲۸۶۳۴۸۷

شیراز: خیابان قائنی کهنه، کوی ۱۶ تلفن: ۲۳۰۳۱۲۱ (خط ۶) دورنگار: ۲۳۰۷۴۲۱

مشهد: چهارراه شهدا، خیابان آزادی، آزادی ۶ تلفن: ۲۲۲۷۸۷۹، ۲۲۵۶۱۶۸، ۲۲۴۱۴۵۱ دورنگار: ۲۲۵۴۹۷۰

اصفهان: حد فاصل بیمارستان امیرالمؤمنین و چهارراه شکرشکن، خیابان احمدآباد، خیابان شهید توانا، پلاک  
۱۰۵ تلفن: ۲۲۵۳۶۰۰ (پنج خط)، دورنگار: ۲۲۶۵۲۲۶

تبریز: خیابان شهید مطهری (راسته کوچه)، نبش ۱۲ متری مسجد جامع، پلاک ۲۱ تلفن: ۵۲۵۹۲۴۴،  
۵۲۵۹۲۴۵ دورنگار: ۵۲۴۶۵۹۴

گرج: بلوار امامزاده حسن، بین گلستان سوم و چهارم، تلفن: ۲۲۳۱۰۳۳، ۲۲۴۳۹۳۸ دورنگار: ۲۲۳۱۰۳۴

اراک: خیابان شیخ فضل الله نوری، روبروی پارک شهر، نبش کوچه ملت ۲، تلفن: ۱۱-۲۲۱۳۱۱۰، ۲۲۲۴۴۱۵  
دورنگار: ۲۲۱۳۱۳۵

بابل: خیابان آیت الله روحانی، کوچه هادی ۹ (مقابل امامزاده قاسم) پلاک ۲۰، تلفن: ۲-۲۲۰۶۰۶۱، ۲۲۰۲۳۰۸  
دورنگار: ۲۲۹۱۹۷۷

اهواز: خیابان نادری، روبروی ترمینال باهنر، خیابان شهید کرمی خراط (احمدی)، پلاک ۱۴، تلفن: ۲۹۲۳۳۳۰،  
۲۹۲۳۳۲۰ دورنگار: ۲۹۲۳۳۱۰

نیشابور: چهارراه انقلاب، خیابان فردوسی شمالی، کوچه شماره ۱، پلاک ۵۷ و ۵۹، تلفن: ۲۲۲۹۸۱۳  
دورنگار: ۲۲۴۴۸۰۳

رشت: خیابان مطهری، جنب مؤسسه مالی اعتباری قوامین، کوچه مطهر، پلاک ۲ تلفن: ۳۴-۷۳۲۱۰۷۳۳  
دورنگار: ۳۲۲۶۷۲۲

یزد: خیابان امام خمینی، مقابل شاهزاده فاضل، داخل کوچه ۲۱ تلفن: ۹-۶۲۲۶۶۶۸ دورنگار: ۶۲۶۰۱۴۷

سahانه پیام کوتاه جهت پاسخگویی به سوالات شرعی: ۱۰۰۰۰۱۰۰

www. makarem.ir

E-mail: makarem@makarem.ir